

تربیت دینی

مجموعه چند کتاب در تربیت دینی



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد
مصطفی و آل طاهرینش

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ
إِنَّ ذَالِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ
(لقمان ایه 17)

پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر
مصایبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است
مهم ترین وظیفه والدین، تربیت درست فرزندان است. و چنانچه در این
امر موفق شوند هم به پیشرفت جامعه کمک کرده اند هم تمامی کارهای
خوب فرزندان در کارنامه والدین هم ثبت میشود.

برای تربیت اسلام برنامه جامع و کاملی دارد که در آیات و روایات و کتب دانشمندان آمده است.

مشکل اکثر والدین این است که بدون آموزش و بدون مطالعه و دیمی فرزندان را تربیت می کنند. لذا گاه فرزندان خوبی تربیت نمیشوند.

ولی انهایی که با آموزش و تخصص فرزندان را تربیت می کنند معمولا نتایج عالی می گیرند.

ما در این مجموعه تلاش کرده ایم مسائل مختلف تربیت دینی را بیاوریم انشالله خانواده ها استفاده کنند و در تربیت فرزندان شان موفق بوده باشند.

تابستان 1404. کرمانشاه

اصول تربیت کودک از دیدگاه اسلام

از تولد تا 12 سالگی



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين
محمد (ص) و اهل بيته الطاهرين

مهم ترین هدف خلقت انسان، تربیت اوست. اینکه انسان در مسیر الهی تربیت شود تا به کمال برسد.

لذا در سوره شمس خداوند حکیم 11 بار قسم خورده تا به ما بگوید که: من شما را آدم افریدم. آدم زندگی کن و آدم بمیر.

در تربیت انسان عوامل مختلفی تاثیر گذار هستند. تغذیه. پدر و مادر. برادر و خواهر و اقوام.. معلم. رفیق. رسانه ها، محیط و در نهایت تصمیم خود انسان که سعادت را برگزیند یا شقاوت را.

مراحل تربیت مستقیم انسان یکی از انعقاد نطفه تا زمان وضع حمل. دوم دوران شیرخوارگی. سوم دوران کودکی تا زمان نوجوانی. چهارم از نوجوانی تا جوانی است.

البته تربیت غیر مستقیم از زمان ولادت تا هنگام مرگ ادامه می یابد.

. قابل توجه است که به نظر بعضی از اساتید، کودکی از تولد تا سن

دوازده سالگی است. نوجوانی از دوازده سالگی تا بیست سالگی. جوانی از

بیست سالگی تا سی و پنج سالگی. میانسالی از سی و پنج سالگی تا

پنجاه سالگی و بزرگسالی از پنجاه تا هشتاد سالگی و کهنسالی از هشتاد تا هنگام رحلت است.

انشالله مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

زمستان 1400. کرمانشاه

اصول تربیت کودک

اصل اول: ازدواج با مومن صالح

اولین اصل برای تربیت کودک به ازدواج بر می گردد که با چه کسی
ازدواج کنیم؟ آیا ازادیم با هرکسی خواستیم ازدواج کنیم؟ خیر ازاد
نیستیم بلکه باید با کسی که شرایط یک همسر خوب را دارد ازدواج
نماییم.

با شخصی ازدواج کنیم که مومن باشد. باتقوا باشد. پاکدامن
باشد. نمازخوان باشد. با حجاب باشد.

دختری گفت برایم خواستگار آمد. از او پرسیدم نماز میخونی؟ گفت من با
خدا لج کردم!..

پسری می گفت با دختری دانشجو ازدواج کرده ام که حجابش را رعایت
نمی کند حالا نمی دانم چکار کنم؟

علی علیه السلام به برادرش عقیل فرمود: برایم همسری از قبیله
شجاع پیدا کن تا فرزندی شجاع برایم بدنیا بیاورد. وعقیل هم ام البنین
را برای امیرالمومنین(ع) خواستگاری نمود و عباس قهرمان بدنیا آمد..
الان اکثر جوانها برای ازدواج دنبال زیبایی و ثروت هستند..

از دامن زن بی حجاب و بی قید به دین فرزند خوب تربیت
نمی‌شود.... دختری که دوست پسر دارد و روابط نامشروع دارد ولو موقع
ازدواج پول خرج کند و جراحی کند و دوباره دختر! شود ولی به درد مادر
بودن نمی‌خورد!

کسی که میخواهد مادر کودک شود هرکسی نمی‌تواند باشد. زیرا مادر در
سعادت و یا شقاوت فرزندانش نقش بسیار مهمی دارد و مادر است که می
تواند انسان سازی کند و با انجام وظایفی که بعده دارد فرزندانش را
سعادت‌مند کند و بهشت را برای خود و فرزندانش بخرد.

اکثر کسانی که به درجات بالای معنوی رسیدند از تاثیر مادر بر روی
خود می‌گویند و اینکه مادرشان زن پاکدامن و مومنی بوده و اگر آنها
بجایی رسیده‌اند از برکت نفس پاک مادر بوده است

نقش مادر در سعادت و شقاوت فرزندان

بهشت زیر پای مادران است

ابتدا درباره این حدیث نبوی توضیح مختصری می‌دهیم.

یکی از مهم ترین سخنان پیامبر اعظم، درباره جایگاه مادر است که

فرمود بهشت زیر پای مادر است.^۱

در توضیح این حدیث شریف نبوی می‌گوییم که یعنی مادر مسئولیت

بسیار مهمی را در تربیت فرزندان خوب بعهدہ دارد که مادر اگر به

وظیفه خود بخوبی عمل کند هم خود بهشتی است و هم فرزندان

بهشتی خواهند بود.

در قرآن کریم در سوره اعراف هم به این وظیفه اشاره شده است انجایی

که می‌فرماید:

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ وَالدَّيُّ الْخَبِيثُ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا^۲

یعنی سرزمین پاک و خیلی خوب، محصول خیلی خوب و پاک بیرون می

دهد ولی سرزمین بد و نامناسب، محصول بد می‌دهد.

^۱ "الجنة تحت اقدام الأمهات- كنز العمال، ج 16، ص 461، ح 45439؛ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180
^۲ اعراف 58

مادر خوب، فرزند خوب تربیت می کند و مادر بد، محصول بد می دهد.

در روایت دیگری است که از زمانی که فرزند در شکم مادر است او را

تربیت کنید. سوال شد چگونه؟ فرمود با دادن غذای حلال به مادر.

امام خمینی فرمود: "در دامن زن، مرد به معراج می رود" یعنی اگر زن

(مادر) اخلاق نیکو داشته، فرزند را درست تربیت کند، عاقبت فرزند،

بهشت و خوشبختی است. از این رو رَحِم (زهدان) پاک است که

فرزندانی بهشتی تربیت می کند.

اینکه وقتی امام هادی (ع) می خواهد برای فرزندش امام حسن عسکری

(ع) همسر بگیرد منتظر می ماند تا نرجس خاتون از روم بیاید و او همسر

امام عسکری (ع) بشود زیرا فقط رحم مطهر نرجس خاتون قابلیت و

شایستگی نگه داری مهدی ال محمد را دارد.

فقط خدیجه کبری است که می تواند فاطمه زهرا بزاید. فقط نجمه خاتون

است که می تواند امام رضا (ع) و فاطمه معصومه متولد کند.

در جنگ جمل وقتی امام علی (ع) به محمد بن حنفیه گفت برو به دشمن

حمله کن. محمد ماند. امام گفت چرا جلو نمی روی؟ محمد گفت صبر می

کنم تا تیرها کم شود بعد حمله می کن. امام مشتی بر سینه او زد و فرمود

رگی از مادرت در تو است!

بعد به حسنین فرود شما حمله کنید. حسنین حمل کردند و به قلب لشکر

دشمن زدند و پاهای شتر عایشه را قطع کردند و دشمن شکست خورد.

اری مادر اگر ترسو باشد فرزند هم طبق علم ژنتیک ترسو خواهد بود و

اگر مادر شجاع باشد فرزند هم شجاع خواهد بود. همچنان که وقتی بعد

از شهادت فاطمه زهراء س، امام علی خواستند ازدواج کنند به عقیل

فرمودند زنی از قبیله شجاع برای ما سراغ بگیر. عقیل هم فاطمه کلایه

یعنی همان ام البنین را برای حضرت علی (ع) در نظر گرفت که با

ازدواج امام با ام البنین، خداوند چهار فرزند شجاع در راسشان قمر منیر

بنی هاشم ابوالفضل عباس را به حضرت عنایت کرد.

مادر پاکدامن، فرزندش پاکدامن است ولی مادر الوده، فرزندش الوده

خواهد بود. اون خانمی که حجابش را رعایت نمی کند. با نامحرم شوخی

می نماید. حیا ندارد. چگونه انتظار دارد فرزندش با حیا و عفیف باشد؟

اگر حضرت مریم مظهر عفاف و عبادت نبود نمی توانست مادر عیسی

مسیح باشد.

مادر جایگاه بسیار مهمی دارد و باید به این جایگاهش توجه داشته باشد.

به مادر شیخ انصاری^۳ گفتند فرزندات به مرجعیت رسیده است. گفت اگر

پیامبر هم می شد تعجب نمی کردم چون برایش خیلی زحمت کشیدم و

هیچگاه بدون وضو او را شیر ندادم.

اگر مادر ناصالح باشد اثر بسیار منفی زیادی روی فرزند می گذارد. و گاه

سعادت او را به خطر می اندازد.

سید هاشم حداد از شاگردان مرحوم قاضی می گوید:

مادرم از زنان مومنی بود که به خواندن زیارت عاشورا در هر روز

مداومت داشت، طوری که بعد از نماز صبح مشغول تعقیبات نماز و از

جمله زیارت عاشورای کامل می شد. او در حالی که برای فرزندانش

صبحانه آماده می کرد زیارت را می خواند و انوار و برکات این زیارت

مادر شیخ انصاری، دختر شیخ یعقوب فرزند شیخ احمد بن شیخ شمس الدین انصاری است. وی از زنان پرهیزکار عصر خود و از زنان متعبد بود و نوافل شب را تا هنگام مرگ ترک نکرده و چون اواخر عمر نابینا شده بود شیخ مقدمات تهجد وی را فراهم می کرد حتی آب وضویش را در موقع احتیاج گرم می کرد این بانوی مکرمه به سال 1279 ق در نجف اشرف از دنیا رفت و شیخ در غم فقدان مادر بسیار متأثر و غمناک شد و³ گریه کرد

عظیم در غذایی که فرزندان از آن می خوردند، جاری می شد و در رگ
هایشان جریان می یافت.^۴

از مادر مرحوم مقدّس اردبیلی ، سبب مقام ارجمند فرزندش را سوال
کردند ،

ایشان فرمودند :

من هرگز لقمه شبهه ناک نخوردم. 

قبل از شیر دادن به او ، وضو می گرفتم. 

ابداً چشم به نامحرم نینداختم. 

در تربیت کودک بعد از شیر باز گرفتن ، کوشیدم. 

نظافت و طهارت او را مراعات داشتم. 

و با بچه های خوب ، او را می نشاندم. 

نتیجه این بخش این شد که مادر خوب فرزندش خوب خواهد شد الا در مواردی استثناء. و مادر بد فرزندش بد خواهد شد الا در مواردی استثناء. طبق قانون وراثت، صفات پدر و مادر به فرزند منتقل می شود و جنین در رحم با روحیات مادر پرورش می یابد. اگر مادر از تقوا، عاطفه و محبت برخوردار باشد، فرزند نیز با این صفات نیک بزرگ می شود.

اصل دوم تربیت کودک:

انعقاد نطفه در مکان و زمان مناسب.....

اسلام درباره اینکه نطفه کودک منعقد شود توصیه های بسیار مهم و حیاتی دارد که البته اکثر مردم اطلاعی از این توصیه ها ندارند درحالی که رعایت اینها جلو مشکلات کودکان را می گیرد و عدم رعایت اینها مشکلات بزرگی بوجود می آورد.

رعایت نکردن دستورات اسلام درباره زمانها و مکانهای مکروه درموقع بسته شدن نطفه گاهی باعث تولد فرزندی که جسم ویا روح معیوب دارند میشود.

در مکارم الاخلاق طبرسی وبحار این چنین آمده که : رسول خدا به علی فرمود:

یا علی! به هنگام آمیزش سخن مگوی، که اگر فرزندی در آن حال متولد شود، از **لال شدن** ایمن نباشد. همچنین نباید کسی در عورت همسر

بنگرد که نگاه به عورت او، موجب **نابینایی (کوری)** فرزند می شود. یا
علی! با همسر خود با یاد و میل زنان دیگر جماع مکن، که می ترسم اگر
فرزندی پا بگیرد، **دیوانه وابنه ای و در صفت زنان** باشد....

یا علی! زیر درخت میوه دار نزدیکی مکن که اگر فرزند حاصل شود،
جلاد یا آدمکش و یا کاهن شود.

یا علی! در برابر خورشید و آفتاب نزدیکی مکن، مگر آن که خود را از
نور با پرده ای بپوشانید. در غیر این صورت اگر فرزند به دنیا آید،
همواره در فقر و نکبت به سر برد

یا علی! بر پشت بام جماع مکن که حاصل آن، فرزند **منافق و ریاکار و**
بدعت گذار باشد

یا علی! بین اذان و اقامه جماع مکن که در این صورت اگر فرزند پدید
آید، **به خونریزی حریص** باشد

یا علی! با زن حامله ات جز با وضو نزدیکی مکن که اگر فرزند متولد
شود، **کور دل و بخیل** گردد

یا علی! در شب عید فطر جماع مکن که حاصل آن فرزندى **شرور** باشد.....

یا علی! در اواخر هر ماه - دو روز مانده به آخر ماه - جماع مکن که اگر فرزندى شود **یاور ستمکاران باشد و گروه مردمان را به هلاکت رساند**.

یا علی! شبى که عزم مسافرت داری، جماع مکن که اگر فرزندى به دنیا آید، **مالش را به نا حق مصرف کند**؛ زیرا تبذیرکنندگان برادر شیطانند. در طریق سفر تا سه شبانه روز از آغاز سفر نزدیکی مکن که اگر فرزندى متولد شود، **معین و یاور ستمکاران** گردد.

یا علی! شب های دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندى حاصل شود، **حافظ قرآن گردد** و به قسمت خدا خشنود باشد.

یا علی! اگر شب های سه شنبه جماع کنی و فرزندى آید، **شهادت روزی** او گردد پس از آن که به یگانگی خدا و نبوت من شهادت دهد، و خداوند با مشرکان عذابش نکند و دهانش خوشبو باشد. این فرزند رحم دل و دست و دل باز است و زبانش از دروغ و بهتان پاک خواهد بود.

یا علی! اگر شب پنج شنبه آمیزش کنی و فرزندی به وجود آید، یا **حاکم**

و یا عالم گردد. اگر روز پنج شنبه به هنگام رفتن خورشید از وسط

آسمان نزدیکی کنی و فرزندی پا بگیرد، **شیطان به او نزدیک نگردد و**

پر فهم باشد و خداوند سلامت دین و دنیا را روزی اش سازد

یا علی! اگر شب جمعه جماع کنی و در اثر آن فرزندی پدید آید،

سخنگو و حرف زن باشد. و اگر روز جمعه پس از عصر نزدیکی کنی،

دانشمند و معروف و مشهور گردد ان شاء الله تعالی

یا علی! در ساعت اول شب جماع مکن که ایمن نیستی فرزندات **ساحر**

شود و دنیا را بر آخرت برگزیند

یا علی! وصیت مرا حفظ کن، چنان که من از برادرم جبرئیل حفظ

کردم (مکارم الأخلاق، ص 209-211؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 282-283)

اگر مرد مشروب بخورد بچه دیوانه یا معلول می شود شود.

پزشکی به صدراعظم المان گفت شما در مشروب فروشی هارا ببینید تا

من در تیمارستان ها را ببندم!

دوری از روابط نامشروع:

بچه حرام زاده در مسیر نادرست قرار می گیرد...شمرها.ابن
زیادها.یزیدها نتیجه عمل نامشروع به دنیا آمدندو باعث نابودی و خرابی
زیادی شدند.

متاسفانه بر اثر نفوذ فرهنگ غرب بعضی از مسلمانان!می گویند نیاز به
عقد نیست و همینکه زن و مردی هم را دوست دارند کافی است و بچه
حلال زاده است!و بعضی ازدواج سفید می کنند!در حالی که هم در اسلام
و هم در تمام ادیان الهی،باید رسم و رسوم ازدواج انجام شود تا بچه
حلال زاده باشد.

اصل سوم:مواظبت در دوران بارداری

بسیار سفارش شده که والدین از غذای حرام و حتی غذای مشکوک در زمانی که تصمیم به فرزندآوری دارند، پرهیز کنند. این مسئله آن قدر مهم است که در زندگی رسول اکرم (ص) دیده می شود که برای انعقاد نطفه حضرت زهرا (س)، به امر خداوند مدتی از حضرت خدیجه (س) فاصله گرفتند و پس از چهل روز عبادت و روزه داری، با غذایی که از بهشت آورده شد، افطار کردند آن وقت نطفه حضرت زهرا (س) منعقد شد. شاید با تأسی از همین سنت حسنه باشد که عده ای از بزرگان سفارش می کنند که والدین پیش از بچه دار شدن روزه بگیرند

اسلام و تغذیه دوران بارداری

دکتر حسن اکبری محقق و مدرس طب اسلامی-ایرانی در این خصوص بیان داشت: اسلام برای تمام دوران های انسان، حتی قبل از انعقاد نطفه، دستورات مهمی دارد که اگر به درستی رعایت شوند ضامن سلامت روح و جسم وی خواهد بود. یکی از دوران های خیلی مهم دوران جنینی است که انسان نیاز به خوراک معنوی و مادی دارد.

ماه اول و دوم

وی ادامه داد: در واقع در دین ما به نحوی برای تمام 9 ماه دوران بارداری، تناول نوع خاصی از خوراکی ها آمده است. توصیه شده در ماه اول صبح ها کمی سیب شیرین میل شود، روزهای جمعه قبل از صبحانه انار، و هر روز بر دو عدد خرما سوره ی قدر خوانده و آن را ناشتا بخورید. برای ماه دوم نیز، توصیه شده است که هر هفته گوشت گوسفند با کمی شیر گاو طبیعی و سیب شیرین خورده و یا هر روز بر دو عدد عناب، سوره ی توحید قرائت شود و ناشتا میل گردد.

ماه سوم و چهارم

اکبری اضافه کرد: برای ماه سوم توصیه شده، صبح ها یک قاشق مربا خوری عسل و هر روز بر یک عدد سیب آیه الکرسی قرائت شده و ناشتا بخورید و همچنین، روزانه یک عدد کندر میل کنید. در ماه چهارم، سیب شیرین، عسل و انار هر روز میل کنید و بر دو عدد انجیر سوره والتین خوانده و ناشتا بخورید.

ماه پنجم و ششم

محقق و مدرس طب اسلامی – ایرانی در خصوص تغذیه ماه پنجم و ششم نیز، گفت: در ماه پنجم، هر روز صبح مقداری خرما میل نموده و برای ماه ششم پس از صبحانه، انجیر و زیتون بخورید و از خوردن دنبه

در این ماه پرهیز کرده و هر روز یک عدد انار پس از خواندن سوره فتح ناشتا میل نمایید.

ماه هفتم، هشتم و نهم

وی ضمن اشاره به اینکه این موارد خلاصه ای از توصیه هاست و مادران باردار می توانند به کتاب هایی که در این زمینه چاپ شده مراجعه کنند تا اطلاعات دقیق تری کسب کنند، افزود: برای ماه هفتم صبح ها سوره انعام را بر بادام خوانده و میل نمایید، البته تا 40 روز ادامه دهید بهتر است. اگر فصل تابستان باشد، خربزه بعد از هر غذا میل شود و قبل و بعد آن آب ننوشید و هر روز بر یک عدد میوه، سوره یس بخوانید و ناشتا میل کنید. برای ماه هشتم هم آمده است که ماست شیرین، عسل و هر جمعه نیز، انار شیرین میل شود.

وی ادامه داد: در خصوص ماه آخر، یعنی ماه نهم سفارش شده که بهترین غذا کباب گوشت گوسفند است و ادویه میل نشود. خرما خورده شود و یا هر روز بر مقداری شیر و خرما، سوره دهر بخوانید و آن را ناشتا میل کنید. به امید اینکه فرزندی سالم از نظر جسمی و روحی به دنیا بیاورید.

اکبری در پایان گفت: البته توصیه های دیگری هم در دین ما نسبت به تغذیه در این دوران شده است، مثلاً آمده است: به زنان باردار گلابی بدهید که فرزند را نیکو و زیبا می کند و یا اینکه خوردن گلابی مایه قوت قلب، پاکی معده، دلیری و زیبایی بچه می شود. یا اینکه خوردن کندر توسط زن باردار، سبب زیادی عقل بچه، پاکدلی، دانا و شجاع شدن پسر و خوش خو و نیکو شدن دختر می شود.

داستان عالمی که فرزندش مشک سقا را سوراخ کرد!

عالمی با پسرش در کوچه ای می رفت. سقایی عالم را دید و مساله ای از او پرسید. در این حین پسر عالم با چیز نوک تیزی، مشک سقارا سوراخ کرد! عالم ناراحت شد وقتی به خانه برگشت به خانمش گفت من تابحال نه تنها حرام بلکه مکروه هم انجام ندادم پس چرا پسر من مشک سقارا سوراخ کرد؟ حتما شما کار بدی کردی! خانم فکری کرد و گفت درست می گویی! وقتی به این بچه حامله بودم روزی درایام بارداری میل به انار پیدا کردم و چون پول نداشتیم رفتم اناری بدون اجازه صاحبش برداشتم و با سوزن سوراخ کردم و ابش را خوردم!

در ایام بارداری از دعوا و درگیری وجوش و خروش بپرهیزد.

روانشناسان گفته‌اند که آرامش مادر در دوران بارداری به آرام بودن اعصاب
فرزند کمک شایان می‌کند و مادرانیکه در دوران حاملگی درگیری فکری
و آشوبهای ذهنی دارند، فرزندان عصبانی و اهل خشونت و دعوا بدنی می‌آورند.

وقتی کودکی متولد میشود خدا به دو فرشته می‌گوید سعادت یا شقاوت
اورا بنویسید! ان دو فرشته می‌گویند ما نمی‌دانیم بسعادت می‌رسد یا
بدبخت می‌شود! خداوند می‌فرماید به پیشانی مادرش نگاه بکنید اونجا
معلوم است که کودک سعید می‌شود یا شقی!....

اصل چهارم: نامگذاری شایسته

شروع تربیت:

از ابتدای تولد کودک، تربیت شروع می شود. اذان و اقامه ای که در گوش کودک گفته می شود. نام مناسبی که بر روی او گذاشته میشود. محبت هایی که والدین به او ابراز می کنند. تغذیه درست و... همه مراحل تربیت کودک هستند.

نامگذاری زیبا:

یکی از ویژگیهای پیامبران و امامان علیهم السلام این بوده است که نام زیبا و خوب داشتند و بر نامگذاری زیبا بر روی فرزندان شان تاکید داشتند. داشتند و به ما هم توصیه کرده اند نام خوب برای فرزندانمان بگذاریم.

زیباترین نام که بر روی بشر گذاشته شده است یکی نام محمد است که بر روی پیامبر اسلام گذاشتند و یکی نام علی هست که بر روی امیرالمومنین گذاشته شد. که از طرف خداوند بود. بعد نام فاطمه و حسن و حسین و زینب که اینهاراهم به دستور خداوند قرار دادند.

پیامبر اسلام می فرمودند: هر کس چهار پسر داشته باشد و نام یکی از آنها را به نام من، "محمد"، نامگذاری نکند، به من جفا کرده است. اگر

اسم فرزندان را محمد گذاشتید او را گرامی بدارید و به او احترام کنید

۵

همچنین می فرمودند: حتی بچه های سقط شده را هم نامگذاری کنید، چون در روز قیامت که مردم را به اسم می خوانند، بچه های سقط شده به پدرانشان اعتراض می کنند که چرا برای ما اسم نگذاشتید؟

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خودشان، نام آخرین فرزند فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را قبل از تولد، محسن گذاشت، که البته در ماجرای هجوم به خانه آن حضرت، سقط و به شهادت رسید.^۶

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: «وقتی شیطان می شنود کسی را به اسم محمد یا علی صدا می زنند، مانند قلع ذوب می شود.

. امام حسین فرمود: «لَوْ وُلِدَ لِي مِائَةٌ لَأَحْبَبْتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا»^۷

امام حسین (ع) فرمود اگر خداوند ۱۰۰ پسر هم به من بدهد اسم همه شان را علی می گذارم.

بحارالأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۱^۵

خسروی، موسی، احتجاجات، ج ۲، ص: ۱۰۸،^۶

«کافی، ج ۶، ص ۱۹»^۷

در مورد نام ،خود فرد چون طفل است نقشی ندارد و این والدین هستند که مسئول هستند لذا اگر نام نامناسب بگذارند فردای قیامت از طرف فرزند مورد شکایت قرار می گیرند.

پیامبر اکرم(ص) فرمود : اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام خوب است، پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید.^۸

نام دخترت را عوض کن

يعقوب بن سراج می گوید : « خدمت امام صادق علیه السلام رفتم و دیدم که حضرت بالای سر موسی بن جعفر علیهما السلام که در گهواره بود ایستاده است و مدت زمان طولانی با او راز می گفتند . من نشستم تا سخن حضرت علیه السلام تمام شد . آنگاه حضرت به من فرمودند : « نزد مولایت برو و به او سلام کن . » من نزدیک (گهواره) رفتم و سلام کردم . با زبان فصیح جواب مرا دادند و فرمودند : « برو و اسمی که دیروز برای دخترت نهادی ، عوض کن ، زیرا آن نامی است که خدا آن را مبعوض دارد ! (نام دختر من حمیراء بود) . سپس امام صادق علیه السلام به من فرمودند : « به دستور او رفتار کن ، تا هدایت شوی » من رفتم و نام دخترم را عوض کردم »^۹ .

وسائل الشیعه- جلد 15^۸
^۹ارشاد : ج 2 ، ص 210 .

..پیامبر خدا نام های نامناسب را تغییر می داد مثلا دختر عمر اسمش عاصیه یعنی معصیت کار بود، پیامبر نامش را به جمیله تغییر داد. شخصی پیش پیامبر خدا آمد و گفت نامش ظالم! است . پیامبر خدا نامش را سلیمان گذاشت

لیستی حیرت انگیز از اسامی ایرانیان که برای تغییر اسم خود به ثبت احوال مراجعه نموده اند!

به گزارش ایران ناز همشهری جوان در شماره اخیرش ، لیستی حیرت انگیز از اسامی ایرانیان منتشر کرده که صاحبان این اسامی، از سال هفتاد به این سو برای تغییر نامشان، به ثبت احوال مراجعه کرده اند. هم اکنون ۳ هزار و ۷۳۷ نام پسرانه و ۳ هزار و ۸۱۲ نام دخترانه قابل تغییر وجود دارد که هر شخصی نامش در آن باشد بلافاصله به اسم مناسب، قابل تغییر است. البته ممکن است اسمی در این فهرست ها نباشد اما از دید ثبت احوال قابل تغییر باشد. در این باره فرد باید دنبال مجوزهای لازم باشد

باباقلی، گرگ اقا، بره، چاه، آرشیو، آسیب، اجباری، اخی، اردوخان، اشتر، اهریمن، باباقلی، بیابانی، ملخ، فضا، فراری، شفتالو، شربت، قطار، قطاری، قسمت، قربانی، کابوس، گشنه، گرگ آقا، بره، بشم، بهداشت، بوشفر،

چاه، چراغ، چیترا، زنگی، سرباز، شوجر، علاقه، غم، غارت، فرار، فراری،
فراموش، کوپال، گمان، لذت، لشکر، لלו، ورندل، یتیم

تنها برخی از اسامی پسران قابل تغییر در این فهرست‌هاست که در ثبت
احوال ثبت شده است.

این اسامی غالباً به قبل از سال ۱۳۷۰ بر می‌گردد. از زمانی که مهندسی
فرهنگ نام و نام‌نویسی وارد شدیم دیگر اجازه نمی‌دهیم والدین اسامی
نامناسب، نامتعارف و مغایر با جنس برای فرزندان‌شان انتخاب کنند؛
دلیل این کار هم همان فهرست‌هایی است که با توجه به اصرار والدین
مأمور ثبت احوال را وادار به ثبت اسم می‌کرده‌اند.

باجی، بیزار، نوشابه، ییلاق، خرما، آشفته، آفت، اجبار، افسرده، پنبه،
تعارف، حلوا، خرما، خیار، شربت، شقیقه، کفتر، نیمکت، قیمتی، همیشه،
نوشابه، کبریت، ییلاق، لوله، لیاقت، لبو، لباء، مشکی، مشکی‌جان، مغلوبه،
مفتول، حاضر، حالتاج، حسرت، حضرت، حبصه، خارا، خابس، پارچه،
پاکت، پنیر، پوپول، پولی، انقلاب، اوجق، آمریکا، آلمان، انگلیس، انه، آقا
بگم، ادامه و ارزان

در بین اسامی دختران این اسمی نیز به چشم خورده است :

آشفته--آبجی مار—آواره-آفت

ادامه-ارزان-بانک ناز-برنج—خواننده-زابل-رادار-عرعر-غم انگیز-

قیطان-کشمش-عکس

و در بین اسامی پسران:

ببر-باقالی-عادی-سنباب-کافر-ستم-کلاغ-مزاحم-مسکو

بهترین نام ها ، نام های پیامبران

امام باقر (ع) می فرماید: «راست ترین نام ها، نامی است که گویای عبودیت و بندگی باشد، بهترین نام ها نام های پیامبران است»^{۱۰}

مصدق این حدیث نام هایی چون عبدالله ، عبداللطیف ، عبد الفتاح و همچنین است یوسف، یونس، موسی ، عیسی ، ابراهیم، داوود، دانیال، ... یعقوب ، محمد ، احمد و

نامگذاری به نام اهل بیت علیهم السلام

به امام صادق علیه السلام عرض شد: فدایت شوم ما فرزندان خود را به نام شما و پدران شما می نامیم. آیا این عمل به حال ما سودمند است؟

امام فرمود: آری به خدا قسم! مگر دین چیزی جز مهر ورزیدن و بغض و تنفر است؟! خداوند متعال می فرماید: اگر خدا را دوست می دارید از من (حضرت محمد(ص)) پیروی کنید تا او (خدا) نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد، که او آمرزنده و مهربان است (آیه ۳۱ سوره آل عمران).^{۱۱}

حضرت فاطمه دارای نه نام نزد خدا بوده که

شامل: فاطمه. صدیقه. مبارکه. طاهره. زکیه. راضیه. مرضیه. محدثه و زهراء

که هر کدام از این نامها نشان دهنده یکی از فضائل و خویهای حضرت فاطمه زهرا است.

:امام صادق علیه السلام می فرمایند

اگر نام دختر را «فاطمه» گذاشتی، به او حرف بد نزن و وی را نفرین نکن^(۲). و او را کتک نزن

:امام کاظم علیه السلام می فرمایند

^(۳) در خانه ای که نام «فاطمه» باشد، سختی و تنگدستی وارد نمی شود

امام کاظم (ع) فرمود: اگر نامی غیر از نام پیامبران و امامان و مادران آنها روی فرزند شماست ان را برای رضای خدا تغییر دهید مبادا در قیامت فرزندان شما بخاطر نامهای زشتی که دارند از شما شکایت نمایند.

نام گذاری از نظر حجه الاسلام قرائتی

نام جزء شعائر است. اگر نام خوب باشد، شعائر، خوب تشویق می شود. باید در نام ها و نام گذاری ها دقت کنیم. نام بزرگواران را روی بچه هایمان بگذاریم. حدیث داریم «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا» (اختصاص مفید، ص ۲۹) خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. یکی از راه های زنده کردن امور اهل بیت این است که نام های اهل بیت را زیاد روی بچه ها بگذاریم. امروز دنیا برای شرکت ها، کارخانه ها، اداره ها و وزارت خانه ها کلی پول می دهد و طرح می خواهد. گاهی در روزنامه اعلام می کنند برای فلان مؤسسه مثلاً یک آرم می خواهیم، طرحی می خواهیم، چون گاهی وقت ها یک نام و یک طرح و یک گویای یک کتاب است. گاهی یک نشانه و یک علامت بسیار حرف دارد. وقتی وارد بیمارستان می شوی، یک عکس آن جاست گویای این که این جامنطقه

ی سکوت است، یک علامت ، یک آرم، یک نشانه و یک طرح، گاهی ممکن است یک یا دو صفحه مطلب باشد. ما کتاب هایی داشتیم که وقتی پشت کتاب را نگاه می کردی، از طرح پشت کتاب آدم می فهمد این کتاب چه خط و سیری را دنبال می کند. باید به نام دقت کرد! نام زشت خیلی اثر دارد.^{۱۲}

پیامبر خدا نام های نامناسب را تغییر می داد مثلا دختر عمر اسمش عاصیه یعنی معصیت کار بود، پیامبر نامش را به جمیله تغییر داد. شخصی پیش پیامبر خدا آمد و گفت نامش ظالم! است. پیامبر خدا نامش را سلیمان گذاشت.

داستان

طلبه ای می گفت وقتی خانمم باردار بود پزشکی که خانم تحت معاینه ایشان بود از ما قول گرفته بچه بدنیا آمد پسر بود اسم دکتر را بر او بگذاریم و همینطور هم شد و نام دکتر را بر روی پسر گذاشتم ولی این بچه همیشه بیمار بود! تا اینکه خدمت ایه الله بروجردی رفتم و قضیه را

گفتم ایشان فرمود اسم بچه ات را تغییر بده! اسم او را عوض کردم بچه

خوب شد!

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:

وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از مدتی «آنا بریت» همسرایشان با من

تماس گرفت و گفت: می‌خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من

چادر می‌خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می‌خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی

که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی‌ها را نداشته باشد).

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سبیل من بوده‌اند شهادتین را

بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها- زن صبور، مقاوم و

کاملی بوده است.»

می‌گذارد.

.....

اصل پنجم: تغذیه حلال و شیر مادر یا تغذیه بوسیله دایه پاکدامن

دو سال نوزاد را شیر مادر دادن

وَالْوَلَدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...: (بقره، 233) مادران، “
...فرزندان خود را تا دو سال تمام شیر بدهند

روایات بیانگر آن است که شیر مادر، غذای منحصر به فرد نوزاد است و تأثیری بسیاری در فرزند دارد؛ آن گونه که ممکن است طبع وی را تغییر دهد. بنابراین توصیه شده فرزندان را برای شیر خوردن به زن احمق یا دیوانه یا روسپی یا شراب خوار نسپارید...

داستان فرزند شیخ فضل الله نوری. ...

پسر طالح شیخ فضل الله نوری

گویند شهید شیخ فضل الله نوری شهید مشروطه، پسری داشت که طالح بود یعنی ادم فاسدی بود. وقتی علت انحراف این پسر را از شیخ

پرسیدند. شیخ فرمود من از زمانی که این پسرم کودک بود فهمیدم که ادم درستی نخواهد شد! زیرا وقتی متولد شد مادرش شیر نداشت. برای او دایه گرفتیم که به او شیر می داد. ولی بعد از مدتی فهمیدیم دایه ادم ناپاکی است! و این پسر از شیر ادم ناپاک تغذیه کرده است پس عاقبت به خیر نمی شود.

....داستان با وضو شیر دادن مادر شیخ انصاری. ..

مادر جایگاه بسیار مهمی دارد و باید به این جایگاهش توجه داشته باشد.

به مادر شیخ انصاری^{۱۳} گفتند فرزندت به مرجعیت رسیده است. گفت

اگر پیامبر هم می شد تعجب نمی کردم چون برایش خیلی زحمت

کشیدم و هیچگاه بدون وضو او را شیر ندادم.

مادر شیخ انصاری، دختر شیخ یعقوب فرزند شیخ احمد بن شیخ شمس الدین انصاری است. وی از زنان پرهیزکار عصر خود و از زنان متعبد بود و نوافل شب را تا هنگام مرگ ترک نکرده و چون اواخر عمر نابینا شده بود شیخ مقدمات تهجد وی را فراهم می کرد حتی آب وضویش را در موقع احتیاج گرم می کرد این بانوی مکرمه به سال 1279 ق در نجف اشرف از دنیا رفت و شیخ در غم فقدان مادر بسیار متأثر و غمناک شد و¹³ گریه کرد

اصل ششم: نقش افرینی پدر

نقش پدر در تربیت کودک

اسلام برای مقام پدر ارزش فراوانی قائل است و پدر نقش مهمی در سعادت و یا شقاوت فرزندان و خانواده خود دارد.

پدرانی بودند و هستند که با مجاهدت های فراوان ، خانواده خود را به شجره طیبه تبدیل کرده اند و همه اعضای خانواده افراد صالح و خوب و مفید برای جامعه هستند. یکی معلم است. یکی پاسدار است. یکی شهید شده است. یکی مسجدی است یکی پرستار پاکدامن است. یکی کشاورز زحمت کش است و...اما پدرانی هم هستند که به تربیت اهمیت ندادند و نمی دهند و خانواده خود را به بیراهه برده اند.

روزی باتفاق دادستان یکی از شهر ها از زندانی بازدید می کردیم دادستان ، شخصی را که مسن بود نشان داد و گفت این شخص با دو پسرش که کنارش هستند مواد فروشند! و زنش هم در زندان زنان زندانی است!

آری این پدر، خانواده خود را در مسیر نادرست قرار داد و سرنوشت آنان زندان و بیچارگی و ... است

آگاهی پدر نقش مهمی در موفقیت او در تربیت فرزندان ایفا می نماید. پدران باید مرتب آگاهی خود را افزایش دهند و بقول معروف آگاهی خود را به روز نمایند.

تا بتوانند در حوادثی که پیش می آید عکس العمل درست ارائه دهند و از بحران ها ، فرصت بسازند

مثلا اگر فرزند سیگار می کشید پدر چگونه با او برخورد نماید؟ اگر خود ارضایی می کرد چگونه؟ اگر رفیق ناباب داشت پدر چکار کند؟ اگر نماز نخواند چه باید کرد؟ اگر دختر حجابش رو رعایت نکرد؟ اگر دختر ، دوست پسر داشت؟ اگر دختر عاشق جوان بی دین و بی ادب شده بود؟ اگر دختر درس نخواند؟

...اگر فرزندان از پدر اطاعت نکردند پدر چه باید بکند؟

در جواب می گوییم که اسلام دستور داده تربیت را از زمانی که فرزند در شکم مادر هست شروع کنید. با تغذیه حلال مادر. و اینکه بعد از تولد، از کودکی تربیت دینی او را شروع کنید. نام اسلامی بر روی او بگذارید. قرآن را به او یاد دهید. او را به مجالس اهل بیت علیهم السلام

ببریداز بردن او به مجالس گناه بخصوص عروسی های مختلط و پر از گناه جلوگیری کنید.از ماندن او در خانه دیگران حتی فامیل نزدیک بمدت طولانی ممانعت نمایید..از هفت سالگی او را به نماز وادار کنید و با تشویق و تذکر همیشگی بر نماز اونظارت کنید.او را تشویق به رفتن به مسجد نمایید و او را مسجدی بار بیاورید.نسبت به دوستان او کاملاً مراقبت نمایید.نسبت به استفاده او از اینترنت و فضای مجازی و موسیقی و فیلمها مواظبت نمایید.بعد از رسیدن به بلوغ در ازدواج او تسریع نمایید. و در طول دورانی که پیش شماست مرتب او را موعظه و نصیحت کنید. با این روش انشالله فرزندان خوبی تربیت خواهید نمود که باعث افتخار شما خواهند شد

وظایف مهم پدر در تربیت کودک

اسلام وظایف زیر را برای پدر قرار داده است: به فرزندش محبت نماید و شخصیت او را حفظ کند. نام مناسب برا فرزند انتخاب کند.قران به او بیاموزد. ادب به او یاد دهد. او را به نماز امر کند.بر معاشرت او نظارت کند... در اولین فرصت ممکن برای ازدواج او اقدام نمایدو

امام سجاد علیه السلام در رسالۃ الحقوق فرمودند: حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و هر گونه که باشد چه نیک و چه بد، در دنیای گذرا به تو منسوب است و تو در آن چه به او سرپرستی داری مسئول هستی، در ادب نیکو و راهنمایی به سوی پروردگار و یاری او بر طاعت خداوند درباره تو و خودش. پس بر این کار پاداش میگیری اگر درست عمل کنی، و کیفر می بینی اگر نادرست عمل نمایی؛ پس او را چنان تربیت کن که با اثری که بر او می گذاری در دنیا زیبایی بیافرینی و با قیام شایسته به وظیفه ای که نسبت به او داری در نزد خداوند معذور باشی، که هیچ قوتی نیست مگر از خداوند.

اولین وظیفه پدر محبت کردن به فرزندان می باشد. که در راس همه وظایف پدران می باشد.

كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُءُوسِ وَلَدِهِ وَوَلَدِ وَلَدِهِ (عدة الداعی، ص 89) پیغمبر ما صبح به صبح دست روی سر بچه اش می کشید و دست روی سر نوه هایش می کشید.

پیامبر گرامی اسلام(ص) دختران را حتی در دادن هدایا بر پسران مقدم دانسته و می فرمایند: هرکسی به بازار رود و تحفه ای بخرد و آن را برای خانواده اش ببرد همانند حمل کننده صدقه به سوی نیازمندان است و باید دختران را در دادن هدایا بر پسران مقدم بدارد، زیرا هر کس دخترش را خوشحال کند مانند آن است که برده ای از نسل حضرت اسماعیل را آزاد ساخته است .

همچنین آن حضرت فرمود

میان اولاد خود در دادن هدیه به مساوات عمل کنید و اگر خواستی کسی را بیشتر هدیه دهی به دختران بیشتر بده .

رسول حق (ص) فرمود

خداوند به دختر مهربان تر از پسر است، کسی که باعث خوشحالی دخترش شود، خداوند روز قیامت او را خوشحال می کند .

حضرت چرا از این حرف اقرع خشمگین شد

روزی رسول خدا (ص) حسن و حسین (ع) را می بوسید. شخصی به نام اقرع بن حابس گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک را از آن ها را نبوسیده ام. آن حضرت فرمود: هر کس رحم نکند بر او رحم نمی شود. برپایه روایتی آن حضرت به قدری از این گفتار وی خشمگین شد که چهره اش برافروخت و به او فرمود: اگر خدا عاطفه را از دلت کنده است با تو چه کنم؟ هر کس بر خردسالان ما مهر نوزد و بزرگان ما را احترام . نکند از ما نیست

«وَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُؤْسِ وَلَدِهِ»

روش رسول اکرم (ص) در خانواده این بود که همه روزه صبح دست محبت به سر فرزندان خود می کشید

امام صادق (ع) می فرماید

مردی که نسبت به فرزندان خود محبت بسیار دارد مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگ

است.

:پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود

فرزندان خود را بسیار ببوسید زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه ای است...فرزندان نیاز به محبت دارند.اگر محبت به آنها از طریف پدر و مادر تامین نشود احتمال دارد جذب محبت دیگران شوند و آسیبهای جدی ببینند.

:امام صادق (علیه السلام) می فرمایند

به راستی که خداوند پدر و مادر را به خاطر شدت محبت به فرزند می آمرزد

.همچنین علاوه بر محبت به فرزندان، به آنان خوبی و نیکی کند

امام صادق(ع) فرمود: «بِرُّ الرَّجُلِ بَوَلَدِهِ بِرُّهُ بِوَالِدَيْهِ

کسی اگر به بچه اش احترام کند، ثواب کسی را دارد که به پدر و مادرش احترام کند

که در این روایت امام جعفر صادق علیه السلام،خوبی کردن به فرزند را معادل خوبی کردن به پدر و خود می داند.

واقعا پدر اگر خوب باشد خانواده خوب خواهند بود و اگر پدر بد باشد
! خانواده بد خواهند بود

پدران سختگیر و خشن مورد تایید اسلام نیستند و تاثیر منفی روی
تربیت فرزندان دارند

رسول خدا(ص) فرمود: بدترین مردم، فرد سختگیر بر خانواده است.
شخصی پرسید: مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟ فرمود: هرگاه
مرد وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و
. هرگاه از خانه بیرون رفت همسرش شاد شود

اسلام دین محبت به فرزندان است و از بداخلاقی و تندخویی نسبت به
فرزندان نهی کرده است و در زندگی رسول خدا که الگوی نمونه است
می بینیم که پیامبر اسلام همه وجودش سرشار از محبت به کودکان می
باشد. همچنین اهل بیت علیهم السلام همیشه به فرزندانشان محبت می
ورزیدند و پدران هم باید این چنین باشند تا فرزندان شان در پرتو این
محبت، تربیت مناسبی داشته باشند

در تاریخ زندگانی و احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که : بسیار می شد که نوزادی را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آورند تا او نامگذاری کند و یا برایش دعا بفرماید، حضرت برای احترام به خانواده طفل ، نوزاد را در دامن خود می نهاد، بسا می شد که بچه در دامن حضرت ادرار می کرد و لباس حضرت را آلوده می نمود، برخی از کسانی آنجا فریاد برمی آوردند، (اعتراض می کردند)

حضرت فرمود: ادرار بچه را قطع نکنید (او را نترسانید) و می گذاشت بچه ادرارش را تمام کند، سپس با روی باز دعا می کرد یا نامگذاری می نمود و نمی گذارد خانواده طفل ناراحت شوند، وقتی آنها می رفتند، لباس . خویش را می شست

نصایح اهل بیت علیهم السلام در مورد فرزند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی که دو پسر داشت و یکی را بوسید و دیگری را نبوسید نگاه کرده فرمود: چرا میان آندو به تساوی رفتار نکردی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ((يلزم الوالدین من العقوق لولد
هما ما يلزم الولد لهما من عقوقهما اذا كان الولد صالحا.))

پدر و مادر هم عاق فرزندشان می شوند اگر فرزند صالح باشد
همچنانکه فرزند عاق پدر و مادر می شود

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رحمت خدا بر پدری که فرزندش
را در نیکی به پدر یاری دهد، به اینکه از خطایش در گذرد و برای او
میان خودش و خدا دعا کند

اصل ششم: محبت متعادل

برخی از والدین محبت را یک نیاز جانبی می دانند که اگر پاسخ داده شود
بد نیست؛ اما اگر به آن بی توجه باشیم اتفاق خاصی رخ نمی دهد

این دسته از والدین، نیازهای ظاهری مثل غذا، پوشاک، مسکن و ... را
اصلی ترین نیازها می دانند که اگر تأمین شد، زندگی فرزندشان تأمین
شده و اگر هم تأمین نشد، زندگی فرزندشان پا در هوا است

نباید فراموش کرد که بسیاری از ناهنجاری‌های تربیتی ریشه در احساس نیاز شدید فرزندان به محبت دارد. برای اثبات این مدعا کافی است سری به کانون‌های اصلاح و تربیت بزنیم و ببینیم چه تعداد از کودکان و نوجوانانی که مرتکب جرم و جنایت شده و به این کانون‌ها آمده‌اند، نیازشان به محبت از سوی خانواده تأمین شده است؟

پرورشگاه برای کودک مناسب نیست. والدینی که به هر علیی کودک را به پرورشگاه می‌سپارند اشتباه می‌کنند و بعداً متوجه اشتباهشان می‌شوند. چون کودک از محبت والدین محروم میشود و چه بسا در پرورشگاه مورد بی‌مهری و ظلم قرار گیرد و اینها بعداً بازخورد خود را نشان می‌دهد!

در تظاهرات مردم قم علیه شاه، برای مقابله با مردم، از تهران مامورینی آورده بودند که از سر تا پاه مسلح بودند و بیچ رحم و شفقتی نداشتند. مردم هم به آنها داد می‌زدند: پرورشگاهی! پرورشگاهی!

فرزندانی که در خانواده دچار کمبود محبت می‌شوند، به دنبال جایی
برای تأمین این نیاز می‌روند

اگر کسانی که به نیاز او پاسخ مثبت می‌دهند دچار انحراف باشند، باید
منتظر بود که آن‌ها از آثار محبت نهایت سوء استفاده را کنند؛

زیرا فرزند ما با توجه به رابطه محبتی که با آن‌ها برقرار کرده است،
دوست دارد شبیه آن‌ها شود و از رفتار و گفتار آنان بی‌چون و چرا
تبعیت می‌کند

امام علی (ع)

إِرْحَمْ مِنْ أَهْلِكَ الصَّغِيرَ وَوَقِّرْ مِنْهُمْ الْكَبِيرَ

با کودکان خانواده ات مهربان باش و بزرگان خانواده ات را احترام
گذار .

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به که خدمت کنم؟ حضرت فرمود: به پدر و مادر، عرض کرد: آنها از دنیا رفته اند، فرمود: به فرزندت نیکی کن؟

شخصی به حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام از پسرش شکایت کرد: حضرت فرمود: او را زن ولی با او قهر کن اما طول نده

نفرین مکن

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که بر فرزندش نفرین کند فقیر می شود.

کتک زدن فرزند ممنوع! بچه ای فرش اطاق را نجس کرد مادر کتکش زد بعد مادر تب کرد. دارو مصرف کرد ولی خوب نشد! او را در بیمارستان بستری کردند ولی تب او را نتوانستند پایین بیاورند. عاقبت به شیخ رجبعلی خیاط ماجرای او را گفتند. گفت بروید برای کودک اسباب بازی

بخريد تا خوشحال شود انوقت تب پايين مي ايد همين كار را كردند و
...مادر خوب شد

البته بايد توجه داشت محبت والدين به کودک كه امرى ضرورى است
اندازه دارد! و نبايد به حد افراط يا تفريط برسد زيرا هم سخت گيرى و
بى مهرى و هم محبت شديد و افراطى هر دو مخرب هستند

محبت بيجا از همان روزهاى نخست اطفال را لوس، ضعيف، بى اراده و
خود رآى بار مى آورد. اين قبيل اطفال در ايام كودكى، پدران و مادران
خود را با اعمال نادرست خويش به زحمت مى اندازند و آنها را با
مشكلاتى مواجه مى كنند، شخص لوس بار آمده، به دو مصيبت گرفتار
است، از طرفى توقع دارد زن و مرد اجتماع، مانند پدر و مادرش او را
نوازش كنند و بى حساب احترامش نمايند و اوامر او را بى چون و چرا به
كار بندند، وقتى مشاهده مى كند كه مردم نه تنها احترامش نمى كنند،
بلكه در مقابل اين توقع بى جا مسخره اش مى نمايند سخت ناراحت مى
شود و در خود احساس حقارت و پستى مى نمايد، از طرف ديگر شكست

های درونی و ناکامی های روانی که منشأ عقده حقارت شده است او را به انسانی تندخو و عصبی، بی حوصله، بداخلاق، زبون و فرومایه مبدل می کند، به مردم بدبین می شود و با کلمات زشت و رفتار ناپسند خویش آنان را خشمگین و ناراحت می نماید. [ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، ص 226.....]

مادران بی دین به فکر کشتن فرزندان!

روان شناسان در آمریکا تخمین می زنند که از هر چهار مادر، یک نفر به کشتن کودک خود فکر می کند. مطالعه ای دیگر که در سال ۲۰۱۴ در آمریکا انجام شد، نشان داد در یک دوره ۳۲ ساله، فرزندکشی ۱۵ درصد از مجموع جنایات در این کشور را تشکیل داده است.

بنابر اطلاعات وزارت دادگستری آمریکا که در این مطالعه به چاپ ▼ رسیده، بین سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۷، ۱۱ هزار کودک به دست والدین خود کشته شده اند یعنی به طور متوسط هر سال بیش از ۳۴۰ مورد فرزندکشی اتفاق افتاده است

اصل هفتم: ادب به او یاد دهد

اسلام یاد دادن ادب به فرزند را بعهده پدر گذاشته است. چون فرزند از پدر بیشتر حساب می برد تا مادر و کلا مادران اکثرا طاقت سخت گیری به فرزندشان را ندارند چون عاطفی هستند لذا این کار مردانه است

ادب بهترین میراث والدین

لَا نَ يُؤَدِّبُ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِنِصْفِ صَاعٍ كُلَّ يَوْمٍ»

آدم بچه اش را بنشیند ادب کند، از این که هر روز صدقه بدهید، بهتر است. ادب کردن بچه از پول خرج کردن برای فقرا اهمیتش بیش تر است.

همچنین امام صادق فرمود: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ»

هر که گناهی دارد و می خواهد خدا او را ببخشد، یکی از وسیله هایی که خدا انسان را می بخشد این است که بچه اش را احترام کند و او را خوب تربیت کند

اگر دیدید بچه ای با ادب است متوجه می شوید والدین با ادبی دارد و
اگر خدای نکرده کودکی را بی ادب دیدید متوجه می شوید در تربیت او
کوتاهی کرده اند. از این بالاتر! اگر دیدید مردی فحش می دهد یا دعوا
می کند، متوجه می شوید والدین خوبی نداشته است!.

:.امام صادق (ع)

لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالدَّبَّ الصَّالِحَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ
جَمِيعًا؛

مؤمن همواره خانواده خود را از دانش و ادب شایسته بهره مند می سازد
تا همه آنان را وارد بهشت کند.

پاداش به خاطر رفتار خوب

در سلسله تحقیقات و پژوهش های انجام شده از سوی کارشناسان،
روانشناسان و پژوهشگران این حوزه اساسی، رابطه بین تشویق کردن

کودک از سوی والدین و کنترل رفتارهای نامطلوب و گستاخانه از سوی کودک به اثبات رسیده است. تحقیقات حاکی از این است که تشویق کردن کودک، زمانی که رفتار مناسبی انجام می‌دهد و توجه و محبت بیشتر به کودک، زمانی که رفتار مطلوبی دارد و در مقابل توجه نکردن به کودک و کم کردن تشویق‌ها و پاداش‌ها، زمانی که رفتار نامطلوبی انجام می‌دهد و گستاخی می‌کند، باعث می‌شود کودک سعی کند رفتار مطلوب موردنظر پدر و مادر را بیشتر انجام داده و تکرار کند تا تشویق شود، پاداش بیشتری دریافت کند و مورد حمایت و محبت والدین خود قرار گیرد، چون این امر برای او لذت‌بخش است. پدر و مادر باید به فرزند خود بگویند فرزندم! این تشویق و پاداش به خاطر رفتار خوب توست. این تشویق‌ها و پاداش‌ها می‌توانند به خاطر فعالیت‌های کودک باشند. به خاطر تلاش‌هایی که برای حذف یا کاهش و کنترل رفتارهای نامطلوب. همچون گستاخی کرده‌اند.

بچه با ادب والدین خود را اذیت نمی کند! باعث خسارت به اموال نمی شود! فحش و ناسزا نمی گوید! دعوا نمی کند! زور نمی گوید! دروغ نمی گوید! حرف والدین را گوش می کند و لجبازی نمی کند! لوس و نر نیست!

در مهمانی ها باعث شلوغی و اذیت و دعوا نمی شود! آبروی والدین را نمی برد!

بچه هایی که معمولا مرز را در ارتباط با بزرگسالان رعایت نمی کنند و به بزرگسالان به خصوص والدین شان توهین می کنند و کودکانی که دست روی والدین بلند می کنند یا فحاشی و توهین هایی کلامی دارند و حین عصبانیت به پدر و مادر حمله می کنند یا به افراد دیگر دست درازی می کنند را تحت عنوان کودکانی که درست تربیت نشده اند می توان نام برد.

این کودکان معمولا حاصل روش های تربیتی نادرست والدین هستند؛ پدر و مادرهایی که روش های فرزندپروری آنها سهل گیرانه است. کودکان در این روش ها احترام گذاشتن به بزرگ ترها را یاد نمی گیرند و

محدوده‌های مربوط به سن خودشان و والدین‌شان را نمی‌توانند به‌درستی رعایت کنند.

زمان‌هایی که لازم است پدر و مادر دوست فرزندشان باشند (زمان بازی کردن) مانند یک همسن با کودک بازی کنند و در این حالت از لحاظ قدرت فرقی بین والدین و کودک نیست. وقتی بچه کار درست یا نادرست می‌کند، پدر و مادر باید از موضع بالا بچه را مورد تنبیه یا تشویق قرار دهند و این اصلاً به معنای تنبیه بدنی نیست. تشویق به معنای اینکه رفتار مطلوب کودک تقویت شود و استفاده از تنبیه به معنای اینکه رفتارهای نامطلوب در کودک سرکوب شود.

گاهی پدر کارش طوری است که از خانواده دور است و هراز چند گاهی سر به خانواده می‌زند. در این خانواده‌ها هم مشکلات زیاد است.

خانمی می‌گفت شوهرم راننده ماشین سنگین بوده و اکثراً در سفر

است. پسر ایشان فردی شرور شده و مرتب دعوا می‌کند یا خودزنی می‌نماید و با رفقای ناباب شبها و روزها بسر می‌برد و معلوم نیست عاقبتش چه می‌شود؟

اری وقتی پدر غایب است فرزندان بخصوص پسران اکثرا از مادر حرف
شنوی ندارند و به بیراهه می روند و...

مهم ترین معنای ادب

مهم ترین معنای ادب آنست که فرزند را در کارهای خوبی که می کند
تشویق کنند و در کارهایی بدی که می کند برخورد و تنبیه نمایند

نباید فرزند را کاملا آزاد گذاشت که در این صورت خدای نکرده مانند
.... علف هرزی رشد می کند

ادب آموختن یعنی عزت نفس داشته باشد. به علامه طباطبایی می گویند
این پول را بگیر برای خودت خانه بخر. می فرماید نیاز ندارم. با اینکه
مستاجر بودند

گدا صفت نباشد.

داستان

پسر برا حلوا، صدا سگ درآورد

شبلی عارف معروف؛ به مسجدی رفت که دو رکعت نماز بخواند. در آن مسجد کودکان درس می خواندند و وقت نان خوردن کودکان بود. دو کودک نزدیک شبلی نشسته بودند. یکی پسر ثروتمندی بود و دیگری پسر فقیری. در زنبیل پسر ثروتمند پاره ای حلوا بود و در زنبیل پسر فقیر نان خشک. پسر فقیر از او حلوا میخواست. آن کودک می گفت: اگر خواهی که پاره ای حلوا به تو دهم، سگ من باش و چون سگان بانگ کن. آن بیچاره بانگ سگ کرد و پسر ثروتمند پاره ای حلوا بدو می داد. باز دیگر باره بانگ میکرد و پاره ای دیگر می گرفت. همچنین بانگ می کرد و حلوا می گرفت. شبلی در آنان می نگریست و می گریست. کسی از او پرسید: ای شیخ تو را چه رسیده است که گریان شده ای؟ شبلی گفت: نگاه کنید که طمع کاری به مردم چه رساند؟ اگر آن کودک بدان نان تهی قناعت می کرد و طمع از حلوای او برمی داشت، سگ همچون خویشتنی نمی شد

... مهمانی می رود میوه با خود میبرد

امین باشد مثل سربازی که طلاها را به صاحبش پس داد.. این فرد اگر

...ریس بانک یا وزیر هم میشود خیانت نمی کند اختلاس نمی کند

..نوجوانی که جلو دیگران دعوا نمی کند حرف زشت نمی زند

..جوانی که سر سفره امام هادی علیه السلام می خندید

امام هادی علیه السلام در ولیمه یکی از اولاد خلیفه شرکت کرده بودند .

مردم به احترام حضرت ساکت بودند و حرمت امام علیه السلام را نگاه

می داشتند ، ولی جوانی بود که به حضرت بی احترامی می نمود و به سخن

. گفتن و خنده کردن مشغول بود

امام علیه السلام به او فرمود : دهان از خنده پر می کنی و از ذکر خدا

غافل ! در حالی که تو بعد از سه روز از اهل قبوری ! آن جوان ساکت

شد و دیگر نخندید ! روز بعد جوان مذکور مریض شد و در اول صبح

روز سوم وفات یافت و در آخر روز به خاک سپرده شد

موقع توزیع غذا هجوم نمی آورد چند تا بیش از سهم خود نمی

...نوجوان با ادب. گیرد

چند راهکار برای داشتن کودکی با ادب

روش‌های زیر را امتحان کنید:

۱. در برخورد با فرزندان و دیگران از لطفا و خیلی ممنون استفاده کنید.
۲. وقتی کسی صحبت می‌کند، تفاوتی نمی‌کند بچه باشد یا بزرگسال، وسط حرفش نپرید. اگر مجبور شدید حرف او را قطع کنید حتما کلمه ببخشید را به کار ببرید.
۳. در سال سینما، هنگام پخش فیلم، صحبت نکنید.
۴. موقع رانندگی به ماشین‌های مقابل راه بدهید (وقتی دیگران به همین ترتیب به شما احترام می‌گذارند، از آن‌ها تشکر کنید).
۵. موقع عطسه یا سرفه کردن، جلوی دهان و بینی خود را با دستمال بگیرید.

۶. غذا را با دهان بسته بجوید. با دهان پر صحبت نکنید. اول لقمه را قورت بدهید و بعد حرفتان را بزنید.

۷. تحت هیچ شرایطی روی زمین آشغال نریزید.

۸. وقتی به رستوران می‌روید پس از صرف غذا میزتان را مرتب کنید.

۹. قبل از وارد شدن به اتاقی که درش بسته است، در بزنید.

۱۰. برای دعوت دیگران به نشستن، از کلمه بفرمایید استفاده کنید.

۱۱. در اتوبوس و مترو صندلی خود را به کسی که ایستادن برایش دشوار است بدهید.

۱۲. بابت محبت و هدیه‌ای که دیگران به شما می‌دهند، از آنها تشکر کنید. بگذارید شخصی که به شما محبت کرده بداند که بابت لطفش از او ممنون هستید.

۱۳. آهسته و بدون ایجاد سر و صدا آدامس بجوید و موقعی که خواستید آدامستان را دور بیندازید، آن را داخل یک تکه دستمال گذاشته و به سطل آشغال بیندازید.

۱۴. بسیاری از افراد به دود سیگار، ادکلن، نوع خاصی از غذا، سر و صدا، آلاینده‌های محیطی، بوی رنگ، دود ماشین یا کافئین حساسیت دارند. مراعات حال آن‌ها را بکنید و حتی اگر این چیزها خودتان را اذیت نمیکند.

۱۵. برای فرزندان الگو باشید. اگر توقع دارید کاری را انجام دهد، ابتدا خودتان را مقید به انجام آن بکنید تا هم تاثیر حرفتان بیشتر باشد و هم تقاضای تان از او، منطقی‌تر به نظر برسد (پدري که به فرزند خود می‌گوید دروغ گفتن کار بدی است، ولی خودش دروغ می‌گوید نباید انتظار داشته باشد فرزندش فردی راستگو بار بیاید).^{۱۴}

ادب و احترام محمد

. محمد پسر خیلی خوب و با ادبی است
. وقتی از خواب بیدار می‌شود به همه صبح به خیر می‌گوید
. چون می‌داند این کار، کار بچه‌های با ادب است

¹⁴ <http://www.koodakpress.ir/167559>

محمد همیشه به بزرگترها سلام می کند و وقتی کسی با او حرف می زند

، ، با دقت به حرف های او گوش می کند

اگر کسی چیزی به او بدهد ، تشکر می کند، یعنی می گوید : متشکرم .

وقتی چیزی به کسی می دهد می گوید: بفرمایید

او برای دادن چیزی به کسی آن را پرت نمی کند چون می داند این کار

خیلی بد است .

اگر مجبور شود چیزی را پرت کند می گوید : ببخشید . **محمد** هیچ وقت

دوست ندارد کسی را اذیت یا ناراحت کند

اما اگر به طور اتفاقی کسی را اذیت یا ناراحت کند ، عذر خواهی می کند

یعنی می گوید :ببخشید

مثلا اگر پای کسی را لگد کند می گوید : ببخشید که پای شما را لگد

کردم .

محمد هیچ وقت موقع نشستن پاهایش را جلوی بزرگترها دراز نمی کند

.

اگر **محمد** کار اشتباهی انجام بدهد و بزرگترها او را دعوا کنند توی

چشم آن ها زل نمی زند و نمی گوید : چرا مرا دعوا می کنید یا دلم می

. خواهد این کار را انجام بدهم

او سرش را پایین می اندازد و از بزرگترها عذر خواهی می کند و می

. گوید :ببخشید دیگر این کار اشتباه را انجام نمی دهم

چون او می داند اگر بزرگترها او را دعوا می کنند دوستش دارند و نمی

. خواهند که او پسر بد و بی ادبی باشد

اگر او بخواهد وارد اتاقی بشود ، اول در می زند . اگر کسی که توی اتاق

. است بگوید : بفرمایید ، آن وقت در را باز می کند و وارد اتاق می شود

او هیچ وقت بدون در زدن وارد جایی نمی شود . چون می داند این کار

. خیلی بد است

. **محمد** هیچ وقت بی اجازه به وسایل دیگران دست نمی زند

مثلا اگر بخواهد سوار سه چرخه ی دوستش شود ، می گوید اجازه می

دهید سوار سه چرخه ی شما بشوم ؟ اگر دوستش به او اجازه دهد ،

. سوار می شود

اما اگر اجازه ندهد ، با او دعوا نمی کند یا نق نمی زند و گریه نمی کند و

. نمی گوید :باید بگذاری سوار سه چرخه ات بشوم

چون می داند این کار خیلی بد است و همه می گویند وای ! وای !چه پسر

لوس و بی ادبی! **محمد** موقع عطسه زدن یا سرفه کردن، جلوی دهان و
. بینی خود را با دستمال می گیرد

او موقع خمیازه کشیدن، با دست جلوی دهان خود را می گیرد. **محمد**
در وقت غذا خوردن با دهان پر حرف نمی زند. او اول لقمه اش را
قورت می دهد ف بعد حرف می زند

اگر وقتی که دهانش پر است، مجبور شود حرف بزند، با دست جلو
دهانش را می گیرد. او در وقت غذا خوردن، با دهان بسته غذا را می
جود تا از دهانش صدای ملچ ملوچ شنیده نشود
. چون می داند ایین صدا دیگران را ناراحت می کند

. **محمد** موقع غذا خوردن، به غذا خوردن دیگران نگاه نمی کند
. اگر چیزی بخواهد که دستش به او نمی رسد، روی سفره خم نمی شو
او به بزرگترها می گوید تا ان چیز را به او بدهند. **محمد** در وقت بازی با
دوستانش، شوخی های بد و خطر ناک نمی کند. مثلا آن ها را هل نمی
دهد.

چون می داند ممکن است با شوخی های خطر ناک، به دوستانش آسیب
برساند. او هیچ وقت دوستانش را مسخره نمی کند و به ان ها نمی خندد

چون می داند این کار دوستانش را ناراحت می کند و او دوست ندارد که دوستانش را ناراحت کند . اگر هم کسی چنین کار زشتی را بکند ، **محمد** به او می گوید : مسخره کردن دیگران ، کار بدی است . اگر به حرف **محمد** توجهی نکند ، **محمد** از او دور می شود و دیگر با او بازی نمی کند . چون او دوست ندارد با بچه های بی ادب دوست باشد و . با آن ها بازی کند .

. **محمد** همیشه و همه جا نوبت را رعایت می کند

اگر بخواهد سوار تاب یا سرسره شود ، به آخر صف می رود تا نوبتش شود.

سالن هیچ وقت جلو صف نمی ایستد تا زود تر نوبت به او برسد . چون می داند اگر بی نوبت سوار تاب یا سرسره شود ، دوستانش را ناراحت می کند . **محمد** میهمانی را خیلی دوست دارد

وقتی به مهمانی می رود یا میهمان به خانه ی آن ها می آید ، او خیلی آرام و بی سر و صدا بازی می کند . **محمد** با بچه ها دعوا نمی کند و اسباب بازی هایشان را به زور از آن ها نمی گیرد

وقتی مهمان به خانه ی آن ها می آید، او سلام میکند و می گوید : سلام

خیلی خوش آمدید ، بفرمایید ، بنشینید . او هیچ وقت پشت مامان و بابا
.قایم نمی شود ، چون می داند این کار ، کار خوبی نیست
موقع رفتن میهمان ، خدا حافظی می کند و میگوید : باز هم تشریف
.بیاورید

وقتی مامان و بابا رفتار خوب **محمد** را می بینند ، خیلی خوشحال می
شوند .

وقتی **محمد** از مامان و بابا می پرسد: مامان! بابا! آیا از من راضی
هستید؟ آیا من پسر خوب و با ادبی هستم؟ مامان با خوشحالی می گوید:
. بله تو پسر بسیار با ادب و با تربیتی هستی
و بابا می گوید : من از این که چنین پسر با ادب و با تربیتی دارم ، خیلی
خوشحالم . آفرین پسر گلم!^{۱۵}

¹⁵ <http://www.noonoab.ir/post/35332>

اصل هشتم: تاثیر تشویق فرزند

اسلام دستور داده از کسی که کار خوبی کرد تشکر شود بویژه از فرزندان

کودکانی که در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که خوبی‌هایشان مورد قدردانی قرار می‌گیرد، احساس خوبی درباره خود دارند.

چنین کودکانی بیشتر از بقیه کودکان از عهده مبارزه با زندگی برمی‌آید و به هدف‌های بالاتری در زندگی میرسد

کودکان ذاتاً به دریافت پاداش و تشویق نیاز دارند؛ چرا که با این کار به آن‌ها انگیزه لازم برای انجام کارهایشان را می‌دهید. در حقیقت انجام

کارهای روزانه توسط کودکان مانند دستیابی به اهداف ویژه در هر مرحله از رشد، نظیر راه رفتن، غذا خوردن، نشستن، رفتن به مدرسه و... به داشتن انگیزه و دریافت تشویق کودکان نیاز دارند. این انگیزه در تسهیل انجام این کارها به آنها کمک می‌کند.

با تشویق درست و به موقع کودکان تاثیر مثبتی بر سلامت روان فرزندان می‌گذارید. از جمله تأثیرات مؤثر تشویق کودکان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بیشتر برای خود ارزش قائل خواهد بود؛ خود ارزشمندی در نهایت به تقویت عزت نفس در کودکان منجر خواهد شد.

تقویت عزت نفس؛ عزت نفس بالا در نهایت روحیه افراد را شادتر نگه می‌دارد و احتمال موفقیت را در حوزه‌های مختلف زندگی افزایش می‌دهد.

افزایش پشتکار و تداوم رفتارهای خوشایند در فرزند

از بین بردن نشانه های بی انگیزگی کودکان و افزایش انگیزه و دادن دید بهتر برای دوره های بعدی رشد بخصوص نوجوانی

افزایش انگیزه های درونی

سلامت روان مناسب در نهایت از بروز اختلالات مختلف نظیر افسردگی و انواع اختلالات اضطرابی پیش گیری خواهد کرد

صبر و حوصله در امر تربیت

یکی از مهم ترین خصائصی که داشتن آن برای والدین و مربیان امور تربیتی لازم و ضروری است، صبر و حوصله است. تربیت بدون صبر امکان پذیر نیست. شاید بتوان گفت علت آن که اغلب پیامبران بزرگ الهی قبل از نبوت دوره ای از زندگی خود را به چوپانی گذرانده اند، این بوده است که تمرین صبر کنند تا بتوانند در آینده در برابر مشکلات، بهتر استقامت نمایند

خداوند متعال در قرآن، بارها پیامبر خود را به صبر دعوت کرده است:

(احقاف: 35) فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ

پس صبر کن، آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند

:و نیز فرموده است

(شرح: 1) أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

ای پیامبر! آیا سینه‌ات را برایم نگشودیم؟

نیز زمانی که می‌خواست به قصد هدایت فرعون به A حضرت موسی

:سوی او برود، از خدا چنین خواست

(طه: 25) قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

خدایا! سینه مرا گشاده گردان. (قدرت تحمل و ظرفیت مرا بالا ببر)

والدین نیز که قرار است امر تربیت فرزندان‌شان را بر عهده بگیرند، از

این اصل تربیتی استثناء نیستند. (فرهادیان، 1378، ص 280)

اصل نهم: باهم بودن اعضای خانواده نیز سفارش شده است.

کنار هم بودن اعضای خانواده مخصوصا فرزندان در کنار والدین اثار

مثبتی در تربیت کودکان دارد.

: و در این رابطه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ وَ يُحِبُّ أَهْلَهُ وَوَلَدَهُ وَ أَحَبُّ شَيْءٍ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ
يَرَى الرَّجُلَ مَعَ امْرَأَتِهِ وَ وَلَدِهِ عَلَى مَائِدَةٍ يَأْكُلُونَ فَإِذَا اجْتَمَعُوا عَلَيْهَا نَظَرَ
إِلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ لَهُمْ فَيَغْفِرُ لَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَفَرَّقُوا مِنْ مَوَاضِعِهِمْ ؛

خداوند، مؤمن و خانواده و فرزندان را دوست دارد. محبوب‌ترین چیز نزد خداوند آن است که مرد را با زن و فرزندان بر سفره‌ای ببیند که از آن غذا می‌خورند. پس در آن هنگام که بر سفره گرد آیند، به آنها نگاهی مهربانانه می‌کند و آنها را پیش از آن که از جای خود متفرق شوند،

«می‌آمرزد. «تنبيه الغافلین ، ص ۳۴۳، ح ۴۹۸

بعضی خانواده ها گله مند هستند که موقع صرف غذا میشود و سفره انداخته میشود فرزندان بشقاب خود را برداشته هر کدام گوشه ای به صرف غذا و جدا از خانواده می پردازند که کار نادرستی هست و باید هر طور شده با تشویق و تذکر، کاری کنند همه سر سفره کنار هم باشند.

این عادت نادرست جدای از خانواده غذا خوردن اگر ادامه یابد بعد از ازدواج هم نسبت به همسر اینگونه می شود و باعث ناراحتی همسر می گردد.

خانمی می گفت موقع خوردن غذا، شوهرم ظرف غذای خود را برداشته و در گوشه ای بدون من غذای خود را می خورد و این باعث ناراحتی من شده است!

والدین برای فرزندان دعا کنند

:پیامبر (صلی الله علیه و آله)

دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ ، دُعَاءُ الْوَالِدَةِ يُفْضَى إِلَى الْحِجَابِ؛

دعای پدر برای فرزندش، همانند دعای پیامبر برای امتش است. دعای مادر از موانع اجابت دعا، می گذرد.

مشکاة الانوار، ص ۲۸۲؛ ربیع الابرار ، ج ۲، ص ۲۲۵.....

اصل دهم: حفظ شخصیت کودک

خطر نفی شخصیت کودک در تربیت او

نفی شخصیت کودک باعث ایجاد روحیه انتقام گیری و عقده ای شدن کودک می شود. روانشناسان پس از بررسی های علمی به این حقیقت رسیده اند که بسیاری از جنایتکاران و تبهکاران بزرگ اجتماع کسانی بوده اند که در دوران کودکی از آنها نفی شخصیت شده است یعنی جامعه چنین افرادی را به کلی طرد نموده و هیچ نوع شخصیتی برای آنها قائل نبوده است، این عده وقتی احساس کردند که جامعه آنها را طرد

نموده، یکباره همه پرده ها را کنار زده به رفتارهای زننده غیر اجتماعی دست زده اند تا عقده های خود را خالی کرده، از جامعه انتقام بگیرند، به طور مسلم اگر شخصیت این افراد تا حدودی تثبیت می گشت ممکن بود این نیرو و استعدادها به جای این که در مسیر غلط و ناروا به مصرف برسد در مجرای صحیح و اصولی به کار افتاده، منشأ آثاری می [9].گشتند

دادن شخصیت به کودک: به فرزندان خود شخصیت بدهید همان 3. گونه که در روایات می خوانیم گاهی پیامبر (ص) به احترام کودک خود سجده نماز را طولانی می نماید تا از دوش آن حضرت پایین بیاید و گاهی به احترام کودک دیگران که صدای شیونشان بلند بود، نماز جماعت را با سرعت خاتمه می دهد و بدین وسیله عملاً به مردم درس و روش حفظ شخصیت اطفال را می آموزد

مهم ترین تاثیر بر کودک از طرف والدین است مثلا .پدري که دروغ .
بگوید بر فرزند اثر می گذارد پدري که نماز نخوانده بر فرزند اثر می
گذارد

از دامان ماک مادران فرزندان عالی تربیت می شود فی الارحام
المطهره..خانه ای که در آن قرآن تلاوت شود شیاطین از آنجا می روند
..... ولی اگر در خانه قمار و شراب و زنا و..باشد بچه منحرف می شود

اصل یازدهم: نظارت بر دیدنی و شنیدنی ها

دیدنی ها و شنیدنی های کودک باید سالم از هر بدی باشد. این وظیفه والدین است نگذارند هر صحنه ای را کودک ببیند و یا هر صدایی را بشنود.

کودک مانند دوربین فیلمبرداری همه دیدنی ها و شنیدنی ها رو ضبط می کند و بعد سعی می کند این ها تقلید کند.

پدر و مادر مانند تلویزیون هستند و کودک کاملاً تحت تاثیر رفتارهای آنها قرار می گیرد اولین و مهمترین چیز برای این که بتوانید کودکان را درست تربیت کنید اینست که خودتان را تربیت کنید

بسیاری از پدرها و مادرها تصور می کنند که فقط باید به کودکان بیاموزند..

..بچه ای که صحنه اعدام صدام را دید برادر خودش رو دار زدا!

..بچه ای که ذبح گوسفند را دید داداش خود رو ذبح کرد!

جوانی که به بچه ها تجاوز می کرد گفت در کودکی شاهد عریان بودن والدین بوده است

حاج اقایی از مکه برای فرزندش دستپاه پلی استیشن آورد . فروشنده یک سی دی هم هدیه داده بود

خود پدر با دست خودش غذای مسموم به فرزند داده

باید اول سی دی و دی وی را چک کنیم بعد دست فرزند بدهیم..

گاهی سی دی کارتون بچه ها هم رقص دارد

اداره ارشاد نمایشگاه کتاب در یکی از مراکز استانها زده بود. در یکی از غرفه ها فروش دی وی دی حاوی ده هزار جلد کتاب داشتند. ما یکی تهیه کردیم. وقتی ان را در رایانه قرار دادیم با بررسی معلوم شد لابلای کتابهای اسلامی، کتابهایی با هدف ترویج زرتشتی و وهابیت و بهابیت و کتب ضاله دیگر قرار داده اند!

پس دشمن برای ما برنامه دارد باید ما خیلی مواظب باشیم. می گویند فلان جوان زرتشتی شد چرا؟ چون دشمن او را شکار کرد و والدین و خانواده اش در غفلت بودند!

در یکی از کشورهای اروپایی یک حادثه جالبی اتفاق افتاد! دختری که عمل جراحی داشت در حال بیهوشی اشعار ژاپنی می خواند در حالی که هیچ وقت ژاپن نرفته بود و درس و کتاب ژاپنی نخوانده بود! بررسی کردند چرا این دارد سرود ژاپنی می خواند؟ متوجه شدند او در زمان

کودکی یک پرستار ژاپنی داشته که گاهی کودک خواب بوده پرستار
سرود ژاپنی می خوانده و اینسرود در ذهن کودک جا گرفته است ...

کسی ترانه های زشت بخواند و کودک بشنوداین در ذهنش تا ابد می
ماند...موسیقی برای کوک مضر است..موسیقی باعث آرامش نمیشود بلکه
یاد خدا باعث آرامش میشود لذا نباید کودک را کلاس موسیقی
فرستاد.پول دادن برای موسیقی حرام است. اولین کسی که موسیقی
استفاده کرد شیطان بود...از کلاس موسیقی ادم درست تربیت
نمیشودبلکه روابط نامشروع ایجاد میشود. از کلاس قران است که
حضرت امام و شهید سلیمانی درست میشود. از مسجد انسان های بزرگ
تربیت میشود.شهدای ما از مساجد به درجات بالای معنوی رسیدند.
.....در اطاقی که کودک در خواب است عمل جنسی انجام نشود
کودکی که مراسم رقص و پایکوبی را ببیند در ذهنش می ماندو اگر در
مسجد نماز را ببینداین صحنه در ذهنش ثابت می ماند.

براساس آمار اعلام شده امروز اصلی ترین مصرف کننده فضای مجازی،
افراد زیر 18 سال هستند یعنی حدود 14 میلیون مصرف کننده فضای
مجازی در این سن داریم که بسیاری از کودکان زیر 7 سال نیز در
فضای مجازی هستند و براساس پیمایش صورت گرفته بیش از 47
درصد کودکان زیر 7 سال تبلت اختصاصی دارند
پس والدین مانند باغبان هستند هرچقد بیشتر دقت کند باغ بهتری
بدست می آید..

سه دسته کودک داریم

فرزندان از نظر تربیت پذیری به سه دسته تقسیم می‌شوند یک دسته خودجوش به کارهای خوب علاقه دارند. به مسجد و نماز و قران علاقه مندند. به هیات و روضه و کمک به دیگران مشتاقند.

یک روز عصر حدود ساعت چهار من تو مسجد بودم دیدم نوجوانی نه ساله از مکبرین مسجد وارد شد. بعد چند دقیقه بطرف محل قران ها رفت و شروع به مرتب کردن انها کرد. بعد امد گفت دستمال و پارچه میخوام تا مسجد رو تمیز کنم. براش فراهم شد شروع به غبار رویی و تمیز کردن مسجد کرد. بعد پشתי ای مسجد رو مرتب کرد.. خلاصه حدود دو ساعت این کودک مسجد رو تمیز می کرد بدون کسی به او گفته باشد. خودجوش مسجد را تمیز کرد..

پدری گفت پسر من که راهنمایی درس می خواند تا الان سی و چهار روز
روزه مستحبی تو این دوماه رجب و شعبان گرفته است...

دسته دوم مثل دسته اول خودجوش نیستند بلکه باید آنها را به کارهای
خوب هل داد! اینها با بشارت و تشویق در مسیر درست قرار می گیرند...

دسته سوم اینها با تشویق هم بطرف کارهای خوب نمی روند. حالا یا
بخاطر دوست ناباب یا ژنی که از یک ادم طالح در آنهاست یا دلایل
دیگر نه علاقه به دین دارند و نه با تشویق راضی می شوند مثلا نماز
بخوانند. قرآن یاد بگیرند. در مراسمات مذهبی شرکت کنند و..

اینها را باید با اجبار و انذار به این اعمال صالح واداشت.

..علامه جزایری می گوید پنج ساله بودم و مشغول بازی ولی پدرم به
اجبار مرا به مکتب فرستاد.. وایشان علامه شدند و منشا خدمات بزرگی
به کشورمان و به اسلام و مسلمین گردیدند

ایا کودکان دچار استرس می شوند؟

در گذشته‌های نه چندان دور خانواده‌ها دانش و اطلاعات کافی نداشتند و شاید فکر نمی‌کردند که هیچ‌گاه کودکانشان هم درگیر استرس و اضطراب شوند. به همین دلیل دنبال راهکاری برای درمان استرس و اضطراب نیز نبودند. اما خانواده‌های امروزی اطلاعات بیشتری در این زمینه دارند؛ وقتی متوجه این موضوع شوند که کودکانشان درگیر استرس و اضطراب زیادی هستند، به دنبال راه‌حلی برای رفع آن می‌گردند

چگونه متوجه شویم کودکان استرس دارد؟

اگر شما هم مثل خیلی از افراد دیگر نشانه‌های استرس در کودکان را نمی‌شناسید؛ نگران نباشید چراکه در این قسمت به مهم‌ترین موارد اشاره می‌کنیم.

- ناخن خوردن
- شب ادراری
- معده درد
- بی خوابی
- دیدن کابوس در خواب
- سردرد
- کاهش اشتها یا پر خوری
- تپش قلب

عوامل استرس کودک چیست؟

اگر سر کودک داد بکشید احتمال دارد دچار استرس شود

اگر کودک شاهد دعوا و نزاع و شاید کتک کاری والدین باشد احتمال دارد استرس پیدا کند!

اگر معلم کودک را تنبیه کند...اگر کودک با کودکان دیگر نزاع کند و کتک کاری کنند...اگر فیلم جنایی ببیند...اگر حیوان درنده ای به او حمله کند...اگر از چیزی سخت بترسد ...و...

چرا باید از بازی هایی برای کاهش استرس کودکان استفاده کنیم؟
آیا تابه حال نام بازی درمانی را شنیده اید؟ درمانگران و متخصصان زیادی
از این روش برای کاهش استرس و اضطراب کودکان پیشنهاد می دهند.
شما به عنوان پدر و مادر کودک خود می توانید با حرف زدن هم مشکل را
در کودکان بزرگ تر رفع کنید.

بازی درمانی برای بچه هایی مناسب است که در سنین کمتر هستند و
راحت نمی توانند درباره احساسات و نگرانی های خودشان صحبت کنند.
حتی برخی از روانشناسان این روش را برای بزرگسالان نیز پیشنهاد
می کنند. از طرفی روانشناسان به کمک بازی می توانند با کودکان ارتباط
خوبی برقرار کنند. بهترین سن برای استفاده از بازی درمانی ۳ تا ۱۲
سال است.

کدام بازی ها باعث کاهش استرس کودکان می شود؟
در این قسمت قصد داریم بازی هایی برای کاهش استرس کودکان را به
شما معرفی کنیم. البته نباید فراموش کنید که اگر کودک شما مدت
زمان طولانی درگیر استرس است، شاید این بازی ها کارساز نباشد و نیاز
به روانشناس کودک داشته باشید.

در ادامه به اسباب بازی های ضد استرس اشاره می کنیم که شما می توانید با توجه به علاقه کودک خود بهترین بازی را انتخاب کنید.

خمیر اسلایم؛ بهترین بازی برای کاهش استرس 1.

خمیر اسلایم (خمیر جادویی) با رنگ ها و شکل های متنوعی روانه بازار شده است. تابه حال به ذوق کودکان در زمان خرید اسلایم توجه کرده اید؟ اسلایم یک بازی جذاب و هیجان انگیز برای کودکان است. از مهم ترین مزیت های آن می توانیم به افزایش خلاقیت کودکان و کاهش استرس آنها اشاره کنیم! کودک شما با فشردن اسلایم استرس را از خود دور و آرامش را مهمان خانه شما می کند.

قیمت این اسباب بازی ها چندان بالا نیست و شما می توانید اسلایم را در شکل و اندازه متنوع تهیه کنید.

فیجت؛ یکی از اسباب بازی های ضد استرسی 2.

شما می توانید فیجت های ضد استرس را برای کودکان خود تهیه کنید؛ این فیجت ها انواع مختلفی دارند؛ از اسپینر گرفته تا توپ و پاییت فیجت ضد استرس! شاید نام آن را نشنیده باشید اما حداقل یک بار این اسباب بازی هیجان انگیز را در دست کودکان یا پشت ویتترین مغازه ها

دیده‌اید. معمولا اسپینر به عنوان یکی از اسباب بازی های ضد استرس به فروش می‌رسد. شما می‌توانید این فیجت‌ها را برای کودکان خود تهیه کنید تا در کنار بازی، استرس و اضطرابشان کاهش پیدا کند.

لگو؛ بهترین بازی کاهش استرس 3.

لگو تنها یک اسباب‌بازی برای کودکان نیست بلکه بعضی از لگوها برای بزرگسالان هم مناسب است. کودکان شما می‌توانند به کمک لگوها سازه‌های کوچک و بزرگی را بسازند و هر بار آن را خراب کنند و اسباب‌بازی جدید خود را خلق کنند. کاهش استرس و اضطراب، بهبود قوه تخیل و افزایش اعتماد به نفس و تقویت انگشت‌های دست از مهم‌ترین مزایای این بازی هیجان‌انگیز است.

کاهش استرس با چیدن پازل 4.

پازل یکی دیگر از اسباب بازی های ضد استرس است که در طرح و شکل‌های متنوعی وجود دارد. کودکان به کمک پازل‌ها ساعت سرگرم می‌شوند و می‌توانند به دور از استرس آن را در کنار هم قرار بدهند و به طرح اصلی برسند.

دومینو بازی آرامش اعصاب و کاهش استرس 5.

دومینو به عنوان یکی از اسباب بازی های ضد استرس برای کودکان و بزرگسالان شناخته می شود. اگرچه تعداد قطعات دومینو زیاد است اما یادگیری آن آسان است و می تواند کودکان را ساعت ها سرگرم کند. کودکان به کمک دومینو می توانند سازه های خلاقانه ای را درست کنند؛ هر بار که کودکان شکست می خورند سعی می کنند دوباره از نو آن را بسازند تا به موفقیت برسند.

کاهش استرس و تقویت تفکر استراتژیک از مهم ترین مزیت های دومینو هستند که این بازی را تبدیل به یک بازی مفید برای کودکان کرده است.

معرفی چند بازی فکری برای کاهش استرس و اضطراب کودکان بچه ها برای انجام بازی های فکری نیاز به تمرکز، دقت و توجه زیادی دارند. به همین دلیل این بازی ها برای کاهش استرس و اضطراب کودکان بسیار مفید هستند. بازی هایی برای کاهش استرس هستند که در ادامه به معرفی آنها می پردازیم.

مکعب روییک 1.

مکعب روییک جز بازی هایی برای کاهش استرس در کودکان شناخته می شود. بچه ها باید روش های مختلفی را امتحان کنند تا بتوانند مکعب را به درستی کامل کنند. البته این بازی اگرچه نیاز به دقت و توجه دارد اما گاهی اوقات نیاز است شما هم به کودک خود کمک کنید تا از چرخش مکعب روییک خسته نشود و بتواند در سریع ترین زمان آن را حل کند.^{۱۶}

و...

¹⁶ <https://rayad.org>

اصل دوازدهم: ایجاد باورهای دینی

برای آموزش از کجا شروع کنیم؟

مهم ترین اعتقادی که باید در وجود انسان نهادینه شود، اعتقاد به خداوند، دوستی پیامبر(ص) و اهل بیت((ع)) می باشد؛ چنان که پیامبر خدا(ص) فرموده است: «کسی که خردسالی را تربیت کند تا بگوید لا اله الا الله، خداوند از او حساب نمی کشد.» [۱] در سخن دیگری نیز فرموده است: «أَدِّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ عَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فرزندانان را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن چگونه فرزند خود را برای نیکو شدن یاری نماییم؟»

:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

مهر خداوندی از آن کسی باد که فرزند خود را در نیکو شدنش  یاری دهد.

روایتگر حدیث می گوید: به حضرت عرض کردم: چگونه می تواند او را در نیکو شدنش یاری دهد؟

حضرت فرمودند:

کاری را که بآسانی انجام داده است از وی بپذیرد؛ 

از کاری که انجام دادن آن برایش سخت است درگذرد؛ 

او را به کاری بیش از توانش وا ندارد؛ 

و وی را نادان نپندارد 

«حضرت زهرا(س) برای اینکه فرزنداناش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می خواباندند و همچنین موقع احیاء اگر

فرزندى خوابش مى برد، آب به صورتش مى زدند. تا از فيض شب قدرى بهره نمانند.)

(امام باقر(ع) بعد از نماز صبح نمى گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند مى فرمودند قرآن بخوانند و هر که بلد نبود مى فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)

[.الكافی، کلینی ج 6، ص 140].»

نماز

قرآن فرموده خانواده ات را به نماز امر کن و بر این کار استقامت نما! و اهل بیت علیهم السلام گفتند از ۷ سالگی بچه هارا به نماز امر کنید..

والدین حتما در مساله نماز فرزندان جدی باشند و در این مورد جای گذشت و مسامحه نیست زیرا اگر فرزند نماز خوان باشد از بسیاری از انحرافات نجات می یابد لذا ابتدا از طریق محبت و تشویق و بشارت باید فرزند را به نماز واداشت که

انشالله موثر است اما اگر موثر واقع نشد نوبت انذار و تهدید و و در آخر تنبیه است
که در حدیث نبوی فرمودند اگر حاضر به خواندن نشد فاضربه!

بقول شاعر:

گندم از گندم بروید جو زجو!

اگر پدر با نماز باشد. اهل روزه باشد. اهل تلاوت قران باشد. نسبت به
گناه حساس باشد، فرزندان مومنی تربیت می نماید.

آقایی می گفت زنم و دخترم کارهای زشت می کنند! از وی سوال شد
شغلت چیست؟ گفت راننده بیابانم. از او سوال شد آیا نماز می
خوانی؟ گفت گاهی!

وقتی پدر بی نماز است! اکثرا در سفر می باشد و علل دیگر. انوقت چه
انتظار است که فرزندان نماز خوان و پاکدامن باشند!

گفتند که یه آقایی پیش یه روحانی رفت و گفت زنم نماز
نمیخونه! روحانی گفت بش بگو اگر بخونه میره بهشت! گفت بش گفتم
قبول نمی کنه! روحانی گفت بش بگو اگر نخونه میبرنش تو جهنم! گفت

اینم بش گفتم فایده نداره! روحانی گفت زنت چی میگه؟ گفت میگه اول
خودت بخون تا منم بخونم! روحانی گفت خب درست میگه!

سخن از دل بر آید لاجرم بر دل نشیند!

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به برخی از کودکان نگاه کردند
و فرمودند: وای بر اولاد آخر الزمان از دست پدرانشان! سؤال شد یا
رسول الله: آیا از پدران مشرک آنان؟ فرمودند:

خیر، از دست پدران مؤمن آنها، چون واجبات دین را به فرزندانشان نمی
آموزند و اگر اولاد آنها بخواهند، بیاموزند، آنان را منع می کنند. و تنها به
این قانع هستند که فرزندانشان از مال دنیا چیزی را به دست آورند. من
از آنها بیزارم و آنها هم از من بیزارند^{۱۷}

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ
أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ^{۱۸}

نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج 2 ص 625؛¹⁷

غیر از خدا هر که را می خواهید پرستید بگو حقیقتاً زیانکاران کسانی
هستند که خود و خانواده شان در قیامت جزو زیانکاران هستند و این
زیانی آشکار است!

اقایی می گفت من یتیم بودم و سرهنگی از ژاندارمری که ادم مومنی بود مرا
بزرگ کرد. او به من که اسمم قنبر علی است می گفت قنبر! اگر نماز نخوانی نون
بت نمیدهم!

و با فشار ایشان من نماز خوان شدم.

کودکان که اهمیت نماز را نمی دانند والدین باید آنها را وادار به این بهترین عمل
در اسلام و به این عملی که کودک را در مقابل فحشا و منکرات واکسینه می
کند بنمایند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اذا عرف الغلام یمینه من شماله
فمروه بالصلاه

اگر پسر دست راست و چپ خود را از هم تشخیص داد، به او دستور دهید (و او
را وادارید) تا نماز بخواند

امام سجاد علیه السلام کودکانی را که نزد او بودند وامی داشت که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم بخوانند. به آن حضرت اعتراض شد. فرمود: این عمل برای آنها سبک تر و بهتر است و سبب می شود که به خواندن نماز پیشی بجویند و برای خوابیدن یا سرگرمی به کار دیگر نماز را ضایع نسازند، و امام، کودکان را به چیز دیگری غیر از نماز واجب دستورشان نمی داد و می فرمود: اگر قدرت و طاقت بر خواندن نمازهای واجب داشتند آنان را محروم نسازید^{۱۹}

عبدالله بن فضاله گوید: از امام صادق یا امام باقر شنیدم، که می فرمود: یترک الغلام حتی یتم له سبع فاذا تم له سبع سنین قیل له اغسل وجهک و کفیک، فاذا غسلهما قیل له صل ثم یترک حتی یتم له تسع سنین، فاذا تمت له علم الوضوء و ضرب علیه و أمر بالصلاه و ضرب علیها، فاذا تعلم الوضوء و الصلاه غفرالله لوالدیه ان شاءالله^{۲۰}

کودک را تا هفت سالگی بحال خود می گذارند. پس اگر هفت سالش تمام شد به او گفته می شود که صورت و دستانت را بشوی و اگر چنین کرد بار دیگر رهایش می کنند تا اینکه نه ساله شود، پس اگر نه سالش تمام گشت وضو یادش دهند و برای وضو گرفتن (اگر سرپیچی کند) او

وسائل الشیعه، ج 3، ص 14 و 16^{۱۹}

وسائل الشیعه، ج 3، ص 13.^{۲۰}

را بزنند، همچنین به نماز وادارش می سازند و بر خواندن نماز (اگر سرباز زند) او را بزنند. پس اگر وضو و نماز یاد گرفت خداوند پدر و مادرش را خواهد بخشید ان شاءالله

و از پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمود: أدب صغار أهل بیتک بلسانک علی الصلاه والطهور فاذا بلغوا²¹ عشر سنین فاضرب ولا تجاوز ثلاثا

فرزندان خود را با زبان بر نماز و وضو عادت دهید، و اگر به سن ده سالگی رسیدند آنها را برای واداشتن به نماز بزنید ولی از سه ضربه تجاوز نکنید.

معاویه بن وهب گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: فی کم یؤخذ الصبی بالصلاه فقال فیما بین سبع سنین و ست سنین²²

در چه سالی کودک را وادار به نماز می کنند؟ امام فرمود: بین شش و هفت سالگی.

روایات زیادی (در حدود سی روایت) از معصومین - علیهم السلام - نقل

مجموعه ورام، ص 358.²¹

وسائل الشیعه، ج 3، ص 12.²²

شده که فرزندان خود را به نماز وادار کنید ولی اینکه مشخصا در چه سنی کودک را وادار به نماز کنند در روایات اختلاف است. سالهایی که بدین منظور در روایات ذکر شده به طور متفاوت. از سن شش تا سیزده سالگی است، که از مجموع روایات و جمع بندی آنها می توان گفت: والدین وظیفه دارند که قبل از بلوغ فرزند با شیوه های مختلف تربیتی او را به خواندن نماز وادارند و دست آخر اگر احیانا در خواندن نماز سستی و بی اعتنائی کرد می توانند او را تنبیه کنند. (در حد معقول)

سنین قبل از بلوغ، از هفت تا پانزده سالگی در پسران و تا نه سالگی در دختران را شامل می شود و نمی توان دقیقا مشخص کرد که در چه سنی باید کودک را اگر چه با تنبیه، به نماز واداشت

اما به نظر می رسد که سن هفت سالگی مدنظر باشد همچنانکه بیشتر روایات مؤید و نشانگر این نکته است

حسن بن قارون می گوید: از حضرت امام رضا (علیه السلام) پرسیدم... مردی فرزند خود را به نماز خواندن مجبور می کند چون گاهی یکی دو روز نماز نمی خواند.

امام فرمود: (فرزندش) چند سال دارد؟ عرض کردم: هشت سال

امام فرمود: سبحان الله! نماز را ترک می کند؟

عرض کردم: اگر نماز بخواند احساس ناراحتی می کند. امام فرمود: به هر صورتی

که می تواند نمازش را بخواند و آن را ترک نکند

مساله نماز فرزندان یکی از دغدغه های مهم خانواده های مومن و متدین است.

بعضی سوال می کنند بچه های ما نماز نمی خوانند! چکار کنیم نماز بخوانند؟

جواب همان است که بالا عرض کردیم. اول از راه تشویق اگر نتیجه نداد از راه

انذار!

امام صادق (ع) سفارش کرده اند که در 5 سالگی، به کودک، سجده آموزش

داده شود. همچنین امام می فرمایند: «کودک خود را تا 6 سالگی فرصت دهید،

سپس او را در فراگیری کتاب به مدت شش سال تربیت کنید. (وسائل باب 82

حدیث 2) شارع اسلام در زمینه های دیگر تشریعی نیز به تفاوت بین کودکان

توجه دارد مانند حدیثی که درباره اقامه نماز میت برای کودک متوفای 5 ساله

وارد شده است. از حضرت صادق (ع) سوال شد؟ «آیا اگر کودک 5 ساله ای

بمیرد، باید نماز میت بر او خواند؟ حضرت فرمود: اگر نماز را فهمید و درک می

کرد، بر او نماز خوانده شود». (وسائل باب 13 حدیث 4)

علاوه بر آموزش اعمال واجب اعم از روزه و نماز در 7 سالگی ، امام صادق (ع) در زمینه تعلیم احادیث اسلامی می فرمایند: «احادیث اسلامی را به فرزندان خود هر چه زودتر بیاموزید ، قبل از آن که مخالفان بر شما سبقت گیرند». (کافی ج 6 ص 76) امام صادق (ع) درباره روزه گرفتن کودکان می فرمایند: «ما به کودکان خود در 7 سالگی می آموزیم که هر قدر طاقت دارند، نصف روز باشد ، یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و هرگاه گرسنگی بر تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار کنند ، تا این که به روزه گرفتن عادت کنند و آن را تحمل نمایند. پس شما از کودکان خود بخواهید که در 9 سالگی هر قدر که طاقت روزه دارند، روزه بگیرند و هرگاه که تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار کنند». (فروع کافی ج 2، ص 124)

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ (تحریم، 6) ای کسانی که ایمان آورده اید؛ خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید.» مولا امیرالمومنین (ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيَكُمْ الْخَيْرَ وَادَّبُوهُمْ؛ (میزان الحکمه، ج 1، ص 103) یعنی به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید

زمان شروع تربیت دینی چه موقع است؟

زمان شروع تربیت دینی از دوران نونهالی است؛ چرا که فطرت خداجوی

کودک هنوز دست نخورده است و این، کار مربی را بسیار آسان می کند.

حضرت علی (ع) می فرمایند: «آنچه را فرد در کودکی می آموزد، مانند نقشی

است که روی سنگ حک می شود.» (بحار الانوار، ج 1، ص 224) یا اینکه

می فرمایند: «قلب کودک مانند زمین خالی است که هر بذری را در آن بریزند،

رشد خواهد کرد» (19)

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «وقتی فرزندان شش ساله شدند، امر کنید نماز

بخوانند. وقتی هفت ساله شدند، در این باره بیشتر تأکید کنید و در صورت لزوم

می توانید آن ها را بزنید

..سیره حضرت امام درباره نماز فرزندان

نماز خوانده ای؟

خانم فریده مصطفوی (دختر امام خمینی)، نقل می کند:

«تازه مکلف شده و شب خوابیده بودم که آقا با اخوی وارد شدند. خیلی سرحال و خوش حال بودند. پرسیدند: «نماز خوانده ای؟» من فکر کردم چون الان آقا سرحال هستند، دیگر نماز خواندن من هم برایشان مسئله ای نیست. گفتم: نه! ایشان به قدری تغییر حالت دادند و عصبانی شدند که ناراحتی سراسر وجودشان را فراگرفت و من خیلی ناراحت شدم که چرا با حرف و عمل مجلس به آن شادی را تلخ کردم». (ستوده، پابه پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۳۹)

از هفت سالگی:

خانم خدیجه ثقی (همسر امام خمینی) نقل می کردند:

«امام از هفت سالگی در تربیت دینی کودکان دقت داشتند و می گفتند: بچه ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه را تشویق به نماز کن، تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند». (خمینی، امام در سنگر نماز، دفتر ۷، ص ۱۰۴؛ میریان، پدر مهربان، ص ۷۵)

عادت به حجاب:

فروع السادات پسندیده (دختر آیت الله پسندیده) نقل می کند: «یک دفعه من و همسرم و آخرین دخترم که فکر می کنم پنج سالش بود به قم خدمت امام رفتیم. آقا همیشه خیلی با محبت و علاقه برخورد می کردند. وقتی خدمتشان رسیدیم، گفتند: اسم این دختر شما چیه؟ گفتم: فریبا. گفتند: چرا چیزی سرش نکردید؟ گفتم: آقا این پنج-شش سالش است. گفتند: باشد، پنج-شش سالش باشد، سرش کن، عادت می کند. گفتم: باشد، حتماً.

حضرت امام در مورد حجاب و رو گرفتن خیلی تأکید می کردند». (میریان، پدر مهربان، ص ۷۵)

سفارش به نماز

زهره اشراقی (نوه امام خمینی)، نقل می کند:

«آقا راجع به نماز بچه ها بسیار سفارش می کردند؛ نسبت به اینکه فرزندان شان نمازهای خود را در اول وقت به جا بیاورند». (مجله سروش، شماره ۴۷۶)

۲- تفاوتی نداری

عاطفه اشراقی (نوه امام خمینی)، نقل می کند: «ده سال بیشتر نداشتم که با برادرهایم و پسرخاله ام قایم موشک بازی می کردیم، حجاب هم داشتم اما امام یک روز مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ تفاوتی [از لحاظ تکلیف شرعی] با خواهرتان ندارید. مگر او با پسرها بازی می کند که شما با پسرها بازی می کنید؟ از آن روز به بعد با پسرها بازی نکردم». (مجله زن روز، شماره ۱۲۶۷، ص ۴۷)

۳- زود برو نمازت را بخوان

بچه ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی تواند نماز صحیح بخواند؛ ولی صورت نماز را می تواند بخواند. از هفت سالگی می تواند به نماز عادت کند؛ چه پسر و چه دختر؛ یعنی همان اولی که بچه به دبستان می رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند؛ در خانواده هم باید به او یاد بدهند. (مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۱۰۰)

محمد تقی شریعتی (نوه امام خمینی)، نقل می کند: «یک روز امام داشتند توی حیاط راه می رفتند که من آمدم از کنارشان رد شوم. به من گفتند: بیا اینجا. من رفتم پیش ایشان، به من گفتند: نماز ظهر و عصر را خوانده ای؟ گفتیم: نه! گفتند: زود برو نمازت را بخوان که از ثوابش کم نشود». (مجله سروش، شماره ۴۶۷، ص ۱۱)

مرتضی اشراقی (نوه امام خمینی)، چنین نقل می کند: «امام می پرسیدند: نماز خوانده اید؟ می گفتیم: بله، نماز ظهر را خوانده ایم، ولی نماز صبح

را خواب ماندیم. می گفتند: نماز صبح را خواب می مانید، می توانید هر وقت که بیدار شدید، نماز صبح را بخوانید.

یک بار من گفتم: اگر بلند شدیم ساعت دو بود چی؟ گفتند: نماز صبح را بخوان! یعنی حتی قبل از اینکه اذان بگوید. ایشان به این طریق روحیه ما را تشویق می کردند، چون هنوز به ما نماز واجب نشده بود و به مرور به این مسأله عادت می کردیم». (میریان، پدر مهربان، ص ۷۰)



بهترین راه برای تشویق فرزندان به نماز چیست؟

اگر والدین اطلاعات خوبی درباره فواید نماز داشته باشند وان را برای فرزند بازگو کنند در تشویق فرزند به خواندن نماز موثر است.

مثلا بگویند:

اگر نماز بخوانی هیچوقت معتاد نمیشی

اگر نماز بخوانی هیچوقت دزد نمیشی

اگر نماز بخوانی هیچوقت قاچاقچی نمیشی

اگر نماز بخوانی هیچوقت دنبال کارهای زشت نمیری

اگر نماز بخوانی هیچوقت کارت به زندان نمی کشه

اگر نماز بخوانی خدا همیشه یاورته

اگر نماز بخوانی شیطان را عصبانی می کنی

اگر نماز بخوانی هیچوقت فقیر نمیشی

اگر نماز بخوانی در کارهات موفق میشی

پیامبر خدا نماز را به پنج بار شستن بدن در روز تشبیه کرد...

امام علی علیه السلام فرمودند

و شبهها رسول الله - صلى الله عليه وآله - بالحمۃ تكون علی باب الرجل
فهو یغتسل منها فی الیوم و اللیلة خمس مرات فما عسی ان یرقی علیه من
الدرن ؛

پیامبر خدا (ص) نماز را به چشمه آب گرم که بر در خانه شخص باشد و روزی پنج نوبت خود را در آن شست و شو دهد، تشبیه کرد و فرمودند: .آیا با چنین شست و شوها چیزی از آلودگی بر بدن باقی می ماند نهج البلاغه ، خطبه 199

...و

این داستان رو هم بگویید جالب است:

□♂□□♂□ کمر دردی که بدون دارو خوب شد

چند سال پیش یکی از همکاران قصد می کند که سفری به تهران داشته باشد

از مدت ها قبل کمر درد داشت و مداوم از دیسک کمرش و سیاتیک می نالید .

یکی دو روز مانده بود به نوروز که بار سفر را مهیا می کنند و راهی سفر می شوند

تصمیم میگیرند بدون *اینکه در جایی توقف آنچنانی داشته باشند،
به طور مداوم مسیر طولانی 10 _ 12 ساعته جاده کویری را طی کنند و
. سریعتر خودشان را به تهران برسانند

وقتی که به تهران می رسد ، به دلیل نشستن طولانی در پشت فرمان
اتومبیل ، از درد کمر بی تاب می شود و قبل از اینکه عرق راه بر تنش
. خشک شود ، مجبور می شود برود پیش آقای پزشک

اولین مطب پزشکی که به چشمش می خورد را انتخاب می کند و تصمیم
. میگیرد برود پیش ایشان

متخصص ارتوپدی ، مفصل و استخوان و غیره _ از پله های مطب * _
*. با هر زحمتی که بوده ، میرود بالا

* میگوید : رسیدم پیش *آقای دکتر

بعد از سلام و احوالپرسی ، با حال زار و نزار ، نشستم روی صندلی و
عرض حال کردم .

آقای دکتر نگاهی به من کرد و گفت : مسلمانی ؟

گفتم : بله ، آقای دکتر

چطور مگه !؟

گفت : اگر مسلمانی چطوری دیسک گرفتی ؟ و رگ سیاتیک شما
اینقدر درد میکند!؟

گفتم : آقای دکتر ! رگ سیاتیک و دیسک کمر چه ربطی به دین و
مسلمانیم داره !؟ مگر هر کسی مسلمان است کمرش درد نمی گیرد!؟

. خندید و گفت : من از آرامنه هستم . الان جوابت را میدهم

به من گفت : پا شو . از جای خودم بلند شدم . گفت : نماز بخوان !!!
گفتم : قبلا خوانده ام . یه خنده دیگری کرد و گفت : منظورم صوری
. (نمایشی) است

دو رکعت نماز مثل همان نمازهایی که در خانه می خوانی ، همینجا
. بخوان

شروع کردم به خواندن نماز . وقتی نمازم تمام شد ، آقای دکتر گفت
: برای همین است که دیسک کمر داری و رگ سیاتیک شما اینقدر
خشک شده

و این همه کمربند درد می کند . این نمازی که شما خواندی ، آن .
نمازی نبود که چاره ساز باشد و مشکلات جسمی شما به واسطه ی
خواندن آن مرتفع شود . این رکوع و سجده هایی که شما کردی ثانیه
! ایی هم طول نکشید !!! اینها نمی تواند دردی از شما را دوا کند

اگر در نماز طمانینه داشتی و با آرامش رکوع و *سجده میکردی
. هیچ وقت به این مشکلات مبتلا نمی شدی

هنگامی که به رکوع می روی باید بدن شما به حالت زاویه قائمه دریاید
*. *باید گردنت را به سمت جلو بکشی و در این حالت است که وقتی دو
دستت را بر سر زانو هایت میگذاری ، پاهای شما یک مقدار به عقب
هدایت می شود و یک مقدار کشش در بدن شما ایجاد می شود و این
. باعث کشیده شدن رگ سیاتیک شما می شود

تداوم این کار باعث حرکت کردن و نرم شدن آن می شود و شما به
. کمردرد مبتلا نمی شوی

وقتی اینقدر سریع سر از سجده بر میداری اصلاً به بدنت فرصت نمی
دهی که خودش را در حالت سجده پیدا کند و از سجده کردن شما تاثیر
. بپذیرد

مقداری داروی مسکن و پماد موضعی و غیره به من داد و گفت : از
مهم‌ترین راه‌های درمان رگ سیاتیک شما و دیسک کمر و آرتروز این
است که ؛ با آرامش بیشتری و حوصله افزون‌تری نماز را بخوانی

نماز جدای از اینکه یک حرکت کاملاً عبادی است و باعث تزکیه نفس
. می شود ، یک ورزش بسیار ارزشمند برای بدن انسان است

حضرت علی علیه السلام می فرمایند : در رکوع ، گردنت را کاملاً
. کشیده بگیر ، چنان که می‌خواهی در راه خدا شمشیر بخوری
این حرکت باعث کشیده شدن تمام اعضا و جوارح از سر انگشتان پا تا
. سر شما شده و دردهای مذکور را درمان میکند

از اینکه مسلمان بودم و یک هم نوع مسیحی مرا به روش درست نماز
خواندن توصیه می کرد ، خیلی شرمنده شده بودم

امیدوارم هیچ کدامتان در این موقعیتی که من قرار گرفتم ، قرار نگیرید

از پله های مطب که می آمدم پایین ، حرف های جناب دکتر را در ذهنم
مرور می کردم و دچار شک و تردید بودم . ولی بعد از چند ماهی که
. خودم رو در نماز خوندن مقیدتر کردم ، نتیجه اش را دیدم



مرکز طب اسلامی استاد تبریزیان □ ✓  

گروه شماره 30

فراهم کردن فضای معنوی در خانواده

پدر و مادر بویژه پدر باید فضای خانواده را یک فضای معنوی بنمایند. که
در این خانه، پدر و مادر خود نماز می خوانند و حتی برای نماز شب هردو
بیدار می شوند. اهل تلاوت قران هستند. اهل نماز جمعه و جماعات می
باشند. اهل دعای ندبه هستند. اهل روضه اهل بیت علیهم السلام گرفتن

و رفتن به مجالس روضه می باشند. در این خانه از غیبت خبری نیست. از صحبت کردن درباره امور لغو و بیهوده اجتناب میشود و معمولا در مورد مطالب مفید صحبت می شود. از حرف زشت و ناسزا خبری نیست و همدیگر را با احترام صدا می کنند و هم را مسخره نمی نمایند و از موسیقی و امثال هم در این خانه اثری نمی یابید. آنوقت کودکانی که در این خانه تربیت خواهند شد عالی خواهند بود.

آموزش قرآن کریم

یکی از حقوق فرزندان، تعلیم قرآن به آنهاست؛ امیرالمومنین علی(علیه السلام) در این باره می فرماید: فرزند را بر پدر حقی است و پدر را بر فرزند حقی، حق پدر بر فرزند آن است که فرزند در هر چیز جز نافرمانی خدای سبحان او را فرمان برد و حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد و نیکو تربیت کند و قرآنش تعلیم دهد.

این تعلیم قرآن می تواند توسط خود پدر به طور مستقیم صورت گیرد و یا اینکه برای فرزندش معلم قرآن بگیرد که در این رابطه اکثر مسلمین غافل بوده و پدران به این حق عمل نمی کنند.

گاهی والدین نسبت به آشنایی فرزندان با قرآن بی تفاوتند ولی برای آموزش های دیگر اهتمام عجیبی دارند در حالی که قرآن راه رستگاری را آموزش می دهد. تنها معجزه ای که در حال حاضر از پیامبران در اختیار بشر قرار دارد قرآن کریم است، قرآن وسیله هدایت انسان از ظلمت به سوی نور است ولی به تنهایی کافی نیست و به تبیین کننده نیاز

دارد. آموزش قرآن کودکان یکی از حقوقی است که برگردن والدین می باشد و برای آشنا کردن آنها با مهم ترین حقشان باید آن را بلند در حضورشان بخوانیم.

تلاوت قرآن در خانه در سایر افراد خانواده اثر دارد، پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی آنان است فرزندانشان نیز به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مند می شوند و این خود یکی از راه های تعلیم قرآن به فرزندان است، زیرا کودک و نوجوان به طور عمده تحت تأثیر سخنان والدین، معلمان و دوستان است و این تأثیرپذیری در کودکی بیشتر از پدر و مادر است.

امام حسین علیه السلام برای تعلیم قرآن فرزندش معلم استخدام نمود و هنگامی که معلم به فرزند امام سوره حمد را یاد داد امام مزد و پاداش بزرگی به او پرداختند.

تلاوت سوره کافرون به هنگام خواب

از رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که آن حضرت به برخی از یارانش فرمود: اذا أردت اماناً فاقراً هذه السورة یعنی الجحد..^{۲۳}

و قال (صلی الله علیه و آله و سلم) قولوا لصبيانكم اذا أرادوا المنام ان يقرأوا هذه السورة حتى لا يتعرض لهم الجن^{۲۴}

هر گاه خواستی بخوابی سوره کافرون را بخوان... همچنین فرمود: وقتی فرزندانان خواستند بخوابند به آنان نیز بگویند همین سوره را بخوانند تا جنیان به آنان آسیبی نرسانند

در روایت است که خداوند عذاب قبری شخصی را برداشت زیرا معلم به فرزند آن شخص بسم الله الرحمن الرحيم یاد داد. (تفسیر روض الجنان وروح الجنان)

پیامبر خدا ص فرمود: هر گاه معلم به کودکی امر کند که بسم الله الرحمن الرحيم بگوید. خداوند آن کودک و والدینش و معلم را می آمرزد. (منهج الصادقین)

^{۲۳} مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۹۵.

^{۲۴} مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۹۵.

واژ رسول خدا ص روایت شده که خداوند قومی را عذاب کرد ولی به خاطر اینکه بسم الله الرحمن الرحیم بر زبان کودکانی از آن قوم جاری شد خداوند عذاب را از آن مردم بمدت چهل سال برداشت

در دانشگاه تدریس داشتم در کلاسی از 70 دانشجوی کاردانی فقط ده نفر می توانستند یک صفحه قران را بدون غلط بخوانند!

اگر مرد یا زنی بلد نباشد قران بخواند اولین مقصر ، پدر اوست! چون پیامبر اکرم (ص) وظیفه پدر می داند که به فرزندش قران یاد بدهد و اگر خود بلد نیست، معلم برای فرزندش بگیرد.

یکی از مومنین برنج فروش ، هر موقع مشتری نداشت به قرائت قران مشغول میشد . روزی از او پرسیدم شما چگونه قران یاد گرفتی؟

گفت ما بچه که بودیم در روستا زندگی می کردیم. روزی پدرمان یک ملا از شهر به خانه ما در روستا آورد و به او حقوق و جا و غذا داد تا به من و برادرم قران یاد بدهد. و ما بوسیله ان ملا قران یاد گرفتیم.

اولین نقش مادر در تربیت، نوع ارتباط و برخورد با فرزندان است.

به عنوان نمونه وقتی فرزندان حضرت زهرا (س) به منزل می آمدند آن حضرت به استقبال آنان می رفت و الفاظ بسیار زیبایی همچون "قره عینی" به کار می برد که در الفاظ امروز جامعه ما به معنای نور چشم و عزیزم است که به عنوان پسوندهای خطاب به فرزندان استفاده می شود، که این نوع ارتباط نشان دهنده نوع تربیتی است که اهل بیت پیامبر (ص) به کار برده اند

محبت در دو سال اول عمر کودک در تربیت توانایی های ذهنی فرزند
مؤثر است

مهم ترین جنبه تربیت کودک به تربیت اجتماعی اختصاص دارد. کودک
در دو سال اول زندگی همواره سعی در کشف جهان و انسان ها دارد.
زمانی که یک کودک از جانب والدین به ویژه مادر به میزان مناسب
توجه و محبت دریافت نماید، دنیا را یک محیط قابل اعتماد و امن
شناسایی می کند. این نوع باور، سبک دلبستگی نام دارد و کل رابطه های
اجتماعی کودک را در آینده تحت تأثیر قرار می دهد.

البته والدین و مربیان گرامی باید به این نکته توجه داشته باشند که تا
لمحبت ابراز نشود، تأثیر لازم را نخواهد داشت؛ چنان که رسول خدا
می فرمایند: «هر گاه یکی از شما کسی را دوست دارد، لازم است او را
آگاه کند.» (مجلسی، 1404ق، ج 71، ص 182)

محبت، زمینه ساز تربیت است و شرایط را برای پذیرش تربیت از ناحیه
متربی آماده می کند. انبیای الهی نیز نسبت به فرزندان شان به ویژه

فرزندانی که رفتار نادرستی در پیش می‌گرفتند و حتی باعث ناراحتی و اذیت آن‌ها می‌شدند نهایت محبت را داشته‌اند. برای مثال حضرت نوح

علی‌رغم همه بی‌مهری‌ها و اذیت‌های فرزند ناخلف خود، هنگامی که طوفان شروع شد، باز هم به دنبال هدایت او بود و حتی او را با لفظ محبت آمیز «بُنِیَّ» - که مصغّر «ابن» و به معنای «فرزند عزیزم» است واز آن مهربانی و دلسوزی اراده می‌شود - خطاب کرد

(هود: 42) يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ

.پسر عزیزم! همراه ما سوار شو و با کافران مباش

رعایت عدالت بین فرزندان و متریان

یکی از اصولی که همواره باید در امر تربیت به آن توجه داشت، رعایت عدالت بین فرزندان است. این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر به آن توجه لازم نشود، ممکن است موجب ایجاد حسادت بین فرزندان، و در نهایت، بروز صدمات جبران ناپذیری به آن‌ها گردد.

به همه والدین این پیام را می‌دهد که A داستان زندگی حضرت یعقوب باید در همه حیطه‌ها، خصوصاً ابراز محبت نسبت به فرزندان‌شان، فوق مرتکب A العاده دقت به خرج دهند. گرچه، بدون شک، حضرت یعقوب خطایی نشد و ابراز علاقه‌ای که نسبت به یوسف و برادرش، بنیامین

می‌کرد، به خاطر وی‌ژگی‌های خاص آن‌ها بود، ولی این ماجرا نشان می‌دهد که باید بیش از مقدار لازم در این مسأله حساس و سختگیر بود؛ زیرا گاه ابراز علاقه نسبت به یک فرزند، آن‌چنان عقده‌ای در دل فرزند دیگر ایجاد می‌کند که او را به انجام هر کاری وا می‌دارد.

امام باقر(ع)

در این باره فرموده است: «من گاهی نسبت به بعضی از فرزندانم اظهار محبت می‌کنم و او را بر زانوی خود می‌نشانم و قلم گوسفند به او می‌دهم و شکر در دهانش می‌گذارم، در حالی که می‌دانم حق با دیگری است؛ ولی این کار را می‌کنم تا ضد سایر فرزندانم تحریک نشود و آن‌چنان که برادران یوسف با یوسف کردند، نکند.» (مکارم شیرازی، 1377، ج 9، ص 328) بنابراین رفتار والدین باید به گونه‌ای باشد که به هیچ وجه حسادت فرزندان را تحریک نکند.

:نقل شده است هم‌چنین از رسول خدا

اغْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي السَّرِّ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبَرِّ وَ
الْلُّطْفُ؛

بین فرزندان‌تان به عدالت برخورد کنید، همان‌گونه که دوست دارید آنان
عدالت را بین شما در نیکی و لطف رعایت کنند.» (مجلسی، 1404، ج
101، ص 92)

دیدنی‌ها و شنیدنی‌های کودک باید سالم از هر بدی باشد:

کودک مانند دوربین فیلمبرداری همه دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها را ضبط
می‌کند..

بچه‌ای که صحنه اعدام صدام را دید. برادرش را دار زد!

بچه‌ای که ذبح گوسفند را دید برادرش را ذبح کرد!..

جوانی که به بچه‌ها تجاوز می‌کرد گفت در کودکی شاهد عریان بودن
والدین بوده است

براساس آمار اعلام شده امروز اصلی ترین مصرف کننده فضای مجازی، افراد زیر 18 سال هستند یعنی حدود 14 میلیون مصرف کننده فضای مجازی در این سن داریم که بسیاری از کودکان زیر 7 سال نیز در فضای مجازی هستند و براساس پیمایش صورت گرفته بیش از 47 درصد کودکان زیر 7 سال تبلت اختصاصی دارند.

مضرات فیزیکی استفاده از فضای مجازی کم نیستند، مثلا چاق شدن کودکان که می توان برای به حداقل رساندن خطر چاقی آنها مدت استفاده از کامپیوتر را به یک تا دو ساعت در روز محدود کرد، چیزی که بیشتر از مشکلات فیزیکی کودکان را در معرض خطر قرار می کند فضای نامطمئن آن است، فضایی که می تواند به راحتی ذهن کنجکاو و پرسشگر کودکان را با فضایی آشنا کند که حاوی صدمات روحی شدید برای وی باشد.

تاثیر رفتار بد والدین بر فرزندان

بسیاری از افراد غافل در محیط خانه به محض پیش آمدن کوچکترین ناراحتی و اختلاف، رکیک ترین الفاظ و فحش ها را بر زبان جاری می سازند. غافل از اینکه این گونه کلمات برای کودک تازگی داشته و او را وادار به جستجوی معانی آنها می سازد و به تدریج کودک نیز آن ها را یاد می گیرد و ممکن است در آینده اسباب انحرافات فکری و فساد اخلاقی او را فراهم کند، روانشناسان عقیده دارند **یک نمونه و الگوی شایسته از هزار نصیحت نیکوتر است** و الگوی نیکو بهتر از پند و ارشاد است و هیچ چیز برای کودک مثل این نیست که مشاهده نماید گفتار و کردار مربی و پند دهنده، با یکدیگر تضاد دارد که این باعث سبک پدر و [1]. شمردن نمونه های عالی و خوب و پندهای اخلاقی می گردد مادر در خانه مواظب برخورد خود با یکدیگر بوده و در حضور فرزند احترام یکدیگر را نگهداشته و هیچ گونه بی احترامی نسبت به یکدیگر نکنند. پیامبر اکرم(ص) در روایتی می فرماید: از جمله حقوقی که فرزند بر پدر خود دارد این است که مادرش را احترام کند، برای کودک نام خوب انتخاب نماید، به کودک قرآن بیاموزد و او را به پاکی و پاکدامنی [2]. پرورش دهد

! شما هم به فرزند خود "دروغ" می‌گویید؟

وقتی نوزاد بهانه می‌گیرد یا آنکه برای یک لحظه حالت گریه به خود گرفته و بعد می‌خندد بعضاً با خنده و شوخی به او گفته می‌شود: آی دروغگو! ای شیطان! ماما رو گول می‌زنی و ... شاید این جملات اولین تعامل نوزاد در دنیای جدید با کلمه "دروغ" باشد و البته در سال‌های بالاتر و همزمان با تکامل مغزی فرزندان، شناخت آنها از این مفهوم توسعه می‌یابد و دروغ‌گویی را به عنوان یک رفتار ناپسند در ذهن خود ضبط و نگهداری می‌کنند.

در چنین شرایطی سطحی از حساسیت نسبت به دروغ و دروغ‌گویی در کودکان شکل می‌گیرد. آنها با دقت محیط اطراف و البته نزدیکان خود را رصد می‌کنند تا ببینند این رفتار مورد نکوهش، فقط مختص آنهاست یا آنکه اطرافیان‌شان نیز به نوعی درگیر آن هستند؟! در این زمان رفتار نامناسب والدین یا بهتر بگوییم بی‌دقتی و سهل‌انگاری آنها می‌تواند چالش مفاهیم در ذهن فرزندان را کاملاً به چالش کشیده و کار را تا جایی پیش ببرد که پدر یا مادر توسط فرزند متهم به دروغ‌گویی شوند.

اعتماد

یکی از مشهورترین تست های روانشناسی با نام تست مارشمالو که در دهه 60 میلادی انجام شد مثال خوبی برای آنچه مطرح شد، خواهد بود. والتر میشل مبتکر این تست تعدادی کودک را به اتاقی که روی میز آن شیرینی مارشمالو قرار داشت دعوت کرده و به بچه ها می گوید: می توانند این مارشمالو را بردارند و بخورند اما اگر 15 دقیقه صبر کنند و به کلوچه دست نزنند علاوه بر کلوچه روی میز یک کلوچه دیگر هم جایزه می گیرند.

میشل سعی داشت اثبات کند بچه هایی که تحمل داشته و 15 دقیقه را طی می کنند در آینده نیز انسان هایی موفق و با اراده هستند و حتی در ازدواج نیز عملکرد بهتری دارند اما سال ها بعد محققان دانشگاه روچستر در آمریکا طی یک آزمایش جدید گروه هایی از بچه های 3 تا 5 ساله را در تست مارشمالو وارد کردند اما به تعدادی از آنها پس از 15 دقیقه هیچ پاداشی ندادند (و البته کلوچه های روی میز هم که توسط گروه بی تحمل ها! خورده شده بود) و بدین ترتیب آنهایی که 15 دقیقه به امید دریافت جایزه مانده بودند دست خالی از تست خارج شدند. این گروه چند روز بعد مجددا در تست مارشمالو قرار داده شدند؛ آنها این بار کلوچه روی میز را برداشتند و خوردند زیرا "اعتماد"ی به حرف

آزمایش گر (که اگر نخورید، یکی دیگر به شما می دهیم) نداشتند.

دروغ به عنوان یک تجربه بد می تواند اعتماد را از میان ببرد

!خواسته های بی پایان

ما همواره فرزندان را در برابر خود می بینیم که دنیایی از شوق، هیجان و

:البته خواسته های رنگارنگ را با خود همراه دارند

مامان برای من اسباب بازی می خری؟

بابا منو سینما می بری چون یه فیلم جدید آورده که دوستام دیدن و می

!گن خیلی باحاله

می شه این هفته بریم خونه دایی تا من با بچه هاش بازی کنم؟

برام می تونی یه جامدادی دکمه دار جدید بخری؟

... و

اینها جملاتی هستند که شاید روزانه دهها بار از جانب فرزندان ما تکرار

می شوند و حتی اگر با همه آنها موافقت هم داشته باشید بازهم یک مدل

جدید از آن دربرابر تان قرار می گیرد! پس در این شرایط با آن همه

سختی های مرتبط با مسائل شغلی، اقتصادی، گرفتاری های روزمره و ...

چگونه می توانیم رفتاری مناسب را برای تعامل با فرزندان خود انتخاب

کنیم؟ راستش خیلی ها ساده ترین راه را انتخاب می کنند: دروغ گفتن

به کودکان

در یک پژوهش که بین 200 خانواده آمریکایی، کانادایی و چینی انجام شد، دانشمندان دریافتند که هر چه موقعیت تربیتی مهم تر باشد، والدین!

با خیال آسوده تری دروغ می گویند

راهکار

- 1 - در ابتدا یک قانون بین خودمان می گذاریم و آن ممنوعیت دروغ -
! است: من به فرزند خود هرگز دروغ نخواهم گفت؛ هرگز و هرگز
- 2 - بر اساس سن کودک مان باید رفتارهایی را از قبل در ذهن خود -
آماده کنیم تا هر گاه نمی توانیم به یک خواسته کودک پاسخ مثبت
دهیم، به جایش دروغ نگوییم. مثلاً در برابر کودک 3 - 2 ساله باید از
مکانیزم "انتقال حواس" استفاده کنیم یعنی حواس او را از آنچه می
خواهد به یک چیز دیگر معطوف کنیم.

برای بچه هایی که سن شان کمی بالاتر است، می توانیم به جای "انتقال
حواس" از "پیشنهاد جایگزین" استفاده کنیم و به جای حذف کامل
درخواست فرزندمان پیشنهاد جدیدی به او بدهیم، مثلاً "خرید این به
". جای آن

اشتباه نکنید گاهی خرید یک استیکر چند هزار تومانی دقیقاً اثر یک
خرید چند صد هزار تومانی را دارد به ویژه برای فرزندان که در سنین
دبستان قرار دارند زیرا شوق خرید، همراهی با والدین و گشت زدن در

فروشگاه حتی اگر حاصل اش یک استیکر رنگارنگ شود باز هم برای
فرزندتان می تواند جذاب و اثر گذار باشد

با افزایش سن فرزندان، می توانیم به جای "انتقال حواس" و "پیشنهاد
جایگزین" از "مذاکره" استفاده کنیم. بچه های بزرگ تر از این که
طرف مذاکره واقع شوند، احساس خوبی خواهند داشت. آنها در عین
حال، بهتر متوجه دروغ والدین می شوند و نیز، از "نه" شنیدن مستقیم
نیز خوش شان نمی آید. بنابر این، بهترین روش مذاکره با آنهاست و
یادمان باشد که در هر مذاکره ای باید امتیازی دهیم و امتیازی بگیریم.
اگر می خواهیم ابزار استراتژیک مذاکره همواره در اختیارمان باشد، باید
به گونه ای با فرزندان مان گفت و گو کنیم که انتهای مذاکره، آنها هم
راضی باشند و الا هر وقت به آنها بگوییم بیا با هم حرف بزنیم، در دل
خواهند گفت که باز می خواهد حرفش را بر من تحمیل کند.

هر چند که قرار شد دروغ نگوییم اما دروغ هایی که فوراً برملا می
شوند را موكداً ممنوع کنیم. مثلاً کودک مان تا لحظاتی دیگر آمپول
خواهد خورد و ما می گوییم: نترس! اصلاً درد ندارد. و لحظاتی بعد در
حالی که هنوز طنین صدای ما در گوش کودک مان است، درد ناشی از
آمپول را با تمام وجود می چشد و ما را دروغگو می داند. در این جور
مواقع، باید از ادبیات دیگری استفاده کرد، مثل: تو پسر/دختر شجاعی

هستی و می تونی پیروز بشی... دردش فقط برای چند ثانیه است... یا به شوخی: من که موقع آمپول زدن، از درد خنده ام می گیره، تو چی؟
...و.

مثال دیگری از دروغ هایی که زود لو می روند و ما را دروغگو می کنند، بیدار کردن بچه هاست: "ساعت 8 شد، نمی خوای مدرسه بری؟" و کودک با استرس از خواب بیدار می شود و می بیند که ساعت 7:10 است. خب! بدیهی است که ما را دروغگو خواهد دانست و سرمایه اعتماد ما، در دقایق صبحگاهی اندک اندک آب می شود. دفعه بعد، اگر واقعاً هم ساعت 8 باشد، کودک به هوای این که ما دروغ می گوئیم، ترجیح خواهد داد دقایقی بیشتر از خواب صبحگاهی لذت ببرد.

امروز می برمت پارک، شب می رویم خانه عمو، فردا برای دوچرخه می خرم و ... از آن دروغ هایی هستند که زود لو می روند ولی خیلی هم رایج اند! طفلک بچه ها

زمانی که تامین خواسته فرزندمان حداقل در کوتاه مدت - 4 غیرممکن است به جای یک پاسخ منفی فوری یا دروغ، از فرزندمان زمانی برای بررسی درخواست اش بخواهیم. این درخواست، البته برای خردسالان چندان موثر نخواهد بود زیرا دامنه تحمل زمانی آنها بسیار اندک است ولی برای فرزندان بزرگ تر، بسته به درکی که پیدا کرده اند

می توانیم از مکانیزم "زمانی برای بررسی" استفاده کنیم. مثلاً او از ما یک کنسول بازی ویدئویی که حداقل 4 میلیون تومان قیمت دارد می خواهد و خرید آن در شرایط کنونی برایمان ممکن نیست. ممکن است ما 4 میلیون تومان هم داشته باشیم و اگر بگویید ندارم، دروغ گفته ایم و ممکن است دروغ مان لو برود (مثلاً وقتی فردای آن روز یخچال خانه را عوض می کنیم). پس، به جای پاسخ فوری، وعده تو خالی یا دروغ، از او زمان بخواهیم.

آستانه تحمل خود را در برابر گریه های مطالبه گرانه کودک مان - 5
بالا ببریم. مثلاً وقتی کودک مان در خیابان، اسباب بازی کودک دیگری را می خواهد و در عین حال، تکنیک انتقال حواس هم کار نمی کند، نه تسلیم او شویم و نه به او دروغ بگوییم (برویم خودم برایت می خرم). برای پدر و مادر سخت است اما اگر چند بار تحمل کنیم و دروغ درمانی هم نکنیم، رفته رفته کودک از این قبیل رفتارها دست بر می دارد چون رفتارش توسط ما تقویت نشده است.

و در نهایت، اگر حرفی زدیم، باید به آن عمل کنیم. اگر هم به هر - 6
دلیل نتوانستیم، باید (و باید) به او توضیح دهیم که چرا نتوانستیم به وعده خود عمل کنیم تا او ما را دروغگو نپندارد.

فراموش نکنیم با هر دروغی که به فرزندان می‌گوییم، بخشی از سرمایه اعتمادمان را از بین می‌بریم و بدون این سرمایه، روندهای تربیتی ما در سال‌های آتی، بسیار سخت و حتی گاه غیرممکن خواهد بود.^{۲۵}

:سؤال

برخی از والدین نسبت به انجام عبادات فرزندان اهتمام نمی‌ورزند و حتی چون خود مقید به انجام عبادات نیستند، از عبادات فرزندان ممانعت می‌کنند، یا شاهد روابط نامشروع دختران و پسرانشان با نامحرمان (دوستی آنها) هستند و برخوردی نمی‌کنند، آیا وظیفه فرزندان در قبال والدین و اطاعت از آنها چیست و مسئولیت این گونه والدین چگونه است؟

:حضرت آیت الله صافی گلپایگانی

.اطاعت از والدین در معصیت خدا جایز نیست

:حضرت آیت الله مکارم شیرازی

فرزندان صالح باید وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را در مقابل پدران و مادران انجام دهند، همان گونه که پدران

²⁵ <https://www.eghtesadonline.com>

و مادران وظیفه دارند فرزندان خود را امر به معروف و نهی
از منکر کنند.

نظارت شبانه روزی والدین بر کودکان خود

والدین باید تا زمانی که فرزندشان به سن رشد می رسد شبانه روز
مراقب او باشند حتی بر خوابیدن او نظارت کنند.مخصوصا نظارت بر
دوستان او.نظارت بر رفت وآمدهای او.ونظارت بر رفتارهای او.و بی
تفاوتی در این مورد گاهی باعث انحراف فرزند و ضررهای جبران ناپذیر
می گردد.

در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک
بستر بخوابند.^{۲۶}

((اذا بلغت الجارية ست سنين فلا ينبغي لك ان تقبلها))

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی دختر به سن شش سالگی رسید
سزاوار نیست که او را ببوسی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رختخواب پسر و پسر، دختر و
دختر، دختر و پسر را وقتی به سن ده سالگی می رسند باید جدا کرد.^{۲۷}
(زیرا در این سن قوای شهوانی کم کم می تواند خطرناک باشد بنابراین
در سخن و اعمال و لباس پوشیدن و غیره باید رعایت عفاف را کرد).
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پدر نباید با دخترش زیر یک
لحاف بخوابد، مادر هم نباید چنین کند.^{۲۸}

^{۲۶} همان

^{۲۷} وسائل ج ۱۴ ص ۱۷۱

^{۲۸} بحار ج ۱۰۱ ص ۴۹

اثرات منفی رفت و آمد و معاشرت با خانواده‌های لاابالی بر روی فرزندان

سؤال:

معاشرت و رفت و آمد خانوادگی با خانواده‌های لاابالی معتاد و غیر مقید
به محرم و نامحرم، با توجه به اثرات منفی آن بر روی فرزندان چه
صورت دارد؟

پاسخ:

حضرت آیت الله خامنه‌ای

رفت و آمد خانوادگی با افراد مذکور اگر مستلزم حرام یا همراه با خطر معتاد شدن فرزندان باشد، جایز نیست.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی

اگر مفسده داشته باشد، جایز نیست.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی

معاشرت با آنها آثار منفی دارد و چه بسا علاوه بر تأثیر اخلاق و رفتار آنها در بچه ها در بزرگ ترها هم مؤثر باشد. ولی برای کسی که نهی از منکر بتواند انجام دهد و آنها را راهنمایی نماید اشکال ندارد، بلکه مستحسن است.

حضرت آیت الله تبریزی

مخالطه زن و مرد نامحرم و پسر و دختر بالغ نامحرم جایز نیست و
معرض نشر فساد است و شارع حرام کرده است.

.

نقش والدین در سعادت و شقاوت فرزندان

1- تربیت خوب فرزند ثوابهای عظیمی دارد زیرا والدین باید سختی‌ها
و مجاهدت‌های زیادی انجام دهند تا فرزندان به سعادت برسند.

2- والدین در ابعاد مختلف تربیتی از قبیل جسمانی، روانی، رفتاری و دینی نقش
آفرین هستند.

3- نقش محبت به فرزندان در سعادت فرزندان بسیار اثرگذار است. بشرط اینکه
اعتدال در آن رعایت شود. همچنین رعایت عدالت در محبت به فرزندان مسئله
مهمی می‌باشد.

4-اقتدار والدین نیز باید همراه با محبت باشد تا برنامه‌های تربیتی آنها مورد مسامحه قرار نگیرد. والا اگر اقتدار نباشد فرزندان نافرمانی می‌کنند که پیامبر اعظم ص فرمود: خدایا بتو پناه می‌برم از فرزندى که خدایم باشد!⁽¹⁾ یعنی فرزند به والدین امر و نهی کند.

5-در برخورد تنبیهی با فرزند باید ترتیب رعایت شود بدین صورت که در صورت تخلف فرزند، ابتدا با قهر والدین و در صورت عدم تاثیر استفاده از حالات چهره و نگاههای تند به فرزند و در مرحله بعد تذکر در خلوت سپس محروم کردن از مزایایی مثل تفریح و پول توجیبی بعد از آن وادار کردن به کارهای خدماتی منزل و در آخر تنبیه بدنی که نباید باعث سرخ و کبود شدن بدن شود. اگرچه در زندگی ائمه (ع) دیده نشده که فرزندان شان را تنبیه کرده باشند.

6-در هفت سال اول بجز بازی نباید برنامه آموزشی از کودک انتظار داشت.

امام کاظم ع فرمود: مستحب است فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز پردازد تا در بزرگسالی حلیم گردد.⁽²⁾

والدین خوبست با کودکان بازی کنند. علی (ع) فرمود: هر که فرزندی دارد با او کودک‌کی کند.⁽³⁾

7- فضای منزل باید امن باشد والا تربیت با مشکل روبرو می‌گردد پس اگر زوجین باهم درگیری دارند دور از فرزندان باشد.

8- تحقیر فرزندان و سرزنش آنها در حضور دیگران مخصوصا آزار کودک گاه منتهی به ضررهای بزرگی در سنین بالا می‌گردد. جوانی که 50 کودک را مورد تجاوز سپس قتل قرار داده بود بعد از دستگیری اعلام کرد تصمیم داشتم هزار کودک را اینگونه از بین ببرم زیرا در کودک‌کی بمن تجاوز شد.

کودکان را با عزت نفس باریاورید. برخلاف بعضی کولیا که فرزندان‌شان را از همان کودک‌کی گدا بار می‌آورند!

9- از هفت سالگی به بعد باید مراقبت بیشتری از نوجوان بعمل آید زیرا او ساعاتی را از خانواده دور می‌شود. الزمه نفسک سبع سنين ثم ضمّه اليك سبع سنين⁽⁴⁾

1. بحارج 81 ص 186

2. بحارج 42 ص 214

3. وسائل ج 15 ص 203

4. وسائل ج 15 ص 193

10- وادار کردن نوجوان به نماز از مهمترین برنامه تربیتی والدین است. که بقدری این مسئله مهم است که پیامبر رحمت فرمود اگر نوجوان بعد از 7 یا 9 سالگی به هیچ وجه حاضر به نماز خواندن نشد او را با تنبیه وادار کنید تا نماز بخواند. زیرا آنقدر در نماز فوائد است که در این مورد زور و اجبار بلامانع است.

سؤال:

معیار ممیز بودن بچه چیست و معمولاً از چندسالگی بچه را ممیز می‌گویند؟

پاسخ:

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

ملاک تشخیص خوب و بد است و سن خاصی شرعاً مطرح نیست

حضرت آیت‌الله بهجت

صدق عرفی دارد، در هر اموری به لحاظ آن امر. مثلاً، در مورد زن و مرد اینکه محرم و نامحرم را بشناسد و در حد تشخیص باشد

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی

معنای تمیّز در امور مختلف متفاوت است و حقیقت آن تشخیص دادن
خوب و بد درباره هر موضوعی است.

:حضرت آیت‌الله نوری همدانی

معیار در ممیز بودن آن است که خوب بد را تشخیص دهد و معمولاً در
سن حدود شش، هفت‌سالگی کودک ممیز می‌شود.

چهل نکته تربیتی

1- هدیه را اول به دختر بدهید



2- با طفل خود بازی کودکانه بکنید



3- اطفال را بخاطر گریه هاشان نزنید زیرا تا مدتی گریه شهادت به وحدانیت

. خداوند، شهادت به نبی اکرم و دعا برای والدین است



4- فرزندان خود را ببوسید. پس همانا برای هر بوسیدن درجه ای در بهشت است



5- با سلام کردن به فرزندان به او شخصیت دهید



6- کودک را در کارهای کودکانه خود تمسخر نکنید. کارهایش را احمقانه
نخوانید



7- فرزند را زیاد امر و نهی نکنید تا جرات پیدا کند و در بزرگسالی نافرمان شود
. و زیر بار هر دعوت حیوانی و شیطانی نرود



8- به فرزندان خود شخصیت بدهید



9- به وعده خود وفا کنید



10- در کودکان عشق و علاقه به نماز را ایجاد کنیم.



11- لوس کردن، کودکان را موجوداتی ضعیف و بی اراده بار می آورد



12- کودک را تحقیر نکنید



13- برای کودکان خود دعا کنید. به خصوص پدران



14- تذکرات را با ملایمات بیان کنید تا سدی بین والدین و فرزندان نشود



15- اگر کودک در خانه مورد احترام باشد، کمتر از اوامر پدر و مادر سرپیچی می کند

احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با وی یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد شخصیت در کودک است



مربی خوب کسی است که خواسته های کودک را از راه های صحیح و با -16
روش درست تعدیل کند.



ایمان را در کودکان تقویت کنید -17



از میچ گیری و رفتار سرورانه با کودکان پرهیزید -18



فرزند را راستگو تربیت کنید -19

در خانه طوری رفتار کنید که اطفال به راستگویی عادت کنند



کودک را نترسانید زیرا ترس شخصیت کودک را از بین می برد و دچار -20
اختلال روانی می کند



نوازش یکی از غذاهای روانی کودک است باید به اندازه کافی از آن تغذیه -21
شود.



22- زشتی گناه و تنفر مردم از گناهکار را به کودک بفهمانید



23- بستر بچه ها قبل از 6 سالگی از هم جدا باشد



24- تذکرات وقتی اثر دارند که والدین خود مجری و عامل آنها باشند

توجه داشته باشید فرزندان آنگونه که ما می خواهیم نمی شوند بلکه آن طوری که ما هستیم می شوند



25- بین نظم در خانه و بیرون فرق قائل شوید و اجازه دهید در خانه آزادانه بازی کنند



26- رفتارهای غیر منتظرانه کودکان را تا حدودی تحمل کنید



27- در تذکر، دیگران را به رخ او نکشید و کسی را با او مقایسه نکنید



از طریق داستان سرایی بسیاری از مفاهیم خوب را به کودک القا کنید. -28
. داستان خوب و زیبا برایش بخوانید و از رسانه و انیمیشن دور نگهشان دارید



شیطنت کودک در خردسالی نشان دهنده زیادی عقل او در بزرگسالی است -29
. آن را سرکوب نکنید



کودکان را از 7 سالگی دعوت به نماز کنید که نماز آرامش و روح و قلب -30
. را در کودکان ابدی میکند



به فرزند خود قرآن بیاموزید که نگاه به قرآن و خواندن آن فهم و ذهن -31
. کودک را روز افزون می کند



از متهم کردن اطفال به دروغ گویی خودداری کنید -32



33- حس کنجکاوی کودک را با حوصله ارضا کنید



34- در برابر فرزندان هیچ گاه مشاجره نکنید



35- کودکان از مرگ در هراسند بخصوص مرگ والدین. مدام نگوئید "خدا - مرگم بده" و از مرگ خود کودکان را نترسانید



36- استعدادهای فرزندان را کشف کنید و آن ها را شکوفا کنید



37- از نظر مادی نه بی توجه باشید نه کودک را ارضا کنید هر دو خطرناک است.



38- تنها نقطه امید و مایه شادی کودک، مهر پدر و مادر است روان او را مضطرب نسازید



39- مناسب تکامل کودک به او آزادی دهید و او را به اختیار خودش بگذارید -



40- تربیت فرزند و آموزش واجبات از وظایف والدین است و کسانی که به. این -
.. امر توجه ندارند مورد نکوهش هستند

نوجوانی که احساس ناامیدی شدیدی می کرد به یک کارگردان سینما
مراجعه کرد و گفت: من می خواهم بازیگر شوم

کارگردان از او پرسید: چه نقشی را می توانی اجرا کنی؟

نوجوان گفت: نقش یک آدم بدبخت و فلاکت زده را

کارگردان گفت: متاسفم. من در فیلم خودم به یک نوجوان خوشبخت و
با نشاط نیاز دارم. اگر تمایل داشته باشی می توانی آن نقش را بازی کنی.
اما یک شرط دارد

نوجوان پرسید: شرطش چیست؟

کارگردان گفت: شرطش این است که به مدت یک ماه نقش آدم های
خوش بخت را تمرین کنی.

نوجوان یک ماه نقش خوش بخت ها را به خود گرفت. مثل آن ها فکر
کرد، مثل آن ها راه رفت، مثل آن ها زندگی کرد.

در آخر ماه او به کارگردان مراجعه کرد و گفت: من دیگر برای
بازیگری در سینما علاقه ای ندارم. یک ماه تمرین برای من کافی بود که
بدانم زندگی خود نیز بازی است و من بازیگر، می خواهم در زندگی
خود نقش خوش بخت ها را بازی کنم.

کودکان چگونه بد آموز می شوند؟

وقتی والدین، خواسته یا ناخواسته، بر کودکانی که چیزی را خراب ✨🌸 می کنند، جیغ می زنند، کودکان یاد می گیرند که «جیغ» بزنند

وقتی کودکان به این نتیجه می رسند که با #جیغ_زدن به «خواست ✨🌸» هایشان دست می یابند، این کار را ادامه می دهند

وقتی والدین چیزی را به زور از دست کودک می گیرند، کودک ✨🌸 #زورگیری را یاد می گیرد

برخی از والدین به کودک بی اشتها می گویند: «اگر غذا نخوری، آن ✨🌸 را به فلانی می دهیم!»، این گونه، کودک #خسیس_بودن را می آموزد

وقتی والدین، برای آرامش کوتاه مدت خودشان، به کودکان ✨🌸
وعده‌هایی می‌دهند، کودک دروغگویی را می‌آموزد

وقتی والدین، برای آرامش کودکِ آسیب‌دیده، دیوار یا اسباب ✨🌸
بازی را با سیلی می‌زنند و می‌گویند: «اینو زدمش، دیگر گریه نکن»،
کودک انتقام_گیری را می‌آموزد

دعاهای کودکان!

یکی از وظایف پدر یا دادادن ادب به فرزند است. و از مصادیق ادب، دعوا
نکردن با دیگران است....اگر بچه ای اهل دعوا بود معلوم است در
یاد دادن ادب به او کم کاری صورت گرفته است....اما حالا اگر بین بچه
ها دعوا شد چنانچه دعوا فیزیکی باشد و بچه‌ها با هم درگیر شده باشند،
حتما باید آنها را از هم جدا و وضعیت را مدیریت کنید. بعد از اینکه
رفتار آسیب‌زا متوقف شد، دنبال راه‌حلهایی برای جلوگیری از تکرار
آن بگردید. دقت کنید که بیش از حد بی‌خیال یا بیش از حد سخت‌گیر

نباشید، یعنی نه خیلی راحت از کنار این مسئله عبور کنید و نه شروع به سرزنش و تحقیر کودک کنید.

مدیریت دعوای کودکان نوپا و پیش دبستانی . ۱

به طور کلی هرچه کودکان کوچک تر باشند، احتمال اینکه دعوای آنها جنبه فیزیکی یا عاطفی داشته باشد بیشتر و نیاز به دخالت والدین هم بیشتر است. قبل از اینکه وارد عمل شوید، به شرط اینکه کسی صدمه نبیند، به بچه ها فرصت بدهید خودشان مسئله را حل کنند. اگر دعوای شدید شد، باید سریع وارد عمل شوید.

کودکان سه چهار ساله معمولاً خود محور هستند، تعاملات اجتماعی کمتری داشته اند و هنوز نمی توانند به خوبی مشکل را حل کنند. حالات روحی و نیازهای شخصی هر کودک مانند گرسنگی، خستگی، نیاز به استفاده از توالت و مسائل مربوط به راحتی یا احساس امنیت ممکن است در دعوای آنها نقش داشته باشد.

اگر فرزندان هنگام دعوا با دوستش حسابی عصبانی شده است، زمان مناسبی برای آموزش نیست. در این حالت، کودک را از درگیری خارج و روی آرام کردن او تمرکز کنید. هنگامی که آرام شد، درباره آنچه اتفاق افتاده است و رفتاری که باید اصلاحش کند با او صحبت کنید.

مسائل خیلی مهم تربیتی



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ستایش خداوند حکیم و درود و صلوات بر حضرت محمد صلی
الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرینش.

مساله تربیت درست، مهم ترین مساله هر خانواده ای باید باشد تا با انجام وظایف
تربیتی اعضای خانواده، سعادت دو جهان نصیب خانواده گردد. لذا خداوند در
سوره تحریم ایه 6 فرموده است:

29 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه
دارید چنان آتشی که مردم (دل سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش افروز اوست
مسئول تربیت درست خانواده، پدر است که خداوند در سوره نساء پدر را مسئول
خانواده معرفی کرده است یعنی اگر خانواده ای خوب شدند پدر در این کار
نقش اول را داشته بعد مادر و اگر برعکس، خانواده در مسیر نامناسب قرار گرفتند
مقصر اصلی پدر است. البته موارد استثنائی هم هست که مادر نقش اصلی را دارد
و پدر هیچکاره است!

در این کتاب تلاش شده به ابعاد مختلف مساله تربیت خانواده پرداخته شود امید
است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد. در ضمن این متن چند سخنرانی
بنده است حالت کتابی ندارد. به همان طور که بیان شده اینجا آورده شده است.

تابستان 1400. کرمانشاه

نقش حیاتی پدر در خانواده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ
غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ³⁰

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه
دارید چنان آتشی که مردم (دل سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش افروز اوست و
بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل سخت‌مأمورند که هرگز نافرمانی
خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود
انجام دهند.

در تفسیر ایه مذکور در روایتی می‌خوانیم: «رحم الله رجلا قال يا اهلاه! صلاتکم

صیامکم زکاتکم مسکینکم یتیمکم جیرانکم» «2» رحمت خدا بر کسی که به

خانواده‌اش هشدار دهد که مراقب نماز و روزه و زکات و فقرا و یتام و

³¹. همسایگانتان باشید

³⁰ تحریم ایه 6

³¹ تفسیر نور

یکی از مسائل خیلی مهم مربوط به خانواده اینست که خداوند مرد را به عنوان سرپرست قرار داده و اینکه سرپرست هست یعنی هدایت خانواده به عهده مرد است. و او باید مرتب خانواده اش را به آنچه خدا امر و نهی کرده، امر و نهی نماید.

ما شاهد هستیم که در قران کریم چند جا در این رابطه مثال زده که یکی حضرت نوح (ع) است که می بیند پسرش کنعان کافر شده پسرش را نصیحت میکند و میگوید پسر جان این عذاب الهی شوخی بردار نیست ولی پسر گوش نداد و آخر با کفار محشور شد. یکی حضرت لقمان پیامبر نبوده لقمان یه حکیم بوده به پسرش مرتب نصیحت میکند پسر جان نماز بخوان، صبور باش، تکبر نداشته باش، شرک نورز حالا حضرت امام هم اینجور بوده و یکبار اهل خانه را جمع کردند و گفتند: من بنا داشتم یکدفعه همه باهم جمع هستیم چیزی برای شما بگویم، شما میدانید غیبت چقدر حرام است؟ گفتیم بله. فرمودند شما میدانید آدم کشتن عمدی چقدر گناه دارد؟ همه گفتند بله. فرمود غیبت بیشتر یعنی حضرت امام میگوید غیبت از آدم کشتن گنااهش بیشتر است. بعد گفتند شما می دانید فعل نامشروع و عمل خلاف عفت زنا چقدر حرام است؟ گفتیم بله. فرمودند غیب بیشتر...

الان میبینید که متأسفانه جمع میشوند دور هم مخصوص زن ها و غیبت میکنند بعضی از مرد ها هی غیبت میکنند، عیب دیگران را مرتب برای هم میگویند اگر کسی کارخلافی کرده برای دیگران میگویند.

باز نقل شده که حضرت امام درباره کوچترین فعل حرام چنان غضبناک میشدند که در مقابل نظام پهلوی به همان تندی که شنیده اید. یکی از فرزندان امام میگوید ما توی اتاق نشسته بودیم یکی از بستگان که یک خانمی بود آهسته بمن گفت: من وقتی وارد شدم فلانی برای من احترام نکرد امام این را شنید که این خانم غیبت میکند که من وارد شدم فلانی بمن احترام نکرد یکدفعه دیدیم حضرت امام رو کردن به ایشان و گفتند شما نمیدانید که خدا اینجاست؟ فضای اینجا الان حرام است نشستن اینجا الان حرام است آنقدر امام متقلب شدند که ما برای حالشان نگران شدیم. اون خانم گفتند من که حرفی نزدم فقط گفتم این شخص برای من احترام نکرده، امام گفتند بله شما نمیدانید و یادتان میرود اما خدا یادش نمیرود این غیبت است. شما بگویید من رفتم فلان جا فلانی خوب از من پذیرایی نکرد، این غیبت است. امام اینجور بودند که شدیداً از کسی که خلاف شرع انجام میدادن ناراحت میشدند. دختر امام میگویند اگر یه وقتی سر سفره

دست ما از حد مجاز از آستین بیرون می آمد امام تذکر میدادند و خیلی امام حساس بودند. پدر خانواده باید اینجوری باشد نه اینکه ببیند پسرش بی نماز است، پسرش معتاد است، پسرش شراب میخورد، قمار بازی میکند، دیر میاد خانه، خلاف میکند و با افراد ناجور میگردد و عین خیالش نباشد به این پدر میگویند؟ پدری که بی تفاوت است پدر است؟ روز قیامت محاکمه اش میکنند که ما این امانت ها رو به تو دادیم چرا امانت داری نکردی؟ چرا در تربیت فرزندان دقت نکردی؟ چرا نظارت نکردی؟

از وصیت های حضرت امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است هنگامی که ابن ملجم ملعون ضربت زد، و فرق مبارکش شکافته شد :

__ توصیه و سفارش می کنم شما دو فرزندم حسن و حسین را به تقوا و ترس از خدا.

__ جستجو و طلب مکنید دنیا را و دل به او مبنید اگر چه دنیا و حطام آن از هر جهت برای شما آماده شده و شما را طلب نماید.

__ و تأسف مخورید __ اندوهناک نشوید بر چیزی که از دست شما رفته.

__ سخن به حق بگوئید و همواره به راستی و درستی بگروید.

__ ای فرزندان من در اعماق خود همیشه اجر اخروی را در نظر داشته باشید، برای پاداش آخرت کار کنید، چون در مقابل کار مزد می دهند.

__ دشمن ظالم و یار و مددکار مظلوم باشید.

__ به شما و کلیه فرزندان و اهل بیت، و هر کس که نامه و گفتار من به او برسد، سفارش می کنم، به تقوا و ترس از خدا.

__ امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) می فرماید: ای فرزندان من ای مسلمین جهان در زندگی دنیا و آخرت منظم باشید.

__ سفارش می کنم شما را به اصلاح اختلافات و مشاجراتی که در بین شما رخ می دهد، زیرا من از جد شما پیغمبر اکرم (ص) شنیدم که اصلاح ذات البین بهتر است از تمام نماز و روزه.

ویژگیهای سرپرست خانواده

یک نکته ای که خیلی مهمه اطلاعات سرپرست خانواده باید از اطلاعات اعضای خانواده بیشتر باشه تا سرش کلاه نره. حاج آقای مکه میره چن سال قبل و یک دستگاه پلی استیشن برای پسرش میگیره و فروشنده میگه آقا این سی دی هم مجانی هدیه اونم میاره و بعنوان هدیه مکه به پسرش تقدیم میکنه، بعد از سه چهار ماه مادر بچه امد پیش من گفت بچه من میگه مادر توی این سی دی افراد کارهای زشت می کنند! حالا بعد سه چهار ماه تماشا امد به مادرش میگه. مادرش بمن گفت ما که نمیدونیم این چجوریه گفتم باشه سی دی رو بردم در یک کلویی تا نگاه کرد گفت حاج آقا این خیلی سی دی بدی است و با چاقو خش روش گذاشت که خوانده نشه. والدین یا هرکسی از فامیل و دوستان وقتی

میخواند که به فرزند یک سی دی هدیه بد هندن باید قبلش این رو چک کنند ببیند که توش مشکل نداشته باشه؟. والدین با دست خودشان آمدند یک مطلب یا یک چیزی که انحراف در فرزند شات ایجاد میکنه به او دادند. اینه که اطلاعات سرپرست خانواده باید بالا باشه. از بچه ها باید بیشتر باشه

یکی از تروریستهایی که در رژه ی اهواز مردم بیچاره را به رگبار بسته بود پدرش میگفت من پدر شهیدم. یک پسر من شهیده نمیدونستم این پسردیگرم با داعش در ارتباط است... خب این یک نقصه چرا ما نظارت نداریم بر بچه هامون تا سر از منافقین و داعش دربیاره و بشه قاتل مردم و تا روز قیامت لعنتش کنند، این کوتاهی است که پدر انجام داده... باید تمام رفت و امد های بچه ها زیر نظر باشه در عین حال که به اونا محبت کنیم باید شبانه روز مواظب انها باشیم. خود ما هم گاهی غفلت می کنیم بچه هامون دچار مشکل میشوند. لذا گاهی می شنویم پدر ایت الله، پسر منافق، پدر ایت الله، پسر بهائی وهابی ضد انقلاب، خیلی انسان باید مراقبت کند

این عدم نظارت ها گاه منجر به مصیبت های بزرگی میشود...

یک باندی در تهران گرفته بودند که پسر ها دختر ها رو می دزدیدند و به شما به ویلای باباهاشون می بردند و به انها تجاوز می کردند و از انها فیلم سیاه تهیه می کردند و می گفتند اگر شکایت کنید فیلم شمارو پخش می کنیم..

انهارو گرفتند و اعدام کردند اما نکته مهم این است که پدران این افراد باند که پولدار بودند می گفتند ما از کارهای بچه هامون خبر نداشتیم! نمی دانستیم دختر ها رو به ویلای ما میبرند!

همچنین خانمی می گفت که پسر م قهوه خانه می رود نمی دانم چه قرصی انجا بش میدند که وقتی خانه می اید با چاقو خودزنی می کند!
پدرش راننده کامیون است ماهی یکبار هم نمی اید....

یک روز خانمی آمد و رساله آیت الله فاضل دستش بود گفت حاج اقا مدتیہ داماد من مسیحی شده انجیل گرفته مطالعه میکنه کلیسا میره و من طبق این رساله آیت الله فاضل متوجه شدم ایشان مرتد شده و میگن اگه کسی اینجور بشه مرتده گفتم بله مرتده حکمش اعدام است و از حالا دختر شما حق نداره پیش شوهر

ش بره و داماد شما دیگه مرته طبق قانون اسلام باید اعدام بشه و قبل از مردن اموالش بین وراثت تقسیم شه و بدنشم دیگه نجسه و ازدواج دختر شما هم باطل شده، این مطلب رو که به ایشان گفتیم رفت به فامیل های خودش و فامیل های داماد اطلاع داد حالا پدر داماد چکارس هیئت امنای یکی از مساجد کرمانشاس پسرش رفته مسیحی شده خبر نداره جلسه ای گرفتن و منم دعوت کردن رفتم دیدم پسر بیست و هفت هست ساله ای نشسته، گفتم شما مسیحی شدی؟ گفت نه حاج آقا من مسلمانم. گفتم میگن شما انجیل گرفتی و گفت نه از رو کنجکاوی گرفتم مقداری ازش خوندم و هیچی ازش نفهمیدم، کلیسایی هم در کرمانشاه بود رفتم از باب کنجکاوی.. گفتم نه شما باید مجددا شهادت ثلاث رو دوباره در حضور همه ی فامیلا بگین و مجددا ما عقد زن شمارو بخونیم، شما عقدت باطل شده دیگه عقد با یک مهریه جدید باید انجام شود. خلاصه شهادت ثلاث رو بلند شد و دوباره گفت "اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمدا رسول الله اشهد ان علیا ولی الله" اینهارو گفت و عقد رو هم براش خوندم

این حرکت این مادرزن خیلی حرکت درستی بود و تا دید دامادش راه نادرستی میره فوری امد پیش ما به اصطلاح پیش روحانی محل و پیگیری کرد و جلوش گرفته شد...

عبید زاکانی شاعر ایرانی بچهایی داشت وضعشان خوب بود عبید زاکانی فقیر بود بچه ها هیچکدام به پدر کمک نمیکردن از در شرعی همانطور که بچه ها وقتی کوچیکن پدر باید خرج اینهارو بده برعکس اگه شد بچه ها بزرگ شدن وضعشان خوب شد ولی پدر و مادر فقیر بودن بچه ها باید خرج پدر و مادر و بدن و نفقه شان به گردن بچه هاست. ولی بچه ها نمیدادن اینم ادم زرنگی بود نقشه ای کشید برای بچه ها پسر بزرگ و خواست و گفت پسر جون برادرهات نفهمند من یک گنجی دارم که میخوام موقع مردن نقشه گنج و بشما بدم شما بعد از مردن از اون گنج استفاده کنی، از فردا دیگه این پسر برنج میآورد، روغن میآورد، میوه میآورد خلاصه پسر دومم خواست یواشکی همین مطلبو گفت و اونا دیگه باهم رقابت میکردن و عبید زاکانی وضعش خوب شد تا اینکه موقع مردن فرارسید یکی یکی اینهارا صدا زد و نقشه گنج رو هم بهشون داد تا اینکه رفتن دیدن زیر یه درخت کوزه ای هست و داخل آن پول که نیست کاغذی هست که نوشته خدا داند و من دانم و تو دانی که هیچ پولی ندارن عبید زاکانی. ادم زرنگی بود و وقتی دید اینها با زبان خوش کمک نمیکندن وظیفشان را انجام نمیدن از این در وارد شد، در هر حال باید پدر مسلط باشد بر زندگیش و تمام رفت و آمد های بچه هارا در نظر داشته باشد، سخت نگیره ولی در عین حال نظارت بکنه. پسر 13 ساله ساعت یک شب میاد خونه نباید به این بگه کجا بودی تا یک شب شایدم

بگه من هیئت بودم و فلان بودم برو بررسی کن بین راست میگه. گفت یک
پسری هر روز میرفت بیرون تا غروب نمیومد پدرش گفت کجا میری؟ گفت من
میرم مسجد من بچه خویم..یه روز پدر تعقیبش کرد دیدن بابا این رفت سینما
گفت بچه جان تو که گفتی میری مسجد گفت من مسجد صندلی دارم نظرم
بود. باید مواظب باشی دختر بیرون میره کجا میره. چند شب قبل میامدیم از بلوار
یه دختر با سه تا مرد با سه جوان ارازل اوباش که یکیشون داشت اینو بزور میبرد
ما سریع پیاده شدیم و جلو پسر را گرفتیم او می گفت نه این نامزدمه، گفتم دختر
این کیه شما میشه؟ جواب نمیداد ساکت بود یه کلمه میگفت این نامزد من نیس
مزاحمه زنگ میزدیم پلیس میومد اینو میبرد. دختر بیست و پنج شیش ساله ساعت
ده شب با سه تا ارازل اوباش این پدر و مادر نداره؟ برادر نداره؟ فامیل نداره؟

داستان ارمنی بادمجان!

وقتی تازه گوجه فرنگی وارد ایران شده بود بعضی خشکه مقدس ها می گفتند
چون از خارج آمده نجس است لذا اسمش را ارمنی بادمجان گذاشتند و از آن
استفاده نمی کردند...اقایی بود خشکه مقدس پسر نابابی داشت . پسر انواع
کارهای بد میکرد مثل قماربازی شرابخواری الواط و...

پدر چیزی نمی گفت اما یکدفعه دید پسرش ارمنی بادمجان خانه آورده! پدر به پسر گفت فلان فلان شده! هر کار خلافی کردی هیچی نگفتم حالا کارت به جایی رسیده ارمنی بادمجان خانه میاری! یاالله برو بیرون و پسرش را از خانه بیرون کرد!

از این ادما زیادند که در برابر کارهای خلاف فرزندان سکوت اختیار می کنند و چیزی نمیکنند! و همین عامل تربیت بد فرزند میشود!

رفیق ناباب و ازاد گذاشتن فرزندان!

یکی از آسیب هایی که ما در جامعه داریم اعتیاد هست. این زنهایی که بیوه هستند شاید 50 درصد 60 درصد شوهرای معتادی داشتن که به اینها رسیدگی نکردند و اینا در نتیجه طلاق گرفتن. خب چجور میشه یک کسی معتاد میشه؟ یکی از دلایل اعتیاد اینه که پدر و مادر این فرزند رو آزاد گذاشتن هر کاری میخاد انجام بده با هر کسی رفیق میشه، 60 درصد معتادا میگویند رفیق ما را معتاد کرد. ما الان گاهی اوقات میبینیم بچه هایی هستن با ادب، با هر بی ادبی رفت و

آمد نمیکنند مواظبند زیرا پدر و مادر اینها مواظب آنها هستند، اما بچه هایی هم هستند که با آدم های بدی رفیق شدن و این خودش سرآغاز اینه که این داره در مسیر انحرافی میره. ما دیدیم یکی از این نوجوان های 13 ساله در محله عرق خورد شراب خورد، رفتیم در خانیش به مادرش گفتیم بچت داره سقوط میکنه مواظب باش به بچه 13 ساله پدر و مادر باید خیلی مراقب باشن. نوجوان هایی سراغ داریم که میان مادرشان اینهارو تا دم در همراهی میکنه تو کلاس قران شرکت میکنن دوباره مادریه میاد دم در وایمیسته دست اینارو میگیره میبره چقدر این مادر اهمیت میده، مادری که اینجور اهمیت میده انشالله فرزنداش تا آخر در مسیر درست حرکت می کند.. اقای می گفت ما پدرامون نمیداشتن تو کوچه برویم! در و قفل میکردن میگفتن تو کوچه نباید برین بشینن خونه قران حفظ کنین بهتون جایزه میدیم، بچه های همسایه همه بازی می کردند وهرجا میخواستن میرفتن ما باید تو خانه میشتیم قران حفظ میکردیم ناراحت میشدیم از دست پدر، چرا پدر این کارو میکنه؟ همه ی بچه ها برای خودشون دارن تفریح میکنن هرکجا دلشون میخواد میرن ولی ما تو خانه زندانی شدیم، ولی حالا میگیم دست این پدر واقعا درد نکنه چقدر مراقبت میکرد که مبادا این بچه من بره بایه کسی معتاد بشه منحرف جنسی بشه اهل لواط بشه اهل کارای زشت بشه،

جوانی که نابینا شده بود!

رفتیم تبلیغ کرمان سال 62 به جواب خیلی خوش سیمایی شبیه هنر پیشه ها آمد داشت با ما حرف میزد یدفه متوجه شدیم این اقا نابیناس گفتم اقا شما نابینایی؟ گفت بله، گفتم چرا؟ گفت من شراب خوردم، شراب، قلبی در آمد نابینا شدم تمام این دکترا رفتم اسپانیا رفتم گفتن دیگه درست نمیشه.

چقدر سخته ها انسان شراب بخوره نابینا بشه تا آخر عمر از تمام پیشرفت ها باز بمانه، مواظبت نکنیم میبینیم اینجوری میشه شراب قلبی توی ایران خلیارو کور کرد خیلی کلیه هارو از کار میندازه، جان افراد رو میگیره.

همین قبل از کرونا به آقای امد مسجد را میخواست برای فاتحه گفتم این میت کی بوده؟ گفت 38 سالش بوده، گفتم چرا مرده؟ گفت شراب خورده شراب تو گلوش گیر کرد مرد.

در روایت داریم کسی که اینجوری از دنیا بره انقدر این عذاب شب اول قبرش زیاده خدا میدونه. این نتیجه ی عدم نظارت پدر و مادره، پدر و مادر باید خیلی مراقب باشن درسته که بعضی از پدرا خود پدره مشکل داره ولی فرزندان خوبی تربیت شدن انها استثنا هستند. وظیفه ی پدر و مادر مخصوصا پدر وظیفش از مادر مهم تره. اهمیت پدر از مادر مهم تره، قرآن میفرماید پدر سرپرست خانواده است،

هدایت کننده خانواده پدر است، شاید به موردی پیدا بشه که مادر هدایتش از پدر بیشتره ولی اسلام میگه پدر. اگر شما دیدید به خانواده ای در مسیر نامناسب است پدر.

چهار عضو خانواده در زندان!

بنده از زندان خرم آباد به همراه دادستان بازدید داشتیم به چیز تاسف آور این بود که یک آقای تو زندان بود و دوتا پسر جوانشم یکی اینور نشسته بود یکی اونور بعد دادستان گفت حاج آقا زنشم تو زندان مرکزیه، مواد فروش بودن کی مقصره توی این چهار نفر؟ پدر. پدر اگر مواظبت میکرد کارش نمیکشید به اینجا خانواده برن زندان! مسئول پدره. خدا میفرماید: مرد است که خانواده را در مسیر درست یا نادرست قرار میدهد. آقا اومده میگه من از دست زنم و دخترم شکیم هر دو منحرفن، گفتم نماز میخونی؟ گفت گاهی تک و توک. گفتم این به مشکل، دوم شغلت چیه؟ گفت اکثرا راننده بیابونم. گفتم معلومه دیگه از به طرف تو بیابونی بالا سر خانواده نیستی از به طرفم که نماز نمیخونی چطور انتظار داری که خانوادت خوب باشه؟ حالا خیلی از خانواده هاستند با وجود اینکه اقاشونم نیست ولی خوبن، ولی پیش میاد گاهی اوقات کسی که بالاسر خانوادش نیست و خدایی نکرده اون خانواده هم بی تقوا اند در مسیر نادرست قرار میگیرند

دختر بد میشه، پسر بد میشه، زن بد میشه همه بخاطر مرد هست. پس وظیفه پدر
خیلی مهمه.

گندم از گندم بروید جو ز جو

یه ضرب المثلست که میگوید "گندم از گندم بروید جو ز جو" یعنی همیشه شما گندم کشت کنی ولی جو برداشت کنی یا جو کشت کنی گندم برداشت کنی،، اگر شما در ارتباط با خانوادت وظایفتو انجام دادی انشالله خانوادت در مسیر درست قرار خواهند گرفت اگر وظیففتو انجام ندادی انتظار نداشته باش فرزندان خوب بشند!

مادری تماس داشت که من پسرم یه زمانی نماز خون بود و اهل مسجد بود ولی الان شراب میخوره کارای زشت میکنه نماز و ترک کرده، گفتم پدرش چی اهل نماز هست؟ گفت نه، گفتم ها اینجا مشکل از اینه سرپرست خانواده. اقا شما این بچه ها امانتن باید اینهارو شما خوب تربیت کنین همون میشه

اقایی امد پیش حاج اقا گفت زنم نماز نمیخونه گفت بهش بگو اگر نماز نخونی میری جهنم گفت بهش گفتم، گفت بهش بگو اگر نماز بخونی میری بهشت گفت اینم بهش گفتم بازم نمیخونه گفت چی میگه؟ گفت میگه اول خودت بخون تا منم بخونم، گفت راست گفته. میشه پدر نماز نخونه و بچه هاش نماز خون باشن؟ کم میشه اتفاقیه. پس پدر و مادر خودشون خوب باشن امین باشن تا بچه هاشون امین باشن. حالا روایت برای شما عرض بکنیم که چه روایتی، اقا رسول الله به بعضی از بچه ها نگاه کردند فرمودند وای بر اولاد آخر الزمان از دست پدراشون سوال شد یا رسول الله ایا از پدران مشرک؟ فرمود خیر پدران مومن ولی واجبات دین را به فرزندانشان نمی آموزند و اگر اولاد آنها بخواهند بیاموزند آنها را منع میکنند. فقط میگن برو پول در بیار هدف پول است، دیگه حالا نماز بخونه نخونه اهل دین باشه نباشه اهمیت نمیده. فرمود من از آنها بیزارم اونها هم از من بیزارند همچون پدرایی. خیلی مسئله تربیت مهمه.

اکثر پرونده ها درباره خیانت در امانت بود....

بنده رفتم به یکی از قضات سر بزمن نشستیم پهلوی هم داشتیم صحبت میکردیم این پرونده هارو میاوردن رز جلداشون همه نوشته بود موضوع شکایت: **خیانت در امانت**... خیانت در امانت... خیانت در امانت. چرا یک انسان خیانت میکنه؟ به

چند دلیل که یک دلیلش تربیت خوب نشده پدر و مادر اگر امین باشند بچه ها
امین بار میان ولی اگر پدر مادر خیانت کار باشند بچه هام خیانت کار بار میان،
گندم از گندم بروید جو ز جو. پدر و مادر خوب باشن بچه ها خوب میشن اگر
پدر و مادر پول پرست باشن میدونی آخرش چی میشه؟ میشه شمر وقتی که رو
سینه مبارک امام حسین(ع) نشست امام حسین فرمود شمر برای چی میخوای منو
بکشی؟ گفت برای پول، گفت پول بهتره یا شفاعت جدم پیامبر؟ گفت پول.
4 سال هم بیشتر زندگی نکرد شمر ملعون بعد هم بدست مختار کشته شد بعد هم
دیگه عذابش شروع شد پس یکی از علت اینکه ما پول پرست میشیم، وزیر ما
پول پرست میشه اختلاس میکنه، رئیس بانک ما میشه پول پرست اختلاس میکنه
فلان مسئول اختلاس میکنه، فلان شخص در قوه قضائیه اختلاس میکنه چون در
خانواده بد تربیت شدن در یک خانواده ای تربیت شدن که همه ی فکر و
ذکرشون پوله پول، غیر از پول هیچی نمیشناسن مته کشورهای خارجی مثل
آمریکا این همه آدم میکشه، عربستان برا پول چکار میکنه این همه ادم میکشه.
ولی اسلام آمده میگه پول نه! هدف خدا، محور همه ی کارهاتون خدا باشه در
مسیر خدا حرکت بکنید. خدا در سوره طه میگه من رزق و روزی شمارو میدم
شما فقط نماز بخونید اطاعت کنید من رزق شمارو میدم همونطور که رزق همه
موجودات و حیوانات رو میدم. بنابراین مسئله تربیت خیلی مهمه یا انسان بچه

نیاره یا اگر بچه آورد باید نام خوب روش هزاره قران یادش بده نماز یادش بده. یه پلیسی بود از دوستان ما بود پدر مادرش در کودکی از دنیا رفته بودند به وسیله یک سرهنگ ژاندارمری در زمان طاغوت تربیت شده بود، میگفت این پدر خوانده بمن میگفت قنبرعلی نماز نخونی بهت نون نمیدم. این فشارها باعث شد. ایشون یه ادم مؤمن، با تقوا، نماز خون دربیاد

نفقه

یکی از مهم ترین وظایف سرپرست خانواده اینه که مخارج همسر خودش و فرزند خودش رو تامین بکنه

ما شاهد این هستیم بعضی از مردها ازدواج میکنند ولی به این وظیفشون عمل نمیکنن، از خانم سوال میکنی شوهرت چیکار میکنه؟

میگه هیچی تو خانه نشسته من میرم تو خانه های مردم کار میکنم یه پولی میارم به شوهرم هم میدم، پس شوهرت چرا کارنمیکنه؟ دیگه هیچی اینجوریه دیگه

آقا شما ازدواج کردی باید خرج همسرتو بدی، یک دین هست مته این میماند . که شما از کسی پول قرض کردی باید این قرض رو بدی حق الناس

مال همسر، خرج همسر حق الناس هست. اسلام گفته زن پردازه به شوهرداری، به خانه داری، به بارداری، به تربیت فرزند..... مرد هم به عهدشه که مخارج اون رو تامین بکنه

قران کریم در این رابطه چنجا اشاره کرده گفته که در ارتباط با مسئله فرزند در زمانی که مادر داره بچه رو شیر میده مخارج به عهده ی پدر فرزند و شوهر این خانم است.

و در سوره نسا به صراحت گفته: مرد سرپرست خانواده است و باید اون نیاز هایی که متعارف هست متوسط هست خانواده نیاز دارد باید مرد تامین کند. مثلا اولین نیازی که زن داره خوراک هست که باید مرد نیاز زن رو تامین کنه این به دو صورت هست، یکی اینکه مواد خشک بیاره در اختیار زن قرار بده یا نه بعضیا هستن میگن اقا ما حقوق که میگیریم میریم در اختیار خانومم قرار میدیم میگیریم با این حقوق شما این یک ماه رو اداره بکن، دیگه خود خانوم مدیریت داره و این پول رو که میگیره صرف امور زندگانی میکنه

بعضی از زنا هم واقعا مدیر هستن، یعنی اگه این پول دست مرد باشه شاید تا 15 ام نرسه ولی زنه اونقدر وارد هست که سعی میکنه که این حقوق رو تا اخر ماه بکشونه.

پس خوراک هست بعد لباس، چه لباسی باید باشه؟

باید لباس متعارف حالا لباس زمستانی تابستانی به اندازه حقوق، متاسفانه الان با این تورم حقوق ها خیلی دیگه کفاف این چیزهارو نمیده

همچنین مسکن، باید مرد یک مسکن متناسب با زن اجاره کنه. حالا یا اینکه اجاره کنه یا بخره یا خانه سازمانی باشه یا خانه عالم باشه، بالاخره یه خانه ای زن اگر گفت من حاضر نیستم با پدر و مادر شما تو یه خانه زندگی کنم باید برای من خانه جدا بگیری، مرد باید اینکارو انجام بده و باید خانه جدا بگیره و جزر. حقوقیست که به عهده ی مرد هست

و همچنین داروهایی که زن نیاز داره، درطول سال بیمار میشه کی باید هزینه های داروی زن رو بده؟ کی هزینه درمان و باید بده؟ شوهر باید بده

ولی یسری چیزهایی هست که اینها به عهده شوهر نیست، مثلا زن میخواد درس بخوانه پول کتاب لازم داره، پول دانشگاه لازم داره، این دیگه به عهده شوهر نیست. مگه شوهر دیگه کرامت به خرج بده و روی کریمی و بزرگواری خودش بده... به گردن شوهر نیست درس خوندن زن ولی اگه شرط کرده باشن به گردن شوهر است.

یا مثلا زن میگه اقا یه پولی بمن بده میخام به فقرا کمک کنم اونم میگه بمن مربوط نیست اگر میخوای به فقرا کمک کنی برو از جیب خودت کمک کن

یا مثلاً یه پولی بمن بده الان فلان خانم عروسی کرده میخام براش کادو ببرم، این دیگه به عهده شوهر نیست که کادو برای فلان خانمی که رفیق این خانم هست یا فامیل این خانم هست.

.میگه برادرم ازدواج کرده شما باید کادوشو بدی، نه این به عهده ی شوهر نیست یکی از مسائلی که در این زمینه هست اینکه آیا مرد میتونه لقمه ی حرام بیاره به زن بده؟ نه همچین اجازه ای نداره

یکی از پلیسا گفت که یه دزدی گرفتیم، گفتیم اقا چرا میری دزدی میکنی؟ گفتش که خدا اون زمانی که داشت روزی هارو تقسیم میکرد ما خواب بودیم وقتی که بیدار شدیم دیگه روزی برای ما نمونده بود، خلاصه خدا به ما اجازه داده که بریم دزدی کنیم و روزی خودمون رو از این راه دربیاریم، بعد گفته بود این بچه هامم از این مال دزدی میخورن همه هم صحیح و سالم و هیچیشون نمیشه، خب صبر بکن بزار بعدا معلوم میشه میگن که جوجه هارو اخر پاییز میشمارن، که از این مال حرام چی بعمل بیاد، چه قاتلی بعمل بیاد، چه قاچاقچی .بعمل بیاد، چه اختلاسگری بعمل بیاد

حالا دزدی کنی خودت مصرف کنی یه گناهه! بیاری برای زن و بچت اینم یک .گناهه دیگست!

شخص از دوستان شهید شیخ فضل الله نوری گفت در زندان به ایشان گفتم ایت الله شیخ فضل الله نوری شما مجتهد با تقوا چرا پسر آدام نادرستیه؟ گفت من از همون بچگی فهمیدم این ادم بشو نیست، گفتم چرا؟ گفت برای اینکه وقتی بدنیا امد مادرش شیر نداشت، ما یه زنی آوردیم گفتیم که گول بهت میدیم به این بچه ما شیر بده بعد از مدتها فهمیدیم این زن فاسدیه و بچه ی ما شیر یه زن فاسد رو خورده.

مثلا درباره کوروش میگن وقتی بچه بوده او را رها کردن تو جنگل گرگ ماده ای به این شیر میداده و از شیر گرگ بزرگ شده، این همه میگن کوروش کوروش شما برین اینترنت سرچ کنین.ایشان طبق یک قول از شیر گرگی تغذیه می کرده!

خیلی غذای بچه مهم است اگر بچه ای غذای خوب و حلال بخوره ادم درستی.انشالله میشه ولی اگه غذای نادرستی بخوره دیگه معلوم نیست عاقبت بخیر بشه.خب حالا این اقا بره رشوه بگیره بعد بیاد تقدیم به زن و بچش کنه، رشوه

اقا میگفت هرچی میکردم زمینمو درست کنم میرفتم بانک میگفت وام نیامده، گفت یه روز دوسه کیلو پسته برا رئیس بانک بردم فردا رفتم گفت آقا وامت

آمده، خب اقا تو که حقوق و داری چرا رشوه میگیری بعد میاری برا زن و بچت
.که اینا ازشون آدمای نادرستی بعمل بیاد

پس این یه خیانت است که مرد از مال حرام برا زن و بچش بیاره. باید مرد از مال
حلال بیاره و یکی از انواع مال حرام میدونین چیه؟ اینکه انسان از راه حلال
درآمد داشته باشه ولی خمس مالش رو نده!

یه خانمی تماس گرفت گفت شوهرم چند میلیون سرمایه داره چند باره سرمایه
گذاری میکنه با شکست مواجه میشه، گفتم خانم برای اینکه خمس مالتونو
ندادید به شوهرت بگو باید خمس مالشو بده، این صد میلیون سرمایه خمس داره
اگر خمس ندین این مال اشکال شرعی داره اگه باهاش پیرهن بخری پوشی
نمازش باطله، فرش بخری روش نماز بخونی نمازش باطله باید خمس مالتو بدی
امام صادق(ع) فرمود: بخدا قسم هیچ مالی تلف نمیشود مگر بخاطر ندادن خمس
و زکات

خیلیا هستن الان دچار خسارت میشندن! نمیدونن چرا، شخصی میگفت اقا دوبار
هست سرمایه گذاری میکنیم هردو شکست خوردیم، حالا باز برامون استخاره
کن، گفتم اینجا بحث استخاره نیست شما باید به شوهرت بگی مالشو حلال بکنه،
گفت شوهرم اهل این چیزا نیست

برای عده ای از نظامی ها کلاس داشتیم گفتم که اقایون اکثر شما خمس
نمیدین، قبول کردن این حرفو

گفتم باید شما خمس مالتونو بدین که خمس یکی از واجباته، گفتن تا 15ام و
10ام دیگه حقوقمون نمیرسه گفتم باشه درست، شما بیاید مراجعه کنید به یه
روحانی مالتونو حساب کنید احتمال زیاد داره بگه اقا شما هیچ خمسی گردنتون
نیس دیگه خیالتون راحت میشه

اما تو که یه خانه دوم داری اجاره دادی، تو که ماشین داری باهاش کار میکنی،
تو که مغازه داری، تو که تو بورس سرمایه گذاری کردی خب اینا همه خمس
داره. زمینی داری گذاشتی کنار قیمتش بره بالا بفروشی، خب اینا همه خمس
داره.

بنده خدایی امد از نظامی ها گفت حاج اقا مال منو حساب بکنید، گفتم خانه
داری گفت نه حاج اقا مستاجرم، ماشین و هیچی به گردنت نیس نه خانه داشت
بنده خدا نه مغازه ای همین ماشینی داشت

اللهم صل علی محمد و آل محمد

نفقه

اینکه قران می فرماید ای مومنین خودتون و خانوادتون رو از آتش جهنم دور نگهدارید. یکی از راه هاش اینه که مرد از راه حلال در آمد داشته باشه. الان در زمان ما اکثر درآمدها مشکل پیدا کرده. یه کسی میگفتش که برای تعمیر خانه ی مادرم یه کارگر آوردم رفتم سر زدم کارگره دراز کشیده، گفتم اقا ما شمارو آوردیم اینجا کار کنی، گفت یه کمی کمرم اذیته! یه استراحتی بکنم بعدش کار میکنم. خب تو پولی که الان میگیری این پول حرامه! چون کاری نکردی. الان این شبکه های هرمی که هست که میری عضو میشی بعد میگن برو 10 نفر و بیار عضو کن بهت پول میدیم این اشکال داره و این پولی که از این بابت میگیرید اشکال توش هست مثل گل کویست. یک نکته دیگری که هست بعضی از مرد

ها مدیریت اقتصادی ندارند، خانوادشون گرفتارند! این مرد هیچی بلد نیست. یه کسی ما خانه ش رفت و امد میکردیم خانه کوچیکی داشت تاریک یه روزی گفت حاج اقا میخام خمس و حساب کنم، گفتم خوب بفرما چی داری؟ گفت یه زمین فلان جا دارم، یه خانه فلان جا دارم، یه مغازه فلان جا دارم، یه زمین خرم اباد دارم، یکی پلدختر دارم. گفتم خدا خیرت بده یکی از اینهارو بفروش خرج زندگیت بکن این همه جمع کردی برای چی استفاده هم نمیکنی؟ یکی بود در پلدختر بهش میگفتن محمدی گاو فقط 20میلیارد تومن در بانک ملت داشت ولی ظهر که میشد یه سیب زمینی آب پز درست میکرد در مغازش میخورد حالا خانوادش چی میخوردن خدا میدانه. مدیریت اقتصادی نداره.

داستان

یه استادی با شاگردهاش گفتن امروز بریم تفریح رفتن جنگل اتفاقا دیدن تو جنگل یه خانه ای هست، در زدن دیدن یه اقایی با زن و بچه تو خانه هست و اینا گفتن مارو مهمان نمیکنی؟ گفت بفرمایین و یه چایی اینهارو مهمان کرد. دیدن اینها خیلی فقیرن استاد گفت شما چرا انقد فقیرین؟ مرد گفت تمام در آمد ما یه گاو ماده داریم که از شیرش استفاده میکنیم دیگه هیچ درامدی نداریم.

خدا حافظی که کردن و از خانه دور شدن استاد به یکی از دانشجوها گفت برو این گاو و بنداز توی دره و نابودش کن گفت اقا چرا این کارو بکنم؟ گفت هرچی بهت میگم انجام بده والا مردودت میکنم

اینم رفت گاو و دزدید و انداخت تو دره نابود کرد. چند سال گذشت شاگرد عذاب وجدان داشت و گفت برم حلالیت بطلبم، آمد و دید خیلی وضع اینا خوب شده، گفت اقا چیشد قضیه چیه ما یه روزی بشما سرزدیم خیلی فقیر بودی، گفت اقا شما که رفتی نمیدونم کدوم شیر پاک خورده ای گاو مارو برد نابود کرد ماهم گفتیم حالا چیکار کنیم؟

امدیم شروع کردیم به کشاورزی و باغداری وضعمون خوب شد. مثل کشور ایران وابسته به نفت، تا این نفت و داریم ما مشکل اقتصاد داریم! ما اگر نفت نداشتیم مته خیلی از کشورا خوشبخت بودیم، این نفت میگیم اقا نفت داریم دیگه برای چی کار کنیم، برا چی تلاش کنیم، برای چی صنعتمون رو گسترش بدیم؟ نفت که داریم

مثل زمان شاه ملعون 6میلیون بشکه در روز صادر میکرد، جمعیت ایران 36 میلیون نفر، 80درصد مواد غذایی از خارج وارد میشد. بحمدالله به برکت دفاع مقدس و حتی این تحریم ها پیشرفت های عظیمی حاصل شده است. یکی از

مسئولین داشت به مقام معظم رهبری گزارش میداد گفت یه هیئتی از یکی از کشورهای خارجی آمدن وقتی که پیشرفت هارو دیدن، گفتن اقا شما تحریم بودین این همه پیشرفت کردین اگر تحریم نبودین، حضرت آقا فرمود پیشرفت نمیکردیم. الان مدتی که تورم بالا رفته است. بعضی از خانواده ها شروع کردن به فعالیت اقتصادی، مثلا دیدی طبقه بالارو درست میکنه میده اجاره و رهن که یه درآمد داشته باشه.

خانوم میبینی میاد یه سری کارهایی انجام میده تو خانه درآمد برای خودش و خانوادش درست میکنه.

یسری شغل هایی الان ایجاد شده بر اثر همین گرانیها، یعنی درسته گرانیها فشار به مردم میاره ولی باعث شده که افرادی بیان وارد مسائل اقتصادی بشن و برای اینکه به خانوادشان کمک کنن، قرضاشونو بدن، وضع زندگیشونو بهتر کنند کار میکنن.

یکی از شغل هایی که اسلام سفارش کرده و خیلی برای رفع گرفتاری ها خوبه داد و ستد هست، تجارت هست. مثلا اقا میره از فلان منطقه که مرکز عسل هست عسل میاره کیلویی فلان مبلغ میفروشه کیلویی فلان. خیلی خوبه حلالم هست.

مثلا میره از فلان جا انجیر سیاه میاره اینجا با یه قیمتی سود میکنه میفروشه، پارچه
میاره میفروشه

این تجارت در اسلام مورد سفارش قرار گرفته. پس اگر شما دیدین خانواده ای
دچار مشکلات مالی است مقصر سرپرست خانوادس اون فعالیت نمیکنه. بلد
نیست لا اقل بیاد بپرسه بگه اقا من الان مشکل دارم چیکار کنم منو راهنمایی کنید.
با افرادی کارشناس هستن تو کار اقتصادی مشورت کنه

اللهم صل علی محمد و آل محمد

تربیت درست فرزندان



محمد تقی صرفی پور

مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر آخرین فرستاده الهی
حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش.

تربیت فرزند مهم ترین مسئولیت پدر و مادر است که می توانند با عمل به توصیه
های خیلی ارزشمند قرآن و اهل بیت علیهم السلام، فرزندان سعادتمند تربیت
نمایند.

لذا باید والدین در این زمینه مطالعات فراوانی داشته باشند و آگاهی خود را
افزایش دهند

در این کتاب به بعضی از این توصیه های ارزشمند اشاره شده است. انشالله مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

کرمانشاه-تابستان 97

فطرت کودکان

از جمله مهمترین نکاتی که درخصوص آموزش دینی کودکان در روایات آمده است ، مساله فطری بودن توجه به دین و خداست.رسول اکرم (ص) فرمود: «هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و پرورش می یابد ، مگر این که پدر و مادر او را به سوی یهودی گری یا مسیحی گری بکشانند.» (بحارالانوار ج 3 ص 281)

مراحل پرورش مذهبی کودک

رسول خدا (ص) فرموده اند: «فرزندان خود را به سه خصلت تربیت کنید: محبت» پیامبران و محبت خاندان او و قرائت قرآن

نقش مهم والدین در سعادت یا شقاوت فرزند

اگر بهشت زیر پای مادران است بخاطر مسئولیت مهمی است که بعهده دارد.

تربیت مادر از زمانی که باردار می شود شروع می گردد و باید از همان موقع طهارت ظاهری و باطنی را رعایت نماید.

پیامبر خدا فرمود:السعيد سعيد في بطن امه و...

بعضی مادرها به بچه هایشان خیانت می کنند! پسر به مادرش گفته
نیاز به همسر دارم مادر جواب داده برو با دختری دوست
شو! ازدواج برا چیتة!

یا دختری می خواهد چادر سر کند مادر می گوید مگر پیرزن
هستی که می خواهی چادر سرت کنی!

بعضی پدرها هم به فرزندانشان ظلم می کنند. در زندان پدری با
دوپسرش و همسرش زندانی بودند چون مواد فروش بودند اینجا
مقصر و مسئول اصلی پدر خانواده است!

...

داستان شیخ انصاری و اینکه مادرش برایش خیلی مجاهدت کرد

...

پسر شیخ فضل الله نوری چرا نابکار شد؟

وقتی از شیخ بزرگوار می پرسند شما که از مدافعان حریم اهل بیت
عصمت و طهارت علیهم السلام هستید، شما که از مدافعان دین مبین اسلام
هستید پس چرا فرزند شما از مخالفان شما و دین و مذهب تشیع است؟
فرزندی که اقدام به دستگیری پدر و به دار آویختن او کرد و پای پدر
کف زد و رقصید. جواب می گوید: در دوران طفولیت مادرش بیمار شد و
به هر صورت نتوانست به او شیر بدهد. لاجرم دایه ای گرفتند برای او و

او را شیر می‌داد بعدها فهمیدم آن دایه ناصبی بوده و از دشمنان حضرت علی علیه‌السلام، همان موقع من ترسیدم و انتظار چنین روز و ایامی را می‌کشیدم³²

...

اهمیت دادن به خوردن مال حلال در خانواده و دوری از مال حرام حتی یک دانه سیب باعث سعادت می شود.

پدر مقدس اردبیلی و سیب نوشته اند، پدر مقدس اردبیلی آمده بود در کنار نهري، تا مشك را از آب جاري پر كند. دید سيبی قرمز و زیبا بر روی آب روان است، گرفت و میل کرد. بعد پشیمان شد که این سیب مالک داشته و بی اجازه او چرا تصرف در مالش کردم. و طبق حدیث «الناسُ مسلطونَ علی اموالِهِم»: معروف حرکت خلاف مسیر آب را در نظر گرفت و به بالا رفت. تا رسید به جایی که آب از باغی که درخت سیب داشت بیرون می آید. بعد از پرس و جو از کارگران صاحب باغ را دید و گفت: سيبی که بر روی آب بود من خوردم، از من راضی باش. گفت: هرگز راضی نمی شوم. گفت: قیمتش را میدهم. گفت: راضی نمی شوم. بالأخره بسیار طلب رضایت و سماجت کرد تا این که صاحب باغ گفت: من به یک شرط از شما راضی می شوم. گفت بفرمایید. صاحب باغ گفت: دختری دارم کور، کچل، لال، مفلوج از پا، اگر حاضری با او ازدواج کنی، من از شما راضی می شوم و در غیر این صورت راضی نمی شوم.

³² <http://www.empireoflies.ir>

پدر مقدّس اردبیلی چون دید چاره ای ندارد، به خاطر مرتبه ایمانش و با وجود اخلاصی که داشت گفت: قبول کردم. و تن به این وصلت داد، تا به ایمانش به واسطه خوردن یک دانه سیب خدشه ای وارد نشود.

عقد را جاری کردند شب اول داماد داخل حجله شد. دید عروس مثل ماه شب چهارده در نهایت زیبایی، چشم های شهلا، موهای عنبرآسا، با زبان ملیح سلام کرد و مقابلش بلند شد. با تعجب از حجله بیرون آمد، رفت نزد پدر عیالش گفت: آن دختری که برای من وصفش کردی این نیست. جواب داد: این همان دختر است. چون دیدم شما جدّیت داشتی که رضایت بگیری برای خوردن یک سیب و من هم مدّتها انتظار داشتم که این دختر را به فردی، مثل شما به ازدواج درآورم، کفو دخترم را در شما یافتم. اما گفتم: لال است، چون با مردی بیگانه سخن نگفته گفتم: مفلوج است، ... چون پا بیرون از خانه نگذاشته و

سبب مقام ارجمندی. مسلماً، با چنین پدری باید مقدّس اردبیلی تربیت شود مقدّس اردبیلی را از مادرش سؤال کردند، او گفت: من هرگز لقمه ای شبه ناک نخوردم و قبل از شیر دادن بچه، وضو می گرفتم، و هرگز چشم به نامحرم نیانداختم. نظافت و طهارت او را در کودکی مراعات کردم و در تربیت او بعد از شیرگرفتن کوشیدم و با بچه های خوب او را مینشاندم. از این داستان به خوبی فهمیده می شود که سه عامل مهم؛ وراثت، خانواده و محیط (اجتماع) اثر مستقیم در تربیت کودک دارد³³

...

سه نفر زن پاکدامن در تربیت حضرت امام زحمت کشیدند

...

³³ برگرفته از کتاب زندگانی خاندان پیامبر(صلی الله علیه وآله)، جلالی شاهرودی، شیخ حسین، ص ۲۲۲، با تصرف

مادر رهبر در تربیت ایشان خیلی زحمت کشید

...

پیامبر دنیا آمد فقط پستان حلیمه را گرفت چون او زنی پاکدامن و طاهر بود.

...

موسی فقط پستان مادرش را قبول کرد...

...

نقش تقلید در تربیت فرزندان

معمولا کودکان و نوجوانان و حتی جوانان دوست دارند کارهایی را که به نظرشان جالب است تقلید کنند.. چنانچه آن کار مفید باشد این تقلید هم مورد تایید است و می تواند در موفقیت انسان نقش افرینی کند ولی اگر آن عمل بد و ناپسند و گاه خطرناک باشد می تواند باعث بدبختی گردد.

روزی یکی از انصار، پیامبر را به منزلش دعوت نمود . برای میهمانی یک بزغاله ای را سربریدند و میزبان به مسجد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت . دو تا از کودکان این مرد، وقتی سر بریدن بزغاله را دیدند، یکی به دیگری گفت بیا تا منهم تو را سرببرم ! او هم قبول کرد و پسر دیگر سر او را ذبح کرد ! در همین

موقع مادرشان متوجه شد و فریادی کشید! کودک قاتل از ترس به بالای پشت بام رفت ولی از آنجا پرتاپ شد و مرد! مادرشان جسد این دو را پنهان نمود و به شوهرش چیزی نگفت. وقتی پیامبر آمد و برای او سفره انداختند، جبرئیل نازل شد و گفت: یا رسول الله! از آن‌ها بخواه تا فرزندانشان را سر سفره دعوت کنند! پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را از آنان خواست و پدر هم سراغ بچه‌هایش را از مادرشان گرفت ولی او گفت که جایی رفته‌اند و الان نیستند. با اصرار پیامبر و پدر دو کودک، زن ماجرای کشته شدن فرزندانشان را تعریف کرد.

حضرت دستورداد که جسد آنان را بیاورند. وقتی آوردند، پیامبر دعا کرد و هر دو زنده و سالم شدند و سر سفره نشستند.^{۳۴}

...

وقتی صدام را دار زدند و از تلویزیون‌ها پخش شد در پاکستان دو برادر نوجوان این صحنه را دیدند به تقلید از دار زدن صدام، یکی دیگری را دار زد و او از دنیا رفت!

...

والدین به هیچ وجه نگذارند کودک و نوجوان به جایی که صحنه نامناسب دارد
برود و آن را مشاهده کند از جمله نگاه به صحنه های نامناسب ماهواره اثر بدی در
ذهن نوجوان می گذارد.

امام صادق (ع) سفارش کرده اند که در 5 سالگی ، به کودک ، سجده آموزش
داده شود. همچنین امام می فرمایند: «کودک خود را تا 6 سالگی فرصت دهید،
سپس او را در فراگیری کتاب به مدت شش سال تربیت کنید. (وسائل باب 82
حدیث 2) شارع اسلام در زمینه های دیگر تشریعی نیز به تفاوت بین کودکان
توجه دارد مانند حدیثی که درباره اقامه نماز میت برای کودک متوفای 5 ساله
وارد شده است. از حضرت صادق (ع) سوال شد؟ «آیا اگر کودک 5 ساله ای
بمیرد، باید نماز میت بر او خواند؟ حضرت فرمود: اگر نماز را فهمید و درک می
کرد، بر او نماز خوانده شود». (وسائل باب 13 حدیث 4)

علاوه بر آموزش اعمال واجب اعم از روزه و نماز در 7 سالگی ، امام صادق (ع)
در زمینه تعلیم احادیث اسلامی می فرمایند: «احادیث اسلامی را به فرزندان خود
هر چه زودتر بیاموزید ، قبل از آن که مخالفان بر شما سبقت گیرند». (کافی ج 6
ص 76) امام صادق (ع) درباره روزه گرفتن کودکان می فرمایند: «ما به کودکان
خود در 7 سالگی می آموزیم که هر قدر طاقت دارند، نصف روز باشد ، یا بیشتر

و یا کمتر روزه بگیرند و هرگاه گرسنگی بر تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار کنند ، تا این که به روزه گرفتن عادت کنند و آن را تحمل نمایند. پس شما از کودکان خود بخواهید که در 9 سالگی هر قدر که طاقت روزه دارند، روزه بگیرند و هرگاه که تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار کنند». (فروع کافی ج 2، ص 124)

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ (تحریم، 6) ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید.» مولا امیرالمومنین (ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَادَّبُوهُمْ؛ (میزان الحکمه، ج 1، ص 103)». یعنی به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید

حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: «بهترین میراث پدران برای فرزندان، ادب است نه مال و ثروت! زیرا ثروت از میان می‌رود و ادب پایدار می‌ماند»

(میزان الحکمه، ج 1، ص 101)

ادب چیست؟

بچه با ادب والدین خود را اذیت نمی کند! باعث خسارت به اموال
نمی شود! فحش و ناسزا نمی گوید! دعوا نمی کند! زور نمی
گوید! دروغ نمی گوید! حرف والدین را گوش می کند و لجبازی
نمی کند! لوس و نتر نیست!

در مهمانی ها باعث شلوغی و اذیت و دعوا نمی شود! آبروی والدین
را نمی برد!

بچه هایی که معمولاً مرز را در ارتباط با بزرگسالان رعایت نمی کنند
و به بزرگسالان به خصوص والدین شان توهین می کنند و کودکانی
که دست روی والدین بلند می کنند یا فحاشی و توهین هایی کلامی
دارند و حین عصبانیت به پدر و مادر حمله می کنند یا به افراد دیگر
دست درازی می کنند را تحت عنوان کودکانی که درست تربیت
نشده اند می توان نام برد.

این کودکان معمولاً حاصل روش های تربیتی نادرست والدین
هستند؛ پدر و مادرهایی که روش های فرزندپروری آنها سهل گیرانه
است. کودکان در این روش ها احترام گذاشتن به بزرگ ترها را یاد
نمی گیرند و محدوده های مربوط به سن خودشان و والدین شان را
نمی توانند به درستی رعایت کنند.

زمان‌هایی که لازم است پدر و مادر دوست فرزندشان باشند (زمان بازی کردن) مانند یک همسن با کودک بازی کنند و در این حالت از لحاظ قدرت فرقی بین والدین و کودک نیست. وقتی بچه کار درست یا نادرست می‌کند، پدر و مادر باید از موضع بالا بچه را مورد تنبیه یا تشویق قرار دهند و این اصلاً به معنای تنبیه بدنی نیست. تشویق به معنای اینکه رفتار مطلوب کودک تقویت شود و استفاده از تنبیه به معنای اینکه رفتارهای نامطلوب در کودک سرکوب شود.

مهم‌ترین معنای ادب

مهم‌ترین معنای ادب آنست که فرزند را در کارهای خوبی که می‌کند تشویق کنند و در کارهایی بدی که می‌کند برخورد و تنبیه نمایند.

نباید فرزند را کاملاً ازاد گذاشت که در این صورت خدای نکرده مانند علف هرزی رشد می‌کند

تربیت فرزند در رفتار حضرت امام

بچه باید شیطننت کند!

امام خمینی(س) نیز که آشنا به روحیات، حالات و مراحل رشد کودکان بودند درباره شیطننت و بازیگوشی بچه ها می فرمودند:

«بچه شیطون است، او باید شیطننت کند و بچه ای که یک گوشه بیفتد و بخوابد، چهار زانو بنشیند، این بچه نیست بزرگسال است، بچه نباید بنشیند و اگر یک جا نشست شما باید ببینید چرا نشسته و اگر خوابید ببینید چرا خوابیده، بچه باید شیطننت کند». (ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۷)

خانم فریده مصطفوی(دختر امام خمینی)، درباره نوه های حضرت امام خمینی چنین می گوید:

نوه های آقا همه شلوغ بودند، امام به دختر من که از شیطننت بچه خود گله می کرد می گفتند: «من حاضرم ثوابی که تو از تحمل شیطننت حسین میبری، با ثواب تمام عبادات خود عوض کنم». (ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۰۷)

نماز خوانده ای؟

خانم فریده مصطفوی (دختر امام خمینی)، نقل می کند:

«تازه مکلف شده و شب خوابیده بودم که آقا با اخوی وارد شدند. خیلی سرحال و خوش حال بودند. پرسیدند: «نماز خوانده ای؟» من فکر کردم چون الان آقا سرحال هستند، دیگر نماز خواندن من هم برایشان مسئله ای نیست. گفتم: نه! ایشان به قدری تغییر حالت دادند و عصبانی شدند که ناراحتی سراسر وجودشان را فراگرفت و من خیلی ناراحت شدم که چرا با

حرف و عمل مجلس به آن شادی را تلخ کردم». (ستوده، پایه پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۳۹)

از هفت سالگی:

خانم خدیجه ثقی (همسر امام خمینی) نقل می کردند:

«امام از هفت سالگی در تربیت دینی کودکان دقت داشتند و می گفتند: بچه ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه را تشویق به نماز کن، تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند». (خمینی، امام در سنگر نماز، دفتر ۷، ص ۱۰۴؛ میریان، پدر مهربان، ص ۷۵)

عادت به حجاب:

فروغ السادات پسندیده (دختر آیت الله پسندیده) نقل می کند: «یک دفعه من و همسرم و آخرین دخترم که فکر می کنم پنج سالش بود به قم خدمت امام رفتیم. آقا همیشه خیلی با محبت و علاقه برخورد می کردند. وقتی خدمتشان رسیدیم، گفتند: اسم این دختر شما چیه؟ گفتم: فریبا. گفتند: چرا چیزی سرش نکردید؟ گفتم: آقا این پنج-شش سالش است. گفتند: باشد، پنج-شش سالش باشد، سرش کن، عادت می کند. گفتم: باشد، حتماً.

حضرت امام در مورد حجاب و رو گرفتن خیلی تأکید می کردند». (میریان، پدر مهربان، ص ۷۵)

سفارش به نماز

زهره اشراقی (نوه امام خمینی)، نقل می کند:

«آقا راجع به نماز بچه ها بسیار سفارش می کردند؛ نسبت به اینکه فرزندانمان نمازهای خود را در اول وقت به جا بیاورند». (مجله سروش، شماره ۴۷۶)

۲- تفاوتی نداری

عاطفه اشراقی (نوه امام خمینی)، نقل می کند: «ده سال بیشتر نداشتم که با برادرهایم و پسرخاله ام قایم موشک بازی می کردیم، حجاب هم داشتم اما امام یک روز مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ تفاوتی [از لحاظ تکلیف شرعی] با خواهرتان ندارید. مگر او با پسرها بازی می کند که شما با پسرها بازی می کنید؟ از آن روز به بعد با پسرها بازی نکردم». (مجله زن روز، شماره ۱۲۶۷، ص ۴۷)

۳- زود برو نمازت را بخوان

بچه ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی تواند نماز صحیح بخواند؛ ولی صورت نماز را می تواند بخواند. از هفت سالگی می تواند به نماز عادت کند؛ چه پسر و چه دختر؛ یعنی همان اولی که بچه به دبستان می رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند؛ در خانواده هم باید به او یاد بدهند. (مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۱۰۰)

محمد تقی شریعتی (نوه امام خمینی)، نقل می کند: «یک روز امام داشتند توی حیاط راه می رفتند که من آمدم از کنارشان رد شوم. به من گفتند: بیا اینجا. من رفتم پیش ایشان، به من گفتند: نماز ظهر و عصر را خوانده ای؟ گفتم: نه! گفتند: زود برو نمازت را بخوان که از ثوابش کم نشود». (مجله سروش، شماره ۴۶۷، ص ۱۱)

مرتضی اشراقی (نوه امام خمینی)، چنین نقل می کند: «امام می پرسیدند: نماز خوانده اید؟ می گفتیم: بله، نماز ظهر را خوانده ایم، ولی نماز صبح را خواب ماندیم. می گفتند: نماز صبح را خواب می مانید، می توانید هر وقت که بیدار شدید، نماز صبح را بخوانید.

یک بار من گفتم: اگر بلند شدیم ساعت دو بود چی؟ گفتند: نماز صبح را بخوان! یعنی حتی قبل از اینکه اذان بگوید. ایشان به این طریق روحیه ما

را تشویق می کردند، چون هنوز به ما نماز واجب نشده بود و به مرور به این مسأله عادت می کردیم». (میریان، پدر مهربان، ص ۷۰)

امام محمد باقر علیه السلام درباره تربیت دینی کودک می فرماید:

امام باقر (ع) می فرماید:

«ما اهل بیت، هنگامی که کودکانمان به پنج سالگی رسیدند دستور می دهیم نماز بخوانند؛ ولی شما از هفت سالگی آنان را به نماز خواندن امر کنید، و ما در هفت سالگی امر می کنیم به اندازه توانایی شان نصف روز و یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و دستور می دهیم هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد، افطار کنند.

این عمل برای آن است که به روزه گرفتن عادت کنند. پس شما کودکان خود را در نه سالگی به اندازه توانایی شان امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، افطار کنند». (کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۳، ح ۱، ص ۴۰۹)

لزوم احترام والدین به فرزندان

یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندشان آن است که با احترام گذاشتن به او، همواره شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی‌هایش خفیف و خوار جلوه ندهند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «همان گونه که فرزند نباید به والدین خود بی‌احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او (»بی‌احترامی نمایند

(میزان الحکمه، ج 14، ص 7109)

زمان شروع تربیت دینی چه موقع است؟

زمان شروع تربیت دینی از دوران نونهالی است؛ چرا که فطرت خداجوی کودک هنوز دست نخورده است و این، کار مربی را بسیار آسان می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «آنچه را فرد در کودکی می‌آموزد، مانند نقشی است که روی سنگ حک می‌شود.» (بحار الانوار، ج 1، ص 224) یا اینکه می‌فرمایند: «قلب کودک مانند زمین خالی است که هر بذری را در آن بریزند، رشد خواهد کرد» (19)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «وقتی فرزندان‌تان شش ساله شدند، امر کنید نماز

بخوانند. وقتی هفت ساله شدند، در این باره بیشتر تأکید کنید و در صورت لزوم

(مستدرک الوسائل، ج 3، ص 18). «می‌توانید آن‌ها را بزیند

در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «هر کس فرزندش را ببوسد خداوند

برای او کار نیکی در نامه عملش می‌نویسد و هر کس او را شاد کند، خداوند او

را در قیامت شاد می‌گرداند و هر کس او را قرآن یاد بدهد والدینش فراخوانده

می‌شوند و دو جامه ارزشمند به آنان می‌پوشانند که از نور آن در جامه

(صورت‌های بهشتیان، نورانی می‌گردد

پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص 203) «.

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي
وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (لقمان 14)

سفارش والدین را به انسان می‌کنیم که مادر مدتی شمارا در شکم حمل کرد
سپس دوسال شیرداد. پس ابتدا شکرمن سپس والدینت را بکن که عاقبت نزد من
خواهی آمد.

نقش والدین در سعادت و شقاوت فرزندان

1- تربیت خوب فرزند ثوابهای عظیمی دارد زیرا والدین باید سختی‌ها
و مجاهدت‌های زیادی انجام دهند تا فرزندان به سعادت برسند.

2- والدین در ابعاد مختلف تربیتی از قبیل جسمانی، روانی، رفتاری و دینی نقش
آفرین هستند.

3- نقش محبت به فرزندان در سعادت فرزندان بسیار اثرگذار است. بشرط اینکه
اعتدال در آن رعایت شود. همچنین رعایت عدالت در محبت به فرزندان مسئله
مهمی می‌باشد.

4- اقتدار والدین نیز باید همراه با محبت باشد تا برنامه‌های تربیتی آنها مورد
مسامحه قرار نگیرد. والا اگر اقتدار نباشد فرزندان نافرمانی می‌کنند که پیامبر اعظم
ص فرمود: خدایا بتو پناه می‌برم از فرزندى که خدايم باشد!⁽¹⁾ یعنی فرزند به
والدین امر و نهی کد.

5- در برخورد تنبیهی با فرزند باید ترتیب رعایت شود بدین صورت که در صورت تخلف فرزند، ابتدا با قهر والدین و در صورت عدم تاثیر استفاده از حالات چهره و نگاههای تند به فرزند و در مرحله بعد تذکر در خلوت سپس محروم کردن از مزایایی مثل تفریح و پول توجیبی بعد از آن وادار کردن به کارهای خدماتی منزل و در آخر تنبیه بدنی که نباید باعث سرخ و کبود شدن بدن شود. اگرچه در زندگی ائمه ع دیده نشده که فرزندان را تنبیه کرده باشند.

6- در هفت سال اول بجز بازی نباید برنامه آموزشی از کودک انتظار داشت.

امام کاظم ع فرمود: مستحب است فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز پردازد تا در بزرگسالی حلیم گردد.⁽²⁾

والدین خوبست با کودکان بازی کنند. علی ع فرمود: هر که فرزندی دارد با او کودکی کند.⁽³⁾

7- فضای منزل باید امن باشد والا تربیت با مشکل روبرو می گردد پس اگر زوجین باهم درگیری دارند دور از فرزندان باشد.

8- تحقیر فرزندان و سرنش آنها در حضور دیگران مخصوصا آزار کودک گاه منتهی به ضررهای بزرگی در سنین بالا می گردد. جوانی که 50 کودک را مورد

تجاوز سپس قتل قرار داده بود بعد از دستگیری اعلام کرد تصمیم داشتم هزار کودک را اینگونه از بین ببرم زیرا در کودکی بمن تجاوز شد.

کودکان را با عزت نفس باریاورید. برخلاف بعضی کولوها که فرزندان شان را از همان کودکی گدا بار می آورند!

9- از هفت سالگی به بعد باید مراقبت بیشتری از نوجوان بعمل آید زیرا او ساعاتی را از خانواده دور می شود. الزمه نفسک سبع سنين ثم ضمّه اليك سبع سنين⁽⁴⁾

1. بحارج 81 ص 186

2. بحارج 42 ص 214

3. وسائل ج 15 ص 203

4. وسائل ج 15 ص 193

10- وادار کردن نوجوان به نماز از مهمترین برنامه تربیتی والدین است. که بقدری

این مسئله مهم است که پیامبر رحمت فرمود اگر نوجوان بعد از 7 یا 9 سالگی به

هیچ وجه حاضر به نماز خواندن نشد او را با تنبیه وادار کنید تا نماز بخواند.

زیرا آنقدر در نماز فوائد است که در این مورد زور و اجبار بلامانع است.

سوال □!؟

علت حسادت برادران یوسف (ع) ناشی از تبعیض بیش از حد پدر ایشان نبود؟
و این کار یعنی فرق گذاشتن بین فرزندان از کسی مثل پیامبر خدا عمل نادرستی نیست؟ و نمیتوانست این موضوع به نحو دیگری باشد که حسادت سایرین را بر نه انگیزد؟

پاسخ □؟

باید توجه کرد که تبعیض به دو گونه است □ !

تبعیض ناروا ، تفاوت بی دلیل در رفتار است به نوعی که اگر دو نفر مرتکب ① عمل واحدی شوند یکی را مورد تشویق قرار دهند ولی دیگری و کار خوبش را نادیده بگیرند . به طور طبیعی هر کس ممکن است در دل خویش و به دلائلی خاص به یکی یا برخی از فرزندان بیش از دیگران علاقه داشته باشد اما این علاقه نباید در رفتار او چنان جلوه کند که موجب برانگیختن حسادت دیگر فرزندان شود . همانگونه که دقت در چنین امری از امام باقر مشاهده شده است ؛ آن حضرت با این که در دل به برخی فرزندان دیگرش مهر بیشتری داشت اما در عمل و رفتار پدران خود میان آنان تفاوت نمی گذاشت

تبعیض به حق به این که تشویق یا تنبیه مناسب نسبت به هر یک از فرزندان به 2
معنی تبعیض قائل شدن میان آنها نیست بلکه اگر بنا باشد به بهانه تبعیض قائل
نشدن ، فرزندی را که برجستگی های اخلاقی از خود نشان میدهد یا کارهای
ارزشمند و شایسته ، انجام میدهد مورد تشویق قرار نداد و یا فرزند خاطی را
متناسب با خطائی که میکند تنبیه نکرد ، با چنین رفتاری پیامی از عدم تفاوت میان
خوب کرداری و بد کرداری را به فرزندانمان داده ایم و در حقیقت با چنین
عملی برای فرار از یک خطا به دامن خطای بزرگتری افتاده ایم و حق مسلم
. تربیت صحیح آنها را ضایع کرده ایم

انچه که باید از آن پرهیز کرد تبعیض ناروا در میان فرزندان است اما تبعیض □ !
به حق لازم و شایسته است

چنان که در روایات ما آمده است که ائمه نیز بین برخی از فرزندان‌شان که از [?] لحاظ اخلاقی و ... برجستگی‌هایی داشتند تبعیض روا داشته و نسبت به آنها توجه بیشتری می‌کردند

الفقیه ج 3 ص 483

الکافی ج 6 ص 51

:شیخ حر عاملی عنوان بابی را چنین قرار می‌دهد □ !

باب در کراهت تبعیض قائل شدن بین فرزندان بدون دلیل و مزیت (اما با دلیل «
(و مزیت اشکال ندارد

وسائل الشیعه ج 21 ص 478 باب 91

در تفسیر نمونه چنین آمده است □ !

یعقوب به دو پسر خود (یوسف و بنیامین) مخصوصا یوسف توجه بیشتری نشان «
می داد زیرا

اولا: کوچکترین فرزندان او محسوب می شدند و طبعا نیاز به حمایت و □ ♦
محبت بیشتری داشتند

ثانیا: طبق بعضی از روایات مادر آنها «راحیل» از دنیا رفته بود و به این جهت □ ♦
نیز به محبت بیشتری محتاج بودند

از این گذشته مخصوصا در یوسف آثار نبوغ و فوق العادگی (اخلاقی و ...) ♦
نمایان بود مجموع این جهات سبب شد که یعقوب آشکارا نسبت به آنها ابراز
علاقه کند اما برادران حسود بدون توجه به این جهات از این موضوع سخت
ناراحت شدند و یعقوب بدون شک در این باره مرتکب خطایی نشد و ابراز علاقه

ای که نسبت به یوسف و برادرش بنیامین می کرد روی جهاتی بود که به آن اشاره شد) و چنین مساله ای از نظر شرع و عقل امری راجح و لازم است اما برادران بدون توجه به این موضوع بی جهت حس حسادت را در دل پرورش می» (دادند

تفسیر نمونه ج 9 ص 321

بهترین راه تربیت کردن چیست؟

گفت: فرزند خود را مثل فرزند همسایه بزرگ کن

پرسیدم چگونه؟

گفت: وقتی فرزند همسایه در خانه تو میهمان است به او احترام میگذاری

حالش را میپرسی

وقتی از مدرسه برگشت ابتدا سراغ کیف و نمرات او نمیروی

در رابطه با نوع غذا نظرش را میپرسی

درباره زمان خوابیدن با او مشورت میکنی

✓ نظر او را خیلی از مواقع جویا میشوی

✓ نزد او با همسرت دعوا نمیکنی

. بدان که فرزند تو و فرزند همسایه هر دو در خانه تو میهمان هستند ☆☆☆

! آقای_گاو#

در یک مدرسه راهنمایی دخترانه خدمت میکردم و چند سالی بود

. که مدیر شده بودم

قرار بود زنگ تفریح اول، پنج دقیقه دیگر نواخته شود و دانش آموزان به حیاط

مدرسه

بروند.

در همین هنگام، مردی با ظاهری آراسته و سر و وضعی مرتب در دفتر مدرسه

حاضر شد و

:خطاب به من گفت

با خانم... دبیر کلاس دومی ها کار دارم و میخواهم درباره درس و انضباط

فرزندم

.از او سؤالهایی بکنم

:از او خواستم خودش را معرفی کند. گفت

.من "گاو" هستم! خانم دبیر بنده را میشناسند. بفرمایید گاو، ایشان متوجه میشوند

تعجب کردم و موضوع را با خانم دبیر که با نواخته شدن زنگ تفریح، وارد دفتر

مدرسه

شده بود، در میان گذاشتم

یکه خورد و گفت: ممکن است این آقا اختلال رفتار داشته باشد. یعنی چه گاو؟
من که

...چیزی نمیفهمم

از او خواستم پیش پدر این دانش آموز برود

خانم دبیر با اکراه پذیرفت و نزد پدر دانش آموز که در گوشه ای از دفتر نشسته
بود، رفت.

:مرد آراسته، با احترام به خانم دبیر ما سلام داد و خودش را معرفی کرد

"!من گاو هستم"

...خواهش میکنم، ولی -

.شما بنده را به خوبی میشناسید -

من گاو هستم، پدر گوساله؛ همان دختر ۱۳ ساله ای که شما دیروز در کلاس، او

...را به همین نام صدا زدید

...دبیر ما به لکنت افتاد و گفت: آخه، میدونید

بله، ممکن است واقعاً -

فرزندم مشکلی داشته باشد و من هم در این مورد به شما حق میدهم

ولی بهتر بود

مشکل انضباطی او را با من نیز در میان میگذاشتید

قطعاً من هم میتوانستم اندکی

به شما کمک کنم

خانم دبیر و پدر دانش آموز مدتی با هم صحبت کردند

گفت و شنود آنها طولانی،

ولی توأم با صمیمیت و ادب بود. آن پدر، در خاتمه کارتی را به خانم دبیر ما داد

و با

خدا حافظی از همه، مدرسه را ترک کرد

وقتی او رفت، کارت را با هم خواندیم

در

:کنار مشخصاتی همچون نشانی و تلفن، روی آن نوشته شده بود

دکتر... عضو هیأت علمی

.....دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه

.... چهل نکته تربیتی

هدیه را اول به دختر بدهید -1



با طفل خود بازی کودکانه بکنید -2



اطفال را بخاطر گریه هاشان ننزید زیرا تا مدتی گریه شهادت به وحدانیت 3-
. خداوند، شهادت به نبی اکرم و دعا برای والدین است



فرزندان خود را ببوسید. پس همانا برای هر بوسیدن درجه ای در بهشت است 4-



با سلام کردن به فرزندان به او شخصیت دهید 5-



کودک را در کارهای کودکانه خود تمسخر نکنید. کارهایش را احمقانه 6-
نخوانید.



فرزند را زیاد امر و نهی نکنید تا جرات پیدا کند و در بزرگسالی نافرمان شود 7-
. و زیر بار هر دعوت حیوانی و شیطانی نرود



. به فرزندان خود شخصیت بدهید 8-



9- به وعده خود وفا کنید



10- در کودکان عشق و علاقه به نماز را ایجاد کنیم.



11- لوس کردن، کودکان را موجوداتی ضعیف و بی اراده بار می آورد



12- کودک را تحقیر نکنید



13- برای کودکان خود دعا کنید. به خصوص پدران



14- تذکرات را با ملایمات بیان کنید تا سدی بین والدین و فرزندان نشود



15- اگر کودک در خانه مورد احترام باشد، کمتر از او امر پدر و مادر سرپیچی می کند

احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با وی یکی از اساسی ترین عوامل
ایجاد شخصیت در کودک است.



مربی خوب کسی است که خواسته های کودک را از راه های صحیح و با -16
روش درست تعدیل کند.



ایمان را در کودکان تقویت کنید -17



از مچ گیری و رفتار سرورانه با کودکان پرهیزید -18



فرزند را راستگو تربیت کنید -19

در خانه طوری رفتار کنید که اطفال به راستگویی عادت کنند.



کودک را نترسانید زیرا ترس شخصیت کودک را از بین می برد و دچار -20
اختلال روانی می کند.



نوازش یکی از غذاهای روانی کودک است باید به اندازه کافی از آن تغذیه 21- شود.



زشتی گناه و تنفر مردم از گناهکار را به کودک بفهمانید 22-



بستر بچه ها قبل از 6 سالگی از هم جدا باشد 23-



تذکرات وقتی اثر دارند که والدین خود مجری و عامل آنها باشند 24-

توجه داشته باشید فرزندان آنگونه که ما می خواهیم نمی شوند بلکه آن طوری که ما هستیم می شوند



بین نظم در خانه و بیرون فرق قائل شوید و اجازه دهید در خانه آزادانه بازی 25- کنند.



رفتارهای غیر منتظرانه کودکان را تا حدودی تحمل کنید -26



در تذکر، دیگران را به رخ او نکشید و کسی را با او مقایسه نکنید -27



از طریق داستان سرایی بسیاری از مفاهیم خوب را به کودک القا کنید. -28
داستان خوب و زیبا برایش بخوانید و از رسانه و انیمیشن دور نگهشان دارید



شیطنت کودک در خردسالی نشان دهنده زیادی عقل او در بزرگسالی است -29
آن را سرکوب نکنید



کودکان را از 7 سالگی دعوت به نماز کنید که نماز آرامش و روح و قلب -30
را در کودکان ابدی میکند



به فرزند خود قرآن بیاموزید که نگاه به قرآن و خواندن آن فهم و ذهن -31
کودک را روز افزون می کند



32- از متهم کردن اطفال به دروغ گویی خودداری کنید



33- حس کنجکاوی کودک را با حوصله ارضا کنید



34- در برابر فرزندان هیچ گاه مشاجره نکنید



35- کودکان از مرگ در هراسند بخصوص مرگ والدین. مدام نگوئید "خدا - مرگم بده" و از مرگ خود کودکان را نترسانید



36- استعدادهای فرزندان را کشف کنید و آن ها را شکوفا کنید



37- از نظر مادی نه بی توجه باشید نه کودک را ارضا کنید هر دو خطرناک است.



تنها نقطه امید و مایه شادی کودک، مهر پدر و مادر است روان او را -38

مضطرب نسازید



مناسب تکامل کودک به او آزادی دهید و او را به اختیار خودش بگذارید -39



تربیت فرزند و آموزش واجبات از وظایف والدین است و کسانی که به این -40

امر توجه ندارند مورد نکوهش هستند

اصول تربیت صحیح نوجوان از دید گاه اسلام

(از 12 سالگی تا 20 سالگی)



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد

(ص) و اهل بيته الطاهرين

حساس ترین دوره انسان، دوره نوجوانی است. که هم دوران طلایی و به تکلیف رسیدن و مخاطب خطابات قرانی بویژه یا ایهاالذین امنوا می شود و هم نوجوانی دوران خطر است و باید والدین طوری عمل کنند تا نوجوان از این فرصت خوب استفاده کند و از خطرات سر را به سلامت عبور کند. زیرا غریزه جنسی او و سایر غرایز او فعال و بیدار شده و اگر درست کنترل نشوند نوجوان را منحرف می نمایند.

همچنین دوستان و رفقای فرزندان نوجوان ما در شکل گیری شخصیت او خیلی اثر گذار هستند و در حقیقت در سعادت یا شقاوت او می توانند نقش افرینی کنند.

ما در دورانی زندگی می کنیم که همه جای دنیا را تباهی و سیاهی و فساد فرا گرفته است و خانواده ها در کشورهای غربی و شرقی سخت ترین دوران خود را

از جهت انحراف اکثر فرزندان خود می گذرانند. جونز لانز، از اساتید دانشگاه بوستون آمریکا:

«یک نوجوان شانزده ساله آمریکایی در دوران کودکی و نوجوانی اش تاسن (16 سالگی) شاهد هجده هزار مورد قتل و هشت هزار مورد تجاوزجنسی از تلویزیون می باشد.»

جوئیس برایس، نویسنده و روزنامه نگار:

«با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز نموده است.»

واشنگتن تایمز:

«در آمریکا فرزندان طلاق و تک والدینی و بی سرپرست در محیط خانه خود هیچ گونه آموزش اخلاقی نمی بینند. استثنا هم وجود دارد و بعضی مادران کار خود را به نحو احسن انجام می دهند. اما بسیاری از آنها درگیر استفاده از مواد مخدر هستند و از نظر موقعیت مالی تنها نیم قدم بابتی خانمانی فاصله دارند. بنابراین همه چیز به هم ریخته است، بچه ها خشونت و اثرات منفی را مدل خود قرار می دهند.»

«دکتر آنتوانت ساندرز درباره وضع کودکان آمریکا می نویسد:

در آمریکا در سال 1990 بیش از یک چهارم کودکان زیر هیجده سال یافقط با یکی از والدین خود و یا بدون هیچ یک بسر می بردند.»

«براساس آمار معتبر:

در آمریکا سالانه بیش از یک میلیون نوجوان از خانواده‌های خود فرار می‌کنند که نیمی از آن‌ها دختران نوجوانی هستند که به علت سن پایین نمی‌توانند شغلی داشته باشند لذا به دزدی و مبادله مواد مخدر و فحشاروی می‌آورند.»

«کشیش یرس ریتز می‌گوید:

در آمریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

این یک نمایی از وضعیت خانواده در آمریکا می‌باشد. و علاوه بر از دست رفتن سعادت نوجوانان و جوانان در این کشورها، استکبار جهانی بدنبال بی‌هویت کردن نوجوانان و جوانان مسلمان است تا بتواند منافع خود را پیش ببرد لذا به کشورهای مختلف بویژه کشور ما هجوم آورده است! در این مورد دشمن بجای هجوم از مرزهای جغرافیایی و جنگ سخت، سراغ مرزهای فرهنگی رفته و از طریق اینترنت و فضای مجازی و جنگ نرم وارد شده است لذا تربیت خیلی سخت شده است حتی خانواده‌های مذهبی و مومن هم در تربیت فرزندانشان دچار مشکل شده‌اند و نیاز به کمک و راهنمایی دارند.

اسلام که دین جامع و کاملی است توصیه‌های خیلی مهمی دارد که اگر به آنها عمل شود ان‌شاءالله خانواده می‌توانند شاهد موفقیت در تربیت نوجوانان خود باشند.

در این کتاب درمورد وظایف والدین و معلمان و دوستان در هدایت نوجوان
بسوی سعادت، مطالبی را عرضه می داریم امید مورد استفاده خوانندگان محترم
قرار گیرد.

زمستان 1400. کرمانشاه

اصل اول: جدی بودن والدین در تربیت دینی نوجوان خود

اکثر والدین دوست دارند فرزندان آنها درست تربیت شوند و بعدا باعث افتخار
انها بشوند. و حاضرند در این راه هرکاری انجام بدهند. ولی عده ای والدین هستند
که اینها نه تنها اهمیتی به درست تربیت شدن فرزند خود نمی دهند بلکه چون با
دین مخالفند جلو تربیت دینی فرزندان خود را می گیرند.

دختر خانمی می گفت مادرم نمی گذارد چادر بپوشم و می گوید مگر پیرزن
هستی که می خواهی چادر سر کنی!

نوجوانی به حضرت امام نوشته بود که پدرم مانع نماز خواندن من میشود و می
گوید راضی نیستم در خانه من نماز بخوانی!

پدرانی هستند که فرزندان خود را در کارهای خلاف خود شریک می کنند مثلاً با هم دزدی می روند! یا باهم مواد مخدر می فروشند!

مادرانی هستند که با دختران خود کارهای زشت مانند خودفروشی انجام می دهند و...

بنابراین باید والدین خود بخواهند و نگران تربیت فرزندان خود باشند.

:رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می فرماید

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَىٰ بِرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ التَّأَلُّفِ لَهُ وَ تَعْلِيمِهِ

و تَأْدِيبِهِ؛^(۳۵) خداوند رحمت کند بنده ای که فرزندش را بر نیکی و سعادتش

یاری کند، به این که به او احسان نماید و با او رفتار دوستانه داشته باشد و به

آموزش پرورش او پردازد

یعنی مهم ترین وظیفه والدین، تربیت دینی نوجوان خود می باشد که اودر مسیر

خوبان قرار گیرد و جزو ابرار شود که ان الابرار لفی نعیم..نوجوانی که رفتار

خوبی داشته باشد. اخلاقش اسلامی باشد. از بندگی خدا فرار نکند و نمازخوان

میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۶³⁵

باشد. خدا دوست باشد. اهل مسجد باشد. دختری که حجاب داشته باشد. در اولین فرصت ازدواج کند. و... این علامت موفقیت در تربیت می باشد.

امام علی علیه السلام

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ

دل نوجوان به زمین آماده و پاکی می ماند که هر بذری را در آن پاشند، همان را قبول خواهد کرد.

این روایت به ما می فهماند که ما می توانیم در این دوران طلایی خمیر مایه او را خمیر افراد صالح و شایسته قرار دهیم. و همه خوبیها را در او پرورش دهیم و البته باید کمال مواظبت بکنیم تا نوجوان ما در این دوران هشت ساله از دوازده سالگی تا بیست سالگی از آسیب ها در امان بماند.

!

دوشخصیتی بودن والدین در تربیت نوجوان تاثیر منفی می گذارد!

بعضی از پدر مادرها دو شخصیت دارند! یعنی دو رو هستند! دو چهره دارند! مثلاً در حضور فردی مرتب از او تعریف می کنند و تملق او را می گویند ولی وقتی آن شخص نیست پشت سرش بد او را می گویند!

در حضور دیگران دم از خدا و پیامبر می زنند ولی در تنهایی اهل نماز و دین نیستند!

آورده اند زاهدی ریاکار با پسرش مهمان پادشاهی شد در وقت غذا خوردن زاهد کم غذا خورد وقتی که با فرزندش به منزل آمد به همسرش گفت برای ما غذا بیاور فرزندش گفت چرا نزد پادشاه کم خوردی که هنوز گرسنه ای؟ گفت آنجا کم خوردم که به کار آید! فرزندش گفت پس عبادتهایت را قضا کن که به کار نیاید!

این دو چهره بودن باعث میشود که فرزند هم در آینده همین روش بد را پیش بگیرد!

خانم در پایگاه بسیج و در مسجد حجاب خوبی دارد ولی تو پاساژ و پارک و خیابان، ارایش کرده و بدحجاب ظاهر میشود!

یا پدر در خانه است شخصی دم در می آید و سراغ پدر را می گیرند به
فرزندش می گوید بگو خانه نیست!

نوجوان می گوید عجب! پس پدرم به راحتی دروغ می گوید! من هم باید همین
کار را بکنم تا پیشرفت کنم!

عده ای از مردم برای رسیدن به مادیات در پیش روحانیت و مسئولین قیافه
حزب الهی بخود می گیرند ولی در بین خودی ها و فامیل ها، دین را مسخره می
کنند.

اینها الگوی خوبی برای فرزندان نیستند.

جوانی می گفت من بی نمازم ولی وقتی قرار بود استخدام شوم مدتی شروع به
نمازخواندن کردم تا بتوانم پذیرش شوم!

در این مورد علاوه بر مسولیت والدین، معلمین و اساتید و رسانه ها و محیط همگی
تاثیر گزارند

ما بهترین دین را داریم و باید زیبایی های دین و خوبی های دین و فواید دین را
آن را به فرزندان ارائه بدهیم.

□! حكايتي کوتاه و آموزنده

● خانمي از عالمي پرسيد

خواب بچه هايم بسيار سنگين است، بخاطر همين نمي توانم براي نماز صبح بيدارشان كنم، حالا بايد چكار كنم؟

شيخ گفت: اگر اتاق خواب شان آتش بگيرد و جان شان در خطر باشد چكار □ ✓
مي كني؟

!! خانم گفت: آنها را بيدار خواهم كرد ●

!! شيخ گفت: ولي خواب شان سنگين است چگونه بيدارشان مي كني؟ □ ✓

خانم گفت: به خدا قسم هرطور كه شده بيدارشان مي كنم حتي اگر شده آنها ●
... را كشان كشان از اتاق خارج خواهم كرد

شیخ گفت □ ✓

همینطور که برای نجاتشان از آتش دنیا این کار را می کنی پس بخاطر نجاتشان "

". از آتش جهنم نیز چنین کن

علل گریه نوجوان چیست؟

راهنمایی مناسب برای والدین

ما در این مقاله تعدادی از شایع ترین علایم افسردگی نوجوانان را برخواهیم شمرد. اگر چه این علایم به صورت مستقیم با علایم افسردگی اساسی در ارتباط نیستند اما بسیار شبیه این علایم هستند. اگر تعدادی از ویژگی های زیر در یک به افسردگی اساسی مبتلا باشد نوجوان مشاهده شود، این احتمال وجود دارد که

احساس اندوه، گریه کردن و بغض مداوم .

نوجوانان ممکن است اندوه شدید خود را بوسیله ی کارهای مانند پوشیدن لباس های سیاه، نوشتن اشعار غمناک، یا شیفتگی به موسیقی هایی با مضمون های پوچی گرایی، ابراز کنند. ممکن است بدون هیچ دلیل مشخصی گریه کنند

نا امیدی و درماندگی .

نوجوان ممکن است احساس کند زندگی ارزش زندگی کردن را ندارد یا حتی ارزش تلاش برای حفظ ظاهر مناسب و نظافت فردی را ندارد. آنها ممکن است باور داشته باشند که یک وضعیت منفی هرگز تغییر نخواهد کرد و به آینده ی خود بدبین شوند.

- **کاهش علاقه به فعالیت ها، یا ناتوانی در لذت بردن از فعالیت هایی که قبلا از انجام آنها لذت می بردند**

نوجوان ممکن است نسبت به مسائل بی تفاوت شده و از کلوب ها، ورزش، و دیگر فعالیت هایی که زمانی از انجام آنها لذت می برده است فاصله بگیرد. هیچ کدام از آنها دیگر برای نوجوان افسرده جذابیتی ندارند

- **خستگی مداوم و بی انرژی بودن**

نداشتن انگیزه و انرژی در غیبت در کلاس ها و نرفتن به مدرسه نمود پیدا می کند. در اینجا می توان کاهش معدل نمرات مدرسه را ناشی از کاهش تمرکز و توان ذهنی دانست

- **انزوای اجتماعی، ضعف در برقراری ارتباط**

ارتباط او با خانواده و دوستان کمرنگ می شود. نوجوان ممکن است از حضور در دورهمی های خانوادگی و مراسم ها اجتناب کند. نوجوانی که پیش از این زمان زیادی را با دوستان خود می گذراند، اکنون ممکن است بیشتر زمان خود را در تنهایی و بدون انجام فعالیت خاصی بگذرانند. نوجوان ممکن است دیگر

نخواهد احساسات خود را با دیگران در میان بگذارد، و باور داشته باشد که در این دنیا تنها است و هیچ کسی وجود ندارد که به حرف های او گوش دهد و یا حتی به او اهمیت دهد.

• اعتماد به نفس پایین و احساس گناه

نوجوان ممکن است برای رویدادهای منفی به دنبال مقصر بگردد. آنها ممکن است احساس شکست کنند و در مورد توانایی ها و ارزشمندی خود دیدگاهی منفی پیدا کنند. ممکن است احساس کنند که به اندازه ی کافی کارآمد و توانمند نیستند.

• حساسیت بسیار بالا در قبال احساس طرد شدن یا شکست

با اعتقاد به این که فردی بی ارزش هستند، نوجوانان افسرده با مواجه شدن با هرگونه طرد شدگی و یا احساس عدم موفقیت حتی به میزان بیشتری افسرده می شوند.

• ضعف در برقراری ارتباط با دیگران

نوجوان ممکن است ناگهان انگیزه ی خود را برای حفظ روابط دوستانه خود از دست داده و از دیدن دوستان و صحبت کردن با آنها دست بکشد.

تربیت اختیاری یا اجباری؟

اینجا سوالی مطرح می شود که در هنگام تربیت نوجوان اگر زیر بار نرفت تکلیف چیست؟

اگرچه تعدادی از نوجوانان از احکام تربیتی مانند نماز و قران و درس خواندن و غیره استقبال می کنند ولی عده زیادی هم حاضر نیستند نماز بخوانند یا کلاس قران بروند و...

نظر اسلام این است که این احکام باید حتما اجرا شود و فرزند حتما باید نماز بخواند. اگر با اختیار خود خواند که عالی است ولی اگر نخواهد اینجا دیگر نوبت اجبار است.

در تکالیف دینی اجبار مشاهده می شود حتی برای جوانان و بزرگسالان. مثلا خداوند نمازهای یومیه را واجب کرده و اگر کسی نخواند مجازات دنیوی و اخروی دارد

اگر خدا نماز را واجب نمی کرد شاید نود درصد نماز نمی خواندند و فقط اولیاء خدا و علمای ربانی نماز می خواندند.

اگر خدا روزه را واجب نمی کرد شاید نود درصد مردم روزه نمی گرفتند! سایر تکالیف هم به همین صورت می باشد!

علتش انست که در انسان، نفس اماره وجود دارد و نفس میل به تنبلی و راحتی و لذات دارد. و از نماز و روزه و همچو تکالیفی خوشش نمی آید مانند فرزند بیماری که از داروی تلخی که پزشک حکیم برای درمانش تجویز کرده خوشش نمی آید. ولی وقتی بهزور به او داده شد، مریضیش درمان می شود.

ما در زندگی تعدادی از دانشمندان داریم که در نوجوانی میل و رغبتی به تحصیل دانش و علم نداشتند و با اجبار به تحصیل مشغول شدند. علمایی داریم که در نوجوانی از طلبه بودن خوششان نمی آمده است ولی وقتی به دلایلی مجبور شدند علم بیاموزند بعداً دیگر علاقه مند شدند و حتی به مرحله عشق ورزیدن به علم و دانش رسیدند.

نوجوان بخاطر جهل، نمی داند که نماز چقدر برای او سودمند است یا آموزش قرآن چقدر برای او مفید است و رفتن به مسجد و هیأت چقدر برایش سودمند است لذا والدین باید او را به این کارها وادار کنند تا زمانی که خود متوجه منافع

اینها شود. برای همین است که پیامبر مهربانی توصیه کرده هرطور شده فرزندان را به نماز وادار کنید حتی نیاز به سخت گیری بود سخت گیری کنید.

دلایل الزام تربیت

ایه 55 مریم

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

حضرت اسماعیل، خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.

ایه 17 لقمان

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَالِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

لقمان به پسرش گفت: پسر کم! نماز بخوان و امر بمعروف و نهی از منکر نما و بر مصیبت ها صبور باشکهاین نشانه ثبوت در تصمیم گیری است.

ایه 132 طه

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى

خانواده ات را به نماز فرمان بده و هر روز این دستور را ادامه بده
ما از تو پول نمی خواهیم! ما به تو روزی می دهیم و عاقبت با متقین
است.

ایه 6 تحریم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

ای مومنین خودتان و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید...

در آیات مذکور بیان شده که باید به خانواده امر کنی و دستور بدهی نماز و...
اقامه کنند که این نشان می دهد باید هر طور شده خانواده نماز و... را انجام دهند.

در زندگی عده ای از بزرگان آمده که در کودکی تمایلی به درس خواندن یا نماز خواندن و امثال آن نداشتند ولی وقتی بوسیله والدین و معلمان مجبور شدند اینها را انجام دهند اگرچه در ابتدا زوری بوده است! ولی بعد خودشان متوجه خوب بودن اینها شده و علاقه مند شدند.

از جمله در زندگی علامه سید نعمت الله جزایری است که در پنج سالگی که بودند ابا، علاقه ای به درس نداشتند و ولی پدرشان ایشان را مجبور می کند به مکتب برود و درس بخواند. ایشان با اجبار و بدون هیچ علاقه ای تحصیل می کردند ولی بعدا ایشان دچار تحول شدند و شیفته تحصیل گردیدند.

در زندگی عالم دیگری آمده که وقتی نوجوان بودند علاقه به خواندن نماز نداشتند ولی پدرشان ایشان را مجبور به خواندن نماز می کردند و ایشان هم نماز زوری می خواندند و گاهی خود را به نماز خواندن می زدند ولی نماز نمی خواندند! تا اینکه بزرگتر شدند عاشق نماز گردیدند!

اینها نشان می دهد چون نوجوانان عقلشان رشد نکرده و از منافع نماز اطلاعی ندارند لذا به نماز رغبت ندارند و باید با تشویق و انداز اینها را به نماز واداشت بعد که بزرگتر شوند نمازخوان می شوند و گاه دیگران را به نماز دعوت می کنند.

اهمیت نماز نوجوانان

نوجوانانی هستند که ادمای خوبی هستند و آزارشان به کسی نمی رسد و همه از آنها تعریف می کنند ولی متأسفانه یه عیب بزرگ دارند! و ان این است که نماز نمی خوانند! و حاضر نیستند نماز بخوانند! و این باعث شکست آنها در زندگی می شود! چون ادم بی نماز از لطف خدا محروم می شود و شیطان قدم به قدم به او نزدیک می گردد تا اینکه او را از خدا دور کرده و همانند خود که اخراج شده از درگاه الهی است، بدبخت می نماید

بعضی از این نوجوانان می گویند قبلا می خواندیم! ولی الان نمی خوانیم! این به بی وفایی بر می گردد که آدمی یه مدت بندگی خدا را بکند ولی بعد بندگی خدا را به بهانه های مختلف مانند اینکه هرچی دعا کردیم مستجاب نشد! خدا مارو فراموش کرده! بی نمازها خوشبخت ترند و...رها کند

یکی از دلایل بی نماز عده زیادی از نوجوانان به تربیت والدین بر می گردد. والدین باید از نوجوانی که فرزند مانند خمیر در دست آنان است هر طور شده او را نماز خوان بار بیاورند و الا اگر او را ازاد بگذارند بعدا دیگر دیر است! خانمی گفتند پسرم بیست سالش است و نماز نمی خواند من چه راهی را انجام بدهم تا ایشان نماز خوان بشوند؟

گفتم پدرش نماز می خواند؟ گفت نه!

گفتم خانم! اولاً باید از نوجوانی روی نماز ایشان کار می کردید الان دیگر دیر است مگر معجزه شود! دوم اینکه چون پدرش بی نماز است در ایشان اثر منفی داشته است در حالی که اگر پدرش نمازخوان بوده احتمال زیاد فرزند هم نماز خوان می شد.

اصل دوم: در تربیت نوجوان بین پدر و مادر هماهنگی باشد.

وقتی پدر و مادر دو سبک متفاوتی تربیتی دارند، بچه ها گیج و سردرگم می شوند و وجودشان سرشار از تناقضات و تعارضات حل نشده باقی می ماند چرا که هماهنگی در تربیت آنها وجود نداشته است

هماهنگی والدین در تربیت نوجوان، بزرگترین عامل آرامش کودک است! وقتی نوجوان متوجه می شود در خانه یکدستی وجود ندارد و بچه ها با اصول تربیتی چند نفر بزرگ می شوند، به این نتیجه می رسد که درست و غلطی وجود ندارد و مجاز به انجام هر کاری هست

مثلاً مادر می گوید «نمیتونی بستنی بخوری» پدر می گوید «بعد از غذا میتونی بستنی ... بخوری» و مادر بزرگ می گوید «نه عزیزم بیا الان بخور» و

اگر هر دو والد باهم و هماهنگ اشتباه رفتار کنند بهتر از این است که یکی اشتباه و دیگری درست رفتار کند! در این صورت تعارض است که والدین هم با هم سر بچه ها درگیر می شوند و نمونه اش را شاید خیلی دور و برمان شنیده باشیم! که داستان تعارضات والدین تازه از اینجا شروع می شود

مادران بخاطر محبت به فرزند،مقابل پدر فرزند خود نایستند و در مورد انحرافات فرزندان خود مسامحه نکنند!

اگر چه اکثر مادران به فرزندانشان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات نامشروع،فرزندانشان را مورد آزار واذیت قرار می دهندولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد،عواقب سوئی ایجاد می نماید.محبتها و تنبیه ها و تشویق ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید والا آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می کند.

ما بارها از افراد مختلف شنیده ایم که هر وقت خواستیم فرزندمان را در مسیر درست قرار دهیم و او را تذکر بدهیم و هشدار بدهیم و برخورد کنیم،مادرش جلو دوید و مانع شد

تا اینکه حالا فرزدمان بزرگ شده و در مسیر نادرست است و
گوش به حرف احدی نمی دهد!

به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش
ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه‌ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای
مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دونفر از دوستانم در یکی از
خانه‌های نارمک تهران سرگرم دزدی اثاث خانه‌ای
بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم
می‌خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می‌خواهم
امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو خیلی
مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه مرا به روز سیاه
نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش
کرده بودم، می‌خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دویدی

ونگذاشتی که او مرا تنبیه کند وگفتی: این پسر کوچولوی من
است! وهر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می آمدم، اما تو چیزی از من
نمی پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان
می کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و
حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می کنم، مانع من نشدی
و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره
برادر کوچکم نکن!»

مادرانی هستند که بجای اینکه بهشت زیر پایشان باشد، جهنم زیر پایشان می
باشد!!! آنهایی که با فرزندان خود با بدی رفتار می کنند و فرزندان خود را ازار و
اذیت می نمایند. به یک نمونه توجه نمایید:

سلام دختری هستم ۲۳ ساله و مجرد!

پدرم خیلی مرد خوبیه، اصلا بد دهن نیست و پول تو جیبی هم میده! هیچوقت

دعوا هم نمیکنه

اما متاسفانه مادرم فوووق العاده عصبی، بد دهنه و وقتی پدرم میخواد به منو

خواهرم پول بده مانعش میشه!

بچه بودم خیلی منو میزد، مدام دستو پامو میبست و با دستوپای پسته منو میذاشت

تو خیابونو میرفت درحالیکه پنج سالم بود،

و مدام میزد مارو! مدام بدهنی میکنه

و منو خواهرمو و حتی پدرمو اذیت میکنه!

حتی وقتی ۱۷ سالم بود بدون هیچ دلیلی او مد مدرسه و منو مفصل وسط صف

زد!

از شدت استرس پوستم حساسیت داده و تمام بدنم زخمه!

و بدنم لمس میشه!

پیش خانواده اش از من دروغ گفته ، منو پیش همه بی آبرو کرده، و همه رو علیه

من درآورده!

اخرم با مظلوم نمایی خودشو بی گناه جلوه میده

درحالی که جزو نفرات برتر ایران در شغل خودم شدم، با درآمد فوق العاده عالی

که پیش روم بود، مانع ام شد،

و با زنگ زدن به تمام همکارانم، با بدهنی و دروغ هاش، منو بی آبرو کرد، و از

شغل خودم افتادم،

چه کنم؟ خسته شدم. میتونم ازش شکایت کنم؟ چطوری باید اثبات کنم؟

هرچقدر که عاشق پدرم، از مادرم متنفرم! یه تنفر شدید قلبی

شاید اگه نامادری داشتم بیشتر برام مادری میکرد

فرزند وارث والدین خود!

زیاد شنیدیم که میگویند: مَثِ پدرت می مانی! عینِ پدرت هستی! فلانی اخلاقشو

از باباش به ارث برده! یا میگند مادرشم اینجور بود! و...

و این واقعیتی است که خیلی از اعمال و رفتار فرزندان، میراث پدر و مادر خود

می باشد! اگر آنها خوب عمل کردند فرزندان هم معمولاً خوب خواهند شد و اگر

بد عمل کرده باشند فرزندان آنان هم بد خواهند شد!

نوجوانان آینه وار رفتارهای والدین و بزرگترها را تقلید می کنند. چشمان کوچکی هستند که شب و روز شما را نگاه می کنند. گوش های کوچکی هستند که هرچه می گوئید، زود می شنوند. دستان کوچکی هستند که مشتاقند هر آنچه انجام می دهید، انجام دهند و نوجوان در رویای روزی است که مثل شما شود.

شما الگوی دوست کوچک ما هستید و از همه ی دانایان، دانا ترید. در ذهن کوچکش، اصلاً به شما مظنون نیست، هر آنچه را بگوئید و انجام دهید، باور می کند، او مثل شما حرف می زند و کار می کند و وقتی بزرگ شد، درست مثل شما خواهد بود.

نوجوان ،ساده لوحی ست که فکر می کند همیشه حق با شماست. با چشمانی همیشه باز، شبانه روز نظاره گر شماست و شما هرروز با کارهای خود برای او سرمشقی به جا می گذارید، برای پسر کوچکی که منتظر است در آینده همانند شما شود.

مواظب رفتارشان باشید. استعداد تقلید در نوجوانان خیلی زیاد است. آن ها همانند مهارت های شناختی استعداد تقلید کردنشان نیز پیشرفت می کند. نوجوانان در این سن درست مانند رایانه هر چیزی را که یاد بگیرند بر زبان می آورند و یا انجام می دهند.

حافظه بیشتر نوجوانان خالص و پاک است. آن ها از سالها پیش حتی در قبل نوجوانی مثلاً در در سن ۱۴ ماهگی قادر هستند که کلمات و اعمالی را که هفته ها و یا ماه ها پیش دیده و شنیده اند را انجام دهند. هنگامی که فرزندان در سن تقلید کردن و کپی برداری از رفتار شما است.

سعی کنید بهترین الگوی رفتاری برای او باشید. یک روز در ماشین متوجه شدم که فراموش کردم چیزی را بیاورم و زیر لب غرغر کردم. درست یک لحظه بعد صدایی از عقب ماشین شنیدم که دقیقاً کلمات مرا بر زبان آورد... با همان لحنو صوتی که من گفته بودم. وقتی نوجوانان شروع به حرف زدن می کنند. در

حقیقت آن صداها، کلمات و واژه هایی را که قبلاً چندین بار شنیده اند، می گویند.

اگر می خواهید فرزندان مودب باشد و همیشه بگویند لطفاً و «متشکرم». باید مواظب رفتارشان باشید و از این کلمات به طور مستمر در مکالمات روزمره خود استفاده کنید. مطمئن باشید فرزندان شاهد کلیه اعمال شما در موقع مهربانی، عصبانیت و ناراحتی می باشد و وقتی که او رفتار خوبی از خود نشان داد. حتماً از او تعریف کنید و او را به تکرار آن تشویق کنید.

اصل سوم: والدین، فرزندان خود را نصیحت کنند

موعظه و نصیحت دلسوزانه والدین حتماً تاثیر مثبت دارد.

پیشوایان دین همواره فرزندان خود را نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر می کردند و اصرار داشتند در هر فرصتی با ارائه ی حکمت ها و مطالب سازنده و عمیق اذهان صاف آنها را بارور نمایند؛ چنانکه قرآن کریم نصایح لقمان حکیم به فرزندش را با خطاب زیبای «یا بُنّی» گزارش می کند. امام علی (علیه السلام) هم

در نامه ای اندرزهای خود به امام حسن (علیه السلام) را با ده بار خطاب «یا بُنِی»
(۱۲). همراه می کند^{۳۶}

بخشی از نصایح لقمان به پسرش که به صورت نصیحت دهگانه در ضمن پنج آیه آمده مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و آداب معاشرت به این ترتیب است:

1 - یا بُنِیَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِیْمٌ؛

پسر جان! چیزی را شریک خدا قرار نده که شرک ظلم بزرگی است. [اشاره به توحید]

2 - یا بُنِیَّ اِنَّ یَکُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَکُنْ فِی صَخْرَةٍ اَوْ فِی السَّمَوَاتِ اَوْ فِی الْاَرْضِ یَاْتِ بِهَا اِنَّ اللَّهَ لَطِیْفٌ خَبِیْرٌ؛

پسر جان! اگر به اندازه سنگینی خردلی (یعنی به اندازه تخم سیاه بسیار ریز گیاهی) عمل نیک یا بد باشد در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد، خداوند دقیق و آگاه است. [اشاره به معاد]

3 و 4 و 5 و 6 - یا بُنِیَّ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَ اْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ؛

ای پسر جان! 1 - نماز را بر پا دار. 2 - و امر به معروف و نهی از منکر کن. 4 - و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد با استقامت و شکیبا باش که از کارهای مهم و اساسی است.

7 - وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ؛ با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان.

8 - وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛

مغرورانه بر زمین راه نرو، که خداوند هیچ متکبر مغرور را دوست ندارد.

9 و 10 - وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَآغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ؛

ای پسر جان! 1 - در راه رفتن اعتدال را رعایت کن. 2 - از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد زن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است.

در این اندرزهای دهگانه، لقمان به توحید و معاد و نماز اشاره کرده، سپس به دو دستور اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته، آن گاه در مورد صبر و مقاومت در برابر حوادث سخت، سخن به میان آورده، سرانجام سه نکته مهم از آداب معاشرت را یادآوری نموده است که به راستی اگر این ده دستور به طور صحیح رعایت گردد، مدینه فاضله اخلاقی و انسانی به وجود خواهد آمد.

امیرالمومنین علی علیه السلام هم نصیحت‌هایی به فرزندش در ابعاد مختلف معنوی و مادی دارند.

مثلا در موردی می فرمایند که فرزندم! اگر می خواهی از طیب بی نیاز شوی

چهار مطلب را رعایت کن!

تا گرسنه نشدی نخور! وقتی غذا می خوری هنوز سیر نشدی دست بکش! غذا را

جویده جویده بخور و قبل از خواب خودت را تخلیه کن (دستشویی برو)

و در نصیحت های حضرت که در اواخر عمر مبارک فرمود: اوصیکم بتقوی الله

و نظم امر کم

تقوی و نظم و انضباط عامل موفقیت است.

:سفیان ثوری گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند

ای سفیان! پدرم سه چیز را به من تعلیم داد و از سه چیز نهی کرد؛ اما آن سه که

مرا به آن تعلیم نمود، این بود که به من فرمود: پسر جانم! هر که با یار بد هم نشین

شود، سلامت و ایمن نماند. هر کس کلامی را که بر زبان جاری می کند، مهار

نکند پشیمان گردد. و هر کس در آستانه ی جاهای بد قرار گیرد، متهم گردد

گفتم: ای فرزند دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن سه چیزی که

شما را از آنها نهی فرمود کدام اند؛ فرمود: مرا از هم نشینی با سه گروه منع کرد:

کسانی که بر بنده ای که خدا به او نعمت داده حسادت ورزند؛ کسانی که بر
(۱۸). مصیبت دیده سرکوفت زنند و فرد سخن چین.^{۳۷}

³⁷ بن شعبه، تحف العقول، ص ۳۹۶

اصل چهارم: شناسایی خطرات سر راه نوجوان..

خطرات زیادی در کمین نوجوانان است خطراتی مانند انحرافات اخلاقی از قبیل خودارضایی. لواط. زنا. یا. انحرافات اعتقادی مانند ارتداد و مسخره کردن دین و روحانیت و نماز و..

والدین و مربیان باید کاملاً این خطرات را بشناسند تا جلوان را بگیرند. و این یعنی نظارت بر رفتار نوجوان!

. در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.

«فرمانده نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله فیلمهای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار

کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت فرزندانشان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه‌ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهانه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می‌کشد تا گل‌هایش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم‌پوشند و مواظب روحيات فرزندانشان باشند.

ارتباط با افراد منحرف حتی فامیل ممنوع..

نوجوان تا زمانی که به سن رشد برسد چون ساده است، زود گول می‌خورد. لذا باید خیلی مواظب بود تا با هر کسی تماس نداشته باشد.

انحراف بخاطر دوستی با هم کلاسی منحرف

نوجوانی سراغ دارم که در خانواده‌ای مذهبی تربیت شده ولی در کلاس راهنمایی با رفاقت با یک هم‌کلاس منحرف کلا ازین رو به ان رو شد و دچار افکار انحرافی شد و الان معضلی برای این خانواده مذهبی شده است.

دایی باعث اعتیاد خواهر زاده شد..

در بازدید از کمپ ترک اعتیاد با نوجوانی 16 ساله که برای ترک آنجا بود مواجه شدم از او پرسیدم شما چرا معتاد شدی؟ جواب داد دایی من مرا معتاد کرد!

نظارت بر استفاده نوجوانان از وسایل بازی ها و فیلمها

دراختیار گذاشتن وسایل بازی باید با نظارت کامل باشد. اگر بدون نظارت باشد همین بازی ها هم می تواند نوجوان را فاسد کند.

پلی استیشن و سه ماه بازی منحرف..

حاج اقای در برگشت از مکه، یک دستگاه پلی استیشن . برای پسرش آورده بود که چند سی دی هم همراه آن توسط فروشنده بنام هدیه داده شده بود. حاج اقا دستگاه را با سیدی ها به پسرش داد. بعد سه ماه پسر به مادرش می گوید در این سی دی ها زنهای لخت هستند که

مادر آن پسر پیش من آمد و گفت این سی دی ها را بررسی کنید ببینیم حرف پسر صحت دارد. من آنها را کلوپ بازی ها بردم و مثل کلوب تا سی دی ها را دید گفتم اینها بازی های مستهجن دارند و آنها را با چاقو خط خطی کرد که دیگر قابل استفاده نباشند.

حال این نوجوان چندماه این تصاویر را دیده است و دیگروالدین قادر به پاک شدن آن تصاویر بد از مغز او نیستند!

باشگاه ها خطرناکند.

درباشگاه ها گاه افراد منحرف هستند که نوجوانان ساده را گول می زنند وانهارا منحرف می کنند

نوجوانی می گفت باشگاه می رفتم انجا نوجوانی بود به من پیشنهاد خودارضایی داد و من هم انجام دادم والان به ان معتاد شده ام مرا نجات دهید.

دوستان فرزندان ما چه کسانی هستند؟

دوستان نوجوان خود را بشناسیم. کودکان وقتی بزرگ می شوند و به مدرسه می روند به خصوص زمانی که به سن نوجوانی می رسند، بیشتر از دوستان خود تقلید می کنند. نوجوان بسیار آسیب پذیر است و اگر دوستان او رفتارهای خوبی نداشته باشند به راحتی می توانند او را به بدآموزی و خلافتکاری بکشانند.

مساله داشتن دوست و رفیق در سعادت و شقاوت انسان بسیار موثر است. همانطور که در قرآن کریم آمده که عده ای در قیامت می گویند ای کاش با فلانی رفیق نمی شدیم. او ما را از راه حق و از یاد خدا دور کرد.

رفیق می تواند انسان را بهشتی کند یا انسان را جهنمی نماید!

رفیق بد، فرزند پیامبران یا امامان یا علمای ربانی را از راه به در میبرد!

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد!

علمایی که پسران آنها منافق و مرتد و قاتل مسلح بودند یکی از عواملش دوستان بدی که فرزند آن داشتند و این فرزندان را شکار کردند و به گروه دشمنان خدا ملحق نمودند!

بسیاری از افراد معتاد گفتند رفیق ما را معتاد کرد! برخی از افرادی که گناهان

جنسی مانند استمناء می کنند گفتند رفیق ما را به این کار معتاد کرد!

افرادی که در باندهای فساد یا باندهای سرقت و امثال آن گرفتار شدند می گویند رفیق ما را به این کار واداشت.

افرادی که جذب منافقین شدند یا ضد انقلاب هستند برخی بخاطر دوستان ضد .

!انقلاب و ضد نظام، در صف دشمنان نظام قرار گرفتند

حتی افرادی که در جوانی کشته شدند برخی بخاطر دوست نامناسب مرده اند.
یک نفر از دوستان روحانی می گفت پسر یک هفته مانده به مراسم عقدش. با
دوستانش برای تفریح به جنگل رفت و زنده برنگشت و مرگش مشکوک است.
و مادرش خیلی بیقراری می کند. مواظب دوستان فرزندانمان باشیم!
دختر خانمی که معتاد به شیشه بود می گفت دوست آرایشگری دارم. وقتی برایش
از مشکلات زندگیم گفتم من رو تشویق کرد شیشه بکشم و من معتاد شدم!
یه روز اقایی با گریه پیش من امد و گفت چند روز است خورد و خوراک بر من
حرام شده است! علت را پرسیدم گفت دوستم به من خیانت کرده و با زخم ارتباط
نامشروع داشته است! حالا من با دوتا بچه که از زخم دارم چه کنم؟ آیا طلاقش
بدهم؟ یا راه دیگری؟ گفتم الان وضعیت زنت چه جوریه؟ گفت از پشیمانی و
ناراحتی دوباره خودکشی کرده است والان یک نفر را گذاشتیم تا مراقبش باشد تا
خودش را نکشد.

گفتم اگر واقعا پشیمان شده او را به حرم امام رضا علیه السلام یا حرم فاطمه
معصومه ببرید و قسمش بدهید دیگر خیانت نکند و باش زندگی رو ادامه دهید.

احادیث درباره دوست

پیامبر خدا فرمود:

38 الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ؛

هم نشین خوب، از تنهایی بهتر است و تنهایی از هم نشین بد بهتر است.

امیر مومنان فرمود:

الْصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيَا عَنِ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ مُعِينًا عَلَى الْبِرِّ وَالْحَسَنِ؛³⁹

دوست، کسی است که از ظلم و تجاوزگری باز دارد و بر انجام خوبی و نیکی یاری کند.

امیر مومنان فرمود:

قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَبَايِنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبْ عَنَّهُمْ؛

با خوبان معاشرت کن تا از آنان باشی و از بدان دوری کن تا از آنان نباشی^{۴۰}

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

أَدَّبَنِي أَبِي بِثَلَاثٍ ... وَنَهَانِي عَنْ ثَلَاثٍ : قَالَ لِي : يَا بُنَيَّ مَنْ يَصْحَبَ صَاحِبَ السَّوِّ لَا يَسْلَمَ وَمَنْ لَا يُقَيِّدَ الْفَافِظَةَ يَنْدَمَ ، وَمَنْ يَدْخُلَ مَدَاخِلَ السَّوِّ يُتَّهَمُ ... وَنَهَانِي أَنْ أَصَاحِبَ حَاسِدٍ نِعْمَةٍ وَشَامِتًا بِمُصِيبَةٍ ، أَوْ حَامِلَ نَمِيمَةٍ ؛^{۴۱}

پدرم مرا به سه چیز ادب آموخت و از سه چیز نهی ام فرمود . سه نکته ادب این بود که فرمود : فرزندم! هر کس با دوست بد بنشیند ، سالم نمی ماند و هر کس گفتارش را کنترل نکند ، پشیمان می شود ، و هر کس به جایگاه های بد وارد شود ، مورد بدگمانی قرار می گیرد (زیر سؤال می رود) و آن سه چیز که مرا از

نهج البلاغه (صبحی صالح) نامه 31 ، ص 402

آن نهی فرمود: دوستی با کسی که چشم دیدن نعمت کسی را ندارد، و با کسی که از مصیبت دیگران شاد می شود و با سخن چین

پیامبر خدا فرمود:

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنِ يُخَالِلُ^{۴۲}

آدمی بر آیین دوست خود است پس بنگرید با که دوستی می کنید

امام جواد علیه السلام فرمود:

إِيَّاكَ وَ مَصَاحِبَةَ الشَّرِّيرِ ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوقِ يُحْسِنُ مَنَظَرَهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرَهُ؛^{۴۳}

از همراهی و رفاقت با آدم شرور پرهیز، زیرا که او مانند شمشیر برهنه است که
ظاهرش نیکو و اثرش زشت است

امالی (طوسی) ص 518

42

عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام) ج 23 (امام جواد) ، ص 288

43

امام علی علیه السلام فرمود: «مبادا دشمنان خدا را دوست بداری یا دوستی را نثار کسی جز دوستان خدا کنی!! هر کس مردمی را دوست بدارد، با آنان محشور»^{۴۴} می شود.

با کسی که دین را مسخره می کند دوستی نکنید!

قرآن می فرماید: «ای اهل ایمان! با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به بازیچه گرفتند، دوستی مکنید. زمانی که شما ندای نماز بلند می کنید، آن را»^{۴۵} به مسخره و بازی می گیرند؛ زیرا آن قوم، مردمی نادان و بی خردند

هر کس به طریقی دل ما می شکند

بیگانه جدا دوست جدا می شکند

بیگانه اگر می شکند حرفی نیست

از دوست پرسید چرا می شکند؟

^{۴۴}. همان جا

^{۴۵}. مائده (5)، آیه 57

والدین مسئول سلامت جسم و روح نوجوانان خود هستند

فرزندان ما امانت نزد ما هستند و ما باید مواظب باشیم که آسیبهای جسمی و روحی به آنها ضربه نزنند.

نباید بذاریم تغذیه نامناسب داشته باشند. مثلاً نوجوان ما علاقه به نوشابه دارد چون ما می‌دانیم مصرف نوشابه ضرر دارد نباید او را در این زمینه آزاد بذاریم همچنین قلیان و بعدش سیگار و..

باید او را به مصرف مواد غذایی مفید مانند میوه و سبزیجات و غذاهای سنتی مانند ابگوشت و عدسی و اش رشته و غیره ترغیب و تشویق کنیم.

اینکه پیامبر ما فرمود اگر هر روز یک سیب بخورید بیمار نمی‌شوید. یا اینکه ما را از گیاه خواری منع کرده‌اند و فرموده‌اند ما پیامبران گوشت‌خوار و طرفدار گوشتیم و حتماً گوشت بخورید و اگر پول نداشتید، قرض کنید و گوشت بخرید

ما ضامنیم قرض شما ادا میشود. اگر توسط والدین اجرایی شود و مانع استفاده از فس فود و تغذیه ناسالم گردند سلامتی نوجوانان تا حد زیادی تضمین می شود.

گاه پدر خانواده خانه ای نامناسب را تهیه می کند مثلاً زیر زمینی که ساکنین آن از نعمت نور خورشید محرومند در اینجا فرزندان دچار آسیب میشوند نمونه آن دختری که بدلیل سکونت خانواده در زیر زمین دچار بیماری راشیتیزم شد و تا آخر عمر پاهای او دچار عیب و مشکل هستند.

اسلام سفارش کرده شبها زود بخوابید و صبح زو بیدار شوید. این در سلامتی خیلی موثر است. پدر خانواده بویژه باید به این توصیه جامه عمل بپوشاند و الا مانند اکثر خانواده ها که شب تا پاسی از نیمه شب گذشته بیدارند و روز تا ساعت ده دوازده و گاه تا دو می خوابند باید منتظر بیماری هایی مانند دیابت و بیماری قلبی و غیره باشند.

بچه هایی که چاق هستند و پر خوری می کنند والدین باید تعادل در خوردن را در او برقرار کنند.

از نظر روحی هم والدین مسئول سلامتی روحی نوجوان خود می باشند. خجالتی بودن فرزند، داشتن وسواس، شرور بودن نوجوان، تقلید از فرهنگ غرب، ناامید بودن و افسردگی و...

درک افسردگی نوجوانان

دوران نوجوانی می تواند بسیار سخت باشد. در بسیاری از موارد افسردگی نوجوانان بسیار بیشتر از آنچه تصور می کنیم شایع است. چرا که این بیماری در این سن فرد را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد.

در حقیقت، تخمین زده شده است که از هر پنج نوجوان از هر قشر یک نفر در دوره ای از نوجوانی دچار افسردگی می شود. با این حال، در حالی که افسردگی کاملاً قابل درمان است، اکثر نوجوانان افسرده هرگز از کسی کمک نمی گیرند. علی رغم اینکه گاهی اوقات در دوران نوجوانی انتظار بد خلقی و کج رفتاری وجود دارد، اما افسردگی نوجوانان چیز دیگری است. تأثیرات منفی افسردگی در دوران نوجوانی بسیار فراتر از خلق و خوی مایخولیایی است.

افسردگی می تواند ذات شخصیت نوجوان شما را از بین ببرد و باعث ایجاد احساس غم، ناامیدی یا عصبانیت شود. بسیاری از رفتارها یا نگرش های سرکش و ناسالم در نوجوانان می تواند نشانه افسردگی باشد. موارد زیر برخی از روش های تخلیه هیجانی نوجوانان برای تلاش به منظور مقابله با درد عاطفی خودشان است:

ایجاد مشکل در مدرسه

افسردگی می تواند باعث مشکل کمبود انرژی و تمرکز شود. در مدرسه، این امر ممکن است منجر به ضعف در هشیاری، افت نمرات یا ناامیدی از انجام تکالیف مدرسه در یک دانش آموز با سابقه مثبت شود.

گریختن و فرار

بسیاری از نوجوانان افسرده از خانه فرار می کنند یا در مورد فرار صحبت می کنند. چنین تلاشهایی معمولاً به نشانه فریادی برای کمک است.

سوء مصرف مواد مخدر و الکل

نوجوانان در تلاش برای خود درمانی افسردگی، ممکن است از الکل یا مواد مخدر استفاده کنند. متأسفانه سوء مصرف مواد مخدر فقط اوضاع را بدتر می کند.

عزت نفس پایین

افسردگی نوجوانان می تواند احساس زشتی، شرم، شکست خوردگی و بی لیاقتی را تحریک و تشدید کند.

اعتیاد به تلفن های هوشمند

نوجوانان ممکن است برای فرار از مشکلات خود به شبکه های اجتماعی پناه ببرند. اما استفاده بیش از حد از تلفن های هوشمند و اینترنت فقط باعث انزوا و افسردگی بیشتر آنها می شود.

رفتار بی پروا

نوجوانان افسرده ممکن است رفتارهای خطرناک یا پرخطری مانند رانندگی بی پروا، مصرف بیش از حد مشروبات الکلی و رابطه جنسی پر خطر داشته باشند.

خشونت

برخی از نوجوانان افسرده ممکن است پرخاشگر و خشن شوند

افسردگی نوجوانان همچنین با تعدادی از مشکلات دیگر سلامت روان از جمله اختلالات تغذیه ای و آسیب به خود همراه است. در حالی که افسردگی می تواند درد بزرگی برای نوجوان شما ایجاد کند و زندگی خانوادگی روزمره را مختل می کند، کارهای زیادی وجود دارد که می توانید برای کمک به فرزندان در جهت بهبود این احساسات انجام دهید. بنابراین اولین قدم این است که یاد بگیرید افسردگی نوجوانان چیست و در صورت مشاهده علائم هشدار دهنده چه باید کرد.

افسردگی نوجوانان

علائم و نشانه های افسردگی نوجوانان

بر خلاف بزرگسالان که به تنهایی توانایی جستجوی کمک را دارند، نوجوانان تنها به والدین، معلمان یا سایر مراقبان خود متکی هستند تا رنج آنها را تشخیص دهند و از آنها کمک لازم را بگیرند.

اما این کار همیشه آسان نیست. اولین مورد اینکه نوجوانان مبتلا به افسردگی لزوماً غمگین به نظر نمی‌رسند. در عوض، ممکن است برجسته‌ترین علائم شامل تحریک پذیری، عصبانیت و آشفتگی باشد. از دیگر نشانه‌های افسردگی:

نوجوانان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

غم یا ناامیدی

تحریک پذیری، عصبانیت یا خشم

گریه مکرر

کناره گیری از دوستان و خانواده

از دست دادن علاقه به شرکت در فعالیت‌ها

عملکرد ضعیف در مدرسه

تغییر در عادات غذایی و خوابیدن

بی‌قراری و تحریک پذیری

احساس بی‌ارزشی و گناه

عدم اشتیاق و انگیزه

خستگی یا کمبود انرژی

مشکل در تمرکز

دردهای بدون دلیل

افکار مرگ یا خودکشی

افسردگی در نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان

افسردگی در نوجوانان می تواند بسیار متفاوت از افسردگی در بزرگسالان باشد. علائم زیر در نوجوانان بیشتر از بزرگسالان است: روحیه تحریک پذیر یا عصبانی همانطور که گفته شد، حالت غالب در نوجوانان افسرده معمولاً به جای غم و اندوه، تحریک پذیری است. یک نوجوان افسرده ممکن است بدخلق، خشن، ناامید یا مستعد طغیان های عصبی باشد.

دردهای بدون دلیل

نوجوانان افسرده اغلب از بیماری های جسمی مانند سردرد یا معده درد شکایت دارند. اگر با معاینه کامل بدنی علت پزشکی این دردها مشخص نشود، ممکن است نشان دهنده افسردگی باشد.

حساسیت شدید به انتقاد

نوجوانان افسرده دچار احساس بی ارزشی می شوند و این امر آنها را در معرض انتقاد، طرد و شکست بسیار آسیب پذیر می کند. این یک مشکل خاص برای "افراد کمالگرا" است.

کناره گیری از برخی، اما نه همه مردم

در حالی که بزرگسالان در هنگام افسردگی تمایل به انزوا دارند، نوجوانان معمولاً حداقل برخی از دوستان خود را حفظ می کنند. با این حال، نوجوانان مبتلا به افسردگی ممکن است کمتر از گذشته معاشرت کنند، از والدین خود دور شوند و یا با گروه دیگری صمیمی شوند.

بهترین درمان افسردگی همه انسان ها این است که آنها را با خدا آشنا نماییم. یاد خدا ارامبخش و درمان هر بیماری است. یا من اسمه دواء و ذکره شفاء: ای کسی که اسمش درمان و یادش شفا است.

مسجد و نماز جماعت و تلاوت قران و دعا و جلسات معنوی اگر عالی برگزار شوند می تواند درمان خوبی برای افسردگی و نا آرامی روحی باشد.

اینکه دو رکعت نماز عاشقانه چه برکات فراوانی دارد یک فایده ان درمان افسردگی است.

نوجوانان بسیجی ما گاه از نظر عرفان و خدا شناسی از برخی عارفان بنام هم بالاتر بودند که در وصیتنامه انها و در اعمال و رفتار انها مشهود بوده است. اینها هیچوقت افسرده نمی شدند لذا اهل مزاح و شوخی بودند و همیشه با نشاط بودند. همچنین رفتن به سفر یا سفر به روستایی که خانه در انجا داشته باشیم و چند روز انجا با نوجوان افسرده بمانیم برای درمان مفید است.

بعضی مادران اطلاعی از نحوه تربیت صحیح ندارند لذا فرزندان از نظر روحی نامتعادل بار می آیند. خانواده ای می شناسم که بعد فوت پدر، مادر نتوانست فرزند را تربیت کند و الان فرزند که 50 ساله است از نظر روحی نامتعادل است. از صبح تا شب تو اطاق پای تلویزیون یا در خواب است و نمی تواند یک فرد مفیدی و یا حتی کسی که بعد فوت پدر باید خانواده را سرپرستی کند باشد.

بی مسئولیتی بعضی والدین

بعضی خانم ها می گویند فرزند ما مریض میشود شوهر کاری ندارد و بی تفاوت است یا می گوید خودت دکتر ببرش!

یا اینکه در درمان فرزند تاخیر میشود و فرزند دچار مشکلی میشود که گاه تا آخر عمر گریبانگیر او هست!

مسئولیت والدین در مورد بلوغ جنسی نوجوانان

یکی از مسائل بسیار مهم نوجوانان مساله بلوغ جنسی آنان می باشد که اگر درست مدیریت شود نوجوان به سلامت از این بحران عبور می کند و اگر غفلت شود گاه ضربه جبران ناپذیری به نوجوان وارد می شود و سعادت او را به خطر می اندازد.

نیاز جنسی انسان در اول نوجوانی احساس میشود. اسلام سفارش کرده اگر ممکن است با ازدواج این نیاز برطرف شود. لذا دختر رئیس اسلام در نه سالگی شوهر می کند. که این یک پیام مهم دارد. ازدواج در نوجوانی عیب نیست! در حالی که متأسفانه در بین اکثر مردم این عیب به شمار می رود! و عده ای از ما مسلمانان فقط در بعضی مسائل تابع رئیس اسلام هستیم و در بعضی مسائل تابع رسم و رسومات می باشیم درحالیکه قرآن کریم، رئیس اسلام را الگوی بسیار عالی معرفی کرده است.

نوجوانان در اولین فرصت ازدواج کنند

اسلام پیشنهاد ازدواج در اولین فرصت را داده است. چرا؟ چون ازدواج جلو انحراف اخلاقی را می گیرد

ازدواج جلو انحراف اخلاقی را می گیرد لذا اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

یکی از روحانیون می گفت پسر و دختر هر دو در سن 17 سالگی ازدواج کردند. لذا آرامش روحی دارند و از انحرافات مصون ماندند.

سفارش جبرئیل به پیامبر ما این بود که از سعادت دختران است که در اول نوجوانی ازدواج کند لذا زهرای مرضیه(س) در نه سالگی شوهر کردند.

ما پسران و دخترانی سراغ داریم که خیلی دلشان می خواهد ازدواج کند ولی والدین همراهی نمی کنند. و بهانه می آورند که هنوز زود است! دیگر نمی دانند که خطر در کمین فرزند آنان نشسته است و اگر غریزه جنسی از راه درست اشباع شود خدای نکرده سراغ راههای خلاف می روند. و یا نسبت به والدین کینه به دل می گیرند.

دختر خانمی که سالهاست میخواهد ازدواج کند ولی والدین او مانع شده اند. و او نسبت به والدین خود کینه پیدا کرده است یا پسری است که نوشته والدین حتی وظیفه خود نسبت به نگه داری و دادن خرجی فرزند تا زمانی که مستقل میشود را انجام نمی دهند:

سلام خیلی ممنون که وقت میزارید کمک میکنید ممنونم ازتون بابت راهنماییهاتون

من پسری هستم 21 ساله که با مادرم زندگی میکنم و طلاق گرفتن این مادر خیلی بد دهن هست فحش میده تحدید میکنه داد میزنه تهمت میزنه کوچکتربودم دست به زن داشت الان نمیزنه چون هی کلم بزرگ تر شده ولی شبو روز ندارم دو دقیقه نمیتونم برای ایندم تصمیمی بگیرم ارامش ندارم همش ازار و اذیت فحش تهمت از بس ازار و اذیت میشم حالم بد شده غم از چهارم میباره

با تبو لرز نفس میکشم

میخاستم بدونم چیکار میتونم بکنم واسه شکایت؟ کجا باید برم

از همه مهم تر همش میخاد من رو از خونه بندازه بیرون

مشکل اینجاس که پدرم منو قبول نمیکنه پاس میده به مادرم مادرمم همینطور

پاس میده به پدرم هر دوتا شون بی مسولیت و فقط میخان شونه خالی کنن

قانونی در رابطه با این بی مسولیتیشن هست؟؟

هر چیزی به ذهنتون میرسه بگید گیر دوتا ظالم افتادم!

اگر والدین نیاز فرزند را از راه درست برآورده نکنند احتمال دارد فرزند گرفتار

انحراف جنسی میشود. لواط و زنا و خودارضایی و

امار روابط نادرست نوجوانان این خطر را بازگو می کند.

فرار و نوشت: به تازگی یک رفتارشناس از پرونده‌ای گفت که در آن دختری از

سن ۹ تا ۱۴ سالگی درگیر رابطه عاطفی بوده است و در ۱۴ سالگی متوجه

می شود که پسر اصلا علاقه‌ای به او ندارد و در نهایت تصمیم به خودکشی با تیغ

می گیرد.

پیشتر دکتر محمود گلزاری، معاون وزیر ورزش و جوانان در نشست تحلیلی

اعلام کرده بود که در چند سال اخیر سن ارتباط با جنس مخالف تا ۱۴ سالگی

کاهش پیدا کرده است. به طوری که دوستی دختران و پسران با مسائل عاطفی

آغاز می شود و سرانجام به روابط جنسی و حتی ارتباط با چند نفر کشیده

می شود.

تحقیقات در این زمینه نشان داده است که ۴۰ درصد از دختران پیش از ورود به

دانشگاه با پسری ارتباط داشته اند و ۲۰ درصد دیگر قطع ارتباط کرده اند؛ بنابراین

۶۰ درصد آنها ارتباط با جنس مخالف را پیش از سن ۱۸ سالگی تجربه کرده اند

همچنین مشخص شده است که حدود ۴۰ درصد این افراد در زمانی ارتباط خود

را شروع کرده‌اند که سنشان کمتر از ۱۴ سال بوده است؛ یعنی در دوران

راهنمایی

دکتر گلزاری پیش از این اعلام کرده بود که ۸۰ درصد دختران دبیرستانی در

ایران با یک پسر دوست هستند و حتی ممکن است ارتباط جنسی هم داشته

باشند. در حالی که خانواده‌ها و مسئولین مدارس از این موضوع بی‌اطلاع

هستند.^{۴۶}

پس بهترین مانع برای انحرافات اخلاقی، ازدواج می‌باشد. ولی ازدواج در کشور ما وضع خوبی ندارد. بخاطر رسم و رسومات غلط و خلاف اسلام، اکثر نوجوانان و جوانان فکر ازدواج را از سر خود بیرون کرده‌اند.

⁴⁶ <http://www.ensafnews.com/85839/>

«امام رضا(ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می کند»
و پیامبر(ص) فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می آید!»

یکی از مسائل ازدواج آنست که نوجوانان و جوانان با کسی که مانند آنهاست ازدواج کنند.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم شأن خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی اعتنا به دین نیز همچنین.

«والطیبات للطیین والخیثات للخیثین» نور 26

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق هستند.»

پدران و مادران در ازدواج فرزندان دقت کنند که دخترشان را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهند!

والدین نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده اش را بخورند و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستند.

«دختری بعد از دو ماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دو ماه بیوه شدم!

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی پردازند!»

«پیامبر (ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»

«امام رضا (ع): اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا و اداشته اید!»

مطلب دیگر این است که حال اگر برای ازدواج نوجوان مانع وجود دارد لا اقل

باید این نیاز کنترل شود. مثلاً نوجوان ما در یک مکان در بسته با نامحرم تنها

نماند. که اینهم متأسفانه در بعضی خانواده ها مورد غفلت قرار گرفته است و

اهمیتی نمی دهند که دخترشان با پسر عمه یا پسر دایی یا فلان فامیل تنها باشد و

با هم شوخی کنند و... بعد که مشکلاتی به وجود می آید می فهمند که اشتباه کرده اند.

گاهی محبت بین دختر و پسر نامحرم انچنان قوی میشود که حاضرند برای رسیدن به هم هر کاری و هر جنایتی انجام دهند. در خبرها خوانده ایم: دختری که برای رسیدن به پسر محبوبش! پدر و مادر خود را کشت یا پسری که برا رسیدن به دختر محبوبش چون والدین دختر مخالفت کردند سلاح بدست گرفت و شروع به کشتار کرد یا خودکشی نمود یا...

اسلام سفارش کرده از پنج شش سالگی فرزندان در یک رختخواب ن خوابند! دختران نوجوان لباس بدن نما نپوشند حتی مقابل برادر و پدر و..

تقویت حیا در نوجوانان می تواند مانع بسیاری از این آسیب ها گردد

بین حیا و پاک شدن جامعه از جرم و گناه رابطه مستقیم وجود دارد و کسی که حیا ندارد آدم خطرناکی است که انجام هر گناهی از او محتمل است.

اسلام انقدر حیا را مهم می داند که در روایتی آمده که

در روایات از امام علی (ع) آمده است ” جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت ای آدم ، من مامور شده ام که ترا در انتخاب یکی از سه چیز مخیر سازم. پس یکی را برگزین و دو تا را واگذار. آدم گفت چیست آن سه چیز، گفت: عقل ، حیا و دین.

آدم گفت عقل را برگزیدم. جبرئیل به حیا و دین گفت شما باز
گردید و او را واگذارید. آن دو گفتند ای جبرئیل ما ماموریم هر
کجا عقل باشد با او باشیم. گفت خود دانید و بالا رفت

چگونه حیا را حفظ نمائیم؟

والدین در پوشش خود و فرزندان اصل حیا را رعایت کنند. اگر چه
زن خوب است در مقابل شوهر خود را بیاراید و لباس شهوت
برانگیز به تن نمایند ولی این مربوط به اطاق خواب است! والا
نباید مادر لباس بی حیایی جلو پسر نوجوانش به تن کند. همچنین
دخترها نباید در مقابل پدر یا برادر خود لباس نامناسب به تن کنند!
خانمی بیوه که با اقایی که از زن قبلش پسر بزرگی داشت ازدواج
کرد. بعد این خانم گفت که پسر شوهرم که حدود سی سال دارد
می اید جلو من لباسش را عوض می کند! یا بدون اجازه، وارد اطاق
خواب من و شوهرم می شود! گفتم این بخاطر تربیت نادرست
است. اگر فرزند درست تربیت شود این کارها را نمی کند!

یکی از مسئولین کشتی تیم امید ایران به من گفت مربی روسی داریم. اخلاقش صفر است! گفتم چرا؟! گفت موقع تعویض لباس، جلو اعضا تیم امید که نوجوان هستند لخت مادرزاد میشود!

همچنین در الفاظی که والدین به کار می برند باید مواظبت کنند الفاظ زشت بکار نبرند و یا شوخی جنسی نکنند! که اینها فرزند را بی حیا بار می آورد.

حکایت

مردی نزد کنفوسیوس حکیم آمد و از فرزند خود شکایت کرد. کنفوسیوس دستور داد پدر و پسر را زندانی کنند. پس از مدتی هر دو را آزاد کردند.

کنفوسیوس به پدر گفت: نباید از پسر شکایتی می کردی، زیرا اگر از پسر عملی زشت سر زده است، تقصیر خود توست که او را خوب تربیت نکردی

اسلام برای حفظ حیاء دختر و پسر، دستوراتی را صادر فرموده است از جمله:

1- دوری از چشم چرانی و کنترل چشم

همچنین در سوره نور می فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ».

در حدیث از پیامبر ص است که فرمود:

«لكل عضو من ابن آدم حظٌ من الزنا فالعين زناه النظر»

«هر یک از اعضای فرزندان آدم حظ و بهره‌ای از زنا دارد که زنان دو چشم‌نگاه کردن است».

ز دست دیده و دل هر دو فریادهر آنچه دیده بینه دل کنه یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولادزنم بر دیده تا دل گردد آزاد

رسول خدا(ص) فرمود:

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است».

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را بپوشانند و اندامهای خود را از حرام حفظ کنند که این برایشان پاکیزه‌تر است. و به زنان مؤمنه بگو که چشمهای خود را بپوشانند و اندامهای خود را از ناروا حفظ نمایند».

پیامبر ص فرمود

«اگر از آسمان بیفتم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت شخصی نگاه کنم یا شخصی به عورت من نظر نماید!».

«از امام ششم ع پرسیدند: کدام قسمت بدن زن برای نامحرم دیدنش حلال است؟
فرمود: صورتش و دو پایش و دو دستش».

2- شوخی نکردن دختر و پسر نامحرم باهم

در روایتی از پیامبر آمده است: کسیکه با زن نامحرمی، شوخی کند، با هر کلمه ای که با او سخن

بگوید، سالیان سال زندانی می شود و زن اگر راضی باشد و مرد را
وادار به

بوسیدن یا مباشرت حرام یا شوخی با او کند، و مرد به این سبب، دچار
فحشاء شود، همین عذاب برای زن هم می باشد!

3- عدم اختلاط بین نامحرم

عاقبت سهل انگاری در روابط با نامحرمان!

«مادر 34 ساله ای هشتم و حدود بیست سال است که با مرد
مورد علاقه ام ازدواج کرده ام. حاصل زندگی ما، دو فرزند دختر
ویک پسر است، که همگی تحصیل می کنند. شوهرم شغل آزاد دارد
واز درآمد خوبی برخوردار است و تمامی امکانات رفاهی و اسباب
آسایش ما را فراهم نموده است. بچه ها نیز کاملاً آزادند و آنچه را
بخواهند، برایشان تهیه می کنیم.

حدود نه سال پیش با خانواده‌ای که در همسایگی ماسکونت دارند، آشنا شدیم و این آشنایی، به رفت و آمدهای خانوادگی انجامید. به قدری ما و خانواده مزبور به هم نزدیک شدیم که اکثر غریبه‌ها می‌پنداشتند که ما فامیل هستیم. بچه‌های دو خانواده نیز با یکدیگر روابط بسیار صمیمانه‌ای داشتند و بیشتر اوقات با هم بودند.

کودکان ما، روز بروز بزرگتر می‌شدند و رفته رفته به سنین بلوغ می‌رسیدند. ولی ما غافل بودیم و فکر می‌کردیم اینها هنوز بچه‌اند و یابخاطر روابط بسیار صمیمانه و نزدیکی که وجود داشت، آنها را در حکم برادر و خواهر می‌دانستیم و هرگز به ذهنمان خطور نمی‌کرد که این روابط، روزی باعث آبروریزی خانواده ما گردد.

دوستی بچه‌های دو خانواده، برای من و همسر کملاً عادی بود. با این که شوهرم به بسیاری از احکام اسلام مقید بوده و هست، ولی در مورد حجاب من و دخترانش حساسیتی نداشت. وقتی مهمان نامحرم به خانه ما می‌آمد، حتی اگر دخترانم حجابشان را رعایت می‌کردند، شوهرم از آنها می‌خواست که روسری شان را بردارند و راحت باشند! اومی گفت: قلب آدم باید پاک باشد! اما غافل از آن

بود که ممکن است قلب طرف مقابل ناپاک باشد. مگر می‌شود هر کار ناپسندی را انجام داد و دلخوش بود که قلبمان پاک است؟!

متأسفانه، این شیوه در خانواده‌ها ادامه داشت. خود من هم، چون در خانواده‌ای بزرگ شده بودم که چندان پایبند به رعایت دستورات و موازین مذهبی نبودند و در واقع مسلمان اسمی بودند تا عملی، خیلی به حجاب و پوشش دخترها اهمیت نمی‌دادم. و در این مورد، هم من و هم شوهرم مقصر بودیم و حالا نیز، چوب سهل انگاری خود را می‌خوریم. بچه‌ها، هر آنچه که از پدر و مادرشان بیاموزند، عمل می‌کنند. در حقیقت، این پدر و مادرها هستند که سنگ بنای تربیت فرزندان‌شان را می‌گذارند.

روابط ما با آن خانواده همچنان با صمیمیت ادامه داشت. آنها دارای یک پسر و سه دختر بودند. پسرشان حمید، به همراه خواهران خود و یا به تنهایی، بیشتر وقتها به خانه ما رفت و آمد داشت. با آنکه حمید جوانی بیست و سه ساله بود، متأسفانه من و دخترانم هنگامی که او در منزل ما بود، حجاب را رعایت نمی‌کردیم.

البته دختر بزرگم که سال چهارم نظری بود، از این وضع ناراحت بود و خود، حجابش را رعایت می‌کرد. همیشه هم به من و پدرش

اعتراض می نمود که چرا نسبت به این موضوع توجهی نداریم
و خود نیز مشوق بی حجابی آنها نزد افراد نامحرم هستیم. او در عین
نوجوانی، بسیاری از مسائل را بهتر از من و پدرش می فهمید، ولی ما به
حرفهای او اعتنائی نمی کدی و با خونسردی تمام از کنار آن
می گذشتیم. سرانجام هم چوب غفلت خود را خوردیم و حیثیت
خانواده ما لکه دار شد!

باری حمید از موقعیتی که در خانواده ما پیدا کرده بود، سوء
استفاده نمود به تدریج، روابطش با دختر کوچکترم سیمین - که
سال اول دبیرستان بود - حالت دیگری پیدا کرد. در حالی که ما
گمان می کردیم اینها، همچون خواهر و برادر هستند. ما همانند
کبک، سر خود را زیر برف فرو برده و از آنچه در اطرافمان
می گذشت، بی خبر بودیم. اما بعدها مطلع شدیم که سیمین
و حمید، ماههاست که پا را از روابط خانوادگی فراتر گذاشته و به
دوستیهایی که میان برخی از دختران و پسران فریب خورده متداول
است، بدل گشته است!

آری، یک روز از پایگاه بسیج محل خبر دادند که سیمین با پسر
همراهش در آن محل هستند. من سراسیمه خودم را به پایگاه رساندم

وبا دیدن حمید، یکه خوردم. فکر نمی کردم او از حسن نیت ما سوء استفاده کند وبا رفت و آمد آزادانه، روابطش را بیش از پیش با دخترم گسترش داده و توجه او را به خود جلب نماید.

آنها با دیدن من، ابتدا منکر هر گونه رابطه‌ای - جز همان روابط همسایگی و خانوادگی - شدند. ولی بعداً دخترم اعتراف کرد که از چند وقت پیش با حمید روابطی داشته و چند مرتبه باهم به مهمانی و پارک رفته‌اند!

ما وقتی به این موضوع پی بردیم که در واقع، آبرویمان در محل رفته بود و باعث این بی حرمتی نیز خودمان بودیم. اگر روابط صحیح خانواده ما بر اساس دستورات اسلام بنا شده بود، یا حداقل به سنت خانواده ایرانی اهمیت می دادیم، هرگز دچار این مشکل نمی شدیم.» «الگوهای تربیت ص 134»

4- پوشیدن لباسهای سنگین

پوشیدن لباسهای مردانه توسط دختر و زن به تهیج قوای جنسی زن و مرد کمک می کند. زن شایسته است در برابر مردان و پسران (غیر از شوهر) لباسهایی بپوشد که برجستگیهای بدن او را بپوشاند.

حال اگر زنی لباسهای مردانه بپوشد، آنوقت چشمهای زیادی را بطرف خود جلب می کند و باعث فتنه های زیادی می شود. بطوری که گاهی بعضی از محارم مثل برادر و دایی و غیره را تحت تأثیر خود قرار داده و کار به جاهای باریک می کشد و آبروهای خیلی را برباد می دهد! همان گونه که در کشورهای غربی، از ناحیه پدر و مادر و بقیه محارم، ارتباطات نامشروع با فرزندان برقرار کرده اند.

بی حجابی مبدأ بی عفتی است بدنگاهی علت هر ذلتی است

5-دوری از فیلمهای خارجی که اساس بی حیائی است.

6-شرکت نکردن در پارتی های مختلط

جشن‌ها و مهمانی‌های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصاً در میان طبقات هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه‌های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط برپا می‌شود و این افراد هم چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می‌افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سیما، در محافل فساد دستگیر شدند.

افرادی که می‌خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن و عواقب بعدیش دور بمانند.

7- تنها نبودن زن و مرد نامحرم

با توجه میل زن و مرد به جنس مخالف، هر کجا که این دو تنها باشند، باعث تهییج غریزه جنسی شده و زمینه اعمال خلافی را فراهم می‌کند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمود:

«پرهیزید از سخن گفتن با زنان! زیرا اگر مردی با زنی نامحرم (بدون حضور شخصی از محارم) خلوت کند، بطرف آن زن تحریک می‌شود و به او رغبت می‌کند».

حتی در احکام شرعی است که اگر در مسجدی فقط یک مرد و یک زن هستند، نباید آنجا نماز بخوانند زیرا خلوت با نامحرم ممنوع است.

در جامعه کنونی مسئله خلوت و هم سخن شدن با نامحرم جلوه‌ بیشتری پیدا کرده است و زنگ خطری برای افراد پاک بشمار می‌رود.

در ادارات و شرکتها و کارخانجات به بهانه آزادی زن از اسارت خانه! پای زن‌ها را به این محلها باز کرده و زنان در کنار مردان مشغول بکار هستند ولی آیا این گونه کار کردن‌ها مفسده‌ای در بر ندارد؟ آماري که در جامعه ما از بالا بودن درصد طلاق‌ها و فروپاشي خانواده‌ها حکایت می‌کند، معلول این گونه آزادی‌ها

می باشد. زنایکه صبح تا حداقل ظهر در خارج از خانه مشغول کار می باشند، اگر شوهر صبوری نداشته باشند و یا خودشان عقیف و پاکدامن نباشند زود گول بعضی از افراد جامعه را خورده و با وعده و وعیدهای آنان به طرف فساد پیش می روند. البته بخاطر بافت مذهبی اکثر خانواده های ایرانی، مقاومت زنان و مردان در مقابل وسوسه خناسان زیاد است ولی در صدی از زنان و زنان نیز از این وسوسه ها مصون نمی مانند و ناپاکی را بر پاک بودن ترجیح می دهند!

ای جوان با اجنبی خلوت مکن خویش را پیوسته با شهوت مکن «رسول خدا (ص): هر که به خدا و قیامت ایمان دارد نباید در محلی شب را بسر ببرد که نفس نامحرمی در آن شنیده می شود.»

«ابلیس به موسی (ع) گفت: با نامحرم خلوت مکن که خود من در آنجا حضور پیدا می کنم نه یاران و اصحابم!»

خلوت با اجنبی بد حاصل است کمترینش محو تقوای دل است

گر محیط خلوتی آید به پیش که در آنت اجنبی سازد پریش

تو از آن بگریز، پادر آن مَنه آبرو با عفت و ایمان منه

8- عدم تماس بدنی بین زن و مرد نامحرم

در حدیثی از امام صادق (ع)، رسول خدا (ص) اینگونه توصیف شده است: از همه کس، حکیمتر و داناتر و بردبارتر و شجاعت‌ر و عادل‌تر بود. هرگز دستش به زنی نامحرم نرسید و سخاوتمندترین مردم بود.

کنار نامحرم نشستن مانند اینکه در تاکسی و امثال آن تماس بدنی ایجاد شود و یا دست دادن با نامحرم مقدمه ای برای وارد شدن به زنا و امثال آن می شود.

9- ندیدن روابط جنسی دیگران

دیدن عمل جنسی باعث انحراف جنسی تماشاگر می شود
مخصوصاً اگر تماشاگر دختر و پسر مجرد تازه به سن بلوغ رسیده

باشند. لذا باید در هنگام حضور نوجوانان در منزل و خانه
ومحل، والدین مواظب اعمال جنسی خود باشند.

«امام صادق(ع): در خانه‌ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود
مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می‌شود و یا فرزندیکه بدنیا
می‌آید، زناکار می‌شود.»

10-دوری دختران و زنان از خیابان گردی و دوره گردی و گشتن
در بازارها و پاساژها که باعث از بین رفتن حياء دختران و انحراف
پسران می‌گردد.

چون زلیخا صورتان کم نیستند یوسفان در آتش و غم زیستند
ای زلیخا! یوسف آزاری مکن! جای پاکی‌ها تبه‌کاری مکن!

و...

نمونه هایی از بی حیایی:

بعضی با زیرپوش میاند دم درخانه!...اخیرا با تقلید از فرهنگ منحط
و پست غرب! بعضی مردها با شلوارک! تو کوچه میاند!

بعضی مردها و پسرها طوری شلوار می پوشند که وقتی برای کاری
خم میشند نصف پشت و باسن آنها پیدااست مخصوصا تو خیابون ها!
بعضی خانم ها و دخترها هم لباسی می پوشند که ناف آنها پیدااست!

ادب، تاجی است از نور الهی * بِنه بر سر برو هر جا که خواهی
که او خضر ره اقبال و جاه است * بر او رنگ سعادت، پادشاه است
(سعدی)

بعضی دخترها تو کوچه و خیابان در حال بستنی خوردن هستند!
یا اقایی که در خیابان مثلا پرتقال می خورد و پوست آن را تو
کوچه و خیابان می اندازند!
در حالی که در روایت است خوردن در حال راه رفتن از پستی
است!
اینها درست تربیت نشدند!

بعضی فرزندان جواب پدر و مادر رو میدند....

انسان مجاز نیست پدر خود را با نامش صدا بزند و یا در راه رفتن بر او پیشی بگیرد و یا هنگامی که او ایستاده است، بنشیند و حتی در نگاه کردن هم باید حرمت او را نگاه دارد.

:در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند

انَّ أبايَ نَظَرَ ألى رَجُلٍ وَ مَعَهُ اِبنُهُ يَمْشِى وَ الابْنُ مُتَّكِى عَلَى ذِرَاعِ الابِ قالَ فما (380) كَلَّمَهُ أبى عَلَيْهِ السَّلامُ مَقْتاً لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيا

روزی پدرم امام سجاد علیه السلام پدر و پسری را در حال حرکت دیدند که ((پسر سرش را به کتف پدر تکیه داده بود. تا زمانی که پدرم، زنده بود، به خاطر ((خشمی که از این عمل بی ادبانه او پیدا کردند، با این پسر سخن نگفتند

امام صادق علیه السلام سفارش کرده است: «حتی» هنگامی که پدر و مادرتان شما را می زنند، شما از درگاه خدا برای آن دو طلب غفران و بخشش کنید.» باز همان حضرت می فرماید: اگر پدر و مادر صدایشان را بلند کردند شما صدایتان را آهسته کنید و با آرامش با آنان سخن بگویید.» حتی نباید پدر و مادر را به نام کوچک صدا بزنند. نگریستن از روی مهربانی و عطف به صورت والدین،

عبادت است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هیچ گاه چشمانت را از نظر

»کردن به والدین پر مکن، مگر با رحمت و مهربانی

نقل شده وزیری با پدرش خدمت حضرت امام رسید. وزیر جلوتر از پدرش حرکت کرد و وقتی محضر امام مشرف شد به امام عرض کرد این پیرمرد پدرم می باشند. حضرت امام به وزیر گفتند چرا جلوتر از پدرت حرکت کردی؟^{۴۷}

دکتر فاطمه طباطبایی در مورد احترام کودکان به والدین در سیره حضرت امام خمینی چنین نقل می کند: یادم است که پسر کوچکم وقتی با تندی جوابم را می داد امام جدا از رفتار او با من ناراحت شدند. بعداً او را جداگانه می خواستند و می گفتند:

رفتارت با مادرت خیلی بد بود. به من می گفتند: نباید رفتارش این گونه باشد

(^{۴۸})

باز نقل شده وقتی حضرت امام خواستند در 12 بهمن 57 از هواپیما پیاده شوند چون برادر بزرگشان ایه الله پسندیده بودند امام قبول نکردند جلوتر از برادرشان پیاده شوند!^{۴۹}

⁴⁷ حجت الاسلام جمی، پیام انقلاب، شماره 69

⁴⁸ زن روز، ص 117، شماره 1267

⁴⁹ نشریه حضور، ش 17، پاییز 1375، ص 362

احترام حضرت امام به برادرشان نشان از تربیت عالی ایشان توسط مادرشان بانو هاجر و اساتید ایشان می باشد.

از دامن مادرانی چون بانو هاجر شخصیت هایی چون حضرت امام پدید می آیند. و این نقش مهم مادر است و همچنین پدر که نقش مهمی در ساختن شخصیت نوجوانان خود دارد.

نوجوانانی که درست تربیت نشدند تو مراسم سر غذا دعوا می کنند! افراد بی ادب در مراسمی که غذا توزیع می کنند دعوا و نزاع درست می کنند که گاهی این دعواها به جاهای باریک کشیده میشود و مراسم مردم را به هم می زنند.

گیس و گیس کشی در خیابان!

گاهی دیده شده زنها و دخترها تو خیابون گیس و گیس کشی راه می اندازند و کلیب و فیلم انها را گرفته در فضای مجازی می گذارند.

اصل پنجم: ایجاد تعادل بین آزادی نوجوان و مراقبت از او

اسلام دین اعتدال و میانه روی است.

و جعلناکم امه وسطا (بقره ایه 143) (ما شما را امتی میانه قرار دادیم)

نوجوان بزرگ شده است و به آزادی نیاز دارد. اما چون آسیب پذیر است و در بسیاری از موارد به جای عقل و منطق از احساسات خود پیروی می کند، به مراقبت مناسب هم احتیاج دارد، اگر بتوانیم در دادن آزادی به نوجوان و مراقبت از او زیاده روی نکنیم و اندازه نگه داریم، به هر دو نیاز او پاسخ مثبت داده ایم و از خطرهایی که آزادی زیاد و مراقبت شدید ایجاد می کنند، پیشگیری کرده ایم

لذا قرآن کریم فرموده است خود و خانواده را از آتش جهنم حفظ کنید.

پدران نباید بگذارند فرزندشان جهنمی شود! و این نیاز به دخالت پدر در تربیت نوجوانش دارد. نباید فقط تماشا کند مثل عده ای از پدران که هیچ کاری با اعمال و گاه از خلافهای او حمایت می کنند! فرزندانشان ندارند!

گویند وقتی سید احمد خمینی پسر امام دیپلم گرفت و می خواست دنبال کارهای غیر طلبگی برود حضرت امام او را خواستند و گفتند: احمد! چکار می خواهی بکنی؟ اگر طلبه شوی باز خرج تو را خواهم داد ولی اگر راه دیگری انتخاب کنی دیگر من خرج شمارا نمی دهم!

این حرف امام تلنگری برای سید احمد خمینی بود تا راه طلبگی را انتخاب کند و جزو شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام شود و منشاخیرات فراوان گردد.

نوجوانان ما در انتخاب راه آینده گاه خطا می کنند ما باید انها را راهنمایی کنیم.

رفتار نوجوان تکرار رفتار شماست

دیدنی ها و شنیدنی های نوجوان باید سالم از هر بدی باشد:

نوجوان تمام رفتارهای والدین را مانند یک دوربین مخفی ضبط می کند. طریقه رفتار شما در شرایط سخت یکی از مهم ترین نکاتی است که در آینده، سرنوشت او را تحت تاثیر قرار می دهد و او را در برابر مشکلات مقاوم می سازد. در واقع او با ثبت تک تک رفتارهای شما در شرایط مختلف می آموزد که چگونه رفتار کند. پس خوب رفتار کنید و به نوجوان تان پیاموزید با کوچکترین اتفاق پر خاشگری نکند. این امر که در عمل به او پیاموزید که رفتار خوب تاثیرات مثبت خواهد داشت به او کمک می کند تا رفتارهایش را مطلوب تر کند. رفتار او تعیین کننده جایگاه اجتماعی او در گروه دوستان و بزرگسالان است.

پدر نباید جلو فرزند گریه و زاری کند. نباید از شکست هایش بگوید.. جرمی

مرتکب نشود تا جلو نوجوانش بیایند او را دستگیر کنند و زندانی شود و فرزند به ملاقاتش در زندان رود.

اگر پدر مریض شد ناله نکند و آه نکشد و اظهار ضعف نکند...

..پدر باید از موفقیت هایش بگوید

به فرزندش بگوید رفتار و منش خوب چگونه زندگی او را تغییر می دهد. هر رفتاری که کودک از روزهای اول در کنار خانواده اش تجربه می کند، به مرور عادت می شود و هر چقدر رفتارها سنجیده تر باشد، باعث می شود، موفق تر عمل کند.⁵⁰

همچنین نوجوان نباید هر صحنه ای را ببیند

خانواده ای دختر نوجوان خود را در خانه تنها گذاشته و مهمانی شب نشینی می روند وقتی برگشتند دیدند دختر تشنج کرده است. با بررسی فهمیدند دختر فیلم جنایی دیده است. و بخاطر ترس شدید اینجور شده است و مدتها این دختر تحت درمان قرار داشت.

نباید نوجوان هر کتاب را بخواند

⁵⁰ <https://www.asiran.com/fa/news/328748>

دختر نوجوانی کتاب درباره جن خریده بود وبا مطالعه ان مشکل روحی پیدا کرده بود ومدتها دچار کابوس در خوابهای خود شده بود.

درمورد حجاب دخترمان کوتاه نیاایم! حجاب برای دختر حکم نماز را دارد.چقدر ایات مختلف قران درباره حجاب وجود دارد.چقدر در روایات به حجاب دختران و زنان تاکید شده است.حجاب زنان در زمان ما مانند سلاح علیه دشمن است. گاهی دخترها با الگو گیری از فلان دختر فامیل که چادر را کنار گذاشته،می خواهند مانتویی شوندنباید والدین قبول کنند.باید محکم در این مورد بایستند و

نگذارند دخترشان چادر را کنار بگذارد. یا همسر انسان که سالها چادری بوده میخواهد بر اثر وسوسه خناثان مانتویی شود اینجاهم شوهر نباید قبول کند.

اقایی با خانمش پیش من آمدند. اقا گفت خانمم می خواهد چادر را کنار بگذارد ولی من مخالفم. از خانم پرسیدم چرا چادر را می خواهی کنار بگذاری؟ گفتوقتی مهمان می آید سختم است با چادر پذیرایی کنم! یا می خواهم طاق بستان پیاده روی بروم با چادر سختم است! گفتم ما انواع چادر داریم می توانی چادری که راحت باشد بپوشی ولی هیچوقت چادر را کنار نذار! سرور زنان عالم فاطمه زهرا سلام الله علیها، چادری بود و با چادر بشهادت رسید و او الگوی همه ما می باشد.

بر اساس آیات و روایات ما به دست می آید که خداوند دوست دارد زنان چادری باشند و از زنانی که نسبت به حجابشان کم اهمیت هستند راضی نیست.

به چند روایت در باره اهمیت حجاب اشاره می کنیم:

رسول خدا (ص) از حضرت جبرئیل (ع) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آنجاهایی که فرشتگان می خندند) زمانی است که زن بی حجابی و بدحجابی می میرد، و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می خندند و می گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به

گناه می انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشاندند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می پوشانند پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: زنان خود را با پوشش اندام و جسم، از دیدار نامحرمان باز دارید، که زنان هرچه پوشیده تر باشند، سعادتمندتر هستند. (سفینه البحار، ج 2، ص 298)

رسول خدا (ص) فرموده اند: زن در نزد نامحرمان، باید چهار لباس داشته باشد: 1- چادر 2- مقنعه 3- پیراهن 4- شلوار. (تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 624)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عادت داشت به زنان سلام کند و آنان نیز پاسخ سلام او را می دادند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زنان سلام می کرد. ولی دوست نداشت به زنان جوان سلام کند و می فرمود: «می ترسم از صدای جواب سلام آنان خوشم بیاید و در این صورت، زیانی که بر من وارد می شود، بیش از «ثوابی باشد که از سلام کردن به آنان می طلبم»^{۵۱}.

۵۱. کافی، ج ۲، ص ۶۴۸^{۵۱}.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من و عده‌ای از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد ایشان بودیم که آن حضرت پرسید: «بهترین ویژگی زنان چیست؟» هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ دهیم تا اینکه جلسه به پایان رسید و از یکدیگر جدا شدیم. من به سوی فاطمه رفتم و او را از آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ما پرسیده بود، آگاه کردم و گفتم: کسی از ما نتوانست به آن پاسخ دهد. فاطمه (علیها السلام) فرمود: «ولی من پاسخ آن را می‌دانم. بهترین ویژگی . «زنان این است که به مردها نگاه نکنند و مردها نیز آنان را نبینند نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتم و عرض کردم: ای رسول خدا! شما پرسیدی چه چیز برای زنان بهتر است. من اکنون پاسخ آن را می‌گویم و همان پاسخی را که فاطمه (علیها السلام) داده بود، بازگو کردم. آن حضرت فرمود: «تو وقتی نزد من بودی پاسخ این پرسش را نمی‌دانستی. چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟» عرض کردم: فاطمه. پیامبر (صلی الله علیه و آله) شگفت‌زده شد و «فرمود: «به راستی که فاطمه پاره تن من است»^{۵۲}

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: من و فاطمه (علیها السلام) محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدیم، در حالی که حضرت به شدت می‌گریست.

۵۲. کشف الغمه، عیسی اربلی، ج ۲، ص ۹۴.

گفتم: «پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا! چه چیزی شما را گریانده است؟»
پیامبر فرمود: «ای علی! در شبی که به سفر آسمانی معراج رفتم، زنانی از امت
خود را دیدم که در عذاب سختی بودند. پس برای شدت عذابی که [زنان امتم]
در آن گرفتار بودند، گریستم. آنجا زنی را دیدم که با موهایش در دوزخ آویزان
شده بود، درحالی که مغز سرش می جوشید... و زنی را دیدم که گوشت خود را
. . . با قیچی هایی از آتش قطعه قطعه می کرد

فاطمه (علیها السلام) گفت: «ای حبیب من و ای نور چشمم! به من بگو عمل و
«رفتار آن زن ها چه بوده که خداوند این عذاب را بر آنها قرار داده است؟
پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای دخترم! آن زنی که با موهایش آویزان
شده بود، زنی بود که موی سرش را از مردان نامحرم نمی پوشاند... و آن زنی که
گوشت خود را با قیچی ها پاره پاره می کرد، زنی بود که خود را در معرض مردان
«نامحرم قرار داده بود.»^{۵۳}

ماهواره عامل آسیب ها

پدر نباید ماهواره برای خانواده اش تهیه کند زیرا ماهواره که تبلیغ کننده فرهنگ بی بند و بار غربی است، در خانواده اثرات منفی فراوانی می گذارد. عامل طلاق میشود. عامل بی دینی و دور شدن از دین می شود. عامل بی احترامی به والدین می گردد. عامل هدف شدن شهوات و لذات بجای معرفت الهی و آخرت طلبی می شود. عامل خیانت زن و شوهر می گردد. عامل بلوغ زودرس جنسی می شود. عامل دشمنی با نظام اسلامی می گردد. و دهها آسیب دیگر.

اصل ششم: ضرورت تشویق نوجوان

تشویق معجزه می کند!

هرگاه فرزند ما کار خوبی انجام دادما باید از او تشکر کنیم و او را تشویق نماییم. این تشویق باعث میشود احساس خیلی خوبی به او دست بدهد و او را در مسیر درست تقویت نماید

در روایات آمده که وقتی به شخصی که کار خوبی انجام داده مرحبا و افرین بگوییم ثوابهای زیادی برای ما نوشته میشود.

تحسین و تشویق در مقایسه با تنبیه و تحقیر، اثرات بهتری به بار می آورد، علاوه بر این به نظر می رسد بسیار بجاست که در عین حال، در پی یافتن خطاهای نوجوان نیز باشیم

تشویق و تمجید بعضی از نیازهای اساسی را برطرف می کند، به گونه ای که نوجوانان همانطور که باید به طرز مناسبی تغذیه شوند و لباس بپوشند به این نیاز دارند که:

- کسی برای آنها اهمیت و احترام قائل شود، باور کنند که کسی نسبت به آنان متعهد است و به اندازه کافی دلسوز آنهاست و به شادی آنها فکر می کند، آنان باید احساس کنند که دوست داشتنی هستند

ایه الله فلسفی گفتند وقتی برای اولین بار در نوجوانی منبر رفتم یکی از روحانیون پای منبر محکم گفت احسنت!

این تشویق ایشان در من خیلی اثر مثبت داشت و باعث شده من در کارم پیشرفت بیشتری بکنم و قوت قلبی برایم شد تا سخنران خوبی بشوم.

پدر بنده (مولف) هم که روحانی بودند گاهی ما در نوجوانی با ایشان مسجد می رفتیم یکدفعه بدون مقدمه می گفت برو منبر سخنرانی بکن! در حالی که سن ما دوازده سیزده سال بود! ماهم منبر می رفتیم و هرچی بلد بودیم می گفتیم کم کم به ما می گفتند شریعتی دوم! چون مثل مرحوم دکتر شریعتی، تند تند سخنرانی می کردیم!

مدیر حوزه علمیه مرکز استانی بودم طلبه های پایه 1 تا 6 را تشویق کردیم یک کتاب بنویسند. در مدت دوماه سی جلد کتاب نوشتند!

ادیسون در خاطرات خود می گوید که کامیابی و سخت کوشی او مدیون تشویق و پشتیبانی مادرش بوده است. در جایی می گوید: اگر مادرم مرا تشویق نمی کرد مخترع نمی شدم

نمونه هایی از تشویق نوجوانان دانش آموز

از جمله نمونه های تشویق نوجوانان دانش آموز، وقتی است که یک معلم به والدین دانش آموزی تلفن می زند و موفقیت و پیشرفت فرزندشان را برای آنان توضیح می دهد. یا هنگامی که کل کلاس در یک پروژه تلاش زیادی به خرج می دهند، انجام یک پذیرایی به صورت غافلگیرانه، می تواند پاداشی باشد که احساس اجتماعی را در کلاس تحریک می کند.

پاداش ها می توانند قراردادی با یک دانش آموز ویژه باشند یا به یک کلاس پیش نهاد گردند یا برای قدردانی از یک دستاورد و موفقیت همگانی در کل مدرسه به کار گرفته شوند.

مشاوران یا معلمان ممکن است با دانش آموزان قرارهایی انفرادی بگذارند تا رفتارهای نامناسب آن ها را از قبیل: دعوا کردن، عدم تکمیل تکالیف، راه رفتن در کلاس یا مدرسه گریزی، خاموش سازند. مشارکت دادن دانش آموزان در تنظیم هدف، علاقه آن ها را در رسیدن به آن هدف افزایش می دهد.

تشویق دانش آموزان در مقابل کل دانش آموزان مدرسه می تواند به خاطر رسیدن به یک هدف بزرگ مثل رسیدن به مرز خواندن ۱۰۰۰ عنوان کتاب توسط یک دانش آموز باشد. تشویق چنین دانش آموزی همراه با یک جشن می تواند به رویدادی ویژه برای همه دانش آموزان تبدیل گردد.

اگر از ما پرسند بهترین خاطرات شما از زمان نوجوانی مربوط به چیه؟ معمولاً آن مواقعی که تشویق شدیم و در مقابل دیگران اسم ما را خواندند و به ما جایزه دادند جزو بهترین خاطرات نوجوانی است!

ولی بر عکس تشویق که اثر مثبت در تربیت نوجوان دارد، تحقیر او ضربه ای هولناک در تربیت نوجوان بشمار می آید. اسلام گفته اکرموا اولادکم! فرزندان خود را اکرام و محبت کنید ولی تحقیر نقطه مقابل این توصیه مهم است! انواع تحقیر:

1- برچسب زدن

روی فرزند خود اسم نگذارید. برای مثال اگر شما او را با الفاظی هم چون "تبل"، "بی خیال"، "بی عقل" و... صدا می زنید، در واقع در حال لطمه زدن به عزت نفس او هستید. شاید با خود فکر کنید که این رفتارتان او را تحریک می کند تا به شیوه متفاوتی عمل کند؛ اما در حقیقت این کار باعث تحقیر

فرزندتان می شود. به مرور زمان او نیز این صفات را در خود می پذیرد و در نتیجه

به عزت نفس و خودپنداره او لطمه می زنید

-2

با طعنه و کنایه حرف زدن

با فرزندتان رو راست باشید. خیلی از خانواده ها نمی توانند بدون جنگ و دعوا در

مورد مشکلی با فرزندشان صحبت کنند، به همین دلیل دائما به او طعنه می زنند و

غیرمستقیم انتقاد می کنند. سعی کنید به جای تحقیر نوجوان در مورد رفتار

ناپسندش گفت و گو کنید و علت بد بودن و پیامدهای رفتارش را به او گوشزد

کنید. سبک فرزندپروری و رابطه ای که از دوران کودکی با وی داشتید، بسیار

در تاثیر گذاری نصایح شما تاثیر دارد.

3- انتقاد در جمع

هیچ کس از این که در جمع مورد انتقاد قرار بگیرد خوشحال نمی شود. اکثر

افراد در این شرایط احساس شرمندگی و تحقیر شدن می کنند. اما باید بدانید که

اهمیت این موضوع برای فرد در دوره نوجوانی دو چندان می باشد زیرا در دوره

نوجوانی افراد به تصویرشان نزد دیگران بسیار اهمیت می دهند و در واقع این

تصویر پایه های اصلی خود پنداره (تصویر فرد از شخصیت خود) و عزت نفس

او را تشکیل خواهد داد. شما با تخریب این تصویر نزد دیگران، ناخواسته ضربه

مخربی به همه ابعاد شخصیت وی وارد می کنید

ی عدالتی و تبعیض والدین در تربیت فرزندان (قسمت پایانی)

تبعیض قائل شدن بین فرزندان می تواند مشکلات زیادی را برای فرزندان ایجاد

کند لذا والدین موظف هستند به گونه رفتار کنند که فرزندان دچار احساس

تبعیض نشوند همچنین والدین در صورتی که با این مسئله مواجه شدند باید به

دور از هرگونه رفتار هیجانی سعی در علت یابی مشکل کنند و ارتباط خود را با

فرزندشان به گونه ای بهتر شکل دهند.

روش های جلوگیری از فرق گذاشتن بین فرزندان ●

به تفاوت های بین فرزندان توجه داشته باشند¹

این تفکر که نباید هیچ تفاوتی میان فرزندان قائل شد و با همه آنها به یک

صورت رفتار کرد، امری غیر ممکن و غیر منطقی است زیرا هر فردی

ویژگی‌های منحصر به فردی از همان زمان تولد به همراه دارد، این تفاوت‌های

فردی هر کدام برخورد خاص خود را می‌طلبد. پس در مورد هر کدام از

فرزندان باید متناسب با جنسیت، سن، موقعیت خانواده و رفتاری متفاوت داشت

:به یک میزان به فرزندان توجه کنید²

والدین باید به یک میزان به فرزندان توجه کنند اگر به یکی از فرزندان کمتر

توجه شود استعدادهایش کشف نشده باقی خواهد ماند.

تغییر انتظارات والدین از فرزندان

زمانی که انتظارات والدین از هر کدام از فرزندان بر اساس استعداد او، شکل

گرفته باشد، دیگر فرزندان نیازی نمی بینند برای برآورده کردن انتظارات پدر و

مادرشان از خواهر و برادر خود تقلید کنند. در این شرایط دیگر شاهد حسادت

بچه ها نسبت به یکدیگر نخواهید بود.

از فرزندان شناخت کافی داشته باشید⁴

هر کدام از فرزندان در زمان‌های متفاوتی به والدین نیاز دارند و بر اساس

شخصیت و تفاوت‌هایی که دارند، نوع همدردی و حضور متفاوتی را می‌طلبند.

پدر و مادرها بیشتر از روی ناآگاهی به چگونگی رفتار، در دام تبعیض می‌افتند.

بهتر است والدین عوامل ایجاد تفاوت‌ها را بشناسند و بر اساس این تفاوت‌ها با

فرزندان رفتار کنند.

آثار شوم بی عدالتی نسبت به نوجوانان و تحقیر آنان

«خانمی می‌نویسد: یکی از بستگان ما، دو دختر داشت، یکی باهوش و دیگری کم‌هوش.

هر دو به دبستان می رفتند. دختر بزرگ که کم هوش بود، غالباً نمره های بدمی آورد، اما دختر کوچکتر نمره های خوب. مادر آنها پیش هر کس می نشست، از دختر کوچک تعریف می کرد و از دختر بزرگ بدگویی.

دختر کوچک را نوازش می کرد و آفرین می گفت و به دختر بزرگ می گفت: خاک بر سرت، دختر گنده بی عرضه! پولها را حرام می کنی و چیزی یاد نمی گیری. حیف از این غذاها که می خوری و لباسها که می پوشی. بدبخت تنبل! آخر تو چه خواهی شد!

دختر بزرگ، اکنون شوهر کرده و مادر چند فرزند است، اما یک زن طبیعی و سالم نیست، احساس حقارت دارد، ساکت و منزوی است. در مهمانیها گوشه ای می نشیند و حرف نمی زند. وقتی به او می گوئیم: تو هم چیزی بگو، آهی می کشد و می گوید: چه بگویم؟

قبلاً چند مرتبه او را پیش دکتر برده اند. پزشک پس از معاینه و گفتگو به آنها گفت: این دختر خانم مریض نیست، بلکه پدر

ومادرش مریض هستند که این دختر بی گناه را به چنین
روزی انداخته اند.

یک روز دکتر از او پرسید:

آیا می توانی غذا درست کنی؟ دختر شروع به گریه کرد
و گفت: می توانم، اما هر وقت غذایی درست می کنم، پدر
ومادرم به آن اعتنای نمی کنند و می گویند: ما شاء الله به
خواهرش، او خوب می تواند غذا درست کند...! «الگوهای
تربیت ص 157»

اصل هفتم: بیکاری برای نوجوان خطرناک است

در قرآن آمده وقتی از کاری فارغ شدی به کار دیگر مشغول شو

واذا فرغت فانصب (شرح ایه 7)

آیت الله سبحانی با اشاره به آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» تاکید کرد این آیه بیانگر این است که در اسلام تعطیلی وجود ندارد و مسلمان همیشه باید در تلاش باشد، زمانی که از عملی فارق شد به عملی دیگر مشغول شود.

در روایت است که خداوند آدم بیکار را دشمن می دارد

از امام موسی بن جعفر (علیهالسلام) نقل شده است که فرمود: ان الله تعالى
ليبغض العبد النوام ، ان الله ليبغض العبد الفارغ : (خداوند بنده پر خواب را
مبغوض می شمرد، خداوند انسان بیکار را دشمن می دارد)^{۵۴}

امیرالمومنین (ع) می فرماید

اگر کار، سخت و توانفرسااست، بی کاری دایمی هم فسادآور است
در روایت است پیامبر رد میشدند و جوانی بیکار را دیدند به او سلام نکردند ولی
در موقع برگشت دیدند ان جوان سنگی به دست گرفته و روی زمین چیزهایی می
نویسد به او سلام کردند چون بیکار نبود!
چرا؟ یکی از دلایل ان این است که ادم بیکار زمینه خلاف را بیشتر از ادمی که
مشغول کار است دارد.
نوجوانی که بیکار است و گوشی هم در اختیار دارد یا دوستان نابابی دارد دچار
انحراف میشود.
مادری می گفت مدتی پسر نوجوانم در رو خودش می بنده و من از پنجره شاهد
خودارضایی او بوده ام و نمی دانم چکار کنم!

یکی از روحانیون می گفت من و برادرانم در نوجوانی هیچ بیکار نبودیم. یا درس می خواندیم یا در خانه قران حفظ می کردیم یا کتابهای مفید می خواندیم. در تابستان ها که درس نداشتیم خوراکی مثل ساندویچ یا باقلوا و زولیا و امثال ان می فروختیم. یا در مغازه ها کار می کردیم. من در چلو کبابی سه ماه کار کردم در کیک پزی و سوهان پزی کار کردم. و در ایام جبهه هم در نوجوانی بارها به جبهه می رفتیم.

اصولا نوجوانان دوست دارند به انها کاری سپرده شود تا آنان ان را انجام دهند و مورد تشویق قرار بگیرند. منهی نوجوانان در این زمینه یک سلیقه واحد ندارند. بعضی از کارهای خانه مثل خرید نان و مایحتاج ضروری منزل، استقبال می کنند و بعضی خوششان نمی آید ولی از فوتبال و ورزشهای رزمی خوششان می آید. اگر از از صبح تا شب فوتبال کند خسته نمیشود!

بعضی ها از کار در مغازه ها

یا شرکت ها خوششان می آید و...

در هر حال نوجوان باید در ایام فراغت به کار مفیدی مشغول باشد. و درآمد بدست بیاورد و از همین سالها طعم شیرین به دست آوردن درآمد از کار مفید را احساس نماید که این احساس در تربیت او بسیار مفید است و در آینده ادم بیعاری نمیشود.

اصل هشتم:

بدست آوردن گنجی بزرگ بنام عشق به خدا

کافی است فرزند مابجای عشق های کاذب و دروغین که سرانجامی ندارد عشق

به خدا داشته بشد و با مهربانی بی نهایت خدا آشنا شود. با رحمت واسعه الهی او

انس گیرد.

بداند که

يَا حَيِّبَ مَنْ لَا حَيِّبَ لَهُ

يَا طَيِّبَ مَنْ لَا طَيِّبَ لَهُ

يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ

يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ

يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ

يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ

يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ

يَا اُنَيْسَ مَنْ لَا اُنَيْسَ لَهُ
يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ
يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ

خدا دوستدار کسی است که دوستی ندارد. طیب کسی است که طیبی ندارد. اجابت کننده کسی است که اجابت کننده ای ندارد. مهربان است نسبت به کسی است که کسی را ندارد به او مهربانی کند. رفیق کسی است که رفیقی ندارد. فریادرس کسی است که فریاد رسی ندارد. راهنمای کسی است که راهنمایی ندارد. انس گیرنده با کسی است که کسی نیست با او انس بگیرد. رحم کننده به کسی است که کسی به او رحم نمی کند. همراه کسی است که کسی با او همراهی نمی کند.

یکی از مهمترین فرق بین انسان و حیوان، این است که در انسان عشق به خدا نهادینه شده است و ریشه دارد و اگر موانعی سر راه رشد این عشق نباشد، به صورت شگفت انگیزی به کمال رسیده و انسان را به بالاترین لذتها و مهمترین مقامات معنوی و بالاترین سعادت ها می رساند.

هدف از خلقت انسان هم در حقیقت همین است که انسان عاشق خدا شود و با عشق بازی با خداوند لطیف و جمیل، به لذت بی نظیری که در هیچیک از لذتهای مادی نیست دست پیدا کند.

انسان عاشق خدا، انسان عجیبی است. او شبانه روزش را به یاد معشوقش یعنی خداوند زیبا، می گذراند و هیچیک از لذتهای دنیا برای او ارزشی ندارد.

مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي هر کس مرا بجوید ، خواهد یافت

وَمَنْ وَجَدَنِي عَرَفَنِي و هر کس مرا یافت ، می شناسد

وَمَنْ عَرَفَنِي احَبَّنِي و هر کس مرا شناخت ، دوستدار من می شود

وَمَنْ احَبَّنِي عَشَقَنِي و هر کس دوستدار من شد ، عاشقم می شود

وَمَنْ عَشَقَنِي عَشَقْتُهُ و هر کس عاشقم شود ، عاشقش می شوم

وَمَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ و هر که را عاشق شدم ، می کشمش

وَمَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلَيْ دَيْتِهِ و هر کس را کشتم ، دیه او بر من است

وَمَنْ عَلَيَّ دَيْتُهُ فَاَنَا دَيْتُهُ و هر که دیه او بر من است من خودم دیه او هستم

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را
چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان
را چه کند

خداوند حکیم ما انسان ها را خلق کرد تا او را عبادت کنیم و با او با عشق و

محبت ارتباط برقرار کنیم و او را از اهرچه نقص و بدی است ، پاک و منزّه بدانیم

و او را مالک و صاحب عالم هستی بدانیم و همه نیازهای خود را از او بخواهیم

و خلاصه در همه حال بیدار او باشیم و با او عشق بازی کنیم. و این حالت از ابتدای

تکلیف انسان باید باشد تا زمان مردن و انتقال از دنیا به آخرت

اگر انسان به این درجه از فهم و معرفت و شناخت و ارتباط قوی با خداوند زیبا و لطیف برسد یقیناً در طول زندگی دنیوی همیشه با نشاط و پویا و امیدواری بسیار بالا خواهد بود و هیچگاه ناامید و مایوس و شکست خورده نخواهد شد.

لذت بخش ترین لذتها

همه پیامبران آمدند رابطه انسان را با خدا برقرار کنند زیرا خوشبختی انسان در این است که با خدای خویش ارتباط داشته باشد که هرچه این ارتباط عمیق تر و عاشقانه تر باشد انسان کاملتر و سعادتمندتر می گردد انسان باید خدا را معشوق خود قرار دهد و بداند که فقط خدا لایق عشق و رزی است. و فقط او شایسته عشق و رزی است.

حال اینکه از چه راهی نوجوان خودمان را با عشق الهی آشنا نماییم راه های مختلفی وجود دارد.

اگر نوجوان ما نمازخوان شود و در نماز به خضوع و خشوع دست یابد قدم بزرگی در بدست آوردن عشق الهی برداشته است.

البته وضعیت خانواده ها در این مساله تاثیر گزار است.

، در پژوهشی به بررسی «راه‌های توسعه و ترویج (1392) مرادی و موسی‌پور فرهنگ اقامه نماز در بین دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران»، پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که دانش آموزان مناطق پایین شهر و دانش آموزان مدارس دولتی، گرایش بیشتری نسبت به نماز دارند، عوامل خانوادگی (نماز خواندن پدر و مادر و شرکت آنها در مراسم‌های مذهبی) و همچنین عوامل درون مدرسه‌ای (برگزاری نماز اول وقت و وضعیت نمازخانه)، در گرایش به نماز مؤثر هستند.

اصل نهم: تربیت دینی نوجوان

ما مسلمانان بهترین دین را داریم. دینی که جوابگوی همه نیازهای مادی و معنوی انسان است. دینی که ادعا می کند:

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (اسراء ایه 9)

همانا این قرآن (خلق را) به راست و استوارترین طریقه هدایت می کند و اهل

ایمان را که نیکوکار باشند به اجر و ثواب بزرگ بشارت می دهد

عمل به توصیه های اسلام مساوی است با سعادت در دنیا و آخرت.

ولی دشمنان اسلام چهره نادرستی از اسلام می سازند لذا نوجوان مسلمان ضد

اسلام می شود!

انحرافات اعتقادی

یکی از خطرات سر راه نوجوانان، انحرافات اعتقادی است. که از مسخره کردن

اذان و نماز و روحانی و غیره شروع میشود تا زمانی که فرد مرتد می گردد و کلا

اسلام و دین و خدا را نفی می نماید

انحرافات اعتقادی از انحرافات اخلاقی خطرناک تر است چون مفسد اخلاقی با

توبه درست میشود ولی کسی که خدا را قبول ندارد دیگر کافر حساب میشود

پدرانی هستند نمازخوان ولی می گویند دختر یا پسر ما لائیک شده و نماز را

مسخره می کند و...

این فرزندان از صبح تا شب فقط دنبال شهوات و لذات و دوست پسر و دوست دختر و.. هستند

جوانی می گفت من هفت تا دوست دختر دارم! هرچی می می خواهم از آنها جدا شوم آنها من رو ول نمی کنند!

علت انحراف اعتقادی نوجوان یا به بی توجهی پدر بر می گردد که فرزند خود را کاملاً ازاد گذاشته است و اوهم راه کج را انتخاب کرده یا به رفیق منحرف یا معلم منحرف و دیگر عوامل بر می گردد.

پدران یا مادرانی هستند که از بی توجهی فرزندان شان به نماز و حجاب می نالند و از کارهای زشت و افکار انحرافی آنها شاکیند.

یکی از علل انحرافات اعتقادی این است که دشمنان از روحانیت چهره بدی در

اذهان نوجوانان می سازند. و روحانیت را عامل عقب ماندگی و دشمن آزادی

مطرح نموده اند!

دختری با من تماس گرفت و ضمن صحبت هایش می گفت شما اخوندا داعش

هستید! این دختر اهل شراب بود. حجاب درستی نداشت. نماز نمی خواند و..

طی چند جلسه صحبت با ایشان، ذهنیت ایشان تغییر کرد و نسبت به روحانیت خوش بین شد و ماه رمضان روزه گرفت و قران می خواند و..

روحانی خانواده

همانطور که می گویند پزشک خانواده لازم است روحانی خانواده هم لازم است که خانواده با یک روحانی خوبی همیشه در تماس باشند. روحانی می تواند در کارهای مختلف که خانواده می خواهند انجام بدهند مشاوره رایگان بدهد. گاهی برای فرزندان مشکلاتی پیش می آید روحانی راهنمای خوبی خواهد بود و خانواده هایی که با روحانیت ارتباط دارند موفقیتشان بیشتر است.

نوجوانانی بودند که دچار انحراف اخلاقی یا انحراف اعتقادی بودند ولی با راهنمایی ما در مسیر درست قرار گرفتند.

جوانی معتاد بود با راهنمایی که از ایشان کردیم ایشان اعتیاد را ترک کرد و اهل نماز و مسجد و خمس و.. شده والان مغازه باز کرده و زندگی خوبی دارد.

-آشنا کردن فرزند با خدا و آموزه های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله را طی کرد:

1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمائیم.

2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.

3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را ببامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است». آل عمران 31

4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبی‌ش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احیاناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنوی‌ش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می‌باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را بامحبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناهانی کرده آنها را بوسیله نماز پاک می کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطاوت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد و با اصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالقی که در گرفتاریها و سختیهای زندگی، تکیه گاه انسان است.

علی (ع) می فرماید: «یا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلٍ!» ای تکیه گاه من! «یا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي!» ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می گویم. این دین صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور و پاک کرده و آنها را سعادتمند می نماید.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی شود.

تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان پیوندد و مانند آنان مستقل باشد.

او خواسته خود را بر زبان نمی آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می کند، به کارهای غیر عادی دست می زند، بد رفتار و تندخو می شود و با زبان حال می گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبر(ص) است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیده رأفت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه ای در تن و روان کودک پدید می آید. جسمش قوی می شود و درکش رشد می کند و تا اندازه ای خویها و بدیها را می فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه های جوانی و بزرگسالی در او پدید می آید. لذا احساس مسئولیت می کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می باشد.

از بکار بردن کلمه وزیر چند نکته را می فهمیم:

الف - جوان تشخص طلب و استقلال جو است.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خوبیها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است. سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کننده والدین، نیروی مقاومت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می شود ولی استعدادهای خود را از دست می دهد و یک انسان نالایق بار می آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری ها می ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می شود. عریده ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده خود کم بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می کنند، فریاد می کشند، دشنام می دهند. گاهی

بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه‌اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان بپا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی‌مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

اصل دهم: استفاده از تغافل

تغافل یا تقابل؟

یکی از شیوه‌های تعلیم و تربیت، «تغافل» است. تغافل یعنی انسان چیزی را بداند ولی به عمد وانمود کند از آن بی خبر است و خود را به غفلت بزند. در پیش گرفتن این اصل در هنگام برخورد بانوجوان، موجب می شود عزت نفس او حفظ شود اما با تقابل و برجسته کردن ضعف‌هایش، عزت نفس او را در هم شکسته ایم. که در بسیاری از مواقع با جریحه دار کردن احساسات او باید منتظر لجajتش باشیم.

جالب اینجاست که در اکثر اوقات نوجوانان به علت علم و آگاهی اندک دچار اشتباه می شوند و عمد و قصدی در کار نیست.

همانطور که حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «جَهْلُ الشَّبَابِ مَعذُورٌ، عِلْمُهُ مَحْضُورٌ» (ناآگاهی نوجوانان پذیرفته و آگاهی و دانش آنان ناچیز است) ۱

پس در هنگام برخورد با خطا و اشتباه نوجوان که آسیبی متوجه خود و دیگران نکرده است، اصل تغافل را در پیش بگیرید..همچنین از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: «أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ تَغَاْفُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ»؛ (از برترین اخلاق انسان بزرگوار، تغافل او از دانسته های خویش است). ۲.

غُرر الحکم و درر الکلم، ص 339-۱۱۱

اصل یازدهم: ممانعت از وابستگی نوجوان به موسیقی

موسیقی فرزندان ما را از دین دور می کند!

اگرچه فقهاء موسیقی را به موسیقی حلال و موسیقی حرام تقسیم کرده اند ولی اسلام با موسیقی مخالف است حتی حلال آن! لذا در زندگی پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام جایی برای موسیقی دیده نشده است و هیچوقت از موسیقی استفاده نکردند. و نگذاشتند فرزندان آنها از موسیقی استفاده کنند
لذا نباید اجازه دهیم نوجوان ما به کلاس موسیقی برود یا در شبانه روز ساعتهای زیادی از موسیقی استفاده نماید.

- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخدیر می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می شود.»

1- «پیامبر اسلام (ص): غنا (موسیقی حرام) پلّه کان زنا است.»

2- «امام صادق (ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا (موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»

3- «امام صادق (ع): خانه ای که در آن غنا (موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

10 بعضی از دانشمندان هم بر ضررهای موسیقی تاکید نموده اند.

ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفسور دانشگاه کلمبیا می گوید: بهترین و دلکش ترین نو اهای موسیقی، شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخدیری ایجاد می کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می سازد و لذت فوق العاده ای که افراد از آن می برند از همین اثر تخدیری است و روشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند

خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست
بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.»
گاهی موسیقی باعث جنایت می شود.
افرادی بودند که بعد از گوش دادن موسیقی دچار هیجان روحی شدند و دست به
جنایت زدند.

احادیث درباره موسیقی

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله

. أَنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ لِّأَمْحَقِ الْمَعَازِفَ وَ الْمَزَامِيرَ وَ أُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ

:رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود

خداوند مرا مبعوث کرد تا رحمتی برای جهانیان باشم و ساز و نی ها و امور
جاهلیت را نابود سازم.

ال رسول الله - صلى الله عليه و آله

يُحْشَرُ صَاحِبُ الطَّنْبُورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ أَسْوَدُ الْوَجْهِ وَ بَيِّدُهُ طَنْبُورٌ مِنْ نَارٍ وَ فَوْقَ
. رَأْسِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، بِيَدِ كُلِّ مَلَكٍ مِقْمَعَةٌ يَضْرِبُونَ رَأْسَهُ وَ وَجْهَهُ

:رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود

دارنده طنبور (نوعی از آلات موسیقی) روز قیامت محشور می شود در حالی که صورتش سیاه و در دستش طنبوری از آتش است و بالای سرش هفتاد هزار فرشته قرار دارند که در دست هر کدام از آنها عمودی آهنین است که بر سر و صورتش می زنند.

سوال: پس چرا می‌گند در عروسی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دف می زدند و ساز و اواز بوده است؟

جواب: آنچه از کتب معتبر در مورد نحوه برگزاری مراسم عروسی حضرت زهرا و علی علیهما السلام وارد شده تنها این است که در شب عروسی، دختران عبدالمطلب و بنی هاشم و زنان مهاجر و انصار و در پیشاپیش آنان، زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) عروس نور را در این راه همراهی می کردند. ام سلمه، عایشه، حفصه و معاذه برای این عروس و داماد شعر می خواندند. دیگران نیز اول بیت هر شعری را تکرار می کردند و تکبیر می گفتند. (بحارالانوار: ج 43، ص 97) این روایت نشان می دهد که در عروسی آن بزرگواران دست زدن و صوت زدن در کار نبوده است. آنچه در باره ازدواج حضرت زهرا (علیها السلام) از تاریخ و احادیث معتبر استفاده می شود، این است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در شب عروسی دختر گرامی شان به زنان دستور دادند اظهار

خوشحالی کنند؛ ولی چیزی که موجب خشم خداوند باشد، انجام ندهند. گفته شده که عایشه و برخی از زنان، اشعاری در فضیلت و مقام حضرت زهرا(علیها السلام) می سرودند و اظهار سرور و شادمانی می کردند. (بحارالانوار، ج 43، ص 115). و مسئله دف و دایره زنی در احادیثی که هیچ سند و اعتباری ندارد، بیان شده است. (دعائم الاسلام، ج 2، ص 206). و اما احادیثی که بیان میکنند در مراسم این حضرات دف وجود داشته است مربوط به اهل سنت میباشد. زیرا که اهل سنت غنا و دف زنی را در مراسم شادی و بخصوص هنگام بازگشت از جنگ حلال میدانند. (سنن نسایی، ج 3، ص 194؛ صحیح بخاری، ج 6، ص 137؛ سنن ترمذی، ج 2، ص 276؛ سنن ابی داود، ج 2، ص 104؛)

اصل دوازدهم: والدین همیشه برای سعادت نوجوان خود دعا کنند

دعای والدین برای سعادت فرزندان تاثیر گذار است

والدین تا آخر عمرشان دعا برای فرزندان را فراموش ننمایند. این دعا‌های والدین
پشتوانه معنوی برای سلامت جسمی و روحی فرزندان‌شان می باشد.

بادعای پدر، علامه شد!

«پدر علامه مجلسی بنام حجة الاسلام محمدتقی مجلسی شبی در سحر مشغول
مناجات بود. ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است. بفکر فرو
رفت تا چه دعائی بکند. در این حال گریه پسرش محمدباقر بلند شد. پدر دعا کرد
که خدایا! پسر مرا فقیه قرار بده!
این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»

این حُسن شهرت را از کجا آوردی؟

از ابوسعید ابوالخیر سوال کردند: این حسن شهرت را از کجا آوردی؟

او گفت شبی مادرم از من آب خواست، دقایقی طول کشید تا آب بیاورم؛ وقتی به
کنارش رفتم خواب او را گرفته بود

دلم نیامد که بیدارش کنم، بکنارش نشستم تا پگاه، مادر چشمانش را باز کرد و
!! کاسه آب را در دستان من دید
.پی به ماقع برد

گفت: ((فرزندم امیدوارم نامت عالم گیر شود.)) داستانی بود کوتاه که به ارزش و
!! اعتبار مقام مادر در پیشگاه حضرت دوست داشت

بیاییم با بلند نکردن صدا و پشت گوش نیانداختن سخنان این موجود عزیز، او را از
!خود راضی کنیم

که بدست آوردن دل والدین (مخصوصاً مادر) و وجود دعای ایشان پشت سرهمه
!مان باعث سعادت و نیک بختیمان خواهد شد

آیت الله العظمی مرعشی نجفی کسی است که ۶۰ سال نماز شبش را در حرم
حضرت معصومه سلام الله علیها خواند. رئیس دفتر این عالم بزرگوار می گوید؛
یک بار به آقا گفتم: اجازه می دهید که دفتر را زود تعطیل کنم و بروم؟ چون
پدرم آمده است، می خواهم به دیدارش بروم. آقا بغض کرد و فرمود: خوش به
حالت که پدر داری! قبل از این که بروی، قصه من و پدرم را بشنو. حدوداً ده
ساله بودم و در نجف بودیم که مادرم گفت: وقت نهار است، به طبقه ی بالا برو
و پدرت را صدا کن. دیدم پدرم روی کتابها خوابش برده است، بین دو معادله
مانده بودم، اگر امر مادر را اطاعت کنم و پدرم را از خواب شیرین بیدار کنم،
پدرم ناراحت می شود، با خود گفتم کاری کنم که اگر پدرم بیدار شد، ناراحت
نشود. خم شدم و کف پای پدرم را بوسیدم، در همین حال پدرم بیدار شد و این

صحنه را که دید، گریه اش گرفت و همان لحظه برایم دعا کرد، که هرچه امروز دارم به خاطر همان چند دعای پدرم است

کتاب های مرحوم علامه شیخ مرتضی انصاری قریب نود سال است که در حوزه تدریس می شود، چون مادرش را بر روی شانه می گذاشت و به حمام می برد تا زن ها او را بشویند و مجدد بر روی شانه می گذاشت و به منزل می آورد. مردم از او می پرسیدند: در منزل قاطر یا الاغی نداری که او را روی آن بگذاری؟ فرمود: دارم. نمی دانید وقتی مادرم را بر دوش گرفتم، زیر این بار سنگین چه گره هایی برایم باز شد. وقتی مادر ایشان از دنیا رفت، به پهنای صورت گریه می کرد، یتیمی سن بردار نیست. وقتی به او اشکال کردند، فرمود: گریه ام برای این است که از امروز به بعد، به چه شخصی خدمت کنم که خدا این همه گره هایم را باز کند؟ در عالم از مادر، سنگین وزن تر برای رسیدن به خدا داریم؟

حضرت موسی علیه السلام به درگاه خداوند رفت، ایشان مثل دفعات قبلی مورد عنایت خداوند نبود. از خدا پرسید: خدایا چه خطایی انجام داده ام؟ خدا به او فرمود: دفعه ی قبل مادرت زنده بود و دعایش پشت سرت بود. دعای مادر .. حضرت موسی در او تاثیرگذار بوده است

دعای امام سجاده (ع) برای تربیت فرزندانش

امام سجاده (ع) که در علم و ایمان متصل به دریای بی پایان الهی است در این جهت نمونه‌ای کامل و صادق می‌باشد. آن حضرت (ع) در کتاب گرانسنگ (صحیفه سجاده) یکی از دعاهاى خود را مختص فرزندان قرار داده و با کمال تضرع و خشوع از خداوند متعال در جهت رسیدن فرزندانش به کمال و سعادت طلب یاری می‌فرماید. ایشان در فرازی از این دعا که دعای بیست و پنجم از این کتاب شریف است می‌فرمایند:

«و اعنى على تربيتهم و تاديبهم و برهم»

«خداوندا مرا در تربیت و نیکی نمودن به فرزندانم یاری فرما»

این دعای ارزشمند که از زبان یکی از اولیای خداوند صادر گردیده در واقع اتمام حجتی است برای ما که بدانیم بدون یاری گرفتن از پروردگار و خالق خویش در این جهت توفیقی حاصل نخواهیم کرد و از همین رو باید از سلاح دعا در راستای تربیت فرزندان غفلت نکرد و هرگز مغرور به چند ورقی که خوانده یا نوشته ایم نباشیم و یقین داشته باشیم که تنها و تنها با یاری خداوند است که می‌توانیم فرزندان خود را از گرداب حوادث نجات دهیم و به ساحل امن و آرامش برسانیم.

و اما قرآن کریم به عنوان نسخه‌ای بی نظیر درد مادی و معنوی بشری در آیات متعددی از دعاهاى یاد می‌کند که انبیاء و اولیای الهی در آنها از خداوند متعال سعادت دنیوی و اخروی فرزندان خود را طلب نموده‌اند.

دعای عباد الرحمن

در آیه هفتاد و چهارم از سوره مبارکه فرقان از زبان کسانی که از سوی خداوند به عنوان «عباد الرحمن» معرفی شده‌اند، می‌خوانیم

ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما»

پروردگارا همسران و فرزندان ما را برای ما مایه روشنی چشم قرار ده و ما را برای «پرهیزکاران پیشوا و پیشرو گردان

در این آیه شریفه اولیای خاص خداوند از پیشگاه او درخواست می‌کند که همسران و فرزندان آنان را در این عالم مایه سرافرازی ایشان قرار دهند که از این طریق چشم ایشان همواره به افتخارات مادی و معنوی آنها روشن بوده و از ناحیه آنان گزندى متوجه آنها نشود. همچنین در ادامه می‌خوانیم که ایشان به این مطلب با تمام بزرگی و عظمت اکتفا نکرده و مقامی بس ارجمند و گرامی را برای آنان از خداوند مسئلت می‌نماید که همانا مقام امامت و پیشوایی متقین و پرهیزکاران است. مقامی که به تصریح آیه یکصدوسی ام از سوره مبارکه بقره هرگز به ستمکاران نخواهد رسید و چنانچه انسانی به این مرتبه از کمال دست یابد از خاصان درگاه الهی شده و سعادت دنیوی و اخروی خود را به اعلی درجه تأمین نموده است.

دعای حضرت ابراهیم (ع)

یکی از انبیای عظیم الشان خداوند حضرت ابراهیم(ع) است که در راه انجام رسالت الهی خود از هیچ گونه کوششی دریغ نورزید. و داستان مجاهدات او در راه اعتلای کلمه توحید به مکرر در قرآن کریم ذکر گردیده است. و یکی از سوره‌های قرآن کریم نیز به نام این نبی مکرم نامگذاری شده است در آیه چهارم از این سوره از زبان آن حضرت(ع) می‌خوانیم که به هنگام دعا برای فرزندان خود به درگاه خداوند چنین عرضه می‌دارد:

رب اجعلنی مقیم الصلوه و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء»

پروردگارا مرا و فرزندان مرا از برپا دارندگان نماز قرار ده و خداوندا این دعا را «از من بپذیر

در میان تمامی عبادات بی شک «نماز» در سازندگی اخلاقی و معنوی انسان نقش بسزایی داشته و هیچ کدام از عبادات دیگر در این جهت به پایه نماز نمی‌رسند چرا که هر گاه آدمی در طول شبانه روز پنج مرتبه در پیشگاه خداوند حاضر شده و با آن ذات یگانه به راز و نیاز بپردازد چراغ یاد او همواره در جان و دلش روشن خواهد بود و همین یاد پیوسته پروردگار او را به سوی سعادت و دست کشیدن از معاصی رهنمون می‌گردد و به همین دلیل در این آیه شریفه حضرت ابراهیم(ع) پیش از هر گونه تقاضای دیگر از خداوند متعال برای فرزندان خود، می‌خواهد که او و فرزندان او را از نماز گزاران و برپا دارندگان نماز قرار دهد. زیرا آن حضرت(ع) می‌داند مادامی که فرزندان او از طریق نماز با ذات خداوند در

ارتباطی دائمی قرار دارند از مکاید شیطانی برکنار بوده و در نتیجه در صراط
مستقیم عبودیت و سعادت گام برمی دارند

دعا در هنگام ساختن کعبه

همان طور که قبلاً گفته شد ابراهیم(ع) از جمله انبیای الهی است که داستان
زندگی او به دفعات در قرآن کریم ذکر شده و از جمله در سوره مبارکه بقره به
فرازهایی از زندگی آن حضرت اشاره گردیده است. در آیه یکصد و بیست و
هشتم از این سوره مبارکه می خوانیم که آن حضرت آن گاه که به همراه فرزند
برومندش اسماعیل(ع) دست بکار ساختن خانه کعبه بودند دست به دعا برداشته و
از خداوند چنین درخواست می نمایند

...ربنا واجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امه مسلمه لک و»

«پروردگارا ما و فرزندان ما را از تسلیم شدگان در برابر خود قرار ده

اسلام و تسلیم در برابر خداوند مقام و مرتبه ایست که آرزوی تمامی انسان های
عارف به حق بوده و همه آنان که در مسیر رضای خداوند گام برمی دارد تمام
هم و غمشان رسیدن به این مقام و رتبه با ارزش است. زیرا با رسیدن به مقام تسلیم
انسان، مورد محبت تام و تمام خداوند قرار گرفته و از غم دو جهان آسوده
می شود. این مرتبه از عبودیت و بندگی خداوند از چنان ارزشی برخوردار است
که در آیه یکصد و سی و دوم از سوره مبارکه بقره از زبان ابراهیم(ع) و نواده
گرامیش حضرت یعقوب(ع) خطاب به فرزندان شان می خوانیم که به آنان وصیت

می کنند که: (مبادا جز در حالت تسلیم و مسلمانی مرگ را ملاقات کرده و از دنیا بروید)

و همین وصیت گویای اهمیت و ارزش این مرتبه از عبادت و بندگی است چرا که هر انسانی مهمترین سخن و سفارش خود به نزدیکانش را همواره در آخرین لحظات دیدار آنان و به هنگام مرگ بر زبان جاری می کند در آیه مورد بحث نیز دو تن از پیامبران عظیم الشأن الهی از خداوند برای فرزندان خود مقام تسلیم را طلب می کنند. و با توجه به این مطلب که دعای آن دو بزرگوار برخاسته از قلبی سلیم و دلی آگاه و بصیرتی خلل ناپذیر می باشد به اهمیت مقام تسلیم بیشتر واقف می شویم زیرا چنانچه مقامی برتر از مقام تسلیم در پیشگاه خداوند می شناختند بدون شک از درخواست آن امتناع نمی نمودند.

دعای مادر مریم

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به این مطلب تصریح فرموده و انسانها را یادآور شده که دشمنی سرسخت و عنود به نام شیطان در مسیر آنان کمین کرده و هر آن مترصد آن است که به لطایف الحیل آنان را از صراط مستقیم بلغزاند.

و به شقاوت دنیا و آخرت مبتلا گرداند. و به همین خاطر یکی از اموری که در سرلوحه دعاها و اولیای الهی بوده است درخواست از خداوند در جهت در امان ماندن از مکاید این دشمن دیرینه انسان بوده و در آیه سی و هشتم از سوره

مبارکه آل عمران نیز از زبان مادر گرامی حضرت مریم (س) می خوانیم که به هنگام ولادت او از خداوند درخواست می نماید که او و فرزندانش را از گزند شیطان و وسوسه های او در امان بدارد

فلما وضعته قالت رب... انی اعینها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم»

پس هنگامی که او را بر زمین نهاد گفت پروردگارا... همانا من او و فرزندانش را «از شیطان رانده شده به تو می سپارم

دعا برای داشتن فرزندان شایسته

:در سوره مبارکه احقاف آیه پانزده خداوند متعال می فرماید

**و وصینا الانسان بوالدیه احسانا... حتی اذا بلغ اشده و بلغ اربعین سنه قال رب.... «
:اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین**

و انسان را نسبت به پدر و مادرش سفارش کردیم... تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد می گوید: پروردگارا... فرزندانم را برایم شایسته «گردان در حقیقت من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم

در این آیه شریفه خداوند از زبان حال انسان ها به هنگام رسیدن به سن رشد عقلانی و کمال که سن چهل سالگی است سخن به میان آورده و به مخاطبان قرآن کریم یادآور گردیده که باید یکی از مهمترین دعاهایشان دعا درباره اصلاح فرزندان و شایستگی آنان باشد چرا که صالح بودن فرزندان علاوه بر آنکه

سعادت دنیوی و اخروی خود آنان را در پی خواهد داشت، مایه آرامش فکری و روحی والدین بوده و اینان نیز در سایه شایستگی فرزندان می‌توانند با خیالی آسوده مدارج تعالی مادی و معنوی خود را طی کرده و به عبادت پروردگار و خدمت به جامعه پردازند.

شایستگی فرزندان از چنان درجه والایی برخوردار است که در کلامی گران سنگ از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم

الولد الصالح ریحانه من ریحین الجنة»

«فرزند شایسته گلی از گل‌های بهشت است

و با این حال چه سرمایه‌ای ارزشمندتر از فرزند صالح و شایسته، و به همین دلیل به امر پروردگار و سفارش پیامبر اکرم (ص) و اولیای الهی، والدین بصیر و دلسوز باید در رأس دعا‌های خود دعا برای اصلاح و صالح بودن فرزندان را قرار دهند.^{۵۵}

اصل سیزدهم: جبران فقدان والدین یا یکی از آنها

فرزندان طلاق و فرزندانی که از والدین محرومند و آسیب های ان

اسلام با طلاق مخالف است مگر چاره ای نباشد. زیرا طلاق هم به زوجین و هم به فرزندان آنها آسیب می زند و نهاد مقدس خانواده را از هم پاشد.

طلاق و محروم شدن از والدین همواره می تواند تاثیرات نامطلوب خود را بر تمام جنبه های مهم زندگی فرزندان بگذارد و میزان آسیب پذیری فرزندان را افزایش دهد. نقش پدر و مادر در نحوه مدیریت شرایط و کاهش مشکلات احتمالی بسیار اهمیت دارد مخصوصا یکی جنبه محبت والدین که در فرزندان طلاق منفی است و یکی جنبه اقتصادی که اگر پدر نباشد زندگی سخت می شود.

طلاق در اکثر موارد منجر به برانگیختگی خشم نوجوانان می شود. آنها ممکن است یک یا هر دوی والدین را به خاطر جدایی سرزنش کنند. همچنین در این شرایط اغلب حساسیت بالایی از خود نشان می دهند و مسائل مختلف زودتر از همیشه آنها را آزرده می سازد

گاهی طلاق خاموش است یعنی والدین در زیر سقف یک خانه باهم زندگی می کنند ولی بین آنها روابط زن و شوهری نیست و باهم قهر می باشند که اینهم ضربه ای به تربیت نوجوانان می باشد.

گاهی پدر شغلش طوری است که در سال فقط دوسه ماه در خانه حضور دارد و باید تمحل تربیت به دوش فقط مادر باشد.

ولی هرگاه به علت طلاق یا فوت والدین، فرزند از نعمت والدین یا یکی از ان دو محروم ماند باید این مشکل جبران شود اما چگونه؟

وقتی امام خمینی در حالی که دوماهه بودند، پدر ایشان در راه خمین اراک به دست اشرار به شهادت رسیدند مادر حضرت امام بنام بانو هاجر با کمک عمه امام بنام بانو صاحبه و دایه امام بنام ننه خاور تربیت امام را بعهده گرفتند. هر سه این زنها، که زنانی باتقوا و پاکدامن و شایسته بودند، به تربیت جسمی و روحی امام همت گماشتند لذا با مجهدت این زنان نبود پدر، جبران شد و حضرت امام تا سن پانزده سالگی بنحو شایسته ای تربیت شدند. وقتی این سه زن از دنیا رفتند امام در ابتدای نوجوانی بودند ولی صفات خوب در ایشان پرورش یافته و فاقد صفات بد بودند. و اینها با زحمات این سه بانو بدست آمد.

اسلام به اکرام فرزندان یتیم خیلی تاکید دارد و فرموده واما الیتیم فلا تقهر.. با یتیم قهر نکن بلکه به او محبت نما. تا کمبود والدین را احسا نکند. و در تربیت او اخلال ایجاد نشود.

امام علی علیه السلام: هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که دست محبت بر سر یتیمی بگذارد، مگر این که خداوند به اندازه هر تار مویی که بر آن دست کشیده است. ثوابی برایش بنویسد.

قرآن کریم می فرماید: «...وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ 220/ سوره بقره تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ...»؛ [

] از تو درباره یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح کار آنان بهتر است و اگر زندگی خود را با زندگی آنها بیامیزید، آنها برادران دینی شما هستند.

از آیه یاد شده برمی آید که بهترین محیط برای کودکان یتیم، محیط طبیعی خانواده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جای دادن یتیم در منزل و تأمین نیازمندی های او را باعث قبولی اعمال در پیشگاه خداوند دانسته [مشکاه الانوار، [ابی الفضل علی الطبرسی، ص 291، المكتبة الحیدریه فی النجف

و در حدیث دیگری فرموده: «در خانه ای که یتیم باشد، رحمت و برکت الهی در فضای آن خانه حاکم خواهد شد» و باز می فرماید: «من و سرپرست یتیم در بهشت در کنار هم خواهیم بود» (تفسیر ابن کثیر، ابن کثیر، ج 4، ص 544، [۲۳]. » . دارالمعرفه، بیروت

اگر چه امروزه مؤسسات و کانون های یتیم نوازی در نقاط مختلف بقرار است ولی چنین مراکزی به خاطر شرایط حاکم بر آنها، به صفا و صمیمیت و گرمی خانواده نمی رسد چون اگر یتیمی در آغوش خانواده ای ایده ال پرورش یابد، از محبت پدرخوانده و مادرخوانده برخوردار می شود و آنها نیز به مراتب بهتر از مربیان مؤسسات حمایت از ایتام، به یتیم ها محبت می کنند. بدیهی است که یتیم در میان خانواده ای که او را به فرزندخواندگی قبول کرده اند می تواند با جامعه و اطرافیان ارتباط بهتری برقرار نماید

رایج ترین مشکلات فرزندان طلاق:

1-مشکلات مرتبط با سلامت روان

بررسی‌ها نشان می‌دهد بروز مشکلات روان شناختی در فرزندان طلاق بیش از سایر افراد است. در حقیقت یافته‌های پژوهشی بیانگر این نکته هستند که فارغ از سن، جنسیت و فرهنگ، فرزندان طلاق بیش از سایر جمعیت عمومی در معرض خطر ابتلا به مشکلات روان شناختی قرار دارند. در همین راستا آمارها از شیوع بیشتر اختلال سازگاری، افسردگی و اختلالات اضطرابی در افرادی که والدینشان از یکدیگر طلاق گرفته‌اند حکایت می‌کنند.

2-مشکلات رفتاری فرزندان طلاق

مطالعات تحقیقاتی نشان می‌دهند که فرزندان طلاق بیش از دیگران احتمال دارد که برون ریزی‌های رفتاری از خود نشان دهند. در واقع مشکلاتی نظیر

پرخاشگری، تکانشگری، اختلال سلوک و بزهکاری در فرزندان طلاق به میزان

بیشتری بروز می‌یابد. با این حال در نظر داشته باشید که این مشکلات قابل

پیشگیری هستند و با دریافت مداخلات به موقع می‌توانند بهبود یابند. در نتیجه در

صورت مشاهده هریک از این رفتارها در فرزند خود ترجیحا از یک روانشناس

متخصص در حوزه کودک و خانواده کمک بگیرید.

3- مشکلات تحصیلی

آمارها بیانگر این هستند که فرزندان طلاق بیش از سایر افراد ممکن است دچار

مشکلات تحصیلی شوند و عملکرد ضعیفی از خود نشان دهند. البته تحقیقات

تکمیلی نشان می‌دهند بچه‌هایی که پدر و مادرشان به طور غیر منتظره از یکدیگر

جدا شده‌اند بیش از بچه‌هایی که انتظار جدایی والدینشان را داشته‌اند این چالش

را تجربه می‌کنند.

4-انجام رفتارهای پرخطر در فرزندان طلاق

براساس تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر می‌توان گفت افرادی که در سنین

پایین والدینشان از یکدیگر جدا شده‌اند بیشتر احتمال دارد که در رفتارهای

پرخطر درگیر شوند. از جمله این رفتارها می‌توان به مصرف الکل، مواد مخدر یا

روی آوردن به روابط جنسی محافظت نشده اشاره کرد.

5-عدم سازگاری با شرایط جدید

برای بسیاری از فرزندان آنچه بیش از جدایی والدین دشوار است تغییراتی است

که در پی آن رخ می‌دهد چرا که در اکثر موارد باعث می‌شود کودک از یکی از

والدین خود جدا شده و به یک خانه دیگر منتقل شود. همچنین در این شرایط بسیاری از کودکان باید به مدرسه جدیدی بروند و اوضاع مالی متفاوتی را تجربه کنند. همه این عوامل در کنار زندگی با والدی که خود استرس‌های زیادی را تحمل می‌کند و ممکن است به اضطراب یا افسردگی دچار باشد می‌تواند قدرت سازگاری کودک در شرایط جدید را کاهش دهد^{۵۶}.

اصل چهاردهم: معرفی الگوهای درست

⁵⁶ <https://newmiind.com/3564/children-of-divorce/>

معمولا نوجوانان از میان افراد مشهور شخصی را به عنوان الگوی رفتار و اعمال خود انتخاب می کنند. و معمولا اینها از بین هنرپیشه ها یا ورزشکارها هستند. ولی همه می دانیم که اینها نمی توانند الگوی خوبی برای فرزندان ما باشند. ما باید برای دخترانمان و برای پسرانمان سراغ بهترین انسان برویم.

بهترین انسان کیست؟

1- همه مردم تمایل دارند بدانند چه کسی بهترین است؟ تا از او پیروی کنند. تا او الگوی آنان باشد.

2- کسی که بهترین است باید دارای خصوصیات زیر باشد:

عقل او از همه کامل تر باشد. دانش او از همه بیشتر باشد. اخلاقش از همه بهتر باشد. گناه نکرده باشد. ظلم نکرده باشد. پاک پاک باشد و هیچگاه رابطه جنسی نامشروع نداشته باشد.

3- کسی که بهترین است

نباید حسود باشد. نباید بخیل باشد. نباید کینه ای باشد. نباید در غگو باشد. نباید
ریا کار باشد. نباید متکبر و خود خواه باشد. نباید عصبانی باشد.
نباید ترسو باشد. نباید حریص و طمع کار باشد. و...

4- آن که بهترین است باید ایمانش به خدا از همه مردم دنیا بیشتر باشد. بطوری
که خدا را از همه بیشتر بشناسد. و خدا را از همه بیشتر دوست داشته باشد.

5- آیا همه این صفاتی که ذکر شد در افراد مشهوری که ما شناسیم وجود
دارد؟ آیا کسی را می شناسیم که همه این اوصاف را داشته باشد؟

6- کدام سیاستمداری هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام پادشاهی
هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام فرماندهی هست که همه این
صفات را دارا باشد؟ یا کدام رهبری هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا
کدام ورزشکاری هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام هنرپیشه ای
هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام معلم و استادی هست که همه این
صفات را دارا باشد؟

7- به نظر شما چه کسی از همه بهتر است؟

من ابتدا نام 25 نفر از مشهور ترین افراد تاریخ را ذکر می کنم. بعد بررسی کنیم
ایا این افراد همه صفات مذکور را دارند؟

8- از جمله افراد مشهور تاریخ:

ابوعلی سینا:

پزشک، ریاضی دان، منجم، فیزیک دان، شیمی دان، روان شناس، جغرافی دان،
زمین شناس، شاعر، منطق دان و فیلسوف ایرانی و از مشهورترین و تأثیر گذارترین
فیلسوفان و دانشمندان ایران زمین است که به ویژه به دلیل آثارش در زمینه فلسفه
ارسطویی و پزشکی اهمیت دارد

زکریای رازی:

پزشک، فیلسوف و شیمی دان ایرانی است. رازی آثار ماندگاری در زمینه
پزشکی و شیمی و فلسفه نوشته است و به عنوان کاشف الکحل، جوهر گوگرد
اسید سولفوریک [و نفت سفید مشهور است T

ادیسون:

مهندس، مخترع، و کارآفرین اهل ایالات متحده آمریکا بود. ادیسون ۲۵۰۰ امتیاز
اختراع را در ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان به نام خود ثبت کرد.

تلفن، ماشین چاپ، میکروفون، گرامافون، دیکتافون، کینتوسکوپ)نوعی دستگاه نمایش فیلم)، دینام موتور و لاستیک مصنوعی از جمله مواد و وسایلی هستند که ادیسون و همکارانش آنها را ابداع یا بهینه کردند. ادیسون از نخستین مخترعانی بود که بسیاری از اختراعات خود را به تولید انبوه رساند

:انیشتن

.فیزیکدان آلمانی الاصل بود. او بیشتر، برای نظریه نسبیت شهرت دارد

:گاندى

رهبر سیاسى و معنوى هندی‌ها بود که ملت هند را در راه آزادى از استعمار امپراتورى بریتانیا رهبرى کرد

جورج واشنگتن، رئیس جمهور ایالات متحده

جورج واشینگتن، را بسیاری از مورخان یکی از برجسته‌ترین و زبده‌ترین شخصیت‌های تاریخ آمریکا می‌دانند. او بانفوذترین و مشهورترین رئیس جمهور آمریکا است ...

شكى نیست كه اگر استانداردها و معیارهای بزرگى و عظمت در این فهرست

در رتبه‌ی نخست عشق و علاقه‌ی کودکان جهان می‌بود آن وقت والث دیزنى

این فهرست مشهورترین انسان های تاریخ قرار می گرفت. مردی که خالق بعضی از ستودنی ترین شخصیت های کارتونی در صنعت انیمیشن سازی است، من جمله میکی ماوس...

لویی پاستور:

او بیش از هر چیزی به خاطر اختراع فرایند پاستوریزه کردن که از روی نام خودش گرفته شده و به میلیارد ها کودک در سرتاسر جهان کمک کرده است تا سالم رشد کنند و شیر تازه ی بدون باکتری بخورند معروف است

چارلز داروین:

یک دانشمند همه چیز دان انگلیسی بود که در طول حیات خود در [چارلز داروین](#) چندین علم به مطالعاتی پرداخته بود و به عنوان یکی از مشهورترین دانشمندان کل تاریخ مطرح شده است...

زیگموند فروید:

نورولوژیست اتریشی مشهور، بی شک پدر علم روانشناسی و [زیگموند فروید](#) مشهورترین شخصیت رشته ی روانشناسی دانشگاهی و کاربردی و مشهورترین انسان های تاریخ است

بقراط:

فیزیکدان یونان باستان از سوی همگان به عنوان پدر طب غرب و طب بقراط رسمی به عنوان یک شغل شناخته می شود. او بنیان گذار مدرسه ی پزشکی بقراط بود که به دگرگون کردن علم طب باستان کمک شایانی کرد. بقراط با روش ها و آموزه هایش پایه ی طب مدرن را بنا نهاد. تاثیر او را می توان در سوگندنامه ی پزشکان، پرستاران، و دستیاران پزشک که سال ها به آن عمل شده است – سوگند بقراط – به عینه دید...

هرودوت:

هرودوت هم در این فهرست مشهورترین انسان های تاریخ جای گرفته است. مورخ اهل شهر هالیکارناس یونان باستان اولین مورخی بود که مطالبش را منسجم و نظام مند کرد، و بعد آن را سازماندهی کرد و آن ها را به یک راوی تاریخ نگاری گزارش داد. به همین دلیل، او را «پدر تاریخ» می دانند...

گاليله:

او را «پدر علم مدرن»، «پدر فیزیک مدرن» و نهایتاً «پدر اخترشناسی مشاهداتی نوین» می نامند

اما گاليله بيش از يك دانشمند و اخترشناس بود؛...

كريستف كلمب:

برای بعضی‌ها، کریستف کلمب یک قهرمان است، بزرگترین کاشفی که تا به امروز وجود داشته است، و شخصیتی مهم و جزو مشهورترین انسان‌های تاریخ است که استعمار اروپا بر جهان جدید را آغاز کرد...

سِر آیزاک نیوتن

به عنوان بانفوذترین فیزیکدان کل دوران آلبریت اینیشتن را کنار زده است و خودش جای او را در رتبه‌بندی گرفته است. این دانشمند انگلیسی بزرگ در جهان به عنوان شخصیتی کلیدی در انقلاب علمی شناخته می‌شود، و اکتشافات علمی انقلابی‌اش بر بسیاری از سایر دانشمندان مانند اینیشتن تاثیر گذار بوده است...

موتزارت:

، معروف ترین کودک اعجوبه‌ی تاریخ، بانفوذترین و MIT بر اساس تحقیقات محبوب‌ترین آهنگساز تاریخ نیز هست. او در سن پنج سالگی ساختن موسیقی را

شروع کرد و تا زمان مرگش، فقط سی سال بعد، ادامه داد که تا آن موقع بیش از ۶۰۰ اثر خلق کرده بود

ریاضیدان و مخترع یونانی بود که یکی از درخشان‌ترین ذهن‌های کل [ارشمیدس](#) دوران را دارد و در فهرست مشهورترین انسان‌های تاریخ و «پدرخوانده‌ی اختراعات» است...

[ژولیوس سزار](#)، بر اساس نظر اکثر مورخان و تحلیلگران سیاسی، مهم‌ترین شخصیت در تاریخ رومی و از مشهورترین انسان‌های تاریخ است

نام [لئوناردو داوینچی](#)

یادآور نبوغ و رنسانس است، و از همین جا بود که به او لقب «مرد رنسانس» را دادند. اما، توصیف حرفه‌ی واقعی داوینچی حقیقتاً دشوار است چون او در بسیاری از چیزها در طول زندگی خود مهارت داشت از مجسمه‌سازی تا نقاشی، معماری تا موسیقی، ریاضیات تا نجوم، و مهندسی و ... او بدون شک پر استعدادترین مرد دوران خود بود،

[اسکندر مقدونی](#)

یکی از بزرگترین ژنرال‌های ارتشی تاریخ است، و امپراتوری‌اش یکی از بزرگترین امپراتوری‌هایی بود که جهان به خود دیده است. او تا زمان مرگش شکست ناپذیر باقی ماند و مردی بود که فرهنگ و تمدن یونان را به بزرگترین بخش از جهان آن زمان گسترش داد...

ارسطو

فیلسوف یونانی اهل استاگیرا، در شمال یونان، بود که در سال ۳۸۴ قبل از میلاد به دنیا آمد. همگان او را در کنار سقراط و افلاطون به عنوان یکی از سه فیلسوف بزرگ تمام دوران می‌دانند..

بروس لی :

وی به اسطوره‌ای بین‌المللی تبدیل و موفق شد به خانه‌های میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان راه پیدا کند و هنرهای رزمی آسیایی را به محبوبیتی بیش از هر هنر رزمی دیگری در غرب برساند. او به اسطوره‌ی کودکان بی‌شماری در سرتاسر جهان در دهه‌ی شصت و هفتاد تبدیل شد...

9- این افراد مشهورترین افراد تاریخ هستند.

ولی هیچ کدام از این افراد، همه صفات مذکور را دارا نیستند. بلکه دارای نقاط مثبت و نقاط منفی می باشند لذا صلاحیت اینکه الگو قرار بگیرند را ندارند.

10- ولی...

ولی خداوند که انسان ها را افرید ان ها را بدون الگو قرار نداد. بلکه از میان همه مردم جهان چند نفر را انتخاب کرد که همه صفات مذکور را دارا هستند.
به نظر شما انها چه کسانی می باشند؟

11- از میان تمام انسان هایی که از ابتدای خلقت انسان، در کره زمین زندگی کرده اند تا انسان هایی که هنوز بدنیا نیامده اند، بهترین همه انسان ها، حضرت محمد (ص) است. و هیچ انسان دیگری از او بهتر نمی باشد.

12- حضرت محمد (ص) از همه انسان ها عالم تر. عادل تر. شجاع تر. حکیم تر. سخاوتمند تر. مهربان تر. راستگو تر. متواضع تر. خوش اخلاق تر و... است.

حضرت محمد(ص) در مکه متولد شد و در سن چهل سالگی از طرف خدا به پیامبری انتخاب گردید. او دین اسلام را آورد. او قرآن را آورد. او اهل بیت را آورد. او نور را آورد. او اخلاق را آورد. او علم و دانش را آورد. او خوبی ها را آورد. او حقوق انسان ها را آورد.

به چند نمونه از رفتار پیامبر با دیگران اشاره می کنیم:

«رسول خدا با هر کس روبه رو می شد، سلام می داد، هم به کوچک، هم بزرگ.» [۵۷]

هیچ گاه پای خود را پیش کسی دراز نمی کرد. هنگام نگاه، به صورت کسی خیره نمی شد، با چشم و ابرو به کسی اشاره نمی کرد، هنگام نشستن، تکیه نمی داد. [۵۸]

وقتی با مردم دست می داد و مصافحه می کرد، هیچ گاه دست خود را عقب نمی کشید، تا طرف مقابل دست خود را بکشد. هیچ خوراکی را مذمت نمی کرد. [۵۹] به هیچ کس دشنام و ناسزا نمی گفت و سخن ناراحت کننده ای بر زبان نمی آورد و بدی را با بدی پاسخ نمی گفت. زیر انداز خود را به عنوان اکرام، زیر پای

⁵⁷ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۱۸.

⁵⁸ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۳.

⁵⁹ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۲۰.

کسی که خدمتش می‌رسید پهن می‌کرد. [۶۰] از روز بعثت تا دم
مرگ، هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد. [۶۱] هدیه افراد را (هر
چند اندک و ناچیز) قبول می‌کرد. بیشتر اوقات، رو به قبله
می‌نشست. [۶۲] زانوهایش را پیش اشخاص، باز نمی‌کرد و بیرون
نمی‌آورد. بر تندخویی غریبه‌ها در سؤال و درخواست و سخن صبر
می‌کرد. هیچ کس را ملامت و سرزنش نمی‌کرد و در پی کشف
اسرار دیگران نبود. [۶۳]

خنده‌هایش تبسم بود و هرگز قهقهه سر نمی‌داد. [۶۴] بسیار شرمگین و
باحیا بود. سخن کسی را قطع نمی‌کرد. از جلوی خودش غذا
می‌خورد. کار افراد را به هر شکلی راه می‌انداخت و... بسیاری از
فضایل برجسته دیگر که همه حاکی از روحی بلند و اخلاقی والا و
ادبی متعالی بود. [۶۵]

⁶⁰ ـ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۴

⁶¹ ـ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷

⁶² ـ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷

⁶³ ـ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۱۷

⁶⁴ ـ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۴

⁶⁵ ـ اقتباس از سایت حوزه نت

در پایان پیشنهاد می کنم درباره حضرت محمد (ص)، مطالعه کنید تا او را بهتر بشناسید. در این صورت متوجه می شوید که او از همه انسان ها بهتر است.

بهترین زن کیست؟

1- شاید این سوال برای شما مخصوصا برای خانم ها پیش بیاید که بهترین زن در بین زنان جهان چه کسی است؟

آیا معلم ها و استادها بهترین هستند؟ یا مادرهایی که بچه های خود را بزرگ می کنند بهترین هستند؟ یا زن هایی که خوب شوهرداری می کنند بهترین هستند؟

شاید هم فکر کنید بهترین زن، زنان هنرپیشه باشند؟ یا خیال کنید بهترین زن، زنان ورزشکار مدال آور هستند؟ شاید هم زنان دانشمند مانند ماری کوری بهترین باشند؟ یا زنان سیاستمدار مانند مارگارت تاچر؟

یا زنهای خیلی زیبا مانند ملکه زیبایی زنان!

2- اول باید خصوصیاتى که اگر در زنى باشد او بهترین است را ذکر کنیم:

بهترین زن باید:

پاکدامن باشد و هرگز رابطه جنسی خارج از ازدواج نداشته باشد.

بهترین زن باید:

صبور باشد. خیلی صبور باشد. از همه صبورتر باشد. بزرگترین مصیبت، صبر او را از بین نبرد.

بزرگترین مشکل، استقامت او را نشکند.

بهترین زن باید:

معرفت به خدا در بالاترین درجه داشته باشد.

خدا را خوب بشناسد. عاشق خدا باشد. عشق به خدا لحظه ای از او جدا نشود.

بهترین زن باید:

مادری نمونه باشد. باید دختری نمونه باشد. باید همسری نمونه باشد.

بهترین زن باید:

پرهیزکار باشد و هرگز گناه نکند. باید هرگز خیانت نکند. باید هرگز دروغ نگوید.

بهترین زن باید:

شجاع باشد و از مرگ نهراسد. باید اخلاقش از همه بهتر باشد. باید علم و دانشش از همه زنهای بیشتر باشد. باید بر هوای نفسش مسلط باشد.

3- به نظر شما کدامیک از زنانی که ذکر شد دارای همه این صفات هستند؟

اگر کمی بررسی کنید می فهمید. در بین اینها هیچکدام جامع همه صفات مذکور نیستند. بلکه این زنان هم دارای نقاط مثبت و هم دارای نقاط منفی هستند.

مثلا دانشمند هست ولی حسود هم هست! یا شهوت ران هست! یا خسیس هست!

یا ورزشکار مدال آور هست ولی فحاش است! متکبر هست!

یا هنرپیشه عالی است ولی رابطه نامشروع دارد! یا مادر خوبی نیست!

یا سیاستمدار خیلی خوبی است اما ریاست طلب هست! یا دنبال شهرت هست! یا

در خانواده خود بداخلاق است!

4- پس کدام زن از همه زنان جهان بهتر است؟

من به شما می گویم!

خداوند چهار زن را از بین تمام زنان جهان به عنوان بهترین ها، انتخاب کرد.

حضرت فاطمه. حضرت خدیجه. حضرت مریم. حضرت آسیه

این چهار نفر از همه زنان جهان بهتر هستند.

5-البته حضرت فاطمه از آن سه نفر هم برتر است با اینکه سن آنها از وی بیشتر است.

اینکه حضرت فاطمه با اینکه 18 سال و به روایتی 28 سال عمر کرد ولی به درجات بالای معنوی دست پیدا کرد باعث شگفتی است.

و نشان می دهد اگر یک زن تلاش کند می تواند پله های ترقی را بپیماید.

-ویژگی های مهم حضرت فاطمه به شرح زیر است:

صبر:

با اینکه فاطمه دختر پیامبر و محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر بامشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد و آنقدر خانه

را جاروب کرد که لباسهایش غبار آلود بود و آنقدر زیر دیگ آتش
افروخت که لباسهایش عوض شد (کهنه شد).

شوهر فاطمه مجاهد فی سبیل الله که اکثراً در جبهه بسر می
برد، وضع مالی خانواده طوری است که گاهی دویزد غذا در منزل
یافت نمی شود. حضرت فاطمه زینت های معمولی همانند
گوشواره و گردنبند و انگوی طلا نداشت.

صبر در عبادت:

حضرت فاطمه خیلی عبادت می کرد. حتی شب عروسی با شوهرش تا صبح نماز
می خواند.

انقدر در نماز ایستاد که ساق پایش ورم کرد.
گاهی شبها تا صبح عبادت می کرد.

سخاوت:

خداوند افراد سخاوتمند را دوست دارد.

حضرت فاطمه خیلی سخاوتمند بودند. مثلاً شب عروسی، لباس عروسی را به
فقیری بخشیدند.

یا مثلاً روزه گرفتند شب خواستند غذا بخورند فقیر آمد. غذا را به فقیر دادند. و
فقط آب خوردند. فردا روزه گرفتند دوباره شب فقیر آمد غذا شون رو به فقیر

دادند و فقط آب خوردند. روز سوم هم روزه گرفتند. باز شب خواستند غذا بخورند فقیر آمد و غذا رو به فقیر دادند. و فقط آب خوردند. یا مثلاً پولی دستش می آمد به فقیر می داد.

معرفت:

معرفت یعنی شناخت انسان نسبت به خدا در بالاترین درجه باشد. حضرت فاطمه معرفت بالایی نسبت به خداوند داشت. خدا را با همه وجودش عبادت می کرد.

علم و دانش:

دانش هیچ زنی به دانش حضرت فاطمه نمی رسد. سخنرانی هایی که انجام داده. روایاتی که گفته. کتابهایی که نوشته. همه نشان می دهد این بانو دانش وسیعی داشته است.

حضرت خدیجه:

ایشان که همسر حضرت محمد و مادر حضرت فاطمه هستند نیز جزو بهترین ها هستند.

خیلی پاکدامن. خیلی باسزاوت. خیلی شجاع. خیلی راستگو. ایشان زن ثروتمندی بودند ولی ثروت خود را در راه خدا خرج کردند. و جان خود را در راه خدا فدا کردند. و هر که جان و مال خود را در راه خدا خرج کند، خدا او را دوست دارد.

حضرت مریم:

حضرت مریم بسیار پاکدامن و عبادت کننده بود و همیشه در حال عبادت بود. و خداوند او را از بین زنان جهان، انتخاب کرد و بدون اینکه حضرت مریم ازدواج کند، خداوند با معجزه خود، او را باردار کرد و حضرت عیسی متولد شد.

حضرت اسیه:

آسیه زن فرعون مصر بود ولی مخفیانه به حضرت موسی ایمان آورد و هنگامی که فرعون فهمید او را دستگیر و شکنجه کرد ولی آسیه دست از خداپرستی برنداشت تا اینکه بشهادت رسید.

خداوند او را هم از بین زنان جهان انتخاب کرد.

غیر از چهارده معصوم و پیامبران و زنان و مردان برگزیده، انسان های دیگری بودند که مظهر شجاعت و صبر و وفاداری و ایثار و فداکاری بودند.

مثلا در زمان خودمان شهید محمد حسین فهمیده که حضرت امام او را رهبر خود خواندند.

شجاعت یک نوجوان ایرانی

روز هشتم آبان ۱۳۵۹، حسین فهمیده نوجوان سیزده ساله ایرانی که در جبهه خرمشهر حاضر بود مشاهده کرد که پنج تانک عراقی، مغرورانه رجز می خواندند و پیش می آمدند تا رزمندگان ایرانی را محاصره کنند و بعد همه شان را به قتل برسانند.

تنها راه پیش روی حسین فهمیده، فدا کردن خودش برای نجات همزمانش بود. حسین سیزده ساله، آخرین نارنجکهای باقیمانده را به خود بست و به سمت تانکها حرکت کرد. در همین فاصله، تیری به پای حسین خورد اما او کوتاه نیامد. با همان پای زخمی، کشان کشان خودش را به اولین تانک رساند و ضامن نارنجکها را کشید.

با صدای انفجار تانک جلویی، چهار تانک دیگر، با این خیال که رزمندگان اسلام حمله کرده اند، فرار را برقرار ترجیح دادند. بقیه رزمنده ها تازه متوجه نقشه دشمن برای محاصره شان شدند. آنها با فکر اینکه نیروی کمکی آمده، جان تازه ای گرفتند و چهار تانک در حال فرار را هم نابود کردند. مدتی بعد، نیروهای کمکی به خط مقدم رسیدند و آن قسمت را، از لوث وجود متجاوزان بعثی پاک کردند.

یکی از همان روزهای سرد پاییزی، ساعت هشت صبح، رادیو برنامه های عادی اش را قطع کرد و خبر عملیات شهادت طلبانه یک دانش آموز سیزده ساله را پخش نمود. پشت آن، پیام حضرت امام را خوانند: «رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که با قلب کوچک خود - که ارزشش از صدها زبان و قلم ما

بزرگتر است - با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود
و خود نیز شربت شهادت نوشید⁶⁶»

این شهید الگوی خوبی برای نوجوان ما می تواند باشد.

همچنین شهید سردار قاسم سلیمانی الگوی بسیار عالی است. اینها فرزندان مارابه
بهشت می کشانند و رستگار می نمایند.

دیگر شهدا هم الگوهای خیلی عالی هستند

رعایت حرمت والدین

شهید حمیدرضا غفوریان، فردی باهوش و مودب بود. برای افراد پیر و ناتوان
احترام خاصی قائل بود و در حد توانش به آنان کمک می کرد و در احترام به
والدینش اسوه بود، به گونه ای که مادرش نقل می کند: «اگر پایین تر از او
می نشستیم بلند می شد و می رفت جایی که پایین تر از ما باشد بنشیند، هر وقت که
۶۷. «از من خداحافظی می کرد دست به سینه عقب می رفت و بعد برمی گشت

حضرت سجاد زین العابدین علیه السلام فرمود: «حق فرزندت به تو
این است که بدانی...، موظفی فرزندت را با آداب و اخلاق پسندیده
پرورش دهی...» [۶۸]

ولی...

ولی متأسفانه چه در خانواده ها چه در مدارس و چه در رسانه ها معرفی الگوهای
شایسته کم رنگ است! لذا می بینیم طیف زیادی از نوجوانان دنبال فلان هنرپیشه
سینما که ادم مبتدلی است ادم غیراخلاقی و غیر سالمی است ولی نوجوانان او را
الگوی خود قرار داده و عکس او را می پرستند! درحالی که او آنها را به جهنم می
کشاند نه به بهشت!

۶۸. مکارم الاخلاق، شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی ج ۲، ص ۳۴۵

اصل پانزدهم: نقش معلم خوب در تربیت نوجوانان

معلمین بعد از والدین، مهم ترین تاثیر را روی فرزندان ما دارند.

معلمینی که به نقش خویش واقفند و متوجه هستند که نوجوانان ما در نزد آنها به امانت گذارده شده اند می توانند تاثیرات عالی بگذارند و گاهی تحول بسیار مثبت در نوجوانان ایجاد کنند.

رابطه ای که دانش آموز با معلم دارد رابطه ای باطنی و معنوی است. هر دانش آموز در محیط خانواده رفتارهایی آموخته و شخصیت او تا حدودی شکل گرفته است اما هنوز شکل ثابتی ندارد و انعطاف پذیر و قابل تغییر می باشد. دانش آموز پس از خانواده وارد اجتماع جدید مدرسه می شود. او در این اجتماع رفتار و عادات خود را مورد بازنگری قرار داده و شخصیت خود را تکمیل و تثبیت خواهد کرد.

بانهوذترین فردی که در این مرحله می تواند به او کمک کند معلم است. دانش آموز معلم را الگوی خود قرار می دهد و از رفتار و اخلاق معلم سرمشق می گیرد.

دانش آموز تمامی اعمال و رفتار معلم را زیر نظر داشته و از آن ها الگو برداری خواهد کرد. رفتار معلمان با یکدیگر، رفتار آن ها با مدیر مدرسه، با سرایدار و دانش آموزان بر تربیت تک تک دانش آموزان تاثیر گذار خواهد بود. دانش آموز از تمامی رفتارهای معلم از جمله نحوه ی اداره ی کلاس، اخلاق و رفتار معلم، وقت شناسی، رعایت عدالت، رعایت نظم، مهربانی، خوشرویی، ادب، خیرخواهی و... درس می گیرد.

یک معلم خوب با روش هایی همچون مهربانی، احترام به شخصیت دانش آموز، انجام بازی ها، به کارگیری روش های غیر مستقیم نظیر برنامه های هنری و قصه گویی، پرهیز از سرزنش دانش آموز در مقابل دیگران، دروغ نگفتن، اجتناب از

سخنان زشت و حفظ آراستگی ظاهری دانش آموزان را با تعالیم اسلامی و انسانی
. آشنا کرده و نقشی مهم در تربیت صحیح آنان خواهد داشت

معلم می تواند با یک برخورد مناسب، نوجوان را از کار نامناسب بازدارد

در اینجا به دو نمونه از تاثیر معلم در هدایت شاگردان اشاره میشود:

خدا و مراقب جلسه امتحان

فاطمه آذرخش، دانشجو: یک بار در دوره پیش دانشگاهی، امتحان میان ترم «
زیست شناسی داشتیم. همه آماده امتحان بودیم. برخی بچه ها هم طبق معمول در
فکر تقلب و رونویسی بودند و زمینه های این کار زشت را بررسی می کردند. معلم
مربوطه در حالی که برگه های امتحان را در دست داشت وارد کلاس شد و شروع
به پخش آنها نمود. سپس پای تابلو رفت و این آیه را در آن نوشت: *الم یعلم بانّ الله
یری*، آن گاه رو به ما کرد و گفت: نماینده کلاس بعد از اتمام امتحان، برگه ها را
به دفتر بیاورد. سپس کلاس را ترک کرد و با کمال تعجب، ما را با این آیه
تکان دهنده تنها گذاشت.

او با این آیه تلنگری به وجدان بچه‌ها زد که هیچ کس جرأت نکردتقلب کند، با این که هیچ مراقبی در سر جلسه امتحان نبود!» {گلستان قرآن ش 138 ص 39}

مسخره گی جواب مسخره گی

زمانی که در دبیرستان بودم اردویی به همدان داشتیم. تعداد بچه‌های محجبه «خیلی کم بود و بر عکس، بیشتر بچه‌ها بد حجاب و بی قید بودند از این رو تعداد اقلیت (با حجاب‌ها) همواره از سوی اکثریت (بد حجاب‌ها) مورد اذیت و ازار و تمسخر قرار می گرفتند و عذاب زیادی می کشیدند. در واقع اقلیت مایه خنده و تفریح اکثریت شده بود. یکی از آنان که بیشتر از همه می خندید و مسخره می کرد، یک روز معلم دینی ما او را به گوشه‌ای برد و چیزی در گوشش گفت! بعدها وقتی آن دختر را دیدم 80 درجه عوض شده بود و پس از مدتی یکی از صمیمی ترین دوستان ما شد. وقتی از او پرسیدم که معلم دینی در گوش او چه گفت، پاسخ داد: او مرا به گوشه‌ای برد و به من گفت که سوره مطففین به ویژه آیات آخر آن را بخوانم. وقتی مراجعه کردم و این آیات را خواندم لرزه بر اندامم افتاد: اِنَّ الَّذِینَ اَجْرُمُوْا کَانَوْا مِنَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یُضْحَکُوْنَ، وَاِذَا مَرُّوْا بِهِمْ یَتَغَامَزُوْنَ... وَاِذْ رَاُوْهُمْ قَالُوْا اِنَّ هٰؤُلَاءِ لَضٰلُّوْنَ... فَاَلِیَوْمِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنَ الْکُفَّارِ یُضْحَکُوْنَ: (همانا

بدکاران بر اهل ایمان می خندیدند و چون از کنار آنان بگذرند به چشم طعن
واستهزاء به آنان بنگرند... و چون مؤمنان را ببینند گویند که اینان مردمی گمراه
هستند... پس امروز (روز قیامت) این اهل ایمان هستند که به کافران می خندند!»
{ } گلستان قرآن ش 138 ص 40

اصل شانزدهم: محل سکونت خانواده در تربیت تاثیر گزار است!

یقیناً اگر خانواده در شهر و محله ای که فرهنگ بالایی دارند ساکن باشند تاثیر بهتری در تربیت نوجوانان خود خواهند داشت.

امام علی علیه السلام درباره تأثیر محیط و جامعه را در تربیت فرزندان، به ویژه نوجوانان، گوشزد می کند و می فرماید: «**واسکن الأمصار العظام فأنها جماع المسلمین، واحذر منازل الغفلة و الجفاء و قلّة الأعوان علی طاعة الله**؛ در شهرهای بزرگی که مرکز اجتماع مسلمانان است، مسکن گزین و از محیط و جوامعی که اهل غفلت و ستمکاری در آنجا هستند و یاران مطیع خدا کمتر در آن نواحی یافت می شوند، پرهیز.»⁶

لذا تا انجایی که راه دارد و در توان والدین است سعی کنند در شهرها و محله های خوب ساکن باشند. در جایی که مردمان مومنی دارد. مردمانی که به مسائل اسلام مقیدند. نه جایی که سگ بازها، عرق خورها، قماربازها، بد حجاب ها و جوانان اراذل و اوباش زیاد دارد!

ما که سالها در شهرهای مختلف بوده ایم تاثیر خوب یا بد شهرها را در تربیت فرزندانمان مشاهده کرده ایم.

در یکی از شهرها در خانه مسجد ساکن بودیم روبروی خانه مسجد، خانمی بد حجاب که بیوه بود زندگی می کرد. پسری داشت که با زیرپوش رکابی تو کوچه می آمد. منزل این خانم محل تردد مردهای مختلف بود. ما این وضعیت را

تحميل نکردیم و از طریق دادگاه وارد شدیم و دادگاه خانم را مجبور کرد انجارا بفروشد و به جای دیگری برود.

در جای دیگری بودیم وقتی عروسی داشتند تا چند روز سازو آواز و اشعار مبتدل و... و رعایت همسایگی را نمی کردند ماهم ساکت نمی نشستیم و از طریق نیروی انتظامی نمی گذاشتیم سازو آوازشان ادامه پیدا کند!

البته هر روز که میگذرد نفوذ فرهنگ غرب در مردم بیشتر میشود. شخصی می گفت با خانمم پارک رفته بودم دیدم هر کدام از زوجها یه توله سگ به همراه دارند! فقط ما نداشتیم! اونم در شهر اسلامی!

باید خانه انسان به مسجد نزدیک باشد. به محل نماز جمعه نزدیک باشد. به محل هایی که در آنجا مرتب مراسمات مذهبی برگزار میشود دسترسی داشته باشند.

بعضی ها در روستا ساکن می شوند و سال تا سال، از نماز جماعت و مراسمات دینی و سخنرانی و امثال آن خود و خانواده شان محروم می مانند. اگر ممکن باشد محل سکونت خود را تغییر دهند و نگذارند فرزندانشان از معنویات محروم شوند.

نقش پدر در تربیت نوجوان

پدری که استاد بود [۲]

بخشی از خاطرات دوران جوانی و مبارزات امام خامنه ای به نقل از کتاب □ *

«خون دلی که لعل شد

به مناسبت سالگرد درگذشت آیت الله سید جواد حسینی خامنه ای □ ▪

پدر ما را عادت داده بود که هیچ فرصتی را از دست ندهیم و هیچ روزی را □ □

بدون بهره گیری از درس و مباحثه نگذرانیم. ایشان از فرصت تعطیلی درس حوزه

در ایّام ماه محرم و همچنین ماه های تابستان هم بهره می گرفت. در هفت روز اوّل

ماه محرم به من درس می گفت و سه روز بعد از آن را به مجالس روضه ای امام

حسین (علیه السلام) می رفت.

چیزی را به نام «تعطیلی تابستانی» قبول نداشت و می گفت: ما در نجف [?] علی رغم هوای طاقت فرسا و گرمای سخت، درس مان را ادامه می دادیم؛ بنابراین! تابستان ها در مشهد چرا باید درس و تحصیل تعطیل شود؟

مطوّل* را در ماه های تعطیل تابستان خواندم. شیخ فشارکی در تابستان از قم به [?] مشهد می آمد و دو ماه می ماند. من او را قبلاً دورادور می شناختم، چون پیشتر در مشهد ادبیات عرب را تدریس می کرد و بعد هم که به قم می رفت، به تدریس همین دروس در قم می پرداخت. از او خواستم در مشهد به من مطوّل درس بدهد، که پاسخ مثبت داد و من ساعت هایی طولانی از روز را به درس خواندن در نزد او می پرداختم. لذا بیان و مقداری از معانی و بدیع مطوّل را در خلال دو تابستان - یعنی ظرف چهار ماه - به پایان رساندم

شیخ فشارکی بعداً فهمید که من مکاسب هم می خوانم و لذا از پیشرفت سریع [?] من در فقه شگفت زده شد. او خود، این کتاب را در قم تدریس می کرد

پدرم بر درس خواندن ما به طور مستمر نظارت می کرد. ما را گاه با تشویق و [?] گاه با تندی، به آن ترغیب می کرد. من همیشه تسلیم روش پدر و مجری خواست او بودم. هرگاه در مورد درسی که می خواندم، اظهار نظر می کردم، پدرم خیلی خوشحال می شد و به من که چهارده پانزده ساله بودم، می گفت: تو مجتهدی و قدرت استنباط داری.

با برادرم مباحثه می کردم. پس از مباحثه، پدرم ما را به اتاق خود می خواند، از [?] ما پرسش می کرد و آنچه را نتوانسته بودیم بفهمیم، برایمان توضیح می داد.

خانه‌ی ما سه اتاق داشت. دو اتاق از آن پدر بود: یک اتاق نسبتاً بزرگ برای [?] میهمان‌ها، و یک اتاق هم برای مطالعه و غذا خوردن و استراحت؛ شبیه حجره‌ی طلباب. ما هم همگی یک اتاق داشتیم: چهار برادر و چهار خواهر، با مادر! در مواردی که مادر میهمان یا روضه داشت، ناگزیر بودیم بیرون خانه بمانیم! در اتاق مخصوص پدر، میزی به درازا و پهنای ۸۰ در ۴۰ بود. پدر در سمت طول میز چهارزانو می نشست، ما هم هر دو کنار یکدیگر در یک سمت عرض آن

می‌نشستیم. به خاطر هیبت و جدّیت پدر در اثنای درس و مذاکره، من و برادرم بر
سر اینکه کدام دورتر از پدر بنشینیم، با هم کشمکش داشتیم

بی‌شک این تندی و خشم پدر هرچند جنبه‌های منفی داشت، اما منکر جنبه‌های [?] مثبت آن نمی‌توانم بشوم؛ زیرا این سخت‌گیری ما را منضبط بار آورد و از انحرافات که برای برخی فرزندان روحانیون به علّت عدم توجّه به آنها پیش می‌آمد، به دور داشت. یکی دیگر از اثرات آن نیز این بود که من توانستم ادبیات... عرب و دوره‌ی سطح فقه و اصول را در پنج سال و نیم به پایان برسانم

مطول: این کتاب شرحی است در زمینه علوم زبان عربی * [?]

مکاسب: از مهمترین کتابهای فقهی شیعه در باب معاملات ** [?]

: نحوه تذکر دادن به نوجوانان

اقا امام حسن و امام حسین در نوجوانی توی وضو خونه بودن

دیدن که یک پیرمردی وضو گرفت اشتباه وضو گرفت

آیا بهش توپیدن؟ باهاش دعوا کردن؟ که این چه طرز وضو گرفتته؟ نه

اومدن گفتن آقای شیخ شما بیا بین من و داداشم وضو میگیریم بین کدوممون

وضومون درسته و کدوممون وضومون باطله؟

خلاصه امام حسن و امام حسین هر دو درست وضو گرفتن اون متوجه شد گفت
آقا شما آقا زاده ها وضو تون درست من وضوم اشتباهه

ببینید این نحوه تذکر دادن مثلاً اگه دیدیم یه نوجوانی موقع خواندن دعای کمیل
خوندن بلند بلند حرف میزنه میشه بگیریم پرتش کنیم اونور و هی تو سرش بزنین
و بهش فحش بدیم و باهاش دعوا کنیم؟

خیلی آرام بگیریم آقا پسر سر و صدا نکن میخواییم دعا گوش بدیم با الفت و نرمی
انس بن مالک میگه که من به اصطلاح ۱۰ سال منزل پیامبر خدمتکار بودم

ایشون وقتی که پیامبر اومد مدینه خیلی ها اومدن برای پیامبر هدیه آوردن و مادر
انس عرض کرد یا پیامبر من چیزی ندارم به شما هدیه بدم پسر رو میکنم خادم
شما و این انس بن مالک افتخار پیدا کرد ۱۰ سال منزل پیامبر خادمی کرد

میگه توی این ۱۰ سال پیامبر به من نگفت چرا این کار رو کردی یا چرا این کار
رو نکردی با اینکه اشتباهات زیادی داشته حتماً اشتباهات زیادی داشته ولی

میگفت حتی یک با پیامبر روزه بودن و من برای افطار ایشون شیر آماده کردم
پیامبر دیر اومد و خیال کردم پیامبر جای مهمانه و شیر پیامبر رو خوردم آخر شب
پیامبر اومد و من از اطرافیان پرسیدم آیا پیامبر افطار کرده؟ بهم گفتن نه پیامبر

هنوز افطار نکرده گفتم ای داد بیداد اگه الان پیامبر بگه افطارم رو بیار من چی بگم؟ گفت آقا انگار پیامبر فهمیده بود و هیچی نگفت و پیامبر با آب افطار کرد . و هیچ وقت نگفت فلانی چرا افطار منو خوردی یا مثلا نیاوری

اینا برای ما درسه که ما همیشه افرادمون با زیر دست هامون با بچه هامون با کارگرامون مثلا یکی رئیس کارخونه ای هست یا مغازه ای داره چندتا کارگر کار میکنن توش با احترام برخورد کنن باشون

چون من دیدم از این صاحب مغازه ها فحش میدن به کارگراشون مثلا یه اشتباهی انجام بده اینقدر مورد ناسزار و حتی کتک کاری هم قرار میدن. رضا خان اینجوری بود رضا خان تو مجلس هیئت دولت بلند میشد وزرا رو کتک میزد بهشون فحش میداد یه فحش هایی این رضا خان میداد به وزرا مثلا فلانی ارتشی بود بلند میشد کتکش میزد و درجش هم از روی شونش میکنید اینقدر ازاین میرسیدن که وقتی که رفت همدان اونجا رئیس پست اومد گزارش بده چشمش به رضا خان افتاد غش کرد. عمر هم همینجوری بود عمر هم خیلی ازش میرسیدن مثلا گاهی زن حامله صداش رو میشنید بچه سقط میکرد

خیلی خشن بود ولی برعکس پیامبر اینجور نبود

پیامبر داشت با یکی حرف میزد طرف استرس گرفته بود پیامبر فرمود من که پادشاه نیستم چرا دچار استرس شدی؟

باید مخصوصا با بچه ها یه بد برخوردی انجام بدی مثلا میگن فلانی توی مسجد امیرالمومنین آدم بداخلاقیه این با ما تند برخورد کرد

همه باید با بچه ها با خوش اخلاقی اگر اشتباهی دارن با نرمی و لطافت و ... انسان بتواند اینها رو جذب کنه

بوده افرادی اومدن توی مسجد اینجا نه مثلا مشهد کسی بوده محاسن رو تراشیده لباسش نا مناسب بوده دوتا از این خشک مقدس ها بهش تذکر دادن دیگه مسجد نرفتم خودش میگه ها میگه اونا با تندی با من برخورد کردن دیگه من مسجد نرفتم

خب گناه اینکه دیگه مسجد نره به عهده کیه؟ همین دونفری که با تندی با این برخورد کردن

ولی مقام معظم رهبری امام جماعت بود صف اول نماز یه نفر با لباس های عجیب و غریب و حضرت آقا خیلی با محبت برخورد میکنه

آقا داشتن میرفتن کوه با محافظ ها تهران میرن کوه ایشون یه دفعه دیدن یه دختر
و پسر دست هم رو گرفتن و دیدن مقابلشون حضرت اقا با محافظ ها شون اقا
خیلی با محبت فرمود خب شما زن و شوهرید؟ گفتن نه ما دوست دختر و دوس
پسریم آقا فرمود خب خوبه شما باهم ازدواج کنید شما فردا بیاین دفتر من خودم
عقد شما رو میخونم نمیتونست بگه اقا اینا رو ببرید بنده ازیند توی هلفدونی؟
ولی گفت اینا فردا با پدر و مادرهایشون رفتن دفتر اقا و اقا عقدشون رو خونده
راجع به این اغتشاشگر ها فرمود اینها دو دسته هستن یه دسته بلاخره تحت تاثیر
احساسات بودن و اینا با یه تذکری و تعهدی از خانواده ... اینا رو آزاد کنید
دسته دوم لیدر ها هستن رهبر هاشون و منافقین و کوموله هستن و ... که طبق
قانون عمل کنید بنابراین وقتی میگه وما أرسلناک إلا رحمۃ للعالمین ای پیامبر ما
تو را رحمت قرار دادیم برای عالمی که ... معنایش اینه که به اسلام میگه با همه
.خانواده و بچه ها مخصوصا اکرموا اولادکم اکرام کنید بچه هاتون رو

مهربانی با کودکان



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

دوران کودکی دوران بسیار حساسی برای هر انسانی است که چنانچه به توصیه های تربیتی در این دوره عمل شود این کودک در آینده می تواند استعداد های خود را درخشان کند و به درجات بالای مادی و معنوی برسد.

از مهمترین توصیه های تربیتی نسبت به کودکان، محبت و مهربانی با کودکان است چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «همان گونه که کودک به غذا و آب و هوا نیاز دارد، به محبت و نوازش نیز نیازمند است، زیرا محبت بهترین غذای روحی کودک می باشد، از این جهت کودک از تبسم، بوییدن و در آغوش گرفتن خشنود می شود و لذت می برد....»

در این کتاب به سیره نبوی در مورد مهربانی با کودکان اشاره شده است.

زمستان 1401- کرمانشاه

مهربانی با کودکان سفارش رسول خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند.^{۶۹}

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.^{۷۰}

میزان الحکمه 4/3669⁶⁹

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.⁽²⁾

گفتن، آنها را تحقیر کردن و .. در اسلام ممنوع است .

روزی پیامبر خدا با یارانش سخن می گفت، کودکی وارد شد و رفت در گوشه ای از مسجد به پدرش رسید .

پدر ، دست به سرش کشید و وی را بر زانوی راست خود نشاند . اندکی که گذشت دختر او آمد و رفت تا این که به او رسید . او به سر وی نیز دست کشید ؛ اما وی را روی زمین نشاند

. پیامبر خدا فرمود : «چرا او را بر زانوی دیگری نشاندی؟» . او ، وی را بر زانوی دیگرش نشاند . «پیامبر خدا فرمود : «هم اکنون ، عدالت ورزیدی

. همیشه بین فرزندان خود عدالت را رعایت کنید

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : کودکان را دوست بدارید و آنان را مودر لطف و مهر و محبت قرار دهید و هرگاه با آنها وعده دادید وفا کنید چون آنها شما را روزی دهنده می دانند . (محبه البیضاء 3/433)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هنگامی که پدر به فرزند نگاه کند و او را خوشحال کند مثل اینست که بنده ای را آزاد کرده است سؤال شد حتی اگر ۳۶۰ بار نگاه کند؟ فرمود: الله اکبر . «کنایه از اینکه بله، خدا بزرگتر از اینهاست .» (بحار 74/80)

امام صادق علیه السلام فرمود : فرزندان خود را احترام کنید و آنها را خوب تربیت کنید تا خداوند شما را بپامرزد (بحار 104/95)

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی رحمه الله رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد . امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»⁽¹⁾

آثار شوم بی عدالتی و تحقیر دختران ::::»خانمی می نویسد:یکی از بستگان ما، دو دختر داشت، یکی باهوش و دیگری کم هوش.

هر دو به دبستان می رفتند. دختر بزرگ که کم هوش بود، غالباً نمره های بدمی آورد، اما دختر کوچکتر نمره های خوب. مادر آنها پیش هر کس می نشست، از دختر کوچک تعریف می کرد و از دختر بزرگ بدگویی.

دختر کوچک را نوازش می کرد و آفرین می گفت و به دختر بزرگ می گفت: خاک بر سرت، دختر گنده بی عرضه! پولها را حرام می کنی و چیزی یاد نمی گیری. حیف از این غذاها که می خوری و لباسها که می پوشی. بدبخت تنبل! آخر تو چه خواهی شد!

دختر بزرگ، اکنون شوهر کرده و مادر چند فرزند است، اما یک زن طبیعی و سالم نیست، احساس حقارت دارد، ساکت و منزوی است. در مهمانیها گوشه ای می نشیند و حرف نمی زند. وقتی به او می گوئیم: تو هم چیزی بگو، آهی می کشد و می گوید: چه بگویم؟

قبلاً چند مرتبه او را پیش دکتر برده اند. پزشک پس از معاینه و گفتگو به آنها گفت: این دختر خانم مریض نیست، بلکه پدر و مادرش مریض هستند که این دختر بی گناه را به چنین روزی انداخته اند.

یک روز دکتر از او پرسید:

آیا می‌توانی غذا درست کنی؟ دختر شروع به گریه کرد و گفت: می‌توانم، اما هر وقت غذایی درست می‌کنم، پدر و مادرم به آن اعتنایی نکنند و می‌گویند: ما شاء الله به خواهرش، او خوب می‌تواند غذا درست کند...! «الگوهای تربیت ص 157»

دختر جوانی در خاطراتش می‌نویسد: به یاد دارم که در دوران کودکی، یک روز مهمان داشتیم. من در اثر لجبازی کتک جانانه‌ای پیش مهمانها خوردم، از مهمانها خجالت کشیدم و بنا کردم به جیغ کشیدن و فریاد زدن.

مادرم مرتب می‌گفت: خفه شو! عیب است که صدای دختر دریابید، دختر ننگ است، می‌آیم خفه ایت می‌کنم. او هیچ فکر نمی‌کرد که علت لجبازی و جیغ زدن من چیست. می‌خواست با این گونه حرفها که مرا بیشتر ناراحت می‌کرد، مرا ساکت نماید، ولی من بیشتر جیغ می‌زدم.

در این موقع، مادرم به عقیده خودش، بهترین تصمیم را گرفت: لباس عروسکهایم را که خودم دوخته بودم و از جان بیشتر دوست می‌داشتم، آورد و پیش چشم من، آنها را آتش زد! گویا تمام امید من قطع شد، به شعله آتش نگاه می‌کردم و اشک می‌ریختم.

این حادثه، عقده‌ای برای من به وجود آورد، که هنوز نتوانسته‌ام آن را فراموش کنم و مرا رنج می‌دهد و گاه به مادرم می‌گویم. «الگوهای تربیت ص 223»

حضرت فرمود: اکر موالادکم

فرزندان خود را احترام کنید.

در تربیت فرزندان هیچ کدام از معصومین علیهم السلام ذکر نشده که مورد تنبیه و اذیت قرار گرفته باشد. اهل بیت کمال احترام فرزندان خود را داشتند. پیامبر چقدر فاطمه و دختران دیگرش را اکرام می کرد. امام رضا علیه السلام فرزند خود جواد لائمه را روی پاهای خود می نشاند و می فرمود پدرم بفدایت. حتی امام هادی که می دانست فرزندش جعفر، منحرف خواهد شد هیچگاه او را تنبیه ننمود.

مرا نیز به هشت گردو معامله کردند

روزی پیامبر، به همراه بلال، از کوچه ای می گذشتند. بچه ها مشغول بازی بودند. بچه ها تا پیامبر را دیدند، دور او حلقه زدند و دامنش را گرفتند و گفتند: همان طور که حسن و حسین را بر شانه تان سوار می کنید، ما را هم بر شانه خود سوار کنید.

بچه ها هر یک گوشه ای از دامن پیامبر را گرفته بودند و با شور و اشتیاق، همین جمله را تکرار می کردند. پیامبر با دیدن این همه شور و شوق، به بلال فرمودند: «ای بلال! به منزل برو و هر چه پیدا کردی، بیاور تا خود را از این بچه ها بخرم».

بلال، با عجله رفت و با هشت گردو برگشت. پیامبر، هشت گردو را بین بچه ها تقسیم کردند و بدین ترتیب، خود را از دست بچه ها رها کردند و به همراه بلال، به راهشان ادامه دادند. در راه، پیامبر، رو به بلال کردند و به مزاح گفتند: «خدا برادرم، یوسف صدیق را رحمت کند. او را به مقداری پول بی⁷¹ ارزش فروختند و مرا نیز به هشت گردو معامله کردند».

در روایت است که بردگانی از بحرین به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، در مقابل او صف کشیده بودند. پیامبر در میانشان زنی را دید که می گریست. فرمود: چرا گریه می کنی؟ گفت: پسری داشتم که به بنی عبس فروختند. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: چه کسی او را فروخته؟ زن گفت:

71 . وقایع الأيام، ج 3 ص 69

ابو اُسَید انصاری. پیامبر صلی الله علیه و آله به خشم آمده، [به ابو اُسَید انصاری] گفت: سواره می روی و چنانکه او را فروختی، باز می گردانی! ابو اُسَید به مرکب سوار شد و او را باز آورد^{۷۲}

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که میان مادر و فرزند جدایی اندازد، خدای تعالی در بهشت او را . از دوستانش جدا کند^{۷۳}

کودک در لباس حضرت ادرار کرد

در تاریخ زندگانی و احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که : بسیار می شد که نوزادی را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آورند تا او نامگذاری کند و یا برایش دعا بفرماید، حضرت برای احترام به خانواده طفل ، نوزاد را در دامن خود می نهاد، بسا می شد که بچه در دامن حضرت ادرار می کرد و لباس حضرت را آلوده می نمود، برخی از کسانی آنجا فریاد برمی آوردند، (اعتراض می کردند)

حضرت فرمود: ادرار بچه را قطع نکنید (او را نترسانید) و می گذاشت بچه ادرارش را تمام کند، سپس با روی باز دعا می کرد یا نامگذاری می نمود و نمی گذارد خانواده طفل ناراحت شوند، وقتی آنها می رفتند، لباس خویش را می شست.^{۷۴}

اولین وظیفه پدر محبت کردن به فرزندان می باشد. که در راس همه وظایف پدران می باشد.

⁷² مستدرک الوسائل: 13/374، باب 10، حدیث 15639

⁷³ . مستدرک الوسائل: 13/375، باب 10، حدیث 15642

⁷⁴ بحار ج 16 ص 240.

كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُءُوسِ وَلَدِهِ وَوَلَدِ وَلَدِهِ» (عدۀ الداعی، ص 89) «

پیغمبر ما صبح به صبح دست روی سر بچه‌اش می کشید و دست روی سر نوه هایش

می کشید

پیامبر گرامی اسلام (ص) دختران را حتی در دادن هدایا بر پسران مقدم دانسته و می فرمایند: هر کسی به بازار رود و تحفه ای بخرد و آن را برای خانواده اش ببرد همانند حمل کننده صدقه به سوی نیازمندان است و باید دختران را در دادن هدایا بر پسران مقدم بدارد، زیرا هر کس دخترش را خوشحال کند مانند آن است که برده ای از نسل حضرت اسماعیل را آزاد ساخته است.^{۷۵}

همچنین آن حضرت فرمود

میان اولاد خود در دادن هدیه به مساوات عمل کنید و اگر خواستی کسی را بیشتر هدیه دهی به دختران بیشتر بده^{۷۶}

رسول حق (ص) فرمود:

خداوند به دختر مهربان تر از پسر است، کسی که باعث خوشحالی دخترش شود، خداوند روز قیامت او را خوشحال می کند

حضرت چرا از این حرف اقرع خشمگین شد

روزی رسول خدا (ص) حسن و حسین (ع) را می بوسید. شخصی به نام اقرع بن حابس گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک را از آن ها را نبوسیده ام. آن حضرت فرمود: هر کس رحم نکند بر او رحم نمی شود. برپایه روایتی آن حضرت به قدری از این گفتار وی خشمگین شد که چهره اش

^{۷۵} (الامالی، صدوق، ص ۵۷۷)

^{۷۶} خلاف، طوسی، ج ۳، ص ۵۶۴

اگر خدا عاطفه را از دلت کنده است با تو چه کنم؟ هر کس بر :برافروخت و به او فرمود
خردسالان ما مهر نورزد و بزرگان ما را احترام نکند از ما نیست^{۷۷}

«وَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُؤُسِ وُلْدِهِ»

روش رسول اکرم (ص) در خانواده این بود که همه روزه صبح دست محبت به سر فرزندان خود می کشید^{۷۸}

امام صادق (ع) می فرماید:

مردی که نسبت به فرزندان خود محبت بسیار دارد مشمول رحمت و عنایت
مخصوص خداوند بزرگ

است.^{۷۹}

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:

فرزندان خود را بسیار ببوسید زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه ای است^{۸۰}

امام کاظم علیه السلام پسرش را می بوسید

^{۷۷} (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۳-۲۸۲)

^{۷۸} . (محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۲۳، ص ۱۱۴)

^{۷۹} . (الحديث، روایات تربیتی از مکاتب اهل بیت (ع)، ص ۵۹)

۷۹

محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۲۳، ص ۱۱۳

مفضل بن عمر گوید: دخلت علی ابی الحسن موسی بن جعفر - علیه السلام - و علی ابنه فی حجره و هو یقبله و یمص لسانه و یضعه علی عاتقه و یضمه الیه و یقول بأبی أنت ما أظیب ریحک و أظهر خلکک و أبین فضلک^{۸۱}

بر امام موسی کاظم (علیه السلام) وارد شدم. دیدم که آن حضرت فرزند خود علی (بن موسی الرضا) را در دامن خود نشانده و او را می بوسد و زبانش را می مکد. و گاه برشانه اش می گذارد و گاه او را در آغوش می گیرد و می گوید: پدرم فدای تو باد! چه بوی خوشی داری و چه اخلاق پاکیزه ای و چه روشن و آشکار است فضل و دانشت

علاقه امام رضا علیه السلام به پسرش امام جواد علیه السلام

یحیی صنعانی روایت می کند

در مکه نزد امام رضا علیه السلام رفتم. امام داشت برای فرزندش، امام جواد علیه السلام، موز پوست می کند و در دهانش می گذاشت

«به او عرض کردم: فدایت شوم، آیا این فرزند همان مولود مبارک است؟»

امام رضا علیه السلام پاسخ داد: «آری یحیی، این همان مولودی است که پربرکت تر از او برای شیعیان ما به دنیا نیامده است»

خوراندن حلوا بعد از نماز

از امام حسن یا جابر بن عبدالله نقل شده که: صلیت مع رسول الله الظهر او العصر فلما سلم قال لنا علی اماکنکم، قال جره فیها حلوی فجعل یأتی علی رجل رجل فیلعقه لعقه حتی اتی علی - و انا غلام -

وسائل الشیعه، ج 18، ص 557.^{۸۱}

فألعقني لعقه ثم قال: ازیدک؟ قلت نعم فألعقني اخري لصغري فلم يزل كذلك حتى أتى علي آخر

القوم^{۸۲}

یعنی: نماز ظهر یا عصر را در محضر رسول الله خواندم، همین که آن حضرت سلام دادند به ما

فرمودند: بر جایتان بمانید و فرمود: کوزه ای است با مقداری حلوا. آنگاه برای تقسیم آن در میان

نمازگزاران از جا برخاست و به هر کدام انگشتی حلوا می خوراند تا اینکه به من رسید من کودک

بودم آن حضرت انگشتی حلوا بمن خوراند سپس فرمود: باز هم بدهم؟ عرض کردم آری آن

حضرت انگشتی دیگر به خاطر خردسال بودنم به من خورانید و بدین حال بودند تا آن گاه که به

همگان حلوا دادند.

محبت به اسامه پسر زید

اسامه بن زید گوید: کان نبی الله (صلی الله علیه و آله و سلم) لیأخذنی و یقعدنی علی فخذہ و یقعد

الحسن علی الأخری ثم یضمنا ثم یقول اللهم ارحمهما فانی ارحمهما^{۸۳}

گاه می شد که رسول خدا مرا بر یک زانوی خود می نشانید و بر دیگری امام حسن را و هر دوی ما را

در آغوش می کشید، سپس می فرمود: خدایا به این دو رحم کن، که من هر دو را دوست دارم

مرحوم طبرسی گوید: و کان رسول الله یؤتی بالصبی الصغر لیدعو له بالبرکه او یسمیه فیأخذہ فیضمه

فی حجره تکرمه لأهله فریما بال الصبی علیه فیصیح بعض من رآه حین یقول فیقول: لاتررموا بالصبی

فیدعه حتی یقضی بوله، ثم یفرع له من دعائه او تسميته و یبلغ سرورا أهله فیه ولا یرون انه تاذی بیول

کتاب العیال، ج، ص 4031^{۸۲}

همان ص 398^{۸۳}

صبيهم فاذا انصرفوا غسل ثوبه بعده^{۸۴}

گاهی نوزادی را خدمت پیامبر می آوردند تا آن حضرت برای تکریم پدر و مادر، کودک را در آغوش می گرفت، و بسا می شد کودک در همان حال ادرار کند برخی از کسانی که شاهد ماجرا بودند بر سر کودک فریاد می کشیدند اما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود! ادرارش را قطع مکنید و کودک را به حال خود می گذاشت تا ادرارش تمام شود سپس برایش دعا می کرد یا نامی برای او انتخاب می نمود و بدین ترتیب باعث سرور و شادی پدر و مادر طفل می گشت. و آنها احساس نمی کردند که پیامبر از ادرار فرزندشان ناراحت شده باشد و آن گاه آنجا را ترک می کردند

پیامبر پیراهن خود را می شست

محبت به فرزندان

فیض کاشانی می نویسد: از خلیقات پیامبر اسلام چنین بود که وقتی از سفر مراجعت می کرد و در گذرگاه با کودکان مردم روبرو می شد به احترام آنها می ایستاد سپس امر می فرمود کودکان را می آورند و از زمین برمی داشتند و به آن حضرت می دادند رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بعضی را در آغوش می گرفت و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار می کرد و به یاران خویش می فرمود: کودکان را در آغوش بگیرید و بر دوش خود بنشانید

اطفال از این صحنه مسرت آمیز بی اندازه خوشحال می شدند و از شادی و نشاط در پوست نمی گنجیدند

این خاطرات شیرین را هرگز از یاد نمی بردند. چه بسا پس از مدتی دور هم جمع می شدند و ماجرا را برای یکدیگر بازگو می کردند و در مقام افتخار و مباهات یکی می گفت: پیامبر مرا در بغل گرفت

و تو را بر پشت خود سوار کرد

دیگری می گفت: پیامبر به یاران خود امر کرد تو را بر پشت او بگذارند^{۸۵}

برخورد پدرانه با فرزند رفاعه:

در تفسیر کشف الأسرار میبیدی آمده که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همراه عده ای از اصحاب از کوچه های مدینه عبور می کردند، در یکی از کوچه ها چند کودک مشغول بازی بودند و در کنار آنها کودکی خود را روی زمین می کشید و گریه می کرد

حضرت متوجه آن کودک شده و پهلوی او روی زمین نشستند، سپس آن طفل را از زمین بلند کرده و علت گریه او را جویا شدند، کودک گفت: من پسر رفاعه انصاری هستم پدرم در جنگ احد کشته شد. خواهری داشتم که ازدواج کرد و مادرم نیز شوهر کرد و مرا از خود راند، اکنون من بی کس و تنها مانده ام، بچه ها مرا سرزنش می کنند و به بازی نمی گیرند

حضرت بسیار ناراحت شده و اشک از چشمانش جاری گردید و بعد او را روی زانوی خود نشانید و فرمود ناراحت مباش، من از امروز پدر تو و دخترم فاطمه (سلام الله علیها) خواهر تو است. کودک شادمان شد و برخاست و فریاد زد: ای بچه ها، دیگر مرا سرزنش نکنید که پدرم از پدرهای شما بهتر است. آن گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست او را گرفتند و به خانه دخترشان فاطمه (سلام الله علیها) بردند و گفتند دخترم: این کودک، فرزند ما و برادر تو است، از او نگهداری کن. فاطمه (سلام الله علیها) نیز جامه ای پاکیزه بر او پوشاند، سرش را روغن زد و ظرف خرمایی پیش روی او گذاشت و فرمود: حسن و حسینم بیایید و با هم غذا بخورید

بعد از رحلت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) او بر سر خود خاک می ریخت و فریاد می زد: وا ابتاه امروز من یتیم شدم و همه مردم از سوز او می گریستند^{۸۶}

شهید محمد رضا سماوات یکم مهرماه سال یکهزار و سیصد و سی و هشت در شهر تهران متولد شد و در سوم مهرماه سال ۵۹ به فیض شهادت نائل آمد.

مادر شهید از فرزندش چنین نقل میکند:

خاطره ای از گذشت و مهربانی:

محمد رضا دو تا دوست داشت که با هم خیلی مهربان و صمیمی بودند آنها را به خانه میآورد و میگفتند و میخندیدند و میشنیدند و خیلی با هم اخت بودند توی حیاط میرفتند و با هم در زیر سایه درخت مو میشستند و انگور میخوردند.

یکروز همانطور که با هم توی حیاط بودند محمد صدا زد خاله بیا پایین پرسیدم محمد جان چرا پهلوی دوستانت به من خاله میگویی گفت: سیس، سیس، صدایت را بلند نکن گفتم محمد جان من مدتی است که از تو میپرسم و تو پاسخم را نمیدهی؟ من که نمیگویم دوستانت را نیاور من که آنها را میشناسم.

گفت این دو تا مادر ندارند، یکی از اینها پدرش معتاد بوده و مادرش سالم است متارکه کرده اند دیگری هم مادرش به هنگام تولدش سرزا رفته است و اینها به من میگویند تو همیشه سرو وضع مرتبی داری چون یک مادر این چنینی داری برای همین من هم دلم نیامده که حقیقت را بگویم گفته ام که تو خاله من هستی که آرزوی بچه دار شدن را داشته ای و مادر من مرا از همدان نزد تو فرستاده تا بزرگم کنی!^{۸۷}

^{۸۶} سید مهدی شمس الدین، اخلاق اسلامی، ص ۳۰.

^{۸۷} <https://tehran.navideshahed.com/fa/news/410688>

آثار اخروی بوسیدن فرزندان

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: قبلوا أولادکم فان لکم بكل قبله درجه فی الجنه ما بین کل درجتین خمسمائه عام^{۸۸}

فرزندان خود را ببوسید زیرا به هر بوسه ای رتبه ای است در بهشت و فاصله دو رتبه از یکدیگر پانصد سال است

مهر پیامبر به فرزندان خود

علاقه و محبت پیامبر نسبت به فرزندان آن چنان زیاد بود که هیچ گاه پوشیده نمی ماند و گاه در حال سخن گفتن با مردم به فرزندان خود ابراز محبت و علاقه می کرد و آنها را مکرر می بوسید

پیامبر پسرش ابراهیم را می بوسید

انس بن مالک گوید: ما رأیت أحدا کان أرحم بالعیال من رسول الله - صلی الله علیه و آله -، کان ابراهیم مسترضعا له فی عوالی المدینه و کان ظئره قینا فکان یأتیہ وان البیت لیدخن فیأخذہ فیقبله^{۸۹} هیچ کس را نسبت به اهل و عیال خود مهربان تر از پیامبر ندیدم، پیامبر در دوران شیر خوارگی فرزندش ابراهیم، برای او دایه ای در اطراف مدینه گرفته بود و با اینکه خانه دایه در اثر شغل آهنگری همسرش پر از دوده بود، اما پیامبر به نزد فرزند خود می رفت و وی را می بوسید

^{۸۸} مکارم الاخلاق، ص 220

^{۸۹} تاب العیال، ج 1، ص 338

محبت والدین به فرزندان

فرزندان نیاز به محبت دارند. اگر محبت به آنها از طریف پدر و مادر تامین نشود احتمال دارد جذب محبت دیگران شوند و آسیبهای جدی ببینند.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

به راستی که خداوند پدر و مادر را به خاطر شدت محبت به فرزند می آموزد^{۹۰} همچنین علاوه بر محبت به فرزندان، به آنان خوبی و نیکی کند.

امام صادق (ع) فرمود: «بِرُّ الرَّجُلِ بَوَلَدِهِ بِرُّهُ بِوَالِدَيْهِ»^{۹۱}

کسی اگر به بچه اش احترام کند، ثواب کسی را دارد که به پدر و مادرش احترام کند

که در این روایت امام جعفر صادق علیه السلام، خوبی کردن به فرزند را معادل خوبی کردن به پدر و خود می داند.

اما امان از دست پدرهای بد! به چند نمونه درد دل فرزندان توجه نمایید!

مشکلات فرزندان با پدرانشان!

اصول کافی، ج ۶، ص ۱۵۰

سلام! من 16 سالمه تو تبریز متولد شده و زندگی می کنم فرزند دوم خانواده هستم که فقط یه خواهر بزرگتر از خودم دارم که با ما زندگی نمی کنه و ازدواج کرده

من با پدرم مشکل دارم کلا هر کاری که انجام می ده به من بر می خوره و هیچ کدوم از کار هاشو دوست ندارم و خلاصه پراز اشکال میبینمش به همین خاطر به کاراش اعتراض می کنم و بد جور دعوا مون می شه اونم اصلا مراعات نمی کنه با اینکه بعضی وقت ها حق بامنه و مادرم هم تایید میکنه که بابام اشتباه کرده ولی باین همه سر ما داد میزنه که به شما ربطی نداره حتی تو کوچه و خیابون^{۹۲}

عسل میگه:

سلام دختری ۱۶ ساله هستم با پدر از همه نظر مشکل دارم پدرم خیلی مذهبی هست و به تیپو اینام گیر میده با اینکه من تیم خیلی بد نیست تازگی پسر خالم که ۲۲ سالشه و تو انگلیس زندگی میکنه ازم خاستگاری کرد ولی بابام نمیزاره منم پنهایی باهاش در ارتباطم ولی مامانم و بقیه خانواده در اطلاع هستن خیلی از دست پدرم حرص میخورم حتی خیلی وقتا قلبم درد میگره حتی فکر فرارم کردم ولی واقعا موندم^{۹۳}

Sara76 میگه:

سلام من با پدرم خیلی مشکل دارم خیلی مراعات میکنم ولی نمیشه بد دهنه با مادرم خیلی بد رفتار میکنه کتک میزنه فحش میده مادرم هم هیچی نمیکه هیچی اونم بد عادت شده هر موقع مخالفت بشه باهاش داد و بیداد میکنه دیگه نمیدونم چیکار کنم خیلی تلاش کردم درستش کنم نمیشه خودش هیچی خرج نمیکه همه ی پول های مامانم هم دست اونه (مادرم هم شاغله) حتی اجازه نمیده مامانم واسه خودش خرید کنه با پول خودش همین چند وقت پیش من گوشی میخواستم که با پول مامانم خرید

^{۹۲} <https://sppm.ir>

^{۹۳} <https://sppm.ir>

من یه عمه دارم که بیش تر از خود منو مامانم تو زندگیمون دخالت میکنه حتی بیش تر از خواسته های مامانم خواسته های اون انجام میشه با اینکه حتی تو یه شهر زندگی نمیکنیم نفوذ عمه ی من اونقدر زیاده که حتی به پدرم گفت خونه بخره واسه دختر عمه ام اونم خرید!!!! خودشم از پول مامانم هم خرج کرد ولی مامانم اون قدرت رو نداشت که نزاره پولش رو خرج اون !!!زنیکه کنه

مامانم واقعا سیاست نداشت و نداره نمیدونه باید چیکار کنه موندیم واقعا زندگی زهر مار شده دیگه قبلا سعی کردیم بریم روانپزشک ولی نتیجه ای نگرفتیم همه اس تقصیره پدرم نیس مادرم هم بعد ۲۰ سال دیگه بریده و هیچی واسش مهم نیس ول کرده دیگه این وضعیت رو قبلا سعی میکردم با پدرم دعوا کنم و حرف خودم انجام بشه ولی بدتر میشد الان بیشتر سعی میکنم باهاش صحبت کنم تا دعوا^{۹۴}

مدتی هست که احساس میکنم کاملا از پدرم متنفرم

من یه دختر بیست و پنج ساله هستم و مدتی هست که احساس میکنم کاملا از پدرم متنفرم. به طوری که واقعا زندگی کردن با اون در یک خونه برام غیر قابل تحمل شده از وقتی یادم میاد به خاطر وجود پدرم از همه چی محروم بودم. حتی وقتی پنج شش ساله بودم به خاطر بازی تو کوچه ازش کتک می خوردیم. با تسییح اش . میزدمونو میآورد خونه. از وقتی یادم میاد با مادرم اختلاف داشت. یه آدم بد دل. که از هیچ تهمتی به زن اش دریع نمیکنه. حتی به مادرم تهمت ارتباط با دامادمون رو میزد...

اگه ما گاهی حواسمون نباشه یه خورده تو خونه بلند بخندیم حتما دعوا میکنه. انقد اینجوری کرد شادی رو تو خونه امون کشت. تبدیل شدیم به یه خانواده افسرده که هیچکس دلش نمیخواد باهاش

رفت و آمد کنه. انگار همیشه عزاست تو خونه مون. انقد پشت سر زن و بچه مردم حرف زده وارد هر مجلسی میشیم همه روشن رو از ما برمیگردونن

نمیدونی چقدر دلم میشکنه به مادرم بی احترامی میشه. به خاطر محدودیت ای که همیشه داشتم از کار و زندگی و درس افتادم. با اون همه انرژی ای که داشتم الان تبدیل شدم به یه آدم پوچ. از دست اش زخم معده گرفتم. به خاطر اینکه باهاش سر یه سفره نشینم نمیشم سحری بخورم

خیلی موقعها بدون سحری روزه میگیرم. یه آدم بی ادب که تو خونه دست به سیاه و سفید نمیزنه. چایی خوردن اش حال آدم رو بد میکنه. همه فامیل و در همسایه از اخلاقش بیزارند

اگه جواب سلام اش هم میدن به احترام خانواده و زنشه... یک عمر ما رو یه محله آشغال نگه داشت در صورتی که توانش رو داشت بره جای بهتر. فرصت های خوب ازدواج مون رو به خاطرش از دست دادیم. از دست اش دیگه کم آوردم. رسیدم به آخر خط. به خاطر سخت گیری های احمقانه اش دنیای سفید بچگی ام تبدیل شده به یه دنیای پوچ و سیاه. گاهی براش آرزوی مرگ میکنم. بعد خواب میبینم مرده و اون دنیا حال بدی داره. بیدار میشم گریه میکنم میگم خدایا بخشیدم... ولی بعد چند روز روز از نو و روزی از جالب اینجاست که فکر میکنه جاش اون دنیا وسط بهشته... الان که دارم اینها رو می نویسم داره اذان صبح میده

شما به من بگید چی کار کنم؟ با جوونی ام که داره از دست میره و هدر میره بدون هیچ هدفی چی کار کنم؟

شما رو به این لحظات عزیز قسم تون میدم برام دعا کنید شاید بین شماها کسی باشه که آبرویی داشته باشه در درگاه خدا. من که دیگه انقد بد خلق شدم و نا امید احساس میکنم خدا هم ازم رو برگردونده^{۹۵}

پدر دختران بزرگ خود را می زند!

دوتا خواهر سی و سی و یک ساله می گفتند پدر ما مارا کتک می زند! خواستگارهای مارا جواب می کند! زندگی ما هم از یارانه می گذرد و درآمد دیگری جز اجاره ناچیز یک ملک نداریم. پدرمان کار نمی کند و مارا بدبخت کرده است...

از دست پدرم خسته شدم، رعایت بهداشت فردی برایش مهم نیست

سلام....

پدرم اعصابمو به هم میریزه. خدا شاهده تو این چن سال چقد از لحاظ روحی شکنجمون کرده روزای عادی خدا رو شکر می کنم که کسی در خونمون رو باز نمی کنه. کلی ایراد داره، بی بند و ... باره و

اما الان واقعا دلخسته شدم. افسرده شدم. چقد خودمو گول بزنم، همش از لحاظ روحی خودمو میکشم بالا اما باز چشم بهش میفته دنیا رو سرم خراب میشه

یه وجب نشیمن پذیرایی داریم، از بوی این نمیشه توش موند و نفس کشید. اصلا برایش مهم نیست. با هزار جور ترفند و التماس و خواهش قبول نمی کنه بره حموم. نمیره حموم، به جهنم، ما رو آدم حساب نمی کنه کنار ما ببخشید می گم باد.... (این فقط یه کار چندش آور از بین هزارتا کارشه!!!). چیکارش کنم؟ به خدا یه قرون بهمون نمیده باهاش کنار اومدم، یه بار دس رو سرمون نکشیده باهاش کنار اومدم، یه بار نگفته دخترم باهاش کنار اومدم (اصلا دختر رو ننگ میدونه)، آبرمون و تو شهر برده باهاش کنار اومدم، اما با این کاراش که داریم تو خونه خودمون زجر کش میشیم نمی تونم کنار بیام. میگم به خاطر ما برو حموم، لباساتو بشوریم و خدا شاهده از دیوار صدا میاد که از این نمیداد. الان مهمون داشتیم آب شدم رفتم زمین..... نمی دونم چرا خدا منو نمیکشه راحت بشم... ولی من عادت کردم دیگه! مثلاً بابام هر وخ میره دسشویی قشنگ دسشویی رو نمیشوره. میترسه آب زیاد مصرف شه و گناه کنه! گاهی هم مدفوع هاشو لگد میکنه و تا توی حیاط رو کثیف میکنه. شلوارش هم بیشتر اوقات کثیفه. البته گاهی ب خاطر سن زیادش خودش رو خراب میکنه ولی بیشتر اوقات ب^{۹۶}. خاطر عقایدش و اینکه آب مصرف نشه

امیر میگه:

■ سلام

من 15 سالمه... تو همین سن دیگه از زندگی بریدم!! دیگه زندگی برام بی معنی شده
همش هم به خاطر آزار و اذیت های پدرمه... بی احترامی ها و بی ارزش کردن هاش
تا حالا چندین بار به خاطر مادرم و خواهر برادرم که زندگیشون بهم نریزه گذشت کردم... اما دیگه
نمیتونم!! دیگه نمیکشم
به خودم قول دادم که اگه ادامه بده و این رفتار هاشو تعطیل نکنه و واقعا برام پدری نکنه... یا خودم رو
یا اونو بکشم... به خدا دیگه آخرشه

چپ میرم راست میام یا بهم بی احترامی میکنه یا همش ازم ایراد میگیره!! آخه مگه من چه گناهی کردم که اون پدرم باشه ؟؟؟؟؟!! وقتی یه تار موی مادرم و خواهر برادرمو با دنیا عوض نمیکنم رو میبینم دلم آتیش میگیره. آرزوی مرگ میکنم که از دست اون و این دنیا خلاص شم^{۹۷}

خانمی می گفت شوهرم در ظرف غذا ادرار می کنه!

واقعاً پدر اگر خوب باشد خانواده خوب خواهند بود و اگر پدر بد باشد خانواده بد خواهند بود!

رسول خدا(ص) فرمود: بدترین مردم، فرد سختگیر بر خانواده است. شخصی پرسید: مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟ فرمود: هرگاه مرد وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و هرگاه از خانه بیرون رفت همسرش شاد شود.^{۹۸}

ای خدا.... من از بابام بیزارم

<http://deldari.ir/posts/400>^{۹۷}

٩٨ مفاتيح الحيات-26

بیچاره مامانم. دو سال تمام با وجود کمر درد و داشتن یه بچه شیرخواره دو سال تمام یه پاش تو بیمارستان بود و یه پاش تو خونه. یه چشمش اشک بود و یکیش خون. تک و تنها از پدرم پرستاری میکرد. مثل یه بچه دوشک مینداخت زیرش و اونو پاک می کرد. همه میگفتن خیلی زنه که با اون وضع بابام ولش نکرده. اما حالا که بابام خوب شده اصلا اون همه محبت این زن بیچاره یادش نمونده. داره مامانم و زجر کش میکنه. مامانم با خانوداش قطع رابطه کرده. چند وقت پیش عقد خالم بود. با اینکه بدبخت سه ماه جلوتر به بابام خبر داده بودن که همچین کیسی هست و خواستگارش بابام گفت نه من غریبه ام و منو آدم حساب نکردن. اصلا بابام دیوونس. خالم ازش بهم می خوره. هر لحظه نفرینش میکنم. دیشبم نمیدونید چه آشوبی به پا کرد. من مسجد بودم بهم زنگ زد و گفت که شما سندای خونه و مدارک منو از تو کیفم برداشتید اگه سند نیارید بهم بدید با چاقو شکمتونو پاره میکنم. منم از همه جایی خبر به مامانم گفتم و اونم گفت که من برنداشتم. رفتیم خونه بابام کل لباسا و کمدا رو وسط خونه ریخته بود. گفت زود سند بدید. ما گفتیم چه سندی ما اصلا نمیدونیم چی می /گی. فکر میکنید چی کار کرد؟؟

رفت یه چوب آورد زد میز تلویزیون و شکست. بعدشم کلی چرت و پرت گفت. البته منم که خیلی دلم ازش پر بود تقریبا هر چی از دهنم درومد بهش گفم. به مامانم میگفت تو سند منو ور داشتی دادی به خواهرت. آخه خاک بر سر سند به چه درد میخوره وقتی خودت نباشی. بعدش دادشم کیفشو برداشت تا دوباره بگرده. باورتون نمیشه سند و مدارک و اموندهش تو جیب کیفش بود. یعنی دلم میخواست برم با چاقو تیکه تیکه کنم مرتیکه عوضی رو. تازه به جای اینکه شرمنده بشه طلبکارم شده بود و به مامانم میگفت طلاق میدم. من تا صبح نخواایدم^{۹۹}

چندی پیش یک خانم ایتالیایی که شغل او معلمی و دینش مسیحی بود نامه ای آکنده از ابراز محبت و علاقه به امام و راه او همراه با یک گردنبند طلا برای حضرت امام فرستاده بود که ما آن را خدمت امام دادیم.

دو سه روز بعد دختر بچه دو یا سه ساله‌ای را آوردند آنجا، که پدرش در جبهه مفقود
الایر شده بود.

امام وقتی متوجه شدند فرمودند: الان بیاوریدش داخل. سپس او را روی زانوی
خودشان نشانند و صورت مبارکشان را به صورت بچه چسبانیده و دست بر سر او
گذاشتند... سپس همان گردنبدی که زن ایتالیایی فرستاده بود را برداشتند و با
دستان مبارکشان بر گردن دختر بچه انداختند. (سرگذشتهای... ج 5 ص 67)

مردی از اشراف جاهلیت، خدمت رسول اکرم (ص) آمد و دید که ایشان یکی از فرزندان را روی
زانوی خودشان نشانده اند و او را می بوسند و می بویند و به او محبت می کنند. یک دفعه این آدم به
پیغمبر (ص) رو کرد و گفت: من ده تا بچه دارم و هنوز در عمرم هیچ کدامشان را یکبار هم نبوسیده
فالتمع وجه رسول الله؛ پیغمبر اکرم از این «:ام. در یکی از روایاتی که در این زمینه آمده، نوشته اند
حرف چنان ناراحت عصبانی شد که صورت مبارکش قرمز شد و تغیر پیدا کرد» و فرمود: «من لا
یرحم لا یرحم؛ آن که نسبت به دیگری رحم نداشته باشد، خدا هم به او رحم نخواهد کرد». بنا به نقل
!دیگری فرمود: اگر خدا رحم را از دل تو کنده است، من چه کنم؟

کودکان

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «همان گونه که کودک به غذا و آب و هوا نیاز دارد، به محبت و نوازش نیز نیازمند است، زیرا محبت بهترین غذای روحی کودک می باشد، از این (3) «جهت کودک از تبسم، بوییدن و در آغوش گرفتن خشنود می شود و لذت می برد

(احمدی، رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) الگوی زندگی، ص 174

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «هر کس فرزندش را ببوسد، خداوند عزوجل برای او ثواب می نویسد و هر کسی که او را شاد کند، خداوند روز قیامت او را شاد خواهد کرد.» (واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، بانک احادیث اهل بیت (علیهم السلام)) مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: من تا به حال هیچ یک از فرزندانم را نبوسیده ام. هنگامی که از نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت، حضرت فرمود: «این مرد (ر.ک: کلینی، الکافی، ج 6، ص 50)⁴ «نزد من اهل دوزخ است

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کودکان انصار را که می دید، بر سر آنان دست می کشید و به آنان سلام می کرد و دعا می نمود. انس بن مالک گوید: «من هیچ کس را ندیدم که نسبت به خانواده خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مهربان تر باشد». (چنارانی، رفتار پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) با کودکان و جوانان، ص 15)

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «کودک کوچکی بودم، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا در دامن خود می نشاند و در آغوش می گرفت و به سینه خود می چسبانید، و گاهی مرا در بستر خواب خود می خوابانید و از مهربانی صورت بر صورت من می نهاد، و مرا به استشمام بوی لطیف خود موفق می داشت.» (نهج البلاغه، خطبه قاصعه، ص 12)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «کودکان را دوست بدارید و با آنان دلسوز و مهربان باشید و هنگامی که به آنها وعده دادید، به وعده خویش عمل کنید.» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ص 6814)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «کسی که دخترش را خوشحال کند، پاداش کسی را دارد که بنده ای از فرزندان حضرت اسماعیل (صلی الله علیه و آله و سلم) را آزاد کرده است و کسی که پسرش را خوشحال نماید، مانند کسی است که از خوف خداوند گریه کرده است و کسی که از خوف خدا گریه کند، خداوند او را داخل بهشت می نماید.» (واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، احادیث اهل بیت (علیه السلام)، ج 8، ص 402)

یک بار پیامبر به سجده رفت و سجده ی خود را چندان به درازا کشانید که بر نماز گزاران دشوار آمد، چون سلام نماز گفت و نماز را به پایان برد، برخی از مردم، شگفت زده به او گفتند: ای پیامبر خدا سجده را چندان دراز گردانیدی که گمان بردیم کاری پیش آمده یا بر تو وحی نازل شده است پیامبر پاسخ داد: «هیچ یک از اینها نبود، پسر من بر پشت من سوار شد، دوست نداشتم او را برای فرود آمدن به شتاب وادارم» سخنی فشرده و کوتاه با معنایی روشن و بیانی رسا که بینشی پدران و پیامبرانه را برای بزرگداشت نوه ای گرامی به نمایش می گذارد. با وجود این سخن و کار پیامبر کاری خصوصی را به آموزشی عمومی تبدیل می کند. (عبدالمقصود، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در پرتو خورشید محمدی، ص 209)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه شعبانیه در ضمن بیان وظایف مردم فرمود: «به بزرگسالان خود احترام کنید و نسبت به کودکان خود ترحم و عطوفت نشان دهید.» (احمدی، رسول

الله (صلی الله علیه و آله و سلم) الگوی زندگی، ص 174؛ ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷)

سول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به کودکان بسیار عطف و مهربان بود و به آنان بسیار محبت می کرد. در رفتار آن حضرت نوشته اند موقعی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از سفری مراجعت می کرد و در راه با کودکان مردم برخورد می کرد به احترام آنها می ایستاد، سپس امر می فرمود کودکان را می آوردند و از زمین بلند می کردند و به آن حضرت می دادند، رسول خدا بعضی را در آغوش می گرفت و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار می کرد و به اصحاب خود نیز می فرمود: «کودکان را در آغوش بگیرید و بر دوش خود بنشانید.» (دلشاد تهرانی، کرامت و تکریم، ص 14؛ ر.ک، المحججه البيضاء، ج 3، صص 366 - 367)

روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همراه یارانش از راهی عبور می کردند، در آن مسیر کودکانی مشغول بازی بودند نزد یکی از آنان نشست و پیشانی او را بوسید و با وی مهربانی کرد. علت آن را از وی پرسیدند. حضرت پاسخ داد: من روزی دیدم این کودک با فرزندم حسین (علیه السلام) بازی می کرد و خاکه ی زیر پای حسین را برمی داشت و به صورت خود می مالید. بنابراین چون او از دوستان حسین است من هم او را دوست دارم. جبرئیل مرا خبر داد این کودک از یاران حسین (علیه السلام) در کربلا خواهد بود. (چنارانی، همان، ص 15)

فرزندان

كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُءُوسِ وُلْدِهِ وَ وُلْدِ وُلْدِهِ» (عده الداعی، ص 89)

پیغمبر ما صبح به صبح دست روی سر بچه اش می کشید و دست روی سر نوه هایش

می کشید

پیامبر گرامی اسلام (ص) دختران را حتی در دادن هدایا بر پسران مقدم دانسته و می فرمایند: هر کسی به بازار رود و تحفه ای بخرد و آن را برای خانواده اش ببرد همانند حمل کننده صدقه به سوی نیازمندان است و باید دختران را در دادن هدایا بر پسران مقدم بدارد، زیرا هر کس دخترش را خوشحال کند مانند آن است که برده ای از نسل حضرت اسماعیل را آزاد ساخته است.^{۱۰۰}

قیس وقتی دید که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخی دختران خود را روی زانوی خود نشانده و نوازش می دهد با تعجب می گوید: «من هیچگاه چنین کاری نکردم و در گذشته دختران زیادی نصیب شده که همه را زنده به گور کرده ام». آنگاه داستان زنده به گور کردن یکی از دختران خود را شرح می دهد. ماجرا آن چنان رقت آور بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از شنیدن آن متاثر شد و اشک از دید گانش جاری گشت. سپس فرمود: «کسی که به دیگران ترحم نکند، به او ترحم نمی شود».

در سخن پیامبر 6 است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

همچنین آن حضرت فرمود :

میان اولاد خود در دادن هدیه به مساوات عمل کنید و اگر خواستی کسی را بیشتر هدیه دهی به دختران بیشتر بده^{۱۰۱}

رسول حق (ص) فرمود:

(الامالی، صدوق، ص ۵۷۷)^{۱۰۰}

خلاف، طوسی، ج ۳، ص ۵۶۴^{۱۰۱}

**خداوند به دختر مهربان تر از پسر است، کسی که باعث خوشحالی دخترش شود،
خداوند روز**

قیامت او را خوشحال می کند

مردی نزد پیامبر بود، به او خبر دادند که فرزندی برایش متولد شده ، رنگ صورتش پرید پیامبر فرمود چه شده ؟ گفت : خیر است حضرت فرمود: بگو، گفت : وقتی من می آمدم زنم در حال زایمان بود به من خبر دادند که دختر زائیده است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زمین او را بر می دارد و آسمان سایه می اندازد و خدا روزیش می دهد و برای تو هم گلی است که می بوئی ^{۱۰۲} (چرا ناراحتی)

«رسول خدا(ص):فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»

**«رسول خدا(ص):کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک
نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد،خدا بخاطر همین دختر،او را به بهشت
می برد.»**

«پیامبر(ص):بچه هارا دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.»

حضرت چرا از این حرف اقرع خشمگین شد

روزی رسول خدا (ص) حسن و حسین (ع) را می بوسید. شخصی به نام اقرع بن حابس گفت: من ده
فرزند دارم و هرگز هیچ یک را از آن ها را نبوسیده ام. آن حضرت فرمود: هر کس رحم نکند بر او
رحم نمی شود. برپایه روایتی آن حضرت به قدری از این گفتار وی خشمگین شد که چهره اش

اگر خدا عاطفه را از دلت کنده است با تو چه کنم؟ هر کس بر :برافروخت و به او فرمود
خردسالان ما مهر نورزد و بزرگان ما را احترام نکند از ما نیست^{۱۰۳}

«وَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُؤْسِ وَلَدِهِ»

روش رسول اکرم (ص) در خانواده این بود که همه روزه صبح دست محبت به سر فرزندان خود می کشید^{۱۰۴}

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:

فرزندان خود را بسیار ببوسید زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه ای است^{۱۰۵}

▪

محبت به اسامه پسر زید

اسامه بن زید گوید: کان نبی الله (صلی الله علیه و آله و سلم) لیأخذنی و یقعدنی علی فخذہ و یقعد

الحسن علی الأخری ثم یضمنا ثم یقول اللهم ارحمهما فانی أرحمهما^{۱۰۶}

گاه می شد که رسول خدا مرا بر یک زانوی خود می نشانید و بر دیگری امام حسن را و هر دوی ما را

در آغوش می کشید، سپس می فرمود: خدایا به این دو رحم کن، که من هر دو را دوست دارم

^{۱۰۳} (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۳-۲۸۲)

^{۱۰۴} . (محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۲۳، ص ۱۱۴)

محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۲۳، ص ۱۱۳)

^{۱۰۵}

همان ص ۳۹۸^{۱۰۶}

امام صادق علیه السلام: وقتی رقیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، پیامبر بر سر قبر او رفت و دستها را بسوی آسمان بلند کرد و اشک از چشمانش سرازیر شد! بعدها اصحاب گفتند: ای رسول خدا! ما می دیدیم که شما دستها را به آسمان بلند کرده و می گریستید! فرمود: از خداوند سبحان خواستم تا عذاب قبر را از رقیه بردارد.^{۱۰۷}

محبت به فرزندان

فیض کاشانی می نویسد: از خلیات پیامبر اسلام چنین بود که وقتی از سفر مراجعت می کرد و در گذرگاه با کودکان مردم روبرو می شد به احترام آنها می ایستاد سپس امر می فرمود کودکان را می آورند و از زمین برمی داشتند و به آن حضرت می دادند رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بعضی را در آغوش می گرفت و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار می کرد و به یاران خویش می فرمود: کودکان را در آغوش بگیرید و بر دوش خود بنشانید

اطفال از این صحنه مسرت آمیز بی اندازه خوشحال می شدند و از شادی و نشاط در پوست نمی گنجیدند.

این خاطرات شیرین را هرگز از یاد نمی بردند. چه بسا پس از مدتی دور هم جمع می شدند و ماجرا را برای یکدیگر بازگو می کردند و در مقام افتخار و مباهات یکی می گفت: پیامبر مرا در بغل گرفت

و تو را بر پشت خود سوار کرد

دیگری می گفت: پیامبر به یاران خود امر کرد تو را بر پشت او بگذارند^{۱۰۸}

برخورد پدرانه با فرزند رفاعه:

در تفسیر کشف الأسرار میبیدی آمده که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همراه عده ای از اصحاب از کوچه های مدینه عبور می کردند، در یکی از کوچه ها چند کودک مشغول بازی بودند و در کنار آنها کودکی خود را روی زمین می کشید و گریه می کرد

حضرت متوجه آن کودک شده و پهلوی او روی زمین نشستند، سپس آن طفل را از زمین بلند کرده و علت گریه او را جویا شدند، کودک گفت: من پسر رفاعه انصاری هستم پدرم در جنگ احد کشته شد. خواهری داشتم که ازدواج کرد و مادرم نیز شوهر کرد و مرا از خود راند، اکنون من بی کس و تنها مانده ام، بچه ها مرا سرزنش می کنند و به بازی نمی گیرند

حضرت بسیار ناراحت شده و اشک از چشمانش جاری گردید و بعد او را روی زانوی خود نشانید و فرمود ناراحت مباش، من از امروز پدر تو و دخترم فاطمه (سلام الله علیها) خواهر تو است. کودک شادمان شد و برخاست و فریاد زد: ای بچه ها، دیگر مرا سرزنش نکنید که پدرم از پدرهای شما بهتر است. آن گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست او را گرفتند و به خانه دخترشان فاطمه (سلام الله علیها) بردند و گفتند دخترم: این کودک، فرزند ما و برادر تو است، از او نگهداری کن. فاطمه (سلام الله علیها) نیز جامه ای پاکیزه بر او پوشاند، سرش را روغن زد و ظرف خرمایی پیش روی او گذاشت و فرمود: حسن و حسینم بیایید و با هم غذا بخورید

بعد از رحلت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) او بر سر خود خاک می ریخت و فریاد می زد: وا ابتاه امروز من یتیم شدم و همه مردم از سوز او می گریستند^{۱۰۹}

آثار اخروی بوسیدن فرزندان

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: قبلوا أولادکم فان لکم بكل قبله درجه فی الجنه ما بین کل درجتین خمسمائه عام^{۱۱۰}

فرزندان خود را ببوسید زیرا به هر بوسه ای رتبه ای است در بهشت و فاصله دو رتبه از یکدیگر پانصد سال است

مهر پیامبر به فرزندان خود

علاقه و محبت پیامبر نسبت به فرزندان آن چنان زیاد بود که هیچ گاه پوشیده نمی ماند و گاه در حال سخن گفتن با مردم به فرزندان خود ابراز محبت و علاقه می کرد و آنها را مکرر می بوسید

پیامبر پسرش ابراهیم را می بوسید

انس بن مالک گوید: ما رأیت أحدا کان أرحم بالعیال من رسول الله - صلی الله علیه و آله -، کان ابراهیم مسترضعا له فی عوالی المدینه و کان ظئره قینا فکان یأتیه وان البیت لیدخن فیأخذہ فیقبله^{۱۱۱}

هیچ کس را نسبت به أهل و عیال خود مهربان تر از پیامبر ندیدم، پیامبر در دوران شیر خوارگی فرزندش ابراهیم، برای او دایه ای در اطراف مدینه گرفته بود و با اینکه خانه دایه در اثر شغل آهنگری همسرش پر از دوده بود، اما پیامبر به نزد فرزند خود می رفت و وی را می بوسید

^{۱۰۹} سید مهدی شمس الدین، اخلاق اسلامی، ص 30.

^{۱۱۰} مکارم الاخلاق، ص 220

^{۱۱۱} تاب العیال، ج 1، ص 338.

رسول خدا(ص) فرمود: بدترین مردم، فرد سختگیر بر خانواده است. شخصی پرسید: مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟ فرمود: هرگاه مرد وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و هرگاه از خانه بیرون رفت همسرش شاد شود^{۱۱۲}

تعجیل در امر ازدواج دختر

رسول خدا فرمود: حق الولد علی والده... اذا كان انثی... یعجل سراحهالی بیت زوجها
اگر فرزند دختر باشد، حق او بر پدر آن است که هر چه زودتر او را به خانه شوهرش بفرستد^{۱۱۳}

و فرمود دختران مانند میوه هستند....

و فرمود که دختران باکره به منزله ی میوه ی درخت باشند پس هرگاه میوه ی درخت رسید دواپی
از برای آن نیست مگر چیدن آن واگر نچیند آفتاب آن را فاسد می کند و بار آن را می ریزد و ضایع
می کند ، دختران باکره نیز هرگاه به مرتبه ی زنان رسیدند دواپی از برای آنها نیست مگر شوهر
والاً از فتنه کردن ایمن نباشی^{۱۱۴}

و از پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمود: أدب صغار أهل بیتک
¹¹⁵ بلسانک علی الصلاه والطهور فاذا بلغوا عشر سنین فاضرب ولا تجاوز ثلاثا
فرزندان خود را با زبان بر نماز و وضو عادت دهید، و اگر به سن ده سالگی رسیدند آنها را برای
واداشتن به نماز بنزد ولی از سه ضربه تجاوز نکنید

^{۱۱۲} مفاتیح الحیات-26

^{۱۱۳} وسائل الشیعه، ج 15، ص 199.

^{۱۱۴} حیوه القلوب

^{۱۱۵} مجموعه ورام، ص 358.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اذا عرف الغلام يمينه من شماله فمروه بالصلاه^{۱۱۶}

اگر پسر دست راست و چپ خود را از هم تشخیص داد، به او دستور دهید (و او را وادارید) تا نماز

بخواند

رسول اکرم-صلی الله علیه و آله و سلم- نقل شده که فرمود

فرزند سه حق بر پدر دارد: اول انتخاب نام نیکو، دوم کتابت، نوشتن و سواد آموزی، سوم ازدواج، " زمانی که فرزند بالغ شد.^{۱۱۷}

پیامبر اسلام می فرمودند: هر کس چهار پسر داشته باشد و نام یکی از آنها را به نام من، "محمد"، نامگذاری نکند، به من جفا کرده است. اگر اسم فرزندان را محمد گذاشتید او را گرامی بدارید و به (او احترام کنید^{۱۱۸}

«رسول خدا(ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام برابر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده¹¹⁹ است.»

«رسول خدا(ص): فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن را به او تعلیم نماید.»^{۱۲۰}

کنز العمال، ج 16، ص 440.^{۱۱۶}

تربیت کودک از دیدگاه اسلام، مجید رشید پور، تهران، انجمن اولیا و مربیان، 1374.^{۱۱۷}

بحار الأنوار، ج 101، ص 131.^{۱۱۸}

بحار الأنوار¹¹⁹

میزان الحکمه¹²⁰

«رسول خدا (ص): اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانائی مخارج ازدواج او را دارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه پدرش می نویسند.»^{۱۲۱}

«رسول خدا (ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی 'آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»^{۱۲۲}

«رسول خدا (ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»^{۱۲۳}

«رسول خدا (ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»^{۱۲۴}

«رسول خدا (ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.»^{۱۲۵}

«رسول خدا (ص): دختران حسناوند و پسران نعمتند و بر حسنات ثواب داده می شود. ولی از نعمتها سؤال می شود.»^{۱۲۶}

«رسول خدا (ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی ' در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.»^{۱۲۷}

«رسول خدا (ص): اگر فرزندان را در روز هفتم ختنه کنید، پاکیزه تر است و زودتر زخم آن بهبود می یابد و گوشت می روید.

۱۲۱ همان

۱۲۲ همان

۱۲۳ همان

۱۲۴ میزان الحکمه

۱۲۵ همان

۱۲۶ همان

۱۲۷ همان

و فرمود: زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز آلوده است.»^{۱۲۸}

فرزند پرستی بجای خدا پرستی



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات فراوان بر محمد

مصطفی(ص) و اهل بیت طاهرینش

یکی از انحرافات بزرگ برای خانواده ها فرزند پرستی است. یعنی والدین یا یکی از آنها انقدر به فرزند عشق و علاقه دارند که برای فرزند همه کاری می کنند و محبت آنها به فرزند از محبت آنها به خداوند خیلی بیشتر است!

و این عشق و علاقه باعث میشود والدین از مسیر درست منحرف بشوند و گاهی عاقبت به شر گردند.

در طول تاریخ نمونه های فراوانی سراغ داریم که افرادی از خواص جامعه بخاطر فرزندانشان سقوط کردند و عاقبت بدی پیدا نمودند.

در این کتاب پیرامون ابعاد مختلف فرزند پرستی مطالب متنوعی آورده شده است.

اسفند 1402. کرمانشاه

فرزند پرستی عامل انحراف از حق

محبت به فرزندان توصیه اسلام است. مهربانی با فرزندان بسیار ارزشمند است و ثوابهای زیادی دارد. و کسانی که با فرزندان بر خورد بدی دارند مورد مذمت قرار گرفته و برای آنها عذاب های فراوانی ذکر شده است.

به چند نمونه اشاره می شود:

بوسیدن فرزندان

رسول خدا فرمود: هر کس فرزندش را ببوسد خدا برایش نیکی می *
نویسد. همچنین فرمود: فرزندان را زیاد ببوسید، به راستی که برای
شما در برابر هر بوسه درجه ای در بهشت است

عبدالله بن مسعود می گوید: نزد پیامبر بودم وقتی حسین بن علی وارد *
شد پیامبر او را بوسید و فرمود: خدایا من او را دوست می دارم پس تو
نیز دوست بدار هر که وی را دوست می دارد

گرامی داشتن فرزند

رسول اکرم فرمود: فرزندان خود را گرامی بدارید و به آن ها شخصیت بدهید، آنان را خوب تربیت کنید که موجب مغفرت و بخشایش شماست.

رعایت مساوات و عدالت میان فرزندان

رسول گرامی فرمود: در دادن هدایا به فرزندان به مساوات عمل * کنید. میان فرزندان خود عدالت را مراعات کنید، همان گونه که دوست دارید در نیکی و لطف با شما به عدالت رفتار کنند.

پیامبر مردی را دید که دو فرزند داشت اما تنها یکی از آنها را بوسید، * به اعتراض فرمود: چرا مساوات را میان آن دو رعایت نکردی؟

مهرورزی به کودکان

رسول خدا فرمود: کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی کنید *

امام صادق فرمود: موسی بن عمران گفت ای پروردگار من! کدام یک از * اعمال نزد تو بهتر است؟ فرمود: محبت به کودکان، زیرا آنان را بر فطرت یگانه پرستی آفریدم و اگر آنها را بمیرانم به رحمت خود، به بهشت می برم.

امام کاظم فرمود: به راستی خدای بزرگ آن گونه که برای نامهربانی با *
زنان و کودکان به خشم می آید برای هیچ چیزی به خشم نمی آید

روزی رسول اکرم حسن و حسین را می بوسید شخصی به نام عیینه *
یا اقرع بن حابس گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک از آن ها را
نبوسیدم. آن حضرت فرمود: هر کس رحم نکند بر او رحم نمی شود. بر
پایه روایتی آن حضرت به قدری از این گفتار وی خشمگین شد که چهره
اش بر افروخت و به او فرمود: اگر خدا عاطفه را از دلت کنده با تو چه
کنم؟ هر کس بر خردسالان مهر نوزد و بزرگان ما را احترام نکند از ما
[مسلمانان] نیست

سلام بر کودکان

پیامبر فرمود: تا زنده هستم پنج عمل را رها نخواهم کرد، تا پس از من
نیز سنت شود که یکی از آن ها سلام کردن بر کودکان است

بازی و شاد کردن کودکان

رسول خدا فرمود: هر کس نزد او کودکی هست با او کودکانه رفتار *
کند.

رسول خدا فرمود: در بهشت خانه ایی است که به آن خانه شادی می *
.گویند کسی وارد آن نمی شود مگر آن که کودکان را شاد کند

در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت های بسیاری نوشته شده
است مبنی بر اینکه آن حضرت نه تنها کودکان خود را به طور بدنی تنبیه
نمی کردند، بلکه اگر متوجه می شدند که کسی کودک یا غلام خود را
کتک می زند آن حضرت به شدت او را منع می کرد و به سختی اعتراض
می فرمود تا کسی فرزند خود را کتک نزند.

به عنوان مثال در کتاب بحار الانوار نوشته شده که شخصی به نام
ابومسعود، که در دوران حیات پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله زندگی
می کرد، تعریف کرده است که: من غلامی داشتم که او را کتک می زدم.
یک بار که در حال کتک زدن آن غلام بودم، از پشت سرم صدایی شنیدم
که می فرمود: «ابومسعود! خداوند متعال به تو توانایی داده و این بنده
اش را غلام تو کرده است. پس او را کتک نزن.» برگشتم. نگاه کردم و
دیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که من را از این کار نهی
می کند. من هم به آن حضرت عرض کردم: «من این غلام را در راه خدا

آزاد کردم.» ایشان فرمود: « اگر این کار را انجام نمی‌دادی، شعله‌های
آتش تو را فرا می‌گرفت

با اینکه محبت به فرزندان جزو توصیه های مهم اسلام است ولی زیاده روی در محبت و فرزندپرستی ممنوع می باشد.

در این رابطه به یک ایه اشاره می شود:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَ «
أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ
إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ
اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ (توبه، 24)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند فرمان خویش را به اجرا در آورد و خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمیکند.

در ایه مذکور به اینکه بعضی ها فرزند برایشان از خدا و رسول مهم تر است اشاره شده و اینکه اینها فاسق هستند و خداوند آنها را از هدایت خود محروم می کند.

در داستان پسر نوح در قران کریم این چنین آمده است:

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ
الْحَاكِمِينَ

(هوی 45)

و نوح به درگاه خدا عرض کرد: بار پروردگارا، فرزند من از اهل بیت من است (که وعده لطف و نجات به آنها دادی) و وعده تو هم حتمی است و قادرترین حکمرمایانی

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ
بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

(هود ایه 46)

خدا خطاب کرد که ای نوح، فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد، زیرا او را عمل بسیار ناشایسته است، پس تو از من تقاضای امری که هیچ از حال آن آگاه نیستی مکن، من تو را پند می‌دهم که از مردم جاهل مباش

این ایه به ما درس بزرگی می‌دهد که فرزندی مانند کنعان پسر نوح نبی که بت پرست و کافر بود دیگر فرزند نوح حساب نمیشود و نباید بخاطر فرزند مقابل خدا ایستاد! لذا خدا به نوح نصیحت کرد که مبادا جاهل شوی و دنبال پسر ت بروی!

ولی متأسفانه در بین مردم افرادی که فرزند پرست هستند فراوان دیده می‌شوند. اینها بخاطر فرزند معصیت الهی مرتکب می‌شوند و گاه مقابل خدا و رسول و ولایت می‌ایستند.

به چند مورد اشاره می‌شود:

مانند زبیر که تا زمانی که پسرش عبدالله دنیا نیامده بود در کنار اهل بیت (ع) بود. ولی زمانی که عبدالله متولد شد و بزرگ شد پدرش زبیر را از ولایت جدا کرد و کار به آنجا کشید که زبیر شمشیر به دست گرفت و

در جنگ جمل مقابل امیرالمومنین حجت خدا در زمین و آسمان قرار گرفت. و عاقبت به شر شد!.....

در زمان ما هم شخصیتی مانند ایه الله منتظری با انهمه مجاهدت ها در راه انقلاب اسلامی و اینکه قائم مقام رهبری شد و مسئولین نزد او شرفیاب می شدند و عکسش همه جا کنار عکس حضرت امام بود ولی بخاطر فرزندانش در مقابل امام و انقلاب و اسلام ایستاد و عاقبت به شر شد! یک شبه عکسش را از ادارات و نهاد ها پایین آوردند و اوج عزت به حضيض ذلت افتاد!

اما اهل بیت(ع) و علمای مذهب و مخلص هرگز فرزندان خود را بر خداوند مهربان ترجیح ندادند و نمی دهند. به چند نمونه اشاره می شود:

علی بن ابی رافع که در بیت المال امیرالمؤمنین خدمت می کرد گفت: « دختر او یک گردنبند مروارید در روزهای عید قربان به امانت تضمین شده از من گرفت که پس از سه روز آن را بازگرداند. علی(ع) آن را برگردن وی دید، برداشت و به من گفت: «در مال مسلمانان خیانت

می‌کنی؟» داستان را برای او نقل کردم و گفتم که من آن را از مال خود تضمین کرده‌ام. گفت: «همین امروز آن را باز گردان و اگر بار دیگر چنین کنی به کیفر من گرفتار خواهی شد». سپس گفت: «اگر دخترم این گردنبند را جز به صورت امانت تضمین شده گرفته بود، نخستین زن از «بنی هاشم می‌بود که دستش به جرم سرقت بریده می‌شد»^{۱۲۹}

سبحان الله! امیرالمومنین دست دخترشان را می‌خواستند قطع کنند....

باز آمده است که وقتی شنیدند ابن عباس در فرمانداری مکه اختلاس کرده نامه ای نوشتند و تذکر دادند که:

امام خطاب به ابن عباس، سوگند یاد می‌کنند که اگر حسن و حسین نیز شبیه کار تو را انجام داده بودند مجازات می‌کردم: — «وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ، وَلَا ظَفِرًا مِنِّي بِإِرَادَةٍ حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ مِنْهُمَا وَأُزِيحَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتِهِمَا، سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از

جامع احادیث شیعه (بروجردی)، ج ۲۴، ص ۶۰^{۱۲۹}

من روی خوش نمی‌دیدند. و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان
«باز پس ستانم، و باطلی را که به دستم پدید آمده نابود سازم»¹³⁰

این است روش حق و صراط مستقیم. که اگر حسن و حسین(ع)هم
همانکار خلاف ابن عباس را می‌کردند امام با آنها هم برخورد می‌نمود.

درباره حضرت امام آمده :

در سال 59 آقای سید حسین خمینی (فرزند آقا مصطفی) که نوه امام بود
در زمانی که اختلافات بین بنی صدر و شهید رجایی تشدید شده بود، به
مشهد می‌رود و به نفع بنی صدر سخنرانی می‌کند؛ مردم به او حمله می
آورند و می‌خواستند سید حسین خمینی را بزنند و وی که مسلح بوده و
سلاح کمری داشته، دست به سلاح کمری اش می‌برد، بچه های کمیته
جلوی او را می‌گیرند می‌برندش در یک اتاق دیگر.

از همانجا مسئولین کمیته تماس می‌گیرند با دفتر امام. پیغام به امام داده
می‌شود که آقای سید حسین خمینی نوه شما در مشهد از بنی صدر دفاع

نامه چهل و یک نهج البلاغه¹³⁰

کرده مردم به او هجوم آوردند دست به اسلحه برده ما چه کار کنیم.
امام به مرحوم آیت الله اشراقی می فرمایند که به مسئولین کمیته مشهد
پیغام دهید که سید حسین خمینی تحت الحفظ به تهران اعزام شود و
اگر دست به سلاحش برد او را با تیر بزنند.

بله امام می گوید اگر سید حسین خمینی دست به اسلحه برد بچه های
کمیته با تیر بزنندش! آقای اشراقی به دفتر می آید و از طریق آقای
رحمانی که بعدها نماینده امام در نیروی انتظامی شدند، از طریق ایشان
به بچه های کمیته پیغام می دهند. ولی بخش دوم پیام امام را آقای
اشراقی نمی دهد و فقط می گوید امام گفته آقای سید حسین خمینی
تحت الحفظ به تهران اعزام شود. وقتی ایشان پیش امام بر می گردد امام
می پرسد شما دستور من را ابلاغ کردی. ایشان می گوید بله. امام گفت
آقای اشراقی کامل ابلاغ کردی؟ آقای اشراقی که نمی توانسته دروغ
بگوید می گوید نه حضرت امام من قسمت دومش را نگفتم. امام به آقای
اشراقی می فرمایند بر می گردی مجدد تلفن می زنی و هر دو قسمت
پیام من را می دهی. سید حسین خمینی تحت الحفظ به تهران اعزام شود
اگر دست به سلاحش زد با تیر بزنید.

(روزنامه جمهوری اسلامی 78/6/10؛ نقل از سید حمید روحانی)

اری حضرت امام خداپرست واقعی بود و هرگز مانند منتظری فرزند
پرست نبود!

به چند مورد دیگر از علمایی که فرزندپرست نبودند اشاره می شود:

آیه الله خزعلی -

یکی از فرزندان آیت الله خزعلی، به نام مهدی خزعلی از فعالان فتنه
سال 1388 بود که آیت الله خزعلی 28 خردادماه 1388 بیانیه‌ای را مبنی
بر اعلام برائت از مواضع فرزندش، مهدی خزعلی منتشر کرد.

آیت الله خزعلی در بخشی از این بیانیه نوشته بود: «مدت مدیدی است
پسرم مهدی خزعلی از راه مستقیم منحرف شده درست در خط مقابل
قرار گرفته هر چه نصیحت می‌کنم و برای هدایتش متوسل به اولیای خدا
می‌شوم اثر نمی‌کند. با بعضی از علمای بزرگ صحبت کردم، فرمود

دست نگه دار شاید به راه بیاید. دیگر کاسه صبرم لبریز شده، دیگر با او صحبت نمی‌کنم و حرف‌های نامناسب او را بر نمی‌تابم.

ملت انقلابی عزیز همیشه در صحنه ما بدانند او از ما جدا هست و هر چه از من نقل کند، نپذیرند. با من ارتباطی ندارد ولی الان هم دعا می‌کنم خداوند به او توفیق دهد که از راه انحرافی که پیش گرفته است برگردد و گر نه خداوند مقتدر، اسلام و انقلاب و امام و رهبر و رئیس جمهور و «... مسلمین عزیز را از شر او مصون و محفوظ بفرماید

آیه الله حسنی امام جمعه ارومیه -

آیت الله حسنی امام جمعه ارومیه در خاطراتش درباره فرزند بزرگش رشید که به گروه‌های منحرف ملحق شده بود می‌نویسد: "جایش را شناسایی کردیم. در کمیته انقلاب تهران با آیت‌الله مهدوی‌کنی تماس گرفتم و گفتم: یک موردی هست، چند نفر مسلح بفرستد. نگفتم پسرم است..... گفتم اگر مقاومت یا فرار کند، بزنید، نگذارید فرار کند و اگر هم تسلیم شد، دستگیر کنید و به کمیته تحویل بدهید. آنها رفتند و او را دستگیر کردند."

او ادامه می دهد: "رشید را بعد برای بازجویی و محاکمه به تبریز انتقال دادند. او چون محل فعالیت هایش آذربایجان بود در این شهر محاکمه و «... به اعدام محکوم شد و بلافاصله حکم اجرا گردید

آیت الله حسنی می نویسد: « من در مورد انقلاب با هیچ شخصی ولو پسر م باشد، شوخی ندارم و با هیچ احدی در این مورد عقد اخوتی هم نبسته‌ام. هنوز هم اگر یکی از فرزندانم بر ضدانقلاب و رهبری خدای "ناکرده فعالیت کند، همان کاری را خواهم کرد که با رشید کردم آیه الله جنتی -

روز شکر آیت الله جنتی

محمد حسین جنتی فرزند آیت الله جنتی نیز از نمونه هایی بود که در اوایل انقلاب در جریان یک درگیری کشته شد. روایت است که می گوید آیت الله جنتی نذر کرده بوده که اگر پسرش حسین جنتی که فراری است و روند انقلاب را قبول ندارد دستگیر یا اعدام شود 40 روز روزه شکر بگیرد. او قبل از انقلاب به دلیل ارتباطش با سازمان مجاهدین خلق دستگیر و محکوم به حبس ابد شد. در آبان سال 57 از زندان آزاد

شد و پس از اعلام جنگ مسلحانه مجاهدین خلق علیه جمهوری اسلامی به حمایت از سازمان مجاهدین خلق برخاست و فعالیت خود را شدت بخشید. مدتی به همراه همسرش به زندگی مخفی روی آورد. در پاییز 1360 خانه او به محاصره درآمد، پس از درگیری، حسین خود را از پنجره ساختمان به پائین پرت کرد تا فرار کند، اما کشته شد. همسر وی که برای خرید بیرون رفته بود، هنگام بازگشت به وضعیت محل، مشکوک شده و از آنجا می‌گریزد.

بعضی ها بخاطر فرزند پرستی به جنایت دست می زنند!

بعضی ها بخاطر فرزند پرستی به قاچاق و دزدی و رشوه خواری دست می زنند! بخاطر فرزند گواهی دروغ تهیه می کنند! و بخاطر فرزند خوار و ذلیل می شوند!

به چند نمونه اشاره می شود:

مرد جوان در یکی از محلات تبریز برای دیدن فرزند ۶ ماهه اش به خانه پدرزنش می رود، اما خانواده پدرزن اجازه دیدن فرزند را نمی دهند که همین باعث درگیری می شود و مرد جوان با چاقویی که در دست داشته وارد خانه شده و پدرزن، مادرزن و برادرزنش را هدف ضربات مرگبار چاقو قرار می دهد.

با اعلام این خبر به پلیس خیلی زود مأموران کلانتری ۲۱ و تیمی از اداره جنایی پلیس آگاهی استان آذربایجان شرقی برای دستگیری متهم وارد عمل شده و با اقدامات فنی و پلیسی عامل این جنایت خانوادگی را

دستگیر می‌کنند. متهم پس از دستگیری به قتل اعضای خانواده‌اش به
خاطر دیدن فرزندش اعتراف کرد^{۱۳۱}

درخواست گواهی دروغ برای استخدام فرزند!

اقایی با دخترش به مسجد مراجعه کرده و به امام جماعت می‌گوید شما
گواهی کنید که این دختر من چندین سال در این مسجد قران و معارف
دینی درس داده است!

به او گفته می‌شود ما تاکنون این دختر را ندیده ایم و اولین بار است که
او را در مسجد می‌بینیم!

می‌گوید برای استخدام در آموزش و پرورش این گواهی را لازم داریم!

¹³¹ [https://www.moniban.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-](https://www.moniban.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-5/152690-%D9%BE%D8%AF%D8%B1-%D8%B9%D8%B5%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D9%86-%D9%86%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D8%A7%D9%87%D9%87-%D8%A7%D8%B4-%D8%AF%D8%B3%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AC%D9%86%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%B2%D8%AF)

[5/152690-%D9%BE%D8%AF%D8%B1-%D8%B9%D8%B5%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D9%86-%D9%86%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D8%A7%D9%87%D9%87-%D8%A7%D8%B4-%D8%AF%D8%B3%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AC%D9%86%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%B2%D8%AF](https://www.moniban.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-5/152690-%D9%BE%D8%AF%D8%B1-%D8%B9%D8%B5%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D9%86-%D9%86%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D8%A7%D9%87%D9%87-%D8%A7%D8%B4-%D8%AF%D8%B3%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AC%D9%86%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%B2%D8%AF)

مورد دیگر پدر با پسرش به امام جماعت مسجد مراجعه کرده و می گوید این فرم را تایید کنید. در این فرم که برای استخدام در ارتش آمده عنوان شده باید این فرد را ضمانت کنید و معرفی او باشید....در حالی که اولین بار است امام جماعت این فرزند را مشاهده می کند!

ودها مورد مراجعه پدران یا مادران به مسجد برای صدور گواهی اینکه این فرزند از نمازگزاران مسجد است.در حالی که فرزندش تاکنون مسجد نیامده است.

این والدین برای اینکه فرزندشان استخدام شود از تهیه گواهی دروغ هیچ ابایی ندارند درحالی که دروغ از گناهان کبیره است.

موارد فراوانی دیده شده که پدران و گاهی مادران برای استخدام فرزند خود، پا روی حق می گذارند و پارتی بازی می کنند و از راههای خلاف دیگر فرزند خود را استخدام می کنند.

گاهی برای فرزند، خود را کوچک و خوار می کنند. به همه التماس می کنند و از هر کس و ناکسی درخواست کمک می نمایند تا فرزندشان پیشرفت کند یا از مشکلات خارج شود و....

نوجوانی با نوجوان دیگر دعوا می کند. پدر یکی از آنان سیلی به گوش نوجوان دیگر می زند در حالی که او مقصر نبوده ولی پدر پا روی حق می گذارد و نوجوانی که با پسر او دعواش شده را مورد کتک قرار می دهد....

این موارد نشان از فرزند پرستی بجای خدا پرستی دارد!

بازیگر تلویزیون گفت همه ملت ایران فدای پسر من!

حمید فرخ نژاد: 85 میلیون ایرانی فدای یک تار موی پسر من!

اما امام حسین علیه السلام اول پسرش علی اکبر و پسرش علی اصغر را فدا کرد بعد خودش بشهادت رسید.

اقایی به مدرسه مراجعه کرده بود و گفته بود آمده ام سیل همه معلم ها
و مدیر و ناظم را چرب کنم تا پسر مردود نشود!

موردی بوده که پدر برای اینکه پسر خلافتارش زندان نرود پول داده و
شخصی دیگری بجایش تقصیر را به گردن گرفته و زندان رفته است..
و هزاران مورد این چنینی که نشان از خارج شدن از مسیر حق دارد....

راهکارهایی برای جلوگیری از فرزند سالاری و فرزند پرستی!

اگر از کودکی این راهکارهایی که ارائه میشود عملی گردد در این صورت خانواده در مسیر درست تربیتی حرکت می کند و جلو فرزند پرستی و فرزندسالاری گرفته می شود.

محبت بیش از حد ممنوع

محبت مهمترین ارکان پایداری در یک خانواده است. اما به نظر شما محبت زیاد از حد باعث ایجاد مشکل نمی شود. محبت نباید به حدی باشد که از قدرت پدر و مادر در مقابل فرزند کم شود. محبت بیش از حد باعث می شود که واژه احترام کمرنگ تر شود و فرزند به خود اجازه دهد تا هر کار دوست دارد بکند. انتظارات او از پدر و مادرش بالا می رود و والدین مدام مجبور می شوند تا خواسته های او را برآورده کنند و در آخر هم می گویند نمی دانم چرا فرزندم به این شکل رفتار می کند یا از همه طلبکار است. بهتر است علت را در روش تربیتی خود بجویید و بعد از او ایراد بگیرید..

مساله محبت به فرزند اگر درست انجام شود از فرزند پرستی جلوگیری بشود...محبت افراطی هست که باعث میشود اسیبی بنام فرزندسالاری یا فرزند پرستی بوجود بیاید.

اقایی می گفت بچه من هرچه بخواهد برایش فراهم می کنم حتی ساعت دوازده شب چیزی بخواهد با ماشین تمام شهر را می گردم تا برایش فراهم کنم!

به ایشان عرض کردم کار درستی نمی کنید!این کار شما باعث می شود ادم ضعیفی بار بیاید!

حضرت امنه مادر پیامبر ما ،کودکش را به قبیله حلیمه فرستاد تا حلیمه او را در بین عشایر تربیت و بزرگ کند با اینکه امنه تا چهارسالگی پیامبر خدا زنده بود. یک علتش این بود تا فرزند با سختی ها و مشکلات آشنا شود و در کنار سختی ها تربیت شود تا انسان صبوری بشود.تا ادم نازک نارنجی و ضعیف و ناتوان و....

جدی باشید

از جمله راهکارهای مبارزه با فرزند سالاری، جدیت والدین است. والدین بدون آنکه عصبانی شوند و یا بی احترامی کنند می توانند با فرزند خود رفتار قاطع برخورد کنند. اگر دیدید فرزندان پر خاشگری کرد و رفتار ناشایستی را در مقابل جدیت شما انجام داد، به او بی توجهی کنید. این بی توجهی باید تا زمانی باشد که کودک از کار خود پشیمان شده باشد و بعد عذر خواهی کند. در آن لحظه می توانید علت این بی توجهی را به او بگویید و از او بخواهید دوباره این حرکت را تکرار کند وگرنه تنبیه سنگینی برایت در نظر می گیرم.

در تصمیم گیری جدی باشید

تصمیم گیری در زندگی کار سختی نیست. به شرط اینکه محکم و قاطع و با منطق تصمیم بگیرید و اجازه ندهید کسی در تصمیم های مهم خانوادگی دخالت کند. مثلاً دیده شده حتی فرزندان برای انتخاب محل زندگی و حتی مسافرت های والدین خود دخالت می کنند. در این

خانواده ها فرزندان به آنها می گویند که به کجا برو و به کجا نرچرا این چیز را برایم نخریدی... من دوست ندارم تو به خانه کسی بروی...
متاسفانه ضعف رفتاری و تصمیم گیری در این والدین به حدی است که فرزندان به جای آنها حرف می زند و به جای آنها اظهار نظر می کند.....

توصیه به والدین عزیز

در زندگی قاطع باشید و سعی کنید برای کودک نیز مشخص کنید که پدر و مادر تصمیم نهایی را می گیرند و فرزند فقط حق دارد در مسائلی که مربوط به خودش است نظر بدهد. حتی در موارد شخصی نیز پدر و مادر تصمیم نهایی را خواهند گرفت. اگر به جایی رسید که دیگر نتوانستید این رفتار فرزند را کنترل کنید باید به یک مشاوره مجرب مراجعه کنید. شاید او بتواند نسبت به شرایط خانوادگی تان راهکارهای بهتری در اختیار تان قرار دهد.....

همه باید نسبت به قوانین خانه پایبند باشند

وضع قوانین یک خانه از جمله وظایف مهم پدر و مادر برای جلوگیری از هرج و مرج است. در ابتدا سعی کنید قوانینی وضع کنید که خود نسبت به انجام آن پایبند باشید. قوانینی که مربوط به فرزند شماست باید به طور شفاف برای او توضیح داده شود و برای او باید بایدها و نبایدها را مشخص کنید. مثلاً وظایف او را در خانه معلوم کنید و به او بگویید در صورت انجام ندادن این کارها ممکن است از بعضی امکانات محروم شوی. در این زمان کودک اعتراض خواهد کرد. در این حالت انتخاب حق شماست که بر روی حرف خود قاطع باشید و کودک وظیفه شناس و مطیع تربیت کنید با نسبت به اعتراضات او کوتاه نیایید و حس فرزند سالاری را در او بیشتر کنید.....

سکوت و قهر

متأسفانه ممکن است بعضی فرزندان به هیچ عنوان از حرف های شما حساب نبرند و تمام راهکارها اثری در رفتار او نداشته باشد. در این صورت آخرین حربه شما برای مقابله با فرزند سالاری سکوت و قهر

است. مدت کوتاهی با او قهر کنید. بیشتر کودکان نسبت به قهر حساس هستند. اگر سکوت و قهر نیز جواب نداد او را محروم یا تنبیه کنید. منظور از تنبیه، تنبیه بدنی نیست بلکه محرومیت کودک از وسیله خاص است. اگر امکان آن را داشتید بهتر است به یک مشاور خانواده و روانشناس کودک مراجعه کنید تا در حضور شما با او صحبت کند و نسبت به شرایط و اوضاع خانواده به شما راهکارهای مناسبی خواهد داد.^{۱۳۲}

¹³² <https://rahyabpsych.com/%D9%81%D8%B1%D8%B2%D9%86%D8%AF-%D8%B3%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B9%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%A8-%D9%88-%D8%B1%D8%A7%D9%87%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D9%87%D8%A7/>

بعضی از همسران و فرزندان دشمنند!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(تغابن ایه 14)

الا ای اهل ایمان، زنان و فرزندان شما هم برخی (که شما را از طاعت و جهاد و هجرت در دین باز دارند) دشمن شما هستند، از آنان حذر کنید، و اگر (از عقاب آنها پس از توبه آنان) عفو و آمرزش و چشم‌پوشی کنید خدا هم (در حق همه شما) بسیار آمرزنده و مهربان است...

شیخ طوسی» گویند: ابن عباس گوید: این آیه درباره عده ای از « مسلمین نازل شده که در مکه مسلمان شدند و اراده هجرت به مدینه نمودند ولی زنان و اولاد آنها مانع شده بودند. چنان که عطاء بن یسار گوید که اینان اراده عزت از راه هجرت کردند و زنان و فرزندان‌شان مانع شدند.

این ایه به ما می گوید در بعضی خانواده ها فرزندان مانع عمل کردن به دستورات خدا می گردند پس این فرزندان دشمن هستند نه دوست!

موارد زیادی بوده که مرد می خواسته کار خیری انجام دهد مثلا به نیازمندی کمک کند ولی همسر یا فرزندان مانع شدند.

بنده به یک نفر حاجی گفتم حوزه علمیه نیاز به بخاری دارد. گفت من چهارتا دارم به حوزه اهدا می کنم. چند روزی گذشت و خبری از حاجی نشد. وقتی ایشان را دیدم گفتم پس بخاری ها چی شد؟

گفت خانمم گفته ما خودمان نیاز داریم!

داستان

در سال قحطی، در مسجدی ❄️

واعظی روی منبر بود و می گفت: کسی که بخواهد صدقه بدهد هفتاد شیطان به دستش می چسبند و نمی گذارند، صدقه بدهد

مؤمنی پای منبر این سخنان ❑

را شنید با تعجب به رفقاییش گفت: صدقه دادن که این چیزها را ندارد،
اینک من مقداری گندم در خانه دارم، می‌روم و برای فقرا به مسجد
خواهم آورد و از جایش حرکت کرد.

وقتی که به خانه رسید ❄ □

و زنش از قصدش آگاه شد. شروع به سرزنش او کرد که در این سال
قحطی، رعایت زن و فرزند و خودت را نمی‌کنی؟ شاید قحطی طولانی
شد، آن وقت ما از گرسنگی بمیریم و...

خلاصه به قدری او را وسوسه کرد □

که آن مرد مؤمن دست خالی به مسجد نزد رفقا برگشت. از او پرسیدند
چه شد؟ هفتاد شیطانی که به دستت چسبیدند، را دیدی؟ پاسخ داد: من
شیطان‌ها را ندیدم لکن مادر شیطان را دیدم که نگذاشت!!

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: زمانی خواهد آمد که ..
هلاک مرد به دست همسر و فرزندش خواهد بود. زیرا آنان مرد را به
خاطر فقرش سرزنش می کنند و او برای تأمین خواسته های آنان، به هر
کاری دست می زند و هلاک می شود. «یسخرانه بالفقر فیرکب مراکب
السوء فیهلك»^{۱۳۳}

ادم مومن باید طوری بر زندگیش مسلط باشد که همسر و فرزندان
نتوانند او را از عمل به دستورات الهی باز دارند....

چرا فرزندان بعضی ادمای خوب، بد می شوند؟



محمد تقی صرفی پور



عوامل سعادت یا شقاوت فرزندان

در خوب شدن فرزند چند علت دخیل است.

1- پدر و مادر

مهم ترین عامل خوشبختی یا بدبختی فرزندان، پدر و مادر می باشند

نقش مادر در سعادت و شقاوت فرزندان

بهشت زیر پای مادران است

ابتدا درباره این حدیث نبوی توضیح مختصری می دهیم.

یکی از مهم ترین سخنان پیامبر اعظم، درباره جایگاه مادر است که

فرمود بهشت زیر پای مادر است.^{۱۳۴}

در توضیح این حدیث شریف نبوی می گوئیم که یعنی مادر مسئولیت

بسیار مهمی را در تربیت فرزندان خوب بعهدہ دارد که مادر اگر به

¹³⁴ "الجنة تحت اقدام الأمهات- كنز العمال، ج 16، ص 461، ح 45439؛ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180

وظیفه خود بخوبی عمل کند هم خود بهشتی است و هم فرزندان

بهشتی خواهند بود.

در قران کریم در سوره اعراف هم به این وظیفه اشاره شده است انجایی

که می فرماید:

والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لا یخرج الا نکدا^{۱۳۵}

یعنی سرزمین پاک و خیلی خوب، محصول خیلی خوب و پاک بیرون می

دهد ولی سرزمین بد و نامناسب، محصول بد می دهد.

مادر خوب، فرزند خوب تربیت می کند و مادر بد، محصول بد می دهد.

در حدیث است که.

السعید سعید فی بطن امنه والشقی شقی فی بطن امه.^{۱۳۶}

^{۱۳۵} اعراف 58

^{۱۳۶} التوحید، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق

یک معنای حدیث همین است که گفتیم. مادر در سعادت و شقاوت

فرزند نقش مهمی ایفا می نماید.

در روایت دیگری است که از زمانی که فرزند در شکم مادر است او را

تربیت کنید. سوال شد چگونه؟ فرمود با دادن غذای حلال به مادر.

امام خمینی فرمود: "در دامن زن، مرد به معراج می رود" یعنی اگر زن

(مادر) اخلاق نیکو داشته، فرزند را درست تربیت کند، عاقبت فرزند،

بهشت و خوشبختی است. از این رو رَحِم (زهدان) پاک است که

فرزندانی بهشتی تربیت می کند.

اینکه وقتی امام هادی ع می خواهد برای فرزندش امام حسن عسگری

همسر بگیرد منتظر می ماند تا نرجس خاتون از روم بیاید و او همسر امام

عسگری بشود زیرا فقط رحم مطهر نرجس خاتون قابلیت و شایستگی

نگه داری مهدی ال محمد را دارد.

فقط خدیجه کبری است که می تواند فاطمه زهرا بزاید. فقط نجمه خاتون

است ه می تواند امام رضا ع و فاطمه معصومه متولد کند.

در جنگ جمل وقتی امام علی ع به محمد بن حنفیه گفت برو به دشمن

حمله کن. محمد ماند. امام گفت چرا جلو نمی روی؟ محمد گفت صبر می

کنم تا تیرها کم شود بعد حمله می کن. امام مشتی بر سینه او زد و فرمود

رگی از مادرت در تو است!

بعد به حسنین فرود شما حمله کنید. حسنین حمل کردند و به قلب لشکر

دشمن زدند و پاهای شتر عایشه را قطع کردند و دشمن شکست خورد.

اری مادر اگر ترسو باشد فرزند هم طبق علم ژنتیک ترسو خواهد بود و

اگر مادر شجاع باشد فرزند هم شجاع خواهد بود. همچنان که وقتی بعد

از شهادت فاطمه زهراء س ، امام علی خواستند ازدواج کنند به عقیل

فرمودند زنی از قبیله شجاع برای ما سراغ بگیر. عقیل هم فاطمه کلایه

یعنی همان ام البنین را برای حضرت علی ع در نظر گرفت که با ازدواج

امام با ام البنین، خداوند چهار فرزند شجاع در راسشان قمر منیر بنی

هاشم ابوالفضل عباس را به حضرت عنایت کرد.

مادر پاکدامن، فرزندش پاکدامن است ولی مادر الوده، فرزندش الوده

خواهد بود. اون خانمی که حجابش را رعایت نمی کند. با نامحرم شوخی

می نماید. حیا ندارد. چگونه انتظار دارد فرزندش با حیا و عفیف باشد؟

اگر حضرت مریم مظهر عفاف و عبادت نبود نمی توانست مادر عیسی

مسیح باشد.

مادر جایگاه بسیار مهمی دارد و باید به این جایگاهش توجه داشته باشد.

به مادر شیخ انصاری^{۱۳۷} گفتند فرزندات به مرجعیت رسیده است. گفت

اگر پیامبر هم می شد تعجب نمی کردم چون برایش خیلی زحمت

کشیدم و هیچگاه بدون وضو او را شیر ندادم.

اگر مادر ناصالح باشد اثر بسیار منفی زیادی روی فرزند می گذارد. و گاه

سعادت او را به خطر می اندازد.

مادرم از زنان مومنی بود که به خواندن زیارت عاشورا در هر روز

مداومت داشت، طوری که بعد از نماز صبح مشغول تعقیبات نماز و از

جمله زیارت عاشورای کامل می شد. او در حالی که برای فرزندانش

صبحانه آماده می کرد زیارت را می خواند و انوار و برکات این زیارت

عظیم در غذایی که فرزندان از آن می خوردند، جاری می شد و در رگ

هایشان سریان می یافت.^{۱۳۸}

مادر شیخ انصاری، دختر شیخ یعقوب فرزند شیخ احمد بن شیخ شمس الدین انصاری است. وی از زنان پرهیزکار عصر خود و از زنان متعبده بود و نوافل شب را تا هنگام مرگ ترک نکرده و چون اواخر عمر نابینا شده بود شیخ مقدمات تهجد وی را فراهم می کرد حتی آب وضویش را در موقع احتیاج گرم می کرد این بانوی مکرمه به سال ۱۲۷۹ ق در نجف اشرف از دنیا رفت و شیخ در غم فقدان مادر بسیار متأثر و غمناک شد و گریه کرد.^{۱۳۷}

^{۱۳۸} سید علی قاضی و شاگردانش، ص ۱۵۵

از مادر مرحوم مقدّس اردبیلی ، سبب مقام ارجمند فرزندش را سوال کردند ،

ایشان فرمودند :

من هرگز لقمه شبهه ناک نخوردم. ➡

قبل از شیر دادن به او ، وضو می گرفتم. ➡

ابداً چشم به نامحرم نینداختم. ➡

در تربیت کودک بعد از شیر باز گرفتن ، کوشیدم. ➡

نظافت و طهارت او را مراعات داشتم. ➡

و با بچه های خوب ، او را می نشاندم. ➡

اگر پدر و مادر در تربیت کوتاهی کنند باید منتظر آینده ای تاریک برای فرزندان خود باشند

«این نامه ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دونفر از دوستانم در یکی از خانه‌های نارمک تهران سرگرم دزدی اثاث خانه‌ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می‌خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می‌خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه مرا به روز سیاه نشانده. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می‌خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دوییدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می‌آمدم، اما تو چیزی از من نمی‌پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می‌کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که

من دزدی می‌کنم، مانع من نشدی فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می‌بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن!»

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت فرزندانشان را باید در کوچه و بازار و در بدحجابی و لنگاری دختران و در پوشیدن لباسهای غربی پسران و در ایجاد مزاحمت‌های خیابانی برای دختران و در زندان‌ها و آمارهای دزدی و قتل و تشکیل باندهای مخوف و باندهای فساد اخلاق به وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر یک جوان قاتل انگشت به دهان می‌گیرند که چرا این جور شد؟؟ چگونه فرزند ما مرتکب این قتل و جنایت شد؟؟ در حالی که عامل اصلی جرم‌های جوانان والدین هستند. آنها در تربیت فرزندشان کوتاهی کردند. و باید خودشان را سرزنش نمایند.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال

دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خوبیها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کننده والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می شود ولی استعدادهای خود را از دست می دهد و یک انسان نالایق بار می آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می‌شود. عربده‌ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه‌ عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده‌ خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه‌ اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان پیا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی‌مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقدهٔ حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان انجام اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث مجرم‌از مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی عاطفی و حقارت داشتند!

من با چشم خود دیدم که پدری در مقابل مردم فرزندش را کتک می‌زد. احتمال زیاد این فرزند عاقبت بخیر نخواهد شد.

امان از دست پدرهای بد!

به چند نمونه درد دل فرزندان توجه نمایید!

مشکلات فرزندان با پدرانشان!

سلام! من 16 ساله تو تبریز متولد شده و زندگی می کنم فرزند دوم خانواده هستم که فقط یه خواهر بزرگتر از خودم دارم که با ما زندگی نمی کنه و ازدواج کرده من با پدرم مشکل دارم کلا هرکاری که انجام می ده به من بر می خوره و هیچ کدوم از کار هاشو دوست ندارم و خلاصه پراز اشکال میبینمش به همین خاطر به کاراش اعتراض می کنم و بد جور دعوا مون می شه اونم اصلا مراعات نمی کنه با اینکه بعضی وقت ها حق بامنه و مادرم هم تایید میکنه که بابام اشتباه کرده ولی باین همه سر ما داد میزنه که به شما ربطی نداره حتی توکوچه و خیابون^{۱۳۹}

عسل میگه:

سلام دختری ۱۶ ساله هستم با پدر از همه نظر مشکل دارم پدرم خیلی مذهبی هست و به تیپو اینام گیر میده با اینکه من تیم خیلی بد نیست تازگی پسر خالم که ۲۲ سالشه و تو انگلیس زندگی میکنه ازم خاستگاری کرد ولی بابام نمیزاره منم پنهایی باهاش در ارتباطم ولی مامانم و بقیه خانواده در اطلاع هستن خیلی از دست پدرم حرص میخورم حتی خیلی وقتا قلبم درد میگیره حتی فکر فرارم کردم ولی واقعا موندم^{۱۴۰}

Sara76 میگه:

سلام من با پدرم خیلی مشکل دارم خیلی مراعات میکنم ولی همیشه بد دهنه با مادرم خیلی بد رفتار میکنه کتک میزنه فحش میده مادرم هم هیچی نميگه هیچی اونم بد عادت شده هر موقع مخالفت بشه باهاش دادو بیداد میکنه دیگه نمیدونم چیکار کنم خیلی تلاش کردم درستش کنم همیشه خودش هیچی خرج نمیکنه همه ی پول های مامانم هم دست اونه (مادرم هم شاغله) حتی اجازه نمیده مامانم واسه خودش خرید کنه با پول خودش همین چند وقت پیش من گوشی میخواستم که با پول مامانم خرید

من یه عمه دارم که بیش تر از خود منو مامانم تو زندگیمون دخالت میکنه حتی بیش تر از خواسته های مامانم خواسته های اون انجام میشه

با اینکه حتی تو به شهر زندگی نمیکنیم
نفوذ عمه ی من اونقدر زیاده که حتی به پدرم گفت خونه بخره واسه
دختر عمه ام اونم خرید!!!! خودشم از پول مامانم هم خرج کرد ولی
!!! مامانم اون قدرت رو نداشت که نزاره پولش رو خرج اون زنیکه کنه
مامانم واقعا سیاست نداشت و نداره نمیدونه باید چیکار کنه موندیم
واقعا زندگی زهر مار شده دیگه
قبلا سعی کردیم بریم روانپزشک ولی نتیجه ای نگرفتیم
همه اس تقصیره پدرم نیس مادرم هم بعد ۲۰ سال دیگه بریده و هیچی
واسش مهم نیس ول کرده دیگه این وضعیت رو
قبلا سعی میکردم با پدرم دعوا کنم و حرف خودم انجام بشه ولی بدتر
میشد الان بیشتر سعی میکنم باهاش صحبت کنم تا دعوا^{۱۴۱}

مدتی هست که احساس میکنم کاملا از پدرم متنفرم

من به دختر بیست و پنج ساله هستم و مدتی هست که احساس میکنم
کاملا از پدرم متنفرم. به طوری که واقعا زندگی کردن با اون در یک
خونه برام غیر قابل تحمل شده
از وقتی یادم میاد به خاطر وجود پدرم از همه چی محروم بودم. حتی
وقتی پنج شش ساله بودم به خاطر بازی تو کوچه ارزش کتک می خوردیم.

با تسبیح اش . میزدمونو میآورد خونه. از وقتی یادم میاد با مادرم اختلاف داشت. یه آدم بد دل. که از هیچ تهمتی به زن اش دریع نمیکنه .حتی به مادرم تهمت ارتباط با دامادمون رو میزد...

اگه ما گاهی حواآسمون نباشه یه خورده تو خونه بلند بخندیم حتما دعوا میکنه. انقد اینجوری کرد شادی رو تو خونه امون کشت. تبدیل شدیم به یه خانواده افسرده که هیچکس دلش نمیخواد باهاش رفت و آمد کنه. انگار همیشه عزاست تو خونه مون. انقد پشت سر زن و بچه مردم حرف زده وارد هر مجلسی میشیم همه روشن رو از ما برمیکردونن

نمیدونی چقدر دلم میشکنه به مادرم بی احترامی میشه. به خاطر محدودیت ای که همیشه داشتم از کار و زندگی و درس افتادم. با اون همه انرژی ای که داشتم الان تبدیل شدم به یه آدم پوچ. از دست اش زخم معده گرفتم. به خاطر اینکه باهاش سر یه سفره نشینم نمیشم .سحری بخورم

خیلی موقعها بدون سحری روزه میگیرم. یه آدم بی ادب که تو خونه دست به سیاه و سفید نمیزنه. چایی خوردن اش حال آدم رو بد میکنه. همه فامیل و در همسایه از اخلاقش بیزارند

اگه جواب سلام اش هم میدن به احترام خانواده و زنشه... یک عمر ما رو تو یه محله آشغال نگه داشت در صورتی که توانش رو داشت بره جای بهتر. فرصت های خوب ازدواج مون رو به خاطرش از دست دادیم. از دست اش دیگه کم آوردم. رسیدم به آخر خط. به خاطر سخت گیری های احمقانه اش دنیای سفید بچگی ام تبدیل شده به یه دنیای پوچ و سیاه. گاهی براش آرزوی مرگ میکنم. بعد خواب میبینم مرده و اون دنیا حال بدی داره. بیدار میشم گریه میکنم میگم خدایا بخشیدم. ولی بعد چند روز روز از نو و روزی از جالب اینجاست که فکر میکنه جاش ...اون دنیا وسط بهشته

..الان که دارم اینها رو می نویسم داره اذان صبح میده

شما به من بگید چی کار کنم؟ با جوونی ام که داره از دست میره و هدر میره بدون هیچ هدفی چی کار کنم؟

شما رو به این لحظات عزیز قسم تون میدم برام دعا کنید شاید بین شماها کسی باشه که آبرویی داشته باشه در درگاه خدا. من که دیگه انقد بد خلق شدم و نا امید احساس میکنم خدا هم ازم رو برگردونده^{۱۴۲}

پدر دختران بزرگ خود را می زند!

دوتا خواهر سی و سی و یک ساله می گفتند پدر ما مارا کتک می زند!خواستگارهای مارا جواب می کند!زندگی ما هم از یارانه می گذرد و درآمد دیگری جز اجاره ناچیز یک ملک نداریم.پدرمان کار نمی کند و مارا بدبخت کرده است...

از دست پدرم خسته شدم، رعایت بهداشت فردی برایش مهم نیست

سلام....

پدرم اعصابمو به هم میریزه. خدا شاهده تو این چن سال چقد از لحاظ روحی شکنجمون کرده

روزای عادی خدا رو شکر می کنم که کسی در خونمون رو باز نمی کنه. ...کلی ایراد داره، بی بند و باره و

اما الان واقعا دلخسته شدم. افسرده شدم. چقد خودمو گول بزنم، همش از لحاظ روحی خودمو میکشم بالا اما باز چشم بهش میفته دنیا رو سرم خراب میشه

یه وجب نشیمن پذیرایی داریم، از بوی این نمیشه توش موند و نفس کشید. اصلا برایش مهم نیست. با هزار جور ترفند و التماس و خواهش قبول نمی کنه بره حموم. نمیره حموم، به جهنم، ما رو آدم حساب نمی کنه کنار ما ببخشید می گم باد....(این فقط یه کار چندش آور از بین هزارتا کارشه!!!). چیکارش کنم؟ به خدا یه قرون بهمون نمیده باهاش

کنار اومدم، یه بار دس رو سرمون نکشیده باهاش کنار اومدم، یه بار
نگفته دخترم باهاش کنار اومدم (اصلا دختر رو ننگ میدونه)، آبرمون و
تو شهر برده باهاش کنار اومدم، اما با این کاراش که داریم تو خونه
خودمون زجر کش میشیم نمی تونم کنار بیام. میگم به خاطر ما برو
حموم، لباساتو بشوریم و خدا شاهده از دیوار صدا میاد که از این
نمیاد. الان مهمون داشتیم آب شدم رفتم زمین.....نمی دونم چرا خدا منو
نمیکشه راحت بشم... ولی من عادت کردم دیگه! مثلا بابام هر وخ میره
دشویی قشنگ دشویی رو نمیشوره.میتربه آب زیاد مصرف شه و
گناه کنه! گاهی هم مدفوع هاشو لگد میکنه و تا توی حیاط رو کثیف
میکنه.شلوارش هم بیشتر اوقات کثیفه.البته گاهی ب خاطر سن زیادش
خودش رو خراب میکنه ولی بیشتر اوقات ب خاطر عقایدش و اینکه آب
۱۴۳!مصرف نشه

امیر میگه:

سلام.

من 15 ساله...تو همین سن دیگه از زندگی بریدم!!دیگه زندگی برام

بی معنی شده

همش هم به خاطر آزار و اذیت های پدرمه...بی احترامی ها و بی ارزش

کردن هاش

تا حالا چندین بار به خاطر مادرم و خواهر برادرم که زندگیشون بهم
نریزه گذشت کردم...اما دیگه نمیتونم!! دیگه نمیکشم
به خودم قول دادم که اگه ادامه بده و این رفتار هاشو تعطیل نکنه و واقعا
برام پدری نکنه...یا خودم رو یا اونو بکشم...به خدا دیگه آخرشه

چپ میرم راست میام یا بهم بی احترامی میکنه یا همش ازم ایراد
میگیره!! آخه مگه من چه گناهی کردم که اون پدرم باشه ؟؟؟؟؟!! وقتی
یه تار موی مادرم و خواهر برادرمو با دنیا عوض نمیکنم رو میبینم دلم
آتیش میگیره.آرزوی مرگ میکنم که از دست اون و این دنیا خلاص
شم^{۱۴۴}

خانمی می گفت شوهرم در ظرف غذا ادرار می کنه!

**واقعا پدر اگر خوب باشد خانواده خوب خواهند بود و اگر پدر بد باشد
خانواده بد خواهند بود!**

**رسول خدا(ص) فرمود: بدترین مردم، فرد سختگیر بر خانواده است.
شخصی پرسید: مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟ فرمود: هرگاه**

مرد وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و
هرگاه از خانه بیرون رفت همسرش شاد شود^{۱۴۵}

ای خدا.... من از بابام بیزارم

بیچاره مامانم. دو سال تمام با وجود کمر درد و داشتن یه بچه شیرخواره
دو سال تمام یه پاش تو بیمارستان بود و یه پاش تو خونه. یه چشمش
اشک بود و یکیش خون. تک و تنها از پدرم پرستاری میکرد. مثل یه
بچه دوشک مینداخت زیرش و اونو پاک می کرد. همه میگفتن خیلی زنه
که با اون وضع بابام ولش نکرده. اما حالا که بابام خوب شده اصلا اون
همه محبت این زن بیچاره یادش نمونده. داره مامانم و زجر کش
میکنه. مامانم با خانوداش قطع رابطه کرده. چند وقت پیش عقد خالم
بود. با اینکه بدبخت سه ماه جلوتر به بابام خبر داده بودن که همچین
کیسی هست و خواستگارش بابام گفت نه من غریبه ام و منو آدم حساب
نکردن. اصلا بابام دیوونس. خالم ازش بهم می خوره. هر لحظه نفرینش
میکنم. دیشبم نمیدونید چه آشوبی به پا کرد. من مسجد بودم بهم زنگ
زد و گفت که شما سندای خونه و مدارک منو از تو کیفم برداشتید اگه
سند نیارید بهم بدید با چاقو شکمتونو پاره میکنم. منم از همه جا بی خبر
به مامانم گفتم و اونم گفت که من برنداشتم. رفتیم خونه بابام کل لباسا و

کمدارو وسط خونه ریخته بود. گفت زود سند بدید. ما گفتیم چه سندی ما
/اصلا نمیدونیم چی می گی. فکر میکنید چی کار کرد؟؟

رفت یه چوب آورد زد میز تلویزیون و شکست. بعدشم کلی چرت
و پرت گفت. البته منم که خیلی دلم ازش پر بود تقریبا هر چی از دهنم
درومد بهش گفم. به مامانم میگفت تو سند منو ور داشتی دادی به
خواهرت. آخه خاک بر سر سند به چه درد میخوره وقتی خودت
نباشی. بعدش دادشم کیفشو برداشت تا دوباره بگرده. باورتون نمیشه
سند و مدارک واموندش تو جیب کیفش بود. یعنی دلم میخواست برم با
چاقو تیکه تیکه کنم مرتیکه عوضی رو. تازه به جای اینکه شرمنده بشه
طلبکارم شده بود و به مامانم میگفت طلاق میدم. من تا صبح
نخواهیدم^{۱۴۶}

2-لقمه حلال

یکی از وظایف والدین انست که فرزند را از حلال تغذیه کنند. مخصوصا
پدر که وظیفه تامین معاش را به دوش دارد حق ندارد مال حرام به خانه
خود بیاورد.

لقمه حرام تا هفت نسل اثر منفی دارد. و گاهی لقمه حرام انسان را به گناهان بسیار بزرگ همانند قتل فرزند پیامبر می کشاند همان گونه که لشکر عمر سعد ملعون بر اثر لقمه های حرام امام حسین علیه السلام را شهید کردند.

در نهمین فراز دعای امام عصر (عج) چنین می خوانیم: «**وطهر بطوننا من الحرام و الشبهه؛ خدایا! اندرون ما را از غذاهای حرام و شبهه ناک پاک کن.**»

لقمان در نصیحت به پسرش می گوید: من در راستای طول عمر و سفرهای خود با **چهار صد پیامبر (ص)** ملاقات کردم، به نصایح و اندرزهای آنها گوش فرا دادم، و از میان آن همه پندهای آنها **چهار موعظه** را گزینش نمودم، یکی از آنها این است: «هرگاه کنار سفره غذا نشستی، مراقب حلق خود باش که غذای حرام نخوری!»^{۱۴۷}

مرحوم فیض کاشانی در کتاب «المحجۃ البیضاء» می گوید: «بزرگترین عوامل هلاکت انسان، شهوت شکم است، همان بود که **آدم و حوا را از**

بهشتی که دارالقرار بود به دنیا که دارنیا و افتقار است فرستاد... ، در

حقیقت شکم سرچشمه شهوات و منشا دردها و آفات است!

گاهی والدین اطلاع ندارند که فرزند از غذای آلوده تغذیه کرده است که در این مورد گناهی بعهدہ والدین نیست ولی غذای آلوده اثر وضعی خود را می گذارد. به داستان زیر توجه کنید:

فرزند ناخلف شهید شیخ فضل الله نوری

شیخ پسری داشت و بیش از بقیه اصرار داشت که پدرش را اعدام کنند. یکی از بزرگان گفته بود، من به زندان رفتم و علت را از شیخ فضل الله نوری سؤال کردم .

ایشان فرمود: خود من هم انتظارش را داشتم که پسر من چنین از کار درآید.

چون شیخ شهید، اثر تعجب را در چهره آن مرد دید، اضافه کرد: این بچه در نجف متولد شد.

در آن هنگام مادرش بیمار بود، لذا شیر نداشت. مجبور شدیم یک دایه

. شیرده برای او بگیریم

پس از مدتی که آن زن به پسرش شیر می داد، ناگهان متوجه شدیم که وی زن آلوده ای است ، علاوه بر آن از دشمنان امیرالمومنین (ع) نیز بود.... کار این پسر به جایی رسید که در هنگام اعدام پدرش کف زد آن پسر فاسد، پسری دیگر تحویل جامعه داد به نام کیانوری که رئیس حزب توده شد^{۱۴۸}

3- سومین عامل بد شدن فرزندان، دوست ناباب است!

مساله داشتن دوست و رفیق در سعادت و شقاوت انسان بسیار موثر است رفیق می تواند انسان را بهشتی کند یا انسان را جهنمی نماید!

بسیاری از افراد معتاد گفتند رفیق مارا معتاد کرد! برخی از افرادی که
گناهان جنسی مانند استمناء می کنند گفتند رفیق مارا به این کار معتاد
کرد!

افرادی که در باندهای فساد یا باندهای سرقت و امثال ان گرفتار شدند
می گویند رفیق مارا به این کار واداشت.

افرادی که جذب منافقین شدند یا ضد انقلاب هستند برخی بخاطر .
!دوستان ضد انقلاب و ضد نظام، در صف دشمنان نظام قرار گرفتند

حتی افرادی که در جوانی کشته شدند برخی بخاطر دوست نامناسب
مرده اند. یک نفر از دوستان روحانی می گفت پسر من یک هفته مانده به
مراسم عقدش. با دوستانش برای تفریح به جنگل رفت و زنده برنگشت
و مرگش مشکوک است. و مادرش خیلی بیقراری می کند. مواظب
دوستان فرزندانمان باشیم!

دختر خانمی که معتاد به شیشه بود می گفت دوست آرایشگری دارم.
وقتی براش از مشکلات زندگیم گفتم من رو تشویق کرد شیشه بکشم و
من معتاد شدم!

یه روز اقایی با گریه پیش من امد و گفت چند روز است خورد و خوراک
بر من حرام شده است! علت را پرسیدم گفت دوستم به من خیانت کرده
و با زنم ارتباط نامشروع داشته است! حالا من با دوتا بچه که از زنم دارم
چه کنم؟ آیا طلاقش بدهم؟ یا راه دیگری؟ گفتم الان وضعیت زنت چه
جوریه؟ گفت از پشیمانی و ناراحتی دوباره خودکشی کرده است والان
یک نفر را گذاشتیم تا مراقبش باشد تا خودش را نکشد.

گفتم اگر واقعا پشیمان شده او را به حرم امام رضا علیه السلام یا حرم
فاطمه معصومه ببرید و قسمش بدهید دیگر خیانت نکند و باش زندگی
رو ادامه دهید.

اینکه پسر نوح نبی، بد شد بخاطر دوست ناباب بوده است.

اینکه فرزندان تعدادی از علمای بزرگ ما منافق شدند و اعدام گردیدند
بخاطر دوست ناباب بوده است.

نکته مهم: در زمان گذشته میشد بر دوستان فرزندان نظارت کرد ولی در
زمان ما دوستان فرزندان نامرئی هستند! فقط در گوشی موبایل فرزندان

ما رویت می شوند! و معلوم نیست چگونه می توان با این مساله برخورد نمود؟

4- چهارمین عامل معلم است. معلم هم نقش مهمی در سعادت یا شقاوت دانش آموزان دارد.

معلم فقط یک آموزش دهنده صرف نیست، بلکه مهم تر از آن، یک مربی و یک الگوی با نفوذ در تعلیم و تربیت است. یک معلم خوب که با رفتار و گفتار پسندیده اش دانش آموزان را خوب پرورش می دهد، یک معلم بد اخلاق و بد رفتار و منحرف که با رفتار بد خود، دانش آموزان را به انحراف و تباهی می کشد بزرگترین خیانت را نسبت به اجتماع مرتکب می شود بنابراین شغل و حرفه معلمی از پراحساس ترین، حساس ترین و مسئولیت دارترین شغل های اجتماع می باشد.

گاهی معلم یا استادی که مخالف دین است باعث می شود دانش آموز هم بی دین شود. یا معلمی که مخالف روحانیت است باعث میشود تاثیر بدی در اذهان شاگردان نسبت به روحانیت ایجاد شود و..

مساله مهم در مورد معلم، برخورد محبت آمیز یا خشونت آمیز با دانش آموزان است که تا آخر عمر تاثیر ان باقی می ماند.

یه نمونه از معلمین خوب

زهره رشیدپور هستم معلّم بازنشسته آموزش و پرورش از شهرستان بابل.

در یکی از سالهای خدمت من 84 سال، در یکی از مدارس دخترانه بندپی، معاون شدم یکی از عاداتهای من صمیمیت با بچه ها بود. تقریباً 2 یا 3 ماه از سال تحصیلی گذشته بود که متوجّه شدم یکی از دانش آموزان پایه سوم به نام مریم که همیشه شاگرد پر جنب و جوش و فعالی بود و هر زنگ تفریح پیش من می آمد و حرف میزد، ساکت و منزوی شده. از معلّمش جويا شدم و او هم این موضوع را تأیید کرد و نگران بود. با مدیر صحبت کردم او هم تعجب کرد.

در یک زنگ تفریح او را بغل کردم و از او پرسیدم که خیلی وقت است پیش من نیامده و دلیلش چیست؟ بغض کودکانه ای کرد و حرفی نزد. نگرانی ام بیشتر شد.

بعد از پیگیری ها متوجه شدم که چند وقتی است که مادرش دچار بیماری سرطان شده و اوضاع خانه شان برایش خوب نیست.

یک روز جمعه تصمیم گرفتم و سرزده به خانه شان رفتم وقتی مادرش او را از خواب بیدار کرد با چشمان متعجبش به من ذل زد و بعد خود را در آغوش من انداخت و من صورتش را غرق بوسه کردم. همین طور که او را در آغوش داشتم به او گفتم برای اینکه مادرش را خوشحال کند باید شاد و خوشحال باشد تا مادرش زودتر خوب شود. گفتم من هم هستم و کمکت میکنم .

از آنجایی که مریم درک بالایی داشت قول داد؛ از آن روز مریم من دوباره همان شاگرد بازیگوش و فعال مدرسه شد و من هم سعی میکردم تا جایی که ممکن است محبت لازم را به او بکنم تا نبود مادرش کمتر به چشم بیاید.

eptraja.blog.ir بر گرفته شده از

یک مقاله درباره معلمین بد!

من از روز معلم متنفرم

دیروز روز معلم بود و جا داره، این روز به تمام معلم‌های عزیز و دوست‌داشتنی این ملک از قدیم تا جدید و حتی در آینده تبریک عرض کنم و به احترام تمام معلم‌هایی که برای رشد و تعالی دانش‌آموزان و دانشجویهاشون زحمت کشیدن، کلاه از سر بردارم.

تا اینجا مقدمه بود و حالا اصل مطلب، اصل مطلب رو در تیترو می‌بینید و یک دلیل بیشتر نداره، اون هم اینه که زمان ما (که خیلی هم دور نیست) معلم‌هایی داشتیم که دست داعش رو از پشت بسته بودند، چطوری؟ این طوری.

وقتی داعش کسی رو دستگیر می‌کرد و می‌خواست بکشه، دیگه مثل سابق فقط سرش رو نمی‌برید، توی کشتنش عنصر خلاقیت رو وارد می‌کرد، یعنی به اسیر بخت برگشته بمب می‌بستن، می‌رفتن دو قدم اون طرف تر و یارو رو این طوری به فنا می‌دادند، یا یکی بود که با تانک از روش رد شدن، یا اون خلبان اردنی که توی قفس انداختن و آتیشش زدن و غیره. می‌بینید، داعش از فقط یک کشتن ساده حوصله‌اش سر رفته بود و سعی می‌کرد متدهای جدیدی از قتل رو در کارش وارد کنه. این تنها دلیل داعش برای خلاقیت در کشتار نبود، این خلاقیت از اونجا

نشأت می‌گیره که اسیر یک سره در اختیارشون بود و بابت کشتن یا نکشتنش به کسی هم پاسخگو نبودند، کسی یقه‌شون رو بابت این وضع وحشیانه از کشتار نمی‌گرفت.

وقتی این اخبار رو می‌شنیدم به یاد خلاقیت معلم‌های خودمون در کتک زدن بچه‌ها می‌افتادم، محدوده کار معلم‌های ما به کشتار نمی‌رسید، اما چون دو ویژگی "در اختیار بودن" و "عدم پاسخگویی" در اون‌ها وجود داشت، توی این محدوده عنصر خلاقیت رو وارد می‌کردند. مثلاً یک زمانی ما رو با خط کش تنبیه می‌کردند، بعضی‌ها با شلنگ، خلاقیت که بالا می‌رفت، از کابل و شلنگی که از توش چوب رد شده بود، استفاده می‌شد. فکر می‌کنید خلاقیت معلم‌ها تموم شده؟ زهی خیال باطل. برف یکی از عناصر ایجاد خلاقیت توی خیلی از معلم‌ها بود و با این عبارت شروع می‌شد: "دستتون رو بذارید تو برف‌ها" بذارید این یکی رو ادامه ند. یک مورد دیگه این بود که معلم دست بچه رو گذاشته بود توی سوراخ لوله بخاری و دانش‌آموز آویزون از مچ رو مثل چپ کتک می‌زد.



صحنه های آشنا برای ما

ما به معلم داشتیم که اوج تنفر من از مقام شامخ معلمی رو برمی‌انگیزه، بهش می‌گفتیم اسد کونگ‌فو. هر جلسه با این فرد شامل پای تخته و کتک برای چند نفر به طور همزمان بود، کتک زدنش هم این طور بود که با نوازش شروع می‌شد، نوازش سر و صورت. هر دو دستش رو می‌داشت روی شونه دانش‌آموز و خیلی عادی، ملایم و بدون عصبانیت از دانش‌آموز می‌پرسید: چرا درس نخوندی؟ دانش‌آموز وقتی شروع می‌کرد به حرف زدن، درست وقتی که فکر می‌کرد شاید حرفش تاثیر داشته، تمام سرش بین هر دو دست اسد کونگ‌فو له می‌شد، سیلی‌های دو طرفه آغاز کتک خوردن بود، سر و صورت و شکم، محل‌های مورد علاقه ایشون برای نوازش بود، هیچ وقت هم توی شکم با مشت نمی‌زد، انگشت‌ها صاف بود و محکم با نوک انگشت‌ها می‌زد توی شکم بچه، اصلاً به خاطر همین حرکتش به ته اسمش عبارت "کونگ‌فو" اضافه شده بود.

اونقدر می زد تا بچه گریه اش دربیاد و خلاص، این موضوع گریه و پایان کتک رو وقتی کشف کردم، تصمیم گرفتم امتحان اش کنم. وقتی که گذر پوست خودم به دباغ خونه اسد کونگ فو افتاد آماده بودم تا بینم چی کار می خواد بکنه. اگه الان بود، تصمیم می گرفتم نزده بزمن زیر گریه و این طور موضوع رو امتحان می کردم، اما اون موقع 12 سالم بود و به اندازه ی الان عاقل نبودم، تصمیم اون موقع من این بود که زیر کتک گریه نکنم.

اون موقع ها یه جوی بود که ما فکر می کردیم داریم مرد می شیم، هیچ وقت از کتک کاری های بیرون و مدرسه، مخصوصا اگر معلم ما رو می زد، توی خونه بحثی نمی کردیم، ترجیح می دادیم مثل سگ از بقیه کتک بخوریم ولی برچسب "بچه نه" بهمون نچسبه. علاوه بر این وقتی قرار بود توی خونه از کتک بیرون حرف بزنینم، قرار بر تکریم و این سوسول بازی ها نبود، کتک خودن از معلم یعنی درس نخونده بودیم، همین یک گناه نابخشودنی بود، کتک کاری توی خیابون یعنی بچه بی تربیتی شده بودیم، این هم یک گناه نابخشودنی دیگه. مورد داشتیم بابای یکی از همکلاسی هامون اومده بود مدرسه و به معلم گفته بود:

-آقای معلم، شما مجازی هر چقدر که دلت می خواد بچه ی من و بقیه بچه های کلاس رو کتک بزنی، اونقدر بزن تا آدم بشن!!!

اختیار بچه خودتو داری، قبول اما مرد حسابی با بقیه چی کار داری؟!!

بگذریم و برگردیم به مراسم کتک خوردن خودمون، قرار بود گریه نکنم و گریه هم نکردم، بعد از سیلی دوم عملاً تمام سرم بی‌حس شد، هر چه می‌زد درد نداشت، سرم گرم شده بود ولی بی‌حس بود، نمی‌دانم چند دقیقه کتکم زد، همین قدر می‌دانم که در عالم بچگی متوجه شدم که این تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نیست، این بشر ول کن نیست، با خودم گفتم، گور بابای کشف، سلامتی مهمتر است و زدم زیر گریه.

سال‌ها بعد وقتی محمد برادر کوچکترم 12 سالش شد، من هم به قد و قواره‌ی آن وقت‌های اسد کونگ‌فو شده بودم، یه روز محمد اومد پیشم و یه سوال از درس اجتماعی پرسید، درسی که اسد کونگ‌فو معلمش بود، داشتم برای داداش کوچیکه موضوع رو توضیح می‌دادم که توجه‌ام به قد و قواره محمد جلب شد، لاغر بود و کشیده، مثل همون موقعه خودم، منتها قدش به زور تا آرنجم بود. بدترین لحظه ممکن یاد اون نامرد افتادم، به قد و بالای برادرم نگاه کردم و تازه اون موقع بود که فهمیدم اسد کونگ‌فو چقدر وحشی بوده، چطور می‌تونست یه بچه توی اون سایز رو مثل آدم بزرگ‌ها کتک بزنه، چطور می‌تونست اینقدر بی‌رحم باشه؟

یک دفعه تمام وجودم پُر شد از کینه و دقیقاً یاد روزی افتادم که تصمیم گرفتم گریه نکنم.

شاید خوندن این یادداشت باعث تکدر خاطرتون شده باشه و شاید کسی بخواد اضافه کنه که همه قشری بد و خوب داره و کینه خوب نیست و از این حرف‌ها. همه رو به دیده منت قبول می‌کنم و قبول دارم، منتها چند نکته پایانی رو هم اضافه کنم و خلاص:

1- این روایت صرفاً تجربیات خودم بوده و معنی‌ش این نیست که هر کسی که هم سن و سال منه، این تجربیات رو داشته.

2- مشخصاً در مورد پسرها این داستان‌ها خیلی زیاد بود و خیلی زیاد هست منتها معنی‌اش این نیست که در سمت دخترونه از این خبرها نباشه.

3- نمونه‌های مثل اسد کونگ‌فو خیلی کم بودند، منتها مثل لکه‌های روی پارچه‌ی سفید توی چشم می‌زدند، با احترام به تمام معلمین زحمت‌کش اون موقع و الان، باید این جنبه از اخلاق معلمی رو هم یادآوری می‌کردم، جنبه‌ای که قابل احترام نیست.

4- اگر این داستان‌ها تموم شده بود، لزومی در روایت خاطراتم نمی‌دیدم، اما گه‌گاه‌ها از گوشه و کنار، اسد کونگ‌فوها سر در میارن، لطفاً بهشون بی‌تفاوت نباشید.

5- روز معلم مبارک. ۱۴۹

4- محیط مدرسه و دانشگاه و محیط‌های ورزشی چهارمین عامل در خوب یا بد بودن فرزندان ما است.

نوجوانی می‌گفت من باشگاه ورزشی می‌رفتم اونجا فردی من را به استمناء عادت داد والان من معتاد به این کار شده‌ام

شخصی می‌گفت دختر ما با حجاب بود از زمانی که دانشگاه رفت دیگر اهمیتی به حجاب نمی‌دهد.

دیگری می‌گفت فلان پسر اهل نماز بود. محاسن داشت ولی از وقتی دانشگاه رفت دیگر نماز نمی‌خواند و محاسنش را با تیغ می‌زند و...

البته این عمومیت ندارد و بسیار دختران و پسرانی هستند که دانشگاه روی آنها اثر منفی نداشته است. زیرا بنیان دینی آنها قوی و محکم بوده است.

ولی افرادی که ایمان ضعیفی دارند زود تحت تاثیر محیط های الوده قرار می گیرند.

6- اگر فرزندی از لقمه حلال تغذیه کرد و دوست ناباب هم نداشت و معلمین خوبی داشت و در محیط خوبی هم رشد کرد ولی ادم بدی شد علتش در پیروی از نفس اماره می باشد. او وقتی سر دوراهی اطاعت از الله یا اطاعت از شیطان و نفس اماره قرار گرفت، راه دوم را انتخاب کرد. و مصداق ایه شریفه:

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (شمس ایه 10)

و هر که او را (به کفر و گناه) پلید گرداند البته (در دو جهان) زیانکار

خواهد گشت

گردید.

